

دوازده گفتار

درباره حضرت مهدی علیه السلام

حسین اوسطی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست

۱۷.....	دیباچه.....
۱۹.....	مقدمه.....
۱۹.....	الطاف الهیّه.....
۲۰.....	با هزاران تأسف.....
۲۱.....	ضرورت بقای حجت الهی در عالم.....
۲۱.....	امام پشت پرده غیبت.....
۲۲.....	محرومیت از فیض حضور.....
۲۲.....	مهم ترین وظیفه مسلمانان، به ویژه شیعیان.....
۲۳.....	قطعی بودن طلوع خورشید.....
۲۷.....	گفتار اول: اثبات وجود حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> از دیدگاه عقل.....
۲۹.....	شناخت امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۳۱.....	لزوم شناخت امام زمان.....
۳۲.....	حکایت.....
۳۴.....	محتوای حدیث ثقلین.....
۳۴.....	جهان بدون حجت.....
۳۵.....	یک سؤال مهم.....
۳۵.....	مناظره هشام بن حکم.....
۳۷.....	مناظره دیگر هشام.....
۳۸.....	هدایت عامه.....

- ۴۲ ..... نظریه هانری کُربن.....
- ۴۲ ..... عقل و خرد، ما را به اسلام و تشیع دعوت می کند.....
- ۴۵ ..... یک دلیل روشن دیگر.....
- ۴۷ ..... خلاصه بحث.....
- ۴۹ ..... سؤالات گفتار اول.....
- ۵۱ ..... گفتار دوم: اثبات وجود حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه نقل.....
- ۵۵ ..... قرآن و امامت.....
- ۵۶ ..... آیه تبلیغ.....
- ۵۷ ..... نگاه اجمالی به آیه تبلیغ.....
- ۵۸ ..... آیه ولایت.....
- ۵۹ ..... مصداق آیه ولایت.....
- ۶۲ ..... نتیجه گیری.....
- ۶۳ ..... مهدویت از دیدگاه قرآن.....
- ۶۵ ..... نتیجه گیری از آیات.....
- ۶۵ ..... یک مطلب مهم.....
- ۶۷ ..... امامت و مهدویت از دیدگاه روایات.....
- ۶۷ ..... تعداد امامان و اسامی آنها.....
- ۷۲ ..... روایات در خصوص حضرت مهدی علیه السلام.....
- ۷۶ ..... نگاهی به مفاد حدیث ثقلین.....
- ۷۷ ..... حدیث ثقلین از دیدگاه علامه طباطبایی.....
- ۷۸ ..... مهدی از فرزندان فاطمه و از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است.....
- ۷۸ ..... روایات نور.....
- ۸۰ ..... نتیجه گیری از این روایات.....
- ۸۱ ..... خلاصه گفتار.....
- ۸۳ ..... سؤالات گفتار دوم.....
- ۸۵ ..... گفتار سوم: کسانی که با حضرت مهدی علیه السلام ملاقات کرده اند.....
- ۸۹ ..... کسانی که به حضور حضرت رسیده اند.....

- ۹۵..... تشریف یافتگان به حضور امام عصر در غیبت کبرا
- ۹۶..... تشرفات در عصر حاضر
- ۹۷..... گوناگونی اسباب تشرفات
- ۹۹..... مضمون توقیع را چگونه معنا کنیم؟
- ۱۰۲..... خلاصه بحث
- ۱۰۳..... سؤالات گفتار سوم
- ۱۰۵..... گفتار چهارم: اثبات وجود حضرت مهدی از طریق بروز معجزات و کرامات آن بزرگوار
- ۱۰۹..... ظهور و بروز کرامات از ناحیه مقدسه
- ۱۰۹..... حق ماندنی است و باطل رفتنی
- ۱۱۱..... ایمان ساحران به موسی
- ۱۱۲..... حکایت اسماعیل هرقلی
- ۱۱۶..... کرامتی از امام زمان علیه السلام در عصر حاضر
- ۱۱۹..... نامه‌ای از آیت الله حائری رحمته الله علیه
- ۱۲۲..... خلاصه بحث
- ۱۲۲..... سؤالات گفتار چهارم
- ۱۲۵..... گفتار پنجم: استغاثه و توسل به خاندان عصمت و طهارت، به‌ویژه حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۲۹..... استغاثه و توسل به ائمه علیهم السلام
- ۱۲۹..... سنت تغییرناپذیر الهی
- ۱۳۰..... ادله‌ای که این ادعا را ثابت می‌کند
- ۱۳۲..... دورنمایی از توانایی ائمه اطهار علیهم السلام
- ۱۳۳..... نسبت ناروا به موحدان
- ۱۳۳..... ملائکه و تدبیر عالم
- ۱۳۵..... نحوه تعلیم قرآن در رابطه با توسل
- ۱۳۶..... توسل به اهل بیت پیامبر علیهم السلام در منابع اهل سنت
- ۱۳۸..... آمرزش گناهان از طریق توسل
- ۱۳۸..... تقاضای دعای فرزندان یعقوب از پدر
- ۱۳۹..... پیراهن یوسف

- ۱۴۰ ..... نکته‌ای در باب توسل
- ۱۴۱ ..... خلاصه بحث
- ۱۴۲ ..... سؤالات گفتار پنجم
- ۱۴۵ ..... گفتار ششم: غیبت امام زمان علیه السلام
- ۱۴۹ ..... اهتمام به مسئله غیبت در میان اصحاب و علمای شیعه
- ۱۵۰ ..... عنایت حضرت مهدی علیه السلام به موضوع غیبت
- ۱۵۱ ..... غیبت انبیا و اوصیا علیهم السلام
- ۱۵۵ ..... چند سؤال درباره غیبت امام زمان علیه السلام
- ۱۵۵ ..... منافات نداشتن غیبت با تبیین احکام
- ۱۵۶ ..... فلسفه غیبت
- ۱۵۹ ..... فواید حجت غایب
- ۱۶۰ ..... وابستگی خلقت به وجود معصوم
- ۱۶۱ ..... امامان علیهم السلام امان روی زمین هستند
- ۱۶۲ ..... هدایت معنوی امام در تمامی حالات
- ۱۶۴ ..... توضیح کلام علامه طباطبایی در نفوذ معنوی امام علیه السلام
- ۱۶۷ ..... خدمات حضرت به جامعه در زمان غیبت
- ۱۶۸ ..... ولی غایب که معلم حضرت موسی بود
- ۱۶۹ ..... عنایت ائمه علیهم السلام به مشکلات دوستان خود
- ۱۷۰ ..... کمک‌رسانی امام عصر علیه السلام به مردم
- ۱۷۱ ..... حضرت مهدی از خداوند چه می‌خواهد؟
- ۱۷۳ ..... نتیجه‌گیری
- ۱۷۵ ..... کلام معجزه‌آسا
- ۱۷۶ ..... وجود امام غایب موجب بقای مکتب
- ۱۷۷ ..... گاندی در زندان
- ۱۷۷ ..... اثر اعتقاد شیعه به حیات امام عصر علیه السلام
- ۱۷۷ ..... آگاهی امام غایب از حالات و اعمال شیعیان
- ۱۷۸ ..... خلاصه گفتار ششم



۱۸۰	.....	سؤالات گفتار ششم
۱۸۳	.....	گفتار هفتم: طول عمر حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۸۷	.....	مسئله طول عمر
۱۸۸	.....	اسرار پنهان خلقت
۱۸۹	.....	تلاش برای افزایش عمر انسان
۱۹۰	.....	عمرهای طولانی در بعضی از گیاهان و حیوانات
۱۹۱	.....	طول عمر از دیدگاه تاریخ
۱۹۱	.....	عمرهای طولانی از دیدگاه کتاب‌های آسمانی
۱۹۴	.....	مناظره سید بن طاووس
۱۹۵	.....	اراده خداوند بر همه چیز حاکم است
۱۹۶	.....	تشرفات و طول عمر
۱۹۶	.....	اعتراف بزرگان اهل سنت
۲۰۱	.....	خلاصه گفتار هفتم
۲۰۲	.....	سؤالات گفتار هفتم
۲۰۶	.....	گفتار هشتم: انتظار
۲۱۰	.....	انتظار در قرآن و روایات
۲۱۱	.....	مراتب و انواع انتظار
۲۱۱	.....	انتظار پیروان مکتب اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۱۲	.....	تلاش و کوشش، لازمه انتظار واقعی
۲۱۳	.....	جایگاه انتظار در مباحث اعتقادی
۲۱۴	.....	امیدبخشیدن، اصل مهم تربیت اسلامی
۲۱۶	.....	روش پیامبر و ائمه <small>علیهم السلام</small>
۲۱۷	.....	دعوت به انتظار در روایات اهل بیت
۲۱۹	.....	خلاصه گفتار هشتم
۲۲۰	.....	سؤالات گفتار هشتم
۲۲۲	.....	گفتار نهم: وظیفه اهل ایمان در زمان غیبت امام زمان
۲۲۶	.....	وظایف ما در زمان غیبت

۱. شناخت امام زمان ..... ۲۲۶
۲. لزوم برقراری ارتباط با امام عصر علیه السلام ..... ۲۲۷
- الف) دعا برای سلامتی و ظهور حضرت ..... ۲۲۷
- ب) صدقه دادن از طرف امام علیه السلام ..... ۲۳۰
- ج) انجام برخی عبادات به نیابت از حضرت ..... ۲۳۰
- د) اظهار علاقه به وجود مقدس امام زمان علیه السلام ..... ۲۳۱
۳. استغاثه به حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۳۲
۴. رعایت پاکدامنی و تقوا ..... ۲۳۳
۵. آشنایی با راه صحیح ..... ۲۳۵
- تعیین تکالیف منتظران در دعای امام عصر علیه السلام ..... ۲۳۹
- دعای حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۴۰
۱. وظایف علما ..... ۲۴۱
۲. وظایف دانشجویان ..... ۲۴۱
۳. وظایف مستمعان ..... ۲۴۲
۴. وظایف بزرگسالان ..... ۲۴۲
۵. وظایف جوانان ..... ۲۴۲
۶. وظایف زنان ..... ۲۴۲
۷. وظایف ثروتمندان ..... ۲۴۳
۸. وظایف فقرا ..... ۲۴۳
۹. وظایف حاکمان ..... ۲۴۴
- فرازهای دیگر دعای امام ..... ۲۴۴
- خلاصه گفتار نهم ..... ۲۴۴
- سؤالاتی از گفتار نهم ..... ۲۴۶
- گفتار دهم: وقایع قبل از ظهور ..... ۲۴۸
- نامعین بودن زمان ظهور ..... ۲۵۲
- علائم ظهور ..... ۲۵۲
- تفاوت نشانه‌های ظهور ..... ۲۵۳

## فهرست ۱)

- تذکر لازم ..... ۲۵۳
- شیوع فساد قبل از ظهور ..... ۲۵۵
- وضع امت اسلامی در حال حاضر ..... ۲۵۷
- آیا حضرت قائم دین جدید می آورد؟ ..... ۲۵۷
- غربت دوباره اسلام ..... ۲۵۸
- انتظار واقعی در آخرالزمان دشوار است ..... ۲۵۹
- شیوع ظلم و جور ..... ۲۵۹
- شیوع فساد از دو ناحیه ..... ۲۶۰
- آزمایش بزرگ اهل ایمان ..... ۲۶۱
- نصرت بعد از یأس ..... ۲۶۲
- هشدار به اهل ایمان ..... ۲۶۳
- زمینه سازی برای ظهور مصلح جهانی ..... ۲۶۴
- چرا فرمان ظهور صادر نمی گردد؟ ..... ۲۶۵
- توجه به نکته ای مهم ..... ۲۶۸
- خلاصه گفتار دهم ..... ۲۷۰
- سؤالات گفتار دهم ..... ۲۷۱
- گفتار یازدهم: ویژگی های حکومت حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۷۴
- برقراری عدالت ..... ۲۷۸
- احکام اسلام، تجلی عدالت خواهی ..... ۲۷۹
- نگاهی به حکومت کوتاه علی علیه السلام ..... ۲۸۱
- حکومت حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات ..... ۲۸۴
- دو ویژگی مهم در عصر ظهور ..... ۲۸۶
- پاسخ به سؤالی مهم ..... ۲۸۸
- چهره حکومت مهدی علیه السلام از دیدگاه نهج البلاغه ..... ۲۸۹
- پاسخ به یک سؤال ..... ۲۹۱
- توصیف عدل گستری مهدی از زبان علی علیه السلام ..... ۲۹۴

- ۲۹۵ ..... بشارت روند تاریخ
- ۲۹۶ ..... جواب به یک سؤال
- ۲۹۸ ..... خلاصه گفتار یازدهم
- ۳۰۰ ..... سؤالات گفتار یازدهم
- ۳۰۲ ..... گفتار دوازدهم: پاسخ به سؤالات
- ۳۰۶ ..... مقدمه
- ۳۰۶ ..... ۱- علائم قطعی ظهور در روایات
- ۳۰۷ ..... امکان ظهور، قبل از وقوع علائم قطعی
- ۳۰۹ ..... سفیانی کیست؟
- ۳۰۹ ..... خروج دجال
- ۳۱۰ ..... دجال و طول عمر
- ۳۱۱ ..... دجال یعنی دروغگوی فتنه‌انگیز
- ۳۱۲ ..... نهضت سید حسنی
- ۳۱۳ ..... ندای آسمانی
- ۳۱۴ ..... خلاصه این سؤال و جواب
- ۳۱۵ ..... سؤالات از این پرسش و پاسخ
- ۳۱۵ ..... ۲- دعای ندبه
- ۳۱۶ ..... بحث از سند دعای ندبه
- ۳۱۸ ..... ندبه و گریه در مصایب و فراق عزیزان
- ۳۱۹ ..... گریه شدید امام صادق ع
- ۳۲۱ ..... خلاصه این سؤال و جواب
- ۳۲۲ ..... سؤالات از این پرسش و پاسخ
- ۳۲۲ ..... ۳- بحثی درباره اسماء و القاب ائمه اطهار ع
- ۳۲۲ ..... اسامی ائمه ع بیانگر مقامات ایشان است
- ۳۲۳ ..... نام ائمه ع را برای فرزندان خود انتخاب کنیم
- ۳۲۳ ..... اسماء و القاب حضرت حجت ع

- ۳۲۴ ..... حجة الله، خليفة الله و داعي الله
- ۳۲۵ ..... «ناطق»
- ۳۲۶ ..... «مهدی» معروف ترین لقب حضرت
- ۳۲۷ ..... دو ویژگی مهم جانشین رسول خدا ﷺ
- ۳۲۷ ..... مهدی ما نیز خواهد آمد
- ۳۲۸ ..... القاب مختص به حضرت
- ۳۲۸ ..... بقیة الله
- ۳۲۹ ..... قائم
- ۳۳۰ ..... وظیفه ما هنگام شنیدن کلمه قائم
- ۳۳۱ ..... دیگر القاب حضرت
- ۳۳۲ ..... اباصالح
- ۳۳۴ ..... خلاصه این سؤال و جواب
- ۳۳۵ ..... سؤالات از این پرسش و پاسخ
- ۳۳۵ ..... ۴- اعتقاد به منجی در سایر ادیان
- ۳۳۷ ..... معرفی بیشتر منجی بشر در اخبار ما
- ۳۳۸ ..... خلاصه سؤال و جواب
- ۳۳۸ ..... سؤالات از این پرسش و پاسخ
- ۳۳۸ ..... ۵- چرا روایات مهدی ﷺ در صحیح بخاری نیامده؟
- ۳۴۰ ..... ۶- چگونگی شناخت مهدی واقعی
- ۳۴۲ ..... یک تفاوت مهم و روشنگر
- ۳۴۳ ..... خلاصه این سؤال و جواب
- ۳۴۴ ..... سؤالات از این پرسش و پاسخ
- ۳۴۴ ..... ۷- آیا بیشتر مردم در حکومت حضرت مهدی ﷺ، کشته می شوند؟
- ۳۴۶ ..... خلاصه این سؤال و جواب
- ۳۴۷ ..... سؤالات از این پرسش و پاسخ
- ۳۴۷ ..... ۸- مسجد مقدس جمکران

- ۳۴۸ ..... احداث مسجد مقدس جمکران.....
- ۳۵۰ ..... نگاهی به اعمال مسجد مقدس جمکران.....
- ۳۵۲ ..... توجه بزرگان به این پایگاه مقدس.....
- ۳۵۳ ..... توجه اقشار مختلف به این مکان مقدس.....
- ۳۵۴ ..... ظهور کرامات امام عصر عج در مسجد مقدس جمکران.....
- ۳۵۵ ..... خلاصه‌ای از پرسش و پاسخ هشتم.....
- ۳۵۵ ..... سؤالات.....
- ۳۵۶ ..... ۹- آیا می‌توان توفیق تشرف پیدا کرد؟.....
- ۳۵۷ ..... ۱۰- آیا حضرت کارگزارانی دارد؟.....
- ۳۵۸ ..... حکایتی از آیت‌الله خویی ره.....
- ۳۵۹ ..... معنای دیگری برای خواص از موالیان.....
- ۳۶۰ ..... راهی که محدث نوری برای تشرف ترسیم نموده.....
- ۳۶۲ ..... ۱۱- مادر حضرت مهدی عج.....
- ۳۶۲ ..... سرگذشت مادر امام زمان عج.....
- ۳۶۵ ..... خلاصه‌ای از پرسش و پاسخ یازدهم.....
- ۳۶۶ ..... سؤالات.....
- ۳۶۶ ..... ۱۲- نام حضرت مهدی عج در قرآن.....
- ۳۷۱ ..... خلاصه‌ای از پرسش و پاسخ دوازدهم.....
- ۳۷۲ ..... سؤالات.....
- ۳۷۲ ..... ۱۳- خصوصیات ظاهری امام عصر عج.....
- ۳۷۴ ..... خلاصه‌ای از پرسش و پاسخ سیزدهم.....
- ۳۷۴ ..... سؤالات.....

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ  
تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾ (يوسف: ۸۸)

ای عزیز [مصر]، ما و خاندان ما را پریشانی [و قحطی] فرا گرفته، و بهای اندکی [برای  
تهیه مواد غذایی] با خود آورده‌ایم؛ پیمانہ را برای ما کامل کن؛ و بر ما تصدق و بخشش  
نما، که خداوند بخشنندگان را پاداش می‌دهد.

جلوه گل عندلیبان را غزل‌خوان می‌کند    دیدن مهدی هزاران درد درمان می‌کند  
مدعی گوید که با یک گل نمی‌گردد بهار    من گلی دارم که عالم را گلستان می‌کند





## دیباچه

اعتقاد به موعود در آخر الزمان اختصاص به شیعه و پیروان اهل بیت علیهم السلام ندارد! بلکه تمام مسلمانان به وجود موعود مصلح از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله معتقدند.

براساس روایات نبوی که در آثار فریقین آمده است مسلمانان بر این عقیده‌اند که از تبار رسول خدا صلی الله علیه و آله فردی که همانم اوست در آخر زمان ظهور خواهد نمود و جهان را از ظلم و بیدادگری پاک خواهد کرد. و به سلطه مستکبران و زورگویان پایان خواهد داد. همین معتقدات باعث شد سخت‌گیری‌ها از سوی حاکمان ستمگر بر امامان شیعه جهت دسترسی به مهدی علیه السلام اعمال شود و هر چه به دوران ولادت حضرت مهدی علیه السلام نزدیک‌تر می‌شد، بر شدت سخت‌گیری‌ها افزوده می‌گشت تا شاید به وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام دست یابند. اما به امر الهی این امر محقق نشد و حضرت مهدی علیه السلام متولد شد و نقشه‌های شوم دشمنانش نقش بر آب گردید. از آن زمان به بعد معتقدان و منتظران وجود مقدس او جهت معرفی بیشتر او آثار متعددی را تدوین کرده و ابعاد مختلف زندگی، ویژگی‌های شخصیتی و علائم ظهور او را با توجه به آیات و روایات مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از آثار ارزشمند درباره حضرت مهدی علیه السلام، کتاب «دوازده گفتار درباره حضرت مهدی علیه السلام» است که توسط محقق ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حسین اوسطی تألیف شده است. نویسنده محترم ابعاد مختلف زندگی حضرت را از ولادت تا ظهور مورد بررسی قرار داده است.

امید می رود خوانندگان محترم با مطالعه این اثر ارزشمند با زندگی حضرت مهدی علیه السلام بیشتر آشنا شوند و وظایف خود را در زمان غیبت بهتر بشناسند.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه اخلاق و اسرار

## مقدمه

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (رعد: ۷)

تو فقط بیم دهنده‌ای؛ و برای هر گروهی هدایت کننده‌ای است.

## الطاف الهیّه

سپاس و حمد، پروردگاری را سزااست که برای تکامل بندگان خود جهانی بس عظیم را خلق کرد و آن را مهد پیدایش و پرورش انسان قرار داد و در آن انواع نعمت‌ها را گسترش داد؛ به طوری که جوابگوی تمامی نیازهای بشر گردید.

حمد و ثنا، لایق خداوندی است که برای ارتقای روحی و سیر معنوی بندگان خود و واصل شدن آنان به قُلّه رفیع اخلاق و سیر و سلوک، یعنی تحصیل معرفت الهی و تخلق به اخلاق حضرت حق و مهر ورزیدن به ذات لایزال ربوبی، رهبران آسمانی را مجهّز به وحی و آیات بیّنات برانگیخت.

خداوند پس از فرستادن خاتم پیامبران محمدبن عبدالله ﷺ، برای اینکه واسطه و رابطه بین خالق و مخلوق قطع نشود، امامانی معصوم را به امت اسلامی معرفی کرد و مسلمانان را با نام و نشان آنان آشنا ساخت.

آری خداوند متعال، جهان را مدرسه و دانشگاه قرار داده است و رسولان و امامان را معلمان و اساتید آن تا بندگان بتوانند از این بستر آماده، خود را به کمال برسانند؛ همان گونه که خداوند می فرماید:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق: ۱۲)

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آنها را. فرمان او تدبیراً او در میان آنها پیوسته فرود می‌آید تا بدانید خداوند بر هر چیزی تواناست و اینکه علم خدا به همه چیز احاطه دارد.

همچنین فرمود: ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (رعد: ۷)؛ هر قوم و گروهی یک هادی و مرشدی که از جانب خداوند منصوب باشد، خواهند داشت.

### با هزاران تأسف

متأسفانه مسلمانان به این انسان‌های نمونه و مرشدان الهی بی‌مهری بسیار کردند و همین امر باعث شد که ظالمانی همچون حجاج بن یوسف، متوکل و... حکومت و قدرت را به دست بگیرند و خود را امیرمؤمنان بخوانند و جانشینان واقعی رسول خدا صلی الله علیه و آله را از بین ببرند و ملت اسلامی را از فیض وجود و حضور پربرکت آنان محروم سازند. خداوند متعال نعمت‌های مادی و معنوی خود را به بندگان ارزانی داشت و آن را به کمال رساند. به یقین خداوند نعمتی را که به بندگانش عطا می‌کند، از آنان نمی‌ستاند. مگر آنکه بندگان شایستگی خود را از دست بدهند و شکر نعمتش را به جای نیاورند؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (انفال: ۵۳)

این به خاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد، جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند و خداوند شنوا و داناست.

بنابراین مردم به خاطر کردار بد خودشان، نعمت حاکمانی همچون علی بن ابی طالب، امام صادق، علی بن موسی الرضا و دیگر ذوات مقدس اهل بیت علیهم السلام را از دست دادند؛ آنان که هم جوابگوی مسائل دینی مردم بودند و هم در اجرای حکومت عادلانه رفتار می‌کردند.

## ضرورت بقای حجت الهی در عالم

اراده و حکمت پروردگار بر آن استوار است که همواره مصداقی از آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»؛ «من بر روی زمین، جانشینی (نماینده‌ای) قرار خواهم داد». (بقره: ۳۰) بر زمین باقی باشد. بنابراین خداوند دوازدهمین جانشین رسولش را از دیدگان مخفی داشت تا از دسترس ستمگران خودکامه محفوظ بماند.

## امام پشت پرده غیبت

هر چند در این دوران، امام عصر از نظرها غایب است، اما تمام شئون امامت را دارد. ایشان در دوران غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه شده‌اند؛ یعنی همان‌گونه که خورشید نور خود را از پشت ابر به تمام هستی می‌رساند، امام عصر نیز از پشت پرده غیبت نظام خلقت را از برکات خویش بهره‌مند می‌سازد. اما عنایت ایشان به عالم انسانی از جنس هدایت، دادرسی و دستگیری از در ماندگان است. همچنین، نقشه‌های خطرناک دشمنان اسلام را خنثا می‌کند و باعث دوام اسلام و مسلمانان، به‌ویژه شیعیان می‌شود.

آری، امروز بعد از گذشت چهارده قرن از ظهور اسلام و نزول قرآن، مکتب تشیع با وجود دشمنان قدرتمند و کینه‌توزش همچنان برقرار است؛ دشمنانی همچون معاویه و یزید که یکی قسم می‌خورد نام محمد ﷺ را دفن کند و دیگری به قصد ریشه‌کن کردن رسالت و امامت، واقعه کربلا را به پا می‌کند.

بقای اسلام و مسلمانان به‌ویژه شیعیان، نشان از وجود انسانی الهی دارد که برای حفظ دین همواره در تلاش است. در همین رابطه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمود: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِدِكْرِكُمْ»؛ «ما توجه خودمان را از شما بر نمی‌داریم و شما را فراموش نخواهیم کرد».

اگر حضرت خضر، آن عبد صالح و غایب از نظر، برای حفظ کشتی از دست

ظالمان، باقی ماندن گنجی برای صاحبان اصلی و حفظ ایمان پدر و مادری، کارهای عجیبی انجام می دهد، قطعاً حجت غایب ما، حضرت مهدی علیه السلام نیز با دستگیری از بیچارگان و صاحبان ایمان، به ویژه استغاثه کنندگان به درگاه آن حضرت، برای حفظ اسلام و مکتب تشیع، تلاش بیشتری می کند.

### محرومیت از فیض حضور

به طور طبیعی مردم در دوران غیبت از فیض حضور امام محروم اند. اما از آن طرف اوضاع آشفته جوامع، گسترش ظلم در دنیا، کم رنگ شدن دین و از بین رفتن حقوق انسانی موجب ناراحتی حضرت می شود. البته مؤمنان و پیروان واقعی مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز در چنین شرایطی سخت در ناراحتی و غربت و فشارند؛ زیرا از طرفی دشمنان اسلام می کوشند آنان را به انزوا بکشانند و از طرف دیگر با وسوسه های خود می کوشند تا این افراد را در عقایدشان به تردید بیندازند.

### مهم ترین وظیفه مسلمانان، به ویژه شیعیان

مهم ترین وظیفه مسلمانان این است که عقاید خود را از کتاب و سنت بگیرند و با تحقیق و مطالعه و استفاده از دیدگاه های عالمان و دانشمندان به تحکیم آن پردازند؛ زیرا قوی ترین عامل برای جهت بخشی به حرکت انسانی، باورها و عقائد اوست. آری، هرکس بر پایه شاکله خویش رفتار می کند. از این رو اسلام تعلیم و تربیت را از اندیشه آغاز می کند و پیش از هر چیز به اصلاح عقائد می پردازد. داشتن اعتقاد به مهدویت و منجی آخر الزمان، اولاً؛ انسان را از محیط گناه دور نگه می دارد؛ چرا که ویژگی مصلح جهانی مبارزه با هر ظلم و فساد است؛ ثانیاً؛ دامنه فکر انسان را وسیع و افقش را جهانی می کند. بنابراین می بینیم در عصر حاضر که زمان غیبت امام است، یگانه گروهی که غم مظلومان و محرومان عالم را

می‌خورند، پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و معتقدان به حضرت مهدی علیه‌السلام و منتظران اویند؛  
 ثالثاً: اعتقاد به حضرت مهدی علیه‌السلام و آشناسدن با ویژگی‌های ایشان باعث می‌شود انسان  
 از وسوسه‌های شیاطین و نوشته‌های مسموم و دعوت بعضی حیل‌گران در امان بماند؛  
 زیرا با شناخت حق، دیگر جایی برای باطل نمی‌ماند. البته باید شیعیان کنار مسائل  
 شعارگونه و احساسی، این مسئله مهم اعتقادی را با آگاهی و شناخت بیشتر و براساس  
 دلیل بشناسند. خوشبختانه افراد باایمان بسیاری‌اند که غیبت طولانی امام علیه‌السلام موجب ضعف  
 اعتقادی در آنان نشده است. آنان با قاطعیت تمام و روحیه‌ای امیدوار و بانشاط، به انتظار  
 طلوع خورشید ولایت و امامت نشسته‌اند و با تمام وجود با ظلم و بی‌عدالتی‌ها مبارزه  
 می‌کنند و مقابل نامالایمات صبر می‌نمایند و همچنان فریاد بر می‌آورند:

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِرَّةِ الْهَادِيَّةِ، أَيْنَ الْمَعْدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُتَنَظِّرُ  
 لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعُوجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَالْعُدْوَانِ، أَيْنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ  
 الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، ... أَيْنَ مُعْزُ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ...<sup>۱</sup>

کجاست به‌جا مانده خدا که از عترت هدایتگر و راهنما خالی نمی‌گردد؟ کجاست آنکه  
 آماده ریشه‌کن ساختن ستمگران است؟ کجاست آنکه منتظریم اختلاف و کج رفتاری‌ها  
 را به راستی اصلاح کند، کجاست آنکه امید داریم اساس ظلم و عدوان را از عالم  
 براندازد، کجاست ذخیره الهی برای نو کردن فریضه‌ها و سنت‌های دین؟... کجاست  
 عزت‌بخش دوستان و خوارکننده دشمنان؟...

## قطعی بودن طلوع خورشید

بی‌شک آینده کاروان بشر، نورانی است. روزی خواهد آمد که شایستگان، وارثان  
 زمین و مستضعفان، زمامداران عالم می‌شوند. حکومت عدل در سراسر جهان برقرار  
 می‌شود و مردم با رعایت حقوق یکدیگر در امنیت کامل زندگی می‌کنند. علاقه مردم به

۱. فرازهایی از دعای شریف ندبه.

عبادت خدا و نیز تمایل به پاکان عالم همچون اهل بیت علیهم السلام زیاد می شود.

براساس قرآن، تحقق چنین جامعه و حکومتی حتمی است. خداوند می فرماید: ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾؛ «ما حق را بر باطل می کوبیم و آن را هلاک می سازد و این گونه، باطل محو و نابود می شود». (انبیاء: ۱۸) همچنین براساس روایات شیعه و سنی، آینده جهان تحت حکومت عدلی قرار خواهد گرفت که به دست پاکان و صالحان برپا شده است.

در این رابطه، سایر ادیان و مذاهب نیز می گویند یک انسان کامل و قدرتمندی که می تواند مستضعفان جهان را از دست مستکبران نجات بخشد، خواهد آمد و پیروان زبور، تورات و انجیل همگی به انتظار آن روز فرخنده به سر می برند؛ همان گونه که خداوند می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

(انبیاء: ۱۰۵)

در زبور بعد از ذکر [تورات] نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد. آینده بشر نیز براساس فطرت انسانی که از زشتی ها بیزار و عاشق خوبی است، چیزی جز طلب و مراد فطرت نخواهد بود؛ یعنی آینده در انتظار عدالت، صداقت، امانت، حقیقت و زودده شدن ظلم و جنایت و حق کشی از جامعه بشری است.

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به این نکته در کلام خود اشاره می کند و می فرماید:

لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا، وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۱</sup>

دنیا پس از سرکشی به ما روی می کند، چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان شود. سپس حضرت این آیه را تلاوت کرد: «ما اراده کرده ایم تا بر مستضعفان زمین

نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».



اگر گوش دل به فریاد شهیدان بسپاریم، این پیام به گوش می‌رسد: ﴿وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا﴾؛ «و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی‌اش سلطه او حق قصاص [قرار دادیم]». (اسراء: ۳۳)

یعنی روزی خواهد آمد که سرپرست تمامی شهدا قیام کند و انتقام این خون‌ها را از ستمگران بستاند و سرانجام، کلام خداوند حکیم است که می‌فرماید: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ «عاقبت نیک برای پرهیزگاران است» (قصص: ۸۳) و ﴿فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾؛ «پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می‌کشم» (اعراف: ۷۱).

از خداوند متعال می‌خواهیم که هرچه زودتر، فرج حضرت حجت را برساند؛ فرج آن انسان کاملی که همه انبیا و امت‌ها، و مؤمنان و مستضعفان به انتظار اویند تا با طلوع آن خورشید عالمتاب، جهان و جهانیان غرق نور و سرور شوند. آمین رب العالمین.



کفتار اول:

اثبات وجود حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه

عقل



## ﴿قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ﴾

بگو دلیل رسا و قاطع برای خداست (دلیلی که برای هیچ کس بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد). (انعام: ۱۴۹)

### شناخت امام زمان علیه السلام

لازم است قبل از پرداختن به بحث اثبات وجود حضرت مهدی علیه السلام، به دو نکته توجه شود:

۱. بحث درباره مهدویت و اثبات وجود حضرت، کاملاً اسلامی است. مخاطبان سخن نیز مسلمانان و پیروان مذاهب مختلف اسلامی‌اند؛ یعنی کسانی که خدا، رسول خدا، قرآن و سنت را پذیرفته‌اند و مقابل آنها تسلیم‌اند. بنابراین بحث مهدویت، به منظور اثبات حجت خدا و خلیفه رسول الله، با کسی که خدا یا رسول خدا را قبول ندارد، معنا ندارد.

البته می‌توان با فرد کافر درباره آینده تاریخ سخن گفت؛ آن آینده‌ای که در آن، کاروان بشر، به برپایی عدل و رفع ظلم گرایش پیدا می‌کند. بنابراین چون بحث مهدویت، اسلامی است، می‌توان در تمامی مباحث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام، از مدارک مورد قبول مسلمانان، همچون قرآن و کلام پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده کرد و به آنها استدلال نمود. البته در بعضی از مباحث مهم مهدویت، مانند اثبات وجود حجت الهی، هم دلیل عقلی وجود دارد و هم نقلی که انشاءالله به آن اشاره خواهد شد.

۲. در هر عصری، آشنایی با مسئله امامت و شناخت امام آن زمان بر هر مسلمانی

واجب و ضروری است؛ زیرا هر مسلمانی باید توجه کند که احکام الهی را از چه کسی می‌گیرد و به فرمان چه کسی گردن می‌نهد. آیا برگزیدگان او، خود راهی به سوی «الله» دارند؟ آیا می‌توان امامت و رهبری آنان را با دلیل مورد قبولی ثابت کرد؟ آیا می‌توان گفت همه گفته‌های آنان صحیح، و از جانب خداوند متعال است؟

گفتنی است بین خود پیشوایان اهل سنت، یعنی مالک، ابوحنیفه، شافعی و احمد بن حنبل، و نیز بین مکتب اهل بیت علیهم السلام و دیگران اختلافاتی به چشم می‌خورد. هیچ عقلی نمی‌پذیرد که بدون دلیل گفته شود آنچه ابوحنیفه می‌گوید، احکام ناب اسلامی است، یا دیگری ادعا کند که هر چه مالک یا احمد بن حنبل می‌گوید، اسلام حقیقی است. خلاصه آنکه هیچ انسان با شعوری نمی‌پذیرد که دین الهی را که انبیا، به‌ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن همه زحمات و صدمات تبیین کرده‌اند، به راحتی به دیگران واگذار کنیم. در واقع این مطلب، ضرورت بحث امامت و رهبری را در هر زمانی برای ما ثابت می‌کند و آن را از همه نیازهای آدمی مهم‌تر می‌نمایاند؛ زیرا اگر آب و خوراک سالم به بدن نرسد، جسم ما در معرض خطر می‌افتد. اما اگر دست ما از امامان به حق، کوتاه شود و به دنبال امام گمراه حرکت کنیم، سرانجام به شقاوت ابدی مبتلا می‌شویم.<sup>۱</sup> قرآن با صراحت می‌گوید هر انسانی در روز قیامت با پیشوای خودش محشور می‌شود.<sup>۲</sup> اگر در قیامت ببینیم که پیشوای ما از ائمه گمراه است، چه می‌توان کرد؟<sup>۳</sup>

۱. قرآن برای بیداری ما می‌فرماید همان‌گونه که ائمه راستین وجود دارند، ائمه کفر هم وجود دارند. بنابراین انسان‌ها باید با بهره‌گیری از عقل و وحی، امامی را انتخاب کنند که دین واقعی پروردگار را بازگو کند. «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ»؛ «پس عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت» (حشر: ۲).

۲. «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنثَىٰ بِإِمَامِهِمْ»؛ «[به یادآور] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم» (اسراء: ۷۱).

۳. خداوند در سوره فرقان حال کسانی را که راه صحیحی برای رسیدن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و دین الهی برنگزیده‌اند، این‌گونه بیان می‌کند: «وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا»؛ «یا لَیْتَنِي لَمْ اتَّخَذْ فُلَانًا خَلِيلًا»؛ «لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»؛ «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»؛ «[روزی که ستمکار دستان خود را [از شدت حسرت] به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با رسول [خدا] راهی برگزیده بودم. ای وای بر من، کاش فلان [شخص گمراه] راه

## لزوم شناخت امام زمان

روایتی را شیعه و سنی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند و مورد قبول همگان است؛ به طوری که علامه «امینی» در «الغدیر» می‌نویسد:

... لَمْ يَخْتَلِفْ فِي ذَلِكَ إِثْنَانٍ وَلَا أَنَّ أَحَدًا خَالَجَهُ فِي ذَلِكَ شَكٌّ.<sup>۱</sup>

دو نفر مسلمان هم در این حدیث اختلاف ندارند و در صدور این حدیث از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی شک ندارد.

علامه امینی حدود ده کتاب از صحاح و مسانید اهل سنت را نام می‌برد که این حدیث را نقل کرده‌اند. متن حدیث این است: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ «کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، مرگ او مرگ جاهلیت است».

«کلینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ» محدث بزرگ جهان تشیع در «اصول کافی»<sup>۲</sup> نیز چندین روایت نزدیک به همین مضمون از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند؛ برای نمونه در حدیث است که راوی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام سؤال کرد:

آیا این روایت (من مات...) را پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود؟ حضرت فرمود: «بلی». عرض کرد:

---

→ به دوستی انتخاب نکرده بودم. او مرا از یادآوری [حق] گمراه ساخت بعد از آن که [یاد حق] به سراغ من آمده بود و شیطان همیشه انسان را تنها و بی‌یاور می‌گذارد. و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه داشت: پروردگارا قوم من قرآن را متروک ساختند» (فرقان: ۲۷ - ۳۰). قرآن راه صحیح رسیدن به خدا و رسولش و اسلام واقعی را با دو آیه بیان کرده است: یکی در سوره شوری آیه ۲۳ که می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾؛ «بگو: من هیچ‌گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست‌داشتن نزدیکانم (اهل بیتم)». دیگری در سوره فرقان، آیه ۵۷: ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾؛ «بگو: من در برابر آن [ابلاغ آیین خدا] از شما هیچ‌گونه پاداشی نمی‌طلبم؛ مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند [و این پاداش من است]». در واقع درخواست پاداش رسالت، برای نشان‌دادن راه صحیح به مردم است. آیا راهی جز راه پیروی و عشق‌ورزیدن به علی عَلَيْهِ السَّلَام، زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و فرزندان ایشان باقی می‌ماند؟ اینان یگانه مصداق اهل بیت رسول خدایند.

۱. الغدیر، ج ۱۰، ص ۳۶۰.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۶.

«مراد از مرگ جاهلیت چیست؛ یعنی می‌میرد درحالی که امام خود را نشناخته و به او جاهل بوده است؟ یا به مرگ جاهلیت جاهلان (همچون مردمی که در زمان جاهلیت به سر می‌بردند و فاقد دین و شرف و انسانیت بودند) خواهد مرد؟» حضرت فرمود: «مراد از جاهلیت، کفر و نفاق و ضلال است»<sup>۱</sup>.

علامه امینی در توضیح عبارت «میتة جاهلیة» می‌نویسد: «إِنَّمَا هِيَ شَرُّ مِيتَةٍ، مِيتَةٌ كُفْرٍ وَإِلْحَادٍ»<sup>۲</sup>؛ «بدترین نوع مرگ است؛ یعنی مردن در حال کفر و عناد».

این روایت هر مسلمانی را ملزم می‌کند تا در پی کسب معرفت به امام زمان خویش بیفتد و اگر چنین نباشد اسلامش پذیرفته نمی‌شود و همچون افراد زمان جاهلیت که اسلام نیاوردند، در حال کفر و الحاد از دنیا می‌رود.

### حکایت

یکی از ائمه جماعات تهران که مورد وثوق بود، برای من نقل کرد: علامه امینی از نجف به تهران آمده بود. من به دیدن ایشان رفتم و تقاضا کردم که شبی هم به منزل ما تشریف بیاورند. آقای امینی قبول کرد و من نیز تعدادی از علما را به افتخار ایشان دعوت کردم. شب موعود فرا رسید و از ایشان تقاضا کردم مطلبی را بیان کند. ایشان فرمود: برای مطالعات بعضی از کتب، مدتی در «حلب»<sup>۳</sup> به سر می‌بردم. یکی از تجار فهمیده و منطقی اهل سنت با من آشنا شد و شبی از من دعوت کرد. علمای طراز اول شهر و قضات عالی‌رتبه و بعضی از اساتید دانشگاه و عده‌ای از تجار نیز در آنجا حضور داشتند. پس از شام، عالم بزرگ و مفتی اعظم شهر گفت: آقای امینی! این بحث امامت چه ریشه و اساسی در اسلام دارد که شیعیان و علمای تشیع آن را رها نمی‌کنند؟ من به ایشان گفتم: آیا این حدیث را که از رسول خدا ﷺ نقل شده

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

۲. الغدير، ج ۱۰، ص ۳۶۱.

۳. شهر بزرگی از شهرهای شام (سوریه) که بسیار حرم است... لغت‌نامه دهخدا.



است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ» قبول داری؟ گفت: بلی. به او گفتم: برای پیگیری و بررسی بحث امامت همین حدیث بس است. وی ساکت شد و چیزی نگفت. از او سؤال کردم: فاطمه زهرا علیها السلام چگونه بانویی است؟ وی گفت: «إِنَّمَا مَطْهَرَةٌ بِنَصِّ الْكِتَابِ»؛ «به صراحت قرآن، مطهره و معصوم است»؛ چون در شأن اهل بیت آیه تطهیر نازل شده، و حضرت زهرا علیها السلام از بزرگ‌ترین مصادیق اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله است.

به او گفتم: چرا فاطمه زهرا علیها السلام در حال خشم و غضب از حاکمان وقت از دنیا رفت؟! آیا آنان امام امت و خلیفه به حق رسول خدا نبودند یا حضرت زهرا علیها السلام امام خود را نشناخت و فوت کرد؟! عالم بزرگ حلب دید اگر بگوید غضب و خشم حضرت زهرا علیها السلام کار صحیحی بود، باید حاکمان آن وقت را باطل بدانند، درحالی‌که با اعتقاداتشان ناسازگار است و اگر بگوید کار حضرت زهرا علیها السلام خطا بود و او بدون معرفت به امام خویش از دنیا رفت، با مقام عصمت و طهارت ایشان، که مورد قبول قرآن است، منافات دارد. به همین دلیل برای در هم کردن بحث گفت: آقای امینی! بحث ما چه ربطی به غضب و خشم حضرت زهرا به حکام زمان خودش دارد؟ افرادی که در مجلس حضور داشتند از نظر علمی، اشخاص برجسته و فهیمی بودند و متوجه شدند که آقای امینی با طرح این سؤال چه ضربه محکمی به عقاید آنان وارد ساخت. آن‌گاه علامه امینی گفت که شما نه فقط امام زمان خود را نشناخته‌اید، بلکه در حقانیت افرادی که آنان را خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانید نیز در شک و تردید به سر می‌برید.

صاحب منزل که کناری ایستاده بود، رو به عالم بزرگ حلب کرد و گفت: «شیخنا أُسْكُتُ قَدْ افْتَضَحْنَا»؛ «دیگر ساکت شو که ما را رسوا کردی».

بحث تا نزدیک سحر طول کشید. در پایان تعدادی از اساتید دانشگاه، قضات و تجار به سجده افتادند و مستبصر شدند و از راهنمایی علامه امینی تشکر کردند.

بنابراین اهل سنت همانند شیعه، حدیث «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» را قبول دارند. با توجه به این حدیث معلوم می‌شود در هر عصری امامی وجود دارد که باید به او معرفت داشت و مسلمانان باید بدانند معالم دین را از چه کسی می‌گیرند و در حال حاضر امام عصر آنان کیست؟<sup>۱</sup>

### محتوای حدیث ثقلین

برای ضرورت شناخت امام همین بس که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای هدایت امت، دو یادگار از خود به جا گذاشت و فرمود: «اگر به این دو ثقل، یعنی قرآن و عترت، تمسک بجوید، هرگز گمراه نمی‌شوید». این روایت که به حدیث ثقلین معروف است مورد قبول همه مسلمانان است.<sup>۲</sup> بنابراین باید تحقیق کرد که اهل بیت چه کسانی‌اند؟ کسانی که تا قیامت از قرآن جدا نمی‌شوند و همتای قرآن و یگانه وسیله هدایت امت محسوب می‌شوند، چه کسانی‌اند؟

انشاءالله در مباحث بعدی درباره این حدیث نکات بیشتری بیان می‌شود.

### جهان بدون حجت

در بحث اثبات وجود امام از طریق عقل و نقل، باید گفت وجود تمامی موجودات بزرگ و کوچک جهان، برای بهره‌مندی انسان‌هاست. تابش آفتاب باعث رشد گیاهان و رسیدن میوه‌جات و حیوانات برای استفاده انسان می‌شود. حرکت منظم ماه و خورشید باعث شناخت روز و ماه و سال می‌شود. بنابراین ابر و باد و مه و خورشید و فلک، همگی برای بهره‌مندی انسان تسخیر شده‌اند.

۱. همچنین بحثی بین دو عالم شیعی و سنی، یعنی «ابن‌ابی‌جمهور احسانی» و «فاضل هروی» در خراسان درباره این حدیث واقع شد که در کتاب «نامه دانشوران» آمده است.

۲. در کتاب المراجعات ص ۴۲ به بخشی از مدارک این حدیث از طرق اهل سنت اشاره شده است.

## یک سؤال مهم

در ذهن انسان باشعور، به ویژه خداشناسان از هر کیش و قومی این سؤال مطرح است که انسانی که مورد احترام همه مخلوقات الهی است، برای چه هدفی خلق شده است؟

به حکم عقل باید پروردگار، هدف مقدسی را برای انسان در نظر گرفته باشد که تمام هستی را در خدمت او قرار داده است. در واقع آن هدف چیزی نیست جز رسیدن به کمال بندگی و شناخت اسماء و صفات الهی.

البته بعد از شناخت هدف، این سؤال مطرح است که چه کسی می تواند انسان را به آن هدف برساند؟ هر فرقه ای انسان را به سوی خویش می خواند، هر انسان خداشناسی قاطعانه حکم می کند که باید فردی از جانب خداوند که به او وحی شود و از اسرار خلقت جهان و انسان آگاه باشد، برای راهنمایی و هدایت بشر مشخص شود. در غیر این صورت، خلقت جهان همچون مدرسه ای است که با مصالح بسیار عالی ساخته شده است، اما معلم ندارد، یا مانند بیمارستانی است که سالن ها و اطاق های عمل جراحی و همه امکانات لازم را دارد، اما پزشک ندارد. بنابراین هر عاقلی ساختن این مدرسه و بیمارستان را بیهوده می داند.

آری، جهان مدرسه است و انسان ها دانش آموزان این مدرسه و باید معلمی باشد که این دانش آموزان را به اهداف بلندشان برساند و آن مربی، کسی جز حجت خدا نیست. در غیر این صورت خلقت جهان، بیهوده خواهد بود.

## مناظره هشام بن حکم

«هشام»، شاگرد زبردست امام صادق علیه السلام، با دلایل ساده اما مستحکم، «عمرو بن عبید» را که منکر وجود حجت خدا بود، قانع کرد که جهان بدون حجت خدا همچون بدن انسان است بدون قلب. خلاصه حکایت این است که هشام به

عالم بصری گفت: «آیا تو چشم داری؟» جواب داد: «بلی». هشام پرسید: «چه فایده‌ای دارد؟» او فواید چشم را بیان کرد و به همین صورت سؤال از دست، پا، زبان و گوش و فواید آنها کرد و او جواب داد. در آخر پرسید: «تو قلب هم داری؟»<sup>۱</sup> جواب داد: «بلی». هشام فرمود: «قلب چه فایده‌ای دارد؟» او گفت: «اگر خطایی برای اعضا رخ دهد، مثلاً شبیحی را از دور می‌نگریم و نمی‌دانیم که جماد است یا نبات یا حیوان و یا انسان، به قلب مراجعه می‌کنیم و آن رفع شبهه می‌کند؛ مثلاً می‌گوید: چون آن شبیح حرکت می‌کند، جماد و نبات نیست و چون روی دو پا حرکت می‌کند، حیوان نیست. پس انسان است. همچنین اگر گوش صدایی را از پشت دیوار بشنود و نفهمد که صاحب صدا کیست، نیروی عقل بی‌درنگ می‌گوید که صدای فلان شخص است».

هشام فرمود: «خداوند حکیمی که برای بدن انسان با داشتن چند عضو مختصر، امامی قرار داده است تا شبهات او را رفع کند آیا برای کاروان بشر، با این همه اختلاف، امام و راهنمایی معین نکرده است؟» عمروبن عبید مبهوت ماند و نتوانست چیزی بگوید.

امام صادق علیه السلام از این مناظره باخبر شد. روزی که عده‌ای از اصحاب در محضر حضرت بودند، فرمود: «ای هشام! مناظره خود را با عمروبن عبید برای ما نقل کن». هشام برای رعایت ادب و حیا ساکت شد؛ اشاره به اینکه در مجلسی که شما هستید، صحیح نیست من سخن بگویم. حضرت فرمود: «وقتی چیزی را از شما می‌خواهیم، انجام دهید». هشام واقعه را نقل کرد.<sup>۲</sup> امام فرمود: «این استدلال را چه کسی به تو آموخته بود؟» عرض کرد: «از شما یاد گرفتم». حضرت فرمود: «به خدا قسم این دلیل، در صحف ابراهیم و موسی مذکور است».

۱. مراد از قلب نیروی درک و فهم است.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۰.

## مناظره دیگر هشام

یونس بن یعقوب می گوید:

چند روز قبل از موسم حج بود. امام صادق (ع) کنار مسجدالحرام، خیمه زده بود. شخصی از شام آمد و داخل خیمه حضرت شد و گفت: «من شخصی فقیه و متکلمم و از شام آمدم تا با اصحاب تو مناظره کنم». عده‌ای از اصحاب امام از قبیل «حمران بن اعین»، «هشام بن سالم» و «قیس» در خیمه حاضر بودند، «هشام بن حکم» که جوانی بیش نبود، از راه رسید. حضرت برای هشام جا باز کرد و فرمود: «هشام با زبان و دل، یار و ناصر ماست». آن گاه رو به مرد شامی کرد و فرمود: «با این جوان صحبت کن». شامی به هشام گفت: «درباره لزوم امام و حجت خدا بحث کن». هشام پرسید: «آیا خدا مصلحت بندگان را بهتر می داند یا مردم؟» شامی گفت: «خدا». هشام پرسید: «چه کسی این مصالح بندگان را از جانب خدا به مردم می رساند؟» شامی گفت: «رسول خدا (ص)». هشام پرسید: «بعد از رسول خدا چه کسی؟» شامی گفت: «کتاب و سنت». هشام گفت: «آیا کتاب و سنت امروزه برای رفع اختلافات کافی است؟» شامی گفت: «بلی». هشام پرسید: «پس چرا بین ما و شما اختلاف هست؛ به طوری که تو برای دفاع از نظریات خودت از شام به اینجا آمدی؟» شامی ساکت شد.

امام صادق (ع) به شامی فرمود: «مَا لَكَ لَا تَتَكَلَّمُ؟»؛ «چرا صحبت نمی کنی و ساکت

شدی؟»

شامی گفت اگر بگویم اختلاف نداریم که دروغ است و اگر بگویم کتاب و سنت اختلافات را برطرف می کند که کلامی باطل و خلاف واقع است؛ چون کتاب و سنت را هر کسی به نفع خود توجیه می کند و اگر بگویم اختلاف هست، ولی همگی حق می گوئیم، کتاب و سنت بیهوده خواهد شد.

ولی اجازه دهید من این سؤالات را از هشام بپرسم تا ببینم چه جوابی می دهد. امام صادق (ع) فرمود: «از او سؤال کن که شخص با اطلاعی است». شامی گفت: «مصلحت مردم را خدا بهتر می داند یا خود مردم؟» همان سؤالات هشام را یک به یک به هشام

برگرداند، تا رسید به اینجا که مصالح بندگان را چه کسی به ما می‌رساند؟ هشام گفت: «زمان رسول خدا یا اکنون؟» شامی گفت: «در حال حاضر». هشام فرمود: «هَذَا الْقَاعِدُ الَّذِي تَشُدُّ إِلَيْهِ الرَّحَالُ»؛ «این مرد که اینجا نشست و از اطراف و اکناف می‌آیند و سؤالات خود را مطرح می‌کنند و قانع می‌شوند و شک و شبهه آنان مرتفع می‌شود». شامی گفت: «از کجا بدانم که ایشان همین‌گونه است که تو می‌گویی؟» هشام گفت: «هرچه می‌خواهی از او بپرس تا حجت بر تو تمام شود». شامی متوجه امام شد و با حضرت صحبت کرد و امام علیه السلام از سفر او و اتفاقاتی که در راه افتاده بود، خبر داد که همگی مورد تصدیق شامی قرار گرفت. در پایان شامی مستبصر شد و شهادت به امامت و حقانیت حضرت داد.<sup>۱</sup>

این دو مناظره روشن ساخت که خلقت بشر بدون حجت خدا کار بیهوده‌ای خواهد بود؛ زیرا نتیجه خلقت جهان، که همان رسیدن انسان به کمالات علمی و عملی است، بدون حجت خدا غیرممکن است.

### هدایت عامه

دلیل دیگری که ضرورت وجود حجت خدا را در هر زمانی اثبات می‌کند، مشاهده حرکت هر موجود به سوی کمال خویش است که از آن به هدایت عامه و حرکت به سوی هدف تعبیر می‌شود. «علامه طباطبایی رحمته الله» از این راه لزوم حجت و امام را در هر زمانی ثابت می‌کند. ایشان در این رابطه می‌فرماید:

طبق قانون ثابت و ضروری هدایت عمومی، هر یک از انواع آفرینش، از راه تکوین و آفرینش به سوی کمال و سعادت نوعی خود هدایت و رهبری می‌شود. نوع انسان نیز که یکی از انواع آفرینش است از کلیت این قانون عمومی مستثنا نیست و از راه غریزه واقع‌بینی و تفکر اجتماعی، در زندگی خود به روش خاصی باید هدایت شود که سعادت دنیا و آخرتش را تأمین نماید؛ به عبارت دیگر باید یک سلسله اعتقادات و وظایف عملی

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۲.

را درک نموده و روش زندگی خود را با آنها تطبیق کند تا سعادت و کمال انسانی خود را به دست آورد و گفته شد که راه درک این برنامه زندگی که دین نامیده می‌شود، راه عقل نیست. بلکه راه دیگری است به نام وحی و نبوت که در برخی از پاکان جهان بشر به نام انبیا (پیغمبران خدا) یافت می‌شود. پیغمبران وظایف انسانی مردم را به وسیله وحی از جانب خدا دریافت می‌کنند و به مردم می‌رسانند، تا بر اثر به‌کار بستن آنها تأمین سعادت کنند.

روشن است که این دلیل چنان که لزوم و ضرورت چنین درکی را در میان افراد بشر به ثبوت می‌رساند، همچنین لزوم و ضرورت پیدایش افرادی که پیکره دست‌نخورده این برنامه را حفظ کنند و در صورت لزوم به مردم برسانند، ثابت می‌کند؛ چنان‌که به اقتضای عنایت خدایی، لازم است اشخاصی پیدا شوند که وظایف انسانی را از راه وحی درک نموده، به مردم تعلیم کنند. همچنین لازم است که این وظایف انسانی آسمانی برای همیشه در جهان انسانی محفوظ بماند و در صورت لزوم به مردم عرضه و تعلیم شود؛ یعنی پیوسته اشخاصی باشند که دین خدا را آن طوری که نازل شده است، نگهداری کنند و صحیح و سالم بر مردمان عرضه بدارند.<sup>۱</sup>

این دلیل و برهان محکم، برای فهم همگانی به توضیح و شرح احتیاج دارد. بنابراین نکاتی را در اینجا بیان می‌کنیم:

۱. بی‌شک هر موجودی، از راه تکوین و آفرینش، به سوی کمال و سعادت خود هدایت می‌شود؛ مثلاً اگر دانه گندم در خاک مناسبی قرار گیرد، شروع به رشد می‌کند تا بوته‌ای کامل شود. اگر هسته‌ای مانند گردو در زمین کاشته شود، راه منظم و مشخصی را می‌پیماید تا سرانجام درختی بارور شود و اگر نطفه حیوانی در رحم مادر قرار گیرد، شروع به تکامل می‌کند و سرانجام موجودی کامل از همان حیوان پدید می‌آید.

هرگز دانه گردو، گاو و گوسفند نمی‌شود؛ همان‌گونه که نطفه گوسفند تبدیل به

درخت انار و چنار نمی شود. قرآن در این رابطه می فرماید: ﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا﴾؛  
«هر کدام از موجودات، هدف و غایتی دارد که به همان سو حرکت می کند». (بقره: ۱۴۸)

قرآن این رهسپاری و کشش را هدایت الهی می داند و می فرماید:

﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾.

[اموسی به فرعون] گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه

آفرینش او بوده، داده، سپس هدایت کرده است. (طه: ۵۰)

همین مطلب را نیز در سوره مبارکه اعلیٰ چنین بیان کرده است:

﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى \* الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى \* وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾ (اعلیٰ: ۱-۳)

منزه شمار نام پروردگار بلند مرتبهات را، همان خداوندی که آفرید و موزون ساخت، و

همان کسی که اندازه گیری کرد و هدایت نمود.

آیا این قانونی که بشر خواهان آن است، یعنی قانونی که بتواند جلوی هرگونه خودکامگی و تبعیض را بگیرد تا همه افراد جامعه در آسایش و امنیت کامل به سر برند، به وسیله عقل تنها دست یافتنی است؟

بسیار روشن است که انسان با همین عقل است که از سایر موجودات امتیاز می یابد و با تفکر است که از تمام مخلوقات برای رفاه خود استفاده می کند. انسان با بهره گیری از عقل در فضای بی کران آسمان ها اوج می گیرد و در اعماق دریاها شناور می شود و جماد و نبات و حیوان را به استخدام خویش در می آورد. اما چنین قانونی که نزد همه پذیرفته باشد، وجود ندارد؛ چون در این صورت هر انسانی می بایست با عقل خود آن قوانین را درک کند؛ همان گونه که سود و زیان خود را درک می کند.

بنابراین عقل، قانونی را که جامعه را به سعادت برساند، درک نمی کند و چون به مقتضای نظریه هدایت عمومی دانستیم که وجود چنین درکی در نوع بشر ضروری است، ناگزیر باید دستگاه درک کننده دیگری میان بشر وجود داشته باشد که وظایف واقعی و جامع را در دسترس همگان گذارد؛ این شعور و درک چیزی غیر از شعور



وحی که برتر از شعور عقل و حس است، نمی تواند باشد.

پس انسان براساس قانون هدایت عمومی برای رسیدن به کمال خویش، محتاج به وحی و دین است که به وسیله پیامبران و امامان الهی ارائه می شود.

۲. بدیهی است که انسان نیز از این قانون کلی مستثنا نیست و دارای هدایت تکوینی است.

انسان براساس سرشت خود، سعادت را در آزادی مطلق می نگرد و می خواهد مطیع هیچ قانون و مقرراتی نباشد؛ همان گونه که کودک نیز در رسیدن به خواسته های خود به چیزی جز گریه متوسل نمی شود و مقابل هیچ قانونی تواضع نمی کند.

اما او کم کم احساس می کند که سازمان وجودی اش، سازمانی اجتماعی است و نیازمندی های بی شمار دارد که هرگز به تنهایی توانایی رفع آنها را ندارد. در این هنگام احساس می کند که باید بخشی از آزادی خود را برابر سودی که از دیگران می برد، از دست بدهد و معادل آنچه از رنج دیگران بهره می گیرد، از رنج خود بهره دهد. بنابراین زندگی خویش را مرهون اجتماع می بیند و ناچار آن را می پذیرد.

۳. انسان به دنبال پذیرفتن ساختار اجتماعی، وجود قانون را لازم می شمارد تا وظیفه هر یک از افراد را معین کند و کیفر متخلف را مشخص سازد. در غیر این صورت، انسان براساس سرشت خود، که طالب آزادی مطلق است، به سوی هرج و مرج می رود و به سعادت واقعی نمی رسد.

۴. همان گونه که براساس لطف الهی باید اشخاصی باشند که وظایف انسانی را از راه وحی درک کنند و به مردم برسانند، همچنین باید این وظایف آسمانی برای همیشه در جهان انسانی محفوظ بماند و در صورت لزوم به مردم تعلیم شود؛ به عبارت دیگر همان گونه که باید افرادی متصدی دریافت احکام خدا باشند که به آنها نبی و رسول گویند، باید اشخاصی نیز از سوی خدا متصدی نگهداری دین آسمانی باشند که آنها همان امامان اند.

## نظریه هانری گرین

«دکتر گرین» که مصاحبه‌های ارزنده‌ای با استاد فقید علامه طباطبایی داشته است، درباره لزوم حجت و امام در هر عصری، نظریه جالبی ارائه می‌دهد که متناسب با سخن گذشته است. ایشان می‌گوید:

مذهب تشیع [به علت وجود مهدی موعود علیه السلام] تنها مذهبی است که رابطه را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته است و به‌طور مستمر و پیوسته ولایت را زنده و پا برجا می‌دارد؛ زیرا مذهب یهود، نبوت را که رابطه‌ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی، در حضرت کلیم علیه السلام ختم می‌کند و پس از آن به حضرت مسیح و حضرت محمد صلی الله علیه و آله اذعان نمی‌نماید و رابطه مزبور را قطع می‌کند و همچنین نصارا در حضرت مسیح متوقف شده، و اهل سنت از مسلمانان نیز در حضرت محمد صلی الله علیه و آله توقف نموده‌اند و با ختم نبوت در ایشان دیگر رابطه‌ای میان خالق و خلق قائل نمی‌باشد، و تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد صلی الله علیه و آله ختم شده می‌داند. ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می‌باشد بعد از حضرت ختمی مرتبت برای همیشه زنده می‌داند؛ رابطه‌ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهیت حکایت می‌کند و بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله به واسطه ولایت جانشینان وی زنده بوده است و خواهد بود.<sup>۱</sup>

## عقل و خرد، ما را به اسلام و تشیع دعوت می‌کند

نظیر کلام کربن نیز از یک دانشمند دیگر فرانسوی مطرح می‌شود: «آیت‌الله خرازی» از «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نقل می‌کند که مرحوم علامه طباطبایی فرمود:

مهمانی از پاریس که فرانسوی هم بود داشتم. وی دانشمند و اهل مطالعه بود. گفت: «من مسلمانم». از او پرسیدم: «پدر و مادرتان مسلمان بودند؟» گفت: «نه، خودم مسلمان شدم». از او پرسیدم: «به چه سبب مسلمان شدی؟» گفت: «انسان ساخته

۱. شیعه در اسلام، به نقل از مکتب تشیع، سالانه دوم، صص ۲۰ و ۲۱.

پروردگار عالم و حکیم است و بدون برنامه و آیین نیست؛ همان طوری که مصنوعات بشری بدون برنامه نیست. من به دنبال برنامه بودم. اوستا، عهد جدید، عهد عتیق و تلمود را مطالعه کردم. دیدم اینها کتاب آسمانی نیست و نمی‌تواند برنامه دینی باشد. قرآن را مطالعه کردم و دیدم کتاب همین است: **﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾** و به آن معتقد شدم. بعد که مسلمان شدم، دیدم در مسلمانان چقدر اختلاف است. از مطالعه به این حقیقت رسیدم که راهی جز ائمه اثناعشر نیست. لذا شیعه اثناعشری شدم و به سرّ آنان هم معتقد شدم». گفتم: «سرّ آنان چیست؟» گفت: «وجود مبارک حضرت بقیة الله عَلَيْهِ السَّلَام».<sup>۱</sup>

همان دلایلی که وجود انبیا را ضروری می‌داند، لزوم استمرار ولایت را نیز لازم و ضروری می‌شمارد. اگر نبوت به پیامبر عظیم‌الشان اسلام ختم نمی‌شد، لازم بود تا قیامت، انبیا و رسولان میان مردم باشند. ولی چون با وجود ایشان نبوت ختم شد، باید مسئله ولایت برای همیشه برقرار باشد.

این همان ریسمان متصل بین خالق و مخلوق است که در دعای ندبه در مقام خطاب به وجود مبارک ولی الله اعظم چنین می‌گوییم: **«أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»**.

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در سخنان بسیار ارزنده خود به جناب کمیل، به این برهان و دلیل اشاره می‌کند و می‌فرماید:

**أَللَّهُمَّ بَلَى لَا تَحْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خَافٍ مَغْمُورٍ، لِثَلَا بِيَطُلُ حُجُجِ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ.**<sup>۲</sup>

آری هرگز زمین از حجت الهی خالی نمی‌ماند، خواه ظاهر بوده باشد و خواه مستور و پنهان، تا حجت‌های الهی و بیناتش باطل نگردد.

۱. روزنه‌هایی از عالم غیب، ص ۳۲۷.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۵۴۱. شیخ صدوق حدیث مذکور را از چند طریق حتی از اهل سنت نیز نقل کرده است.

مفسر بزرگ اهل سنت، که از او به خاتم المفسرین یاد کرده اند، «آقای شیخ اسماعیل حقی» صاحب «تفسیر روح البیان» در ذیل آیه **﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾**؛ «من بر روی زمین جانشینی [نامینده‌ای] قرار خواهم داد» (بقره: ۳۰). بر لزوم واسطه بین خالق و مخلوق. اعتراف و بلکه استدلال می‌کند ایشان در صفحه ۹۳ جلد اول تفسیر خود می‌نویسد<sup>۱</sup>:

خداوند متعال جهان را به وسیله خلیفه محافظت می‌فرماید؛ همان‌گونه که خزانه‌های جواهرات و اشیای قیمتی به وسیله قفل‌ها محافظت می‌شود. خلیفه الهی برای موجودات عالم جنبه محوری دارد و در هر زمانی بیش از یک نفر نخواهد بود. حکمت وجود خلیفه این است: از سویی خداوند متعال فیاض در کمال پاکی است و از سویی بندگان و مخلوقات دریافت‌کننده فیض، سرگرم امور مادی دنیوی اند. بنابراین خداوند خلیفه خود را که هم دارای جنبه تجرد است و هم جنبه مادی، قرار داد تا واسطه دریافت فیض به بندگان و مخلوقات باشد.

سپس ایشان مثال می‌زند و می‌گوید:

استخوان‌های بدن به تنهایی از دریافت غذای لازم عاجزند؛ زیرا تناسبی بین گوشت و استخوان نیست. خداوند حکیم غضروف را آفرید تا غذا را از گوشت بگیرد و به استخوان برساند.

این کلام به طور کامل بر لزوم حجت خدا و واسطه فیض بین خالق و مخلوق در هر زمانی دلالت می‌کند. اما خیلی عجیب است که این مفسر معروف ضمن آوردن چنین برهانی برای اثبات خلیفه‌الله و واسطه فیض، می‌نویسد این خلیفه‌اللهی با آدم شروع شد و با حضرت عیسی ختم شد: **«فالبء کان بآدم والختام یکون بعیسی علیه السلام»**. حتی برای

۱. و اعلم ان الله يحفظ العالم بالخلیفة كما يحفظ الخزائن بالختم، و هو القطب الذي لا يكون في كل عصر إلا واحداً.... والحكمة في الاستخلاف قصور المستخلف عليه عن قبول فيضه و تلقى أمره بغير واسطة: لأن الفيض تعالى في غاية التنزه والتقديس و المستفيض منغمس غالباً في العلائق الدنيوية و العوائق الطبيعية، فالاستفاضة منه انما تحصل بواسطة ذي جهتين أي ذي جهة التجرد و جهة التعلق و هو الخلیفة... ألا يرى ان العظم لما عجز عن أخذ الغذاء من اللحم لما بينهما من التباعد جعل الله تعالى بحكمته بينهما من الغضروف المناسبات لهما ليأخذ من اللحم و يعطي العظم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که اشرف رسولان و سرور کائنات است و خود اهل سنت به آن اعتراف دارند، مقام خلیفه الهی و وساطت بین خالق و مخلوق را قائل نشده، و هیچ دلیلی هم برای این سخن خود نیاورده است. شاید به منظور دوری کردن از اعتقاد شیعه چنین گفته است. ولی بر اثر غفلت، صدر و ذیل کلامش متناقض درآمده است. مهم این است که اعتقادات محکم شیعه اثنا عشری، حتی اعتقاد به لزوم وجود حجت خدا در هر زمانی، از قلم بزرگان اهل سنت نیز صادر شده است.

خوش تر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران

### یک دلیل روشن دیگر

عقل حکم می کند که اگر فردی با زحمات بسیار خویش در طول سالیان دراز، روش جدیدی را برای جامعه بشری ابداع کرد، باید برای بقا و استمرار آن نیز چاره اندیشی کند. هرگز عقل سلیم نمی پذیرد که شخصی با زحمات بسیار، بنایی را بسازد، ولی برای حفظ آن از خطرات آینده هیچ نوع پیشگیری به عمل نیاورد و مسئولی را برای حفظ آن معرفی نکند.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بزرگ ترین شخصیت بشر است که با آوردن شریعت خود، تحولی عظیم در اجتماع بشری ایجاد کرد و تمدنی نو را پی ریزی نمود. ایشان شریعتی حیات بخش و جاودانه به بشر عرضه کرد و با صراحت، خود را آخرین پیامبران معرفی نمود و احکام شریعت خود را از اصول و فروع و حلال و حرام تا قیامت پایدار و نامتغیر دانست. بنابراین هرگز معقول نیست که ایشان شریعتی ابدی را پایه گذاری کند،

---

۱. موسّس و بانی مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) واقع در میدان بهارستان تهران، که در عصر خود مدرسه بزرگ و ساختمانی باشکوه بود، برای حفظ و تحکیم بنای آن در وقف نامه دستورهایی درخور توجهی داده است؛ مثلاً توصیه کرده است که درآمد موقوفات در درجه اول برای تحکیم بنای مدرسه مصرف شود که برای آن هم متوالی و ناظر قرار داده است و سایر دستورهایی که در وقف نامه آمده است. البته مورد مذکور نمونه ای از هزاران موارد است که برای همگان معلوم و مشهود است و چون این حقیر وقف نامه مدرسه مزبور را دیده بودم آن را برای نمونه مطرح کردم.

ولی برای رهبری و حفظ آن در تمام اعصار فکری نکرده باشد.

پیامبری که از بیان کوچک‌ترین مسئله در زمینه سعادت بشر دریغ نکرده است، چگونه می‌تواند برای شریعتی جهانی و ابدی، فردی را تعیین نکند که متولی شریعت باشد تا در موقع لزوم، آن شریعت را به جهانیان ارائه دهد.<sup>۱</sup> از این رو هرگز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره سرپرستی امت و متولی شریعت، سهل‌انگاری نکرده، و تعیین چنین امام و رهبری را که زمام امور دنیوی و اخروی مردم به دست اوست، به انتخاب مردم یا شورا واگذار نکرده است؛ زیرا انتخاب مردم و تصمیم‌گیری افراد شورا، خالی از اغراض نفسانی و جوسازی‌های کاذب و پیروی از حزب، سازمان، قبیله و شخص نبوده و نخواهد بود تا چه رسد به آن مواردی که اصل انتخاب، فرمایشی و صوری باشد. اگر هم بنابر فرض، افراد در انتخاب مردم یا شورا هیچ‌گونه غرض‌ورزی نکنند و فقط دنبال مصلحت خود یا جامعه باشند، آیا از باطن و نیت آن نامزد ریاست باخبرند؟ بسیار اتفاق می‌افتد که فردی برای رسیدن به ریاست، سال‌ها زمینه‌سازی می‌کند و چون به قدرت می‌رسد، شروع به تاخت و تاز می‌نماید. درخور توجه است که این دلیل قاطع، در کلام حضرت مهدی علیه السلام در زمان کودکی ایشان آمده است؛ «شیخ صدوق رحمته الله علیه» نقل می‌کند:

«سعدبن عبدالله قمی» با «احمدبن اسحاق» به ملاقات امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدند. بعد از مذاکرات امام با احمدبن اسحاق، حضرت به سعدبن عبدالله فرمود: «مسائلی که می‌خواهی بپرسی از نور چشمم، این پسر بچه، سؤال کن». سعد از این آقا زاده بزرگوار سؤالاتی کرد و جواب گرفت. سپس عرض کرد: «مولای من! چرا مردم نمی‌توانند امامشان را خودشان انتخاب کنند و معین نمایند؟». امام پرسید: «مراد، امام صالح و اصلاحگر است یا امام فاسد و مفسد؟» سعد عرض کرد: «امام صالح». حضرت فرمود: «کسی از قصد و نیت مردم آگاهی ندارد که آیا طالب صلاح است یا فساد؟ بنابراین آیا

۱. این استدلال زیبا و روشن از کتاب منشور عقاید امامیه تألیف استاد عالیقدر و عالم فرزانه و کارشناس مسائل کلامی در عصر حاضر حضرت آیت‌الله سبحانی (مد ظله العالی) اقتباس شده است.

امکان دارد که برگزیده آنان قصد فساد داشته باشد؟» سعد عرض کرد: «آری». حضرت ولی عصر علیه السلام فرمود: «علت اینکه تعیین امام و جانشین رسول خدا به دست مردم نیست [و باید خداوند تعیین کند و رسولش ابلاغ نماید] همین است که با برهان برای گفتیم تا عقلت به اطمینان برسد».<sup>۱</sup>

هر که را عشق بود ساقی و عقل است ندیم      دولتی یافته بی کلفت جمع زر و سیم  
دفتر حسن و کمال تو کتابی است مبین      سنت عشق جمال تو حدیثی است قدیم  
هر چه آید ز تو، دانم همه را فوز مبین      وز در خویش مرانم که غذایی است البیم

### خلاصه بحث

در این گفتار بحث درباره اثبات وجود حجت خدا از دیدگاه عقل است که در این زمان مصداق آن تنها حضرت مهدی علیه السلام است. در این بحث توجه به دو مطلب لازم است:

۱. بحث مهدویت یک بحث اسلامی است. بنابراین سخن ما با مسلمانان است.  
۲. هر یک از مسلمانان باید دنبال بررسی و تحقیق از امام خود باشند؛ زیرا باید بدانند که احکام الهی را از چه شخصی می‌گیرند. آیا او راهی به سوی خدا دارد؟ و از این گذشته، روایت مورد قبول وارد شده است که شناختن امام زمان مساوی با مرگ جاهلیت و الحاد است.

بر هر یک از مسلمانان ضروری است که طبق حدیث معروف ثقلین که محدثان عامه و خاصه آن را نقل کرده‌اند، برای شناخت عترت سعی و تلاش کنند. این حدیث مشهور، راه نجات را منحصر به پیروی از قرآن و عترت دانسته است.

البته سه مطلب دیگر نیز در اینجا درخور توجه است:

۱. منافع وجودی بسیاری از مخلوقات، مربوط به انسان است.  
۲. هدف از خلقت انسان که موجود برتر است، برای رسیدن به کمال است.

۳. مکتب‌های سرمایه‌داری، کمونیسم و... نمی‌توانند انسان را به سعادت و کمال برسانند، بلکه تنها حجت خداست که می‌تواند انسان را به قله رفیع کمال خویش برساند.

در این بحث دو مناظره از هشام نقل شد که ایشان با دلیل محکم عقلی، لزوم حجت خدا را ثابت کرد و وجود انسان کاملی را که جوابگوی همه مسائل باشد، رفع اختلاف کند و آگاه از اسرار خلقت باشد، ضروری دانست.

سپس به دلیل هدایت عامه اشاره شد که این قانون کلی ما را با لزوم وجود امام و حجت خدا آشنا می‌سازد. علامه طباطبایی از این برهان برای اثبات وجود امام در هر عصری استفاده کرده است. همچنین کلامی از پروفیسور کربن در ویژگی مذهب تشیع و قطع‌نشدن واسطه فیض بین خالق و مخلوق آورده شد که درخور توجه است.

و نیز علامه طباطبایی رحمته الله علیه از میهمان فرانسوی خود که مسلمان شده بود، کلامی نظیر کلام کربن نقل نموده و همچنین اشاره شد به کلام علی علیه السلام خطاب به کمیل که «جهان از حجت خالی نخواهد شد»، که برهان عقلی را تکمیل می‌نماید. حتی مفسر بزرگ اهل سنت یعنی صاحب تفسیر روح البیان در ذیل آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» به این برهان و دلیل قاطع اعتراف می‌کند، گرچه در خاتمه مطلبی گفته که با اعترافش سازگار نیست.

در پایان به دلیل روشن دیگری اشاره شد که هرگز معقول نیست فردی با زحمت فراوان، تحولی ایجاد کند، ولی در فکر عامل نگهدارنده آن نباشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز جانشینانی را تعیین کرد تا نگهدارنده بنایی باشند که ایشان بنیان نهاد که در هر عصری یکی از این جانشینان حضور داشته و حافظ بنای اسلام بوده است. در این گفتار از پنج روش برای اثبات وجود امام و حجت خدا در هر زمانی استفاده کردیم که هر یک برای صاحبان عقل و اندیشه کافی است تا مقابل حق و حقیقت تواضع کنند و به حجت خدا در هر زمانی ایمان آورند.



## سؤالات گفتار اول

۱. مخاطب ما در بحث مهدویت چه کسانی اند؟
۲. به چه دلیل پیگیری شناخت امام بر مسلمان واجب و لازم است؟
۳. علامه امینی درباره حدیث «من مات ولم يعرف امام زمانه...» چه می فرماید؟
۴. یکی از ادله عقلی در اثبات وجود حجت، وضع خلقت جهان بود، تقریر آن چگونه است؟
۵. هشام بن حکم در بصره با چه کسی مناظره کرد؟
۶. هشام در آن مناظره از چه راهی وجود حجت خدا را ثابت کرد؟
۷. چگونه هشام فقیه شامی را در بحث محکوم کرد؟
۸. مراد از قانون هدایت عمومی و حرکت به سوی هدف چیست؟
۹. کمال انسان در سایه چه قانونی تأمین می شود و آیا این قانون را می توان از طریق عقل به دست آورد؟
۱۰. پروفیسور کربن ویژگی مذهب تشیع را در چه می داند؟
۱۱. سؤال علامه طباطبایی از میهمان فرانسوی خود چه بود؟
۱۲. علی علیه السلام به کمیل چه فرمود؟
۱۳. صاحب تفسیر روح البیان در ذیل آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» چه گفته است؟
۱۴. حضرت مهدی علیه السلام در زمان کودکی برای لزوم نصب امام از جانب خدا چگونه استدلال کرد؟
۱۵. مهم ترین مسئله برای بنیان گذاران بناهای مهم و پایه گذاران نهضت های اصلاحی چیست؟
۱۶. در این گفتار مجموعاً از چند روش عقلی برای اثبات امام و حجت خدا در هر عصری استفاده کردیم؟



گفتار دوم:

اثبات وجود حضرت مهدی عجل الله فرجه از دیدگاه نقل



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ! سَلَامٌ مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوَلَايَةِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ  
 الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا  
 وَجَوْرًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ  
 وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ  
 اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۱</sup>.

سلام بر تو ای مولای من، سلام و تحیت خالصانه و با ایمان به ولایت و امامت تو.

گواهی می‌دهم که تو پیشوا و رهنمای عالم هستی به گفتار و کردار؛

تویی آن که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آن که پر از جور و بیداد گردیده  
 است.

خداوند ظهور تو را زود گرداند، و خروجت را آسان فرماید، زمان سلطنت تو را نزدیک  
 سازد، و یاورانت را فراوان نماید،

و وعده ظفر و پیروزی را که به تو فرموده است، به زودی برآورده سازد، چرا که او  
 راستگوترین سخنگویان است و خود فرموده است:

«ما می‌خواهیم بر اهل ایمان که آنان را که ضعیف و ناتوان کردند، منت گذاشته و  
 نعمت بزرگ عطا کنیم و آنان را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث زمین گردانیم.»

۱. مفاتیح الجنان، استغاثه به حضرت مهدی عج.



در مباحث گذشته وجود حجت خدا از طرق مختلف ثابت شد و دریافتیم که به حکم عقل، خلقت عالم بدون وجود حجت الهی کاری بیهوده است. در این گفتار، مسئله رهبری و مهدویت را از دیدگاه آیات و روایات بررسی می‌کنیم تا معلوم شود خداوند متعال و پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ به این مطلب توجه بسیار داشته‌اند و امت اسلام را با این مسئله حیاتی و بنیادی آشنا ساخته‌اند تا جایی که پیامبر ﷺ به تعداد پیشوایان آسمانی و نام آنها به‌ویژه به مهدی موعود و ویژگی‌های او با صراحت تمام اشاره کرده است.

## قرآن و امامت

در قرآن آیات زیادی داریم که یا به مسئله امامت و رهبری اهل بیت علیهم‌السلام، یا به عظمت و فضایل آنان اشاره می‌کند تا از این طریق، شخصیت‌های ممتاز جهان اسلام را به امت اسلامی معرفی نماید؛ برای نمونه به برخی از این آیات اشاره می‌کنیم:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾

(احزاب: ۳۳)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا

تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۴۳)

پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم اگر نمی‌دانید از آگاهان بپرسید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه: ۱۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و با صادقان و راستگویان باشید.

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ  
وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى  
الْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران: ۶۱)

هرگاه بعد از علم و دانشی که به تو رسیده، [باز] کسانی درباره مسیح با تو به ستیز  
برخیزند، بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما نیز فرزندان خود را؛ ما زنان  
خویش را دعوت نماییم، شما نیز زنان خود را؛ ما از نفوس خود [و کسی که همچون  
جان ماست] دعوت کنیم، شما نیز از نفوس خود، آن‌گاه مباحله [و نفرین] کنیم و  
لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ  
تَحْكُمُونَ﴾ (یونس: ۳۵)

آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کس که  
هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟  
در اینجا ضمن اشاره به دو آیه و بیان نظر محدثان و مفسران شیعه و سنی درباره  
شان نزول و معنای این آیات، توضیحی داده می‌شود تا برای امت اسلام معلوم شود که  
خداوند متعال، بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرد خاصی را معین کرده، و به مسئله  
رهبری توجه ویژه‌ای داشته است.

### آیه تبلیغ

خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ  
اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده: ۶۷)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است به‌طور کامل [به مردم] ابلاغ  
کن، و اگر چنین نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای. خداوند تو را از [خطرات احتمالی]  
مردم حفظ می‌کند و خداوند، گروه کافران [جوج] را هدایت نمی‌کند.



## نگاه اجمالی به آیه تبلیغ

هر مسلمان بانصافی که خود را اسیر تعصب‌های مذهبی و پیش‌داوری‌ها نکند، با توجه به شواهد موجود در این آیه به‌طور قطع حکم می‌کند که آیه، به مسئله رهبری و امامت بعد از رحلت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مربوط است. در اینجا به برخی از شواهد اشاره می‌شود:

- سوره مائده در اواخر عمر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده است.

- خداوند در آیه، تکلیفی را بر دوش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گذارد و با خطاب: «يَا أَيُّهَا

الرَّسُولُ» شروع می‌شود.

- آنچه را از جانب پروردگار نازل شده و دستور داده شده است به مردم برسان:

﴿بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ﴾

- اگر از ابلاغ این دستور خودداری کنی، رسالت الهی را ابلاغ نکرده‌ای.

- خداوند تو را از خطرات احتمالی حفظ می‌کند که معلوم می‌شود در تبلیغ آن،

احتمال خطر و وقوع فتنه بین مسلمانان وجود داشته است.

- در آخر آیه، کسانی که برابر این مطلب لجاجت کنند و به آن کفر ورزند، با جمله «وَ

اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ «خداوند گروه کافران [جوج] را هدایت نمی‌کند» تهدید شده‌اند.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به چه چیزی مأمور شده است که

اگر انجام نشود، رسالتش را انجام نداده است؟ حال آنکه پیامبر هرگز تخلف از دستور

الهی نمی‌کرد. این چه مطلب مهمی بوده است که خداوند به او اطمینان می‌دهد که او را

از خطرات احتمالی حفظ می‌کند؟<sup>۱</sup>

آیا می‌توان گفت مسئله شرک و توحید و بت‌شکنی، منظور خداوند است و حال

آنکه این مسائل از ابتدای بعثت مطرح بوده است. آیا می‌توان گفت آیه مربوط به احکام

---

۱. در تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۱۶۷ آمده است: مورد قبول تمامی اهل نقل است که سوره مائده آخرین سوره طولانی است که در اواخر عمر شریف پیامبر نازل شد و لذا روایات شیعه و سنی می‌گویند: در آیات سوره مائده ناسخ هست، اما منسوخ نیست. در تفسیر نمونه از المنار، ج ۶، ص ۱۱۶ نقل می‌کند: این سوره در حجة‌الوداع و بین مکه و مدینه نازل شده است.

بوده است و حال آنکه احکام نماز، روزه، جهاد، حج، زکات و... پیش از آن بیان شده است و هرگز درباره یک حکم شرعی حتی مثل نماز که ستون دین است با چنین لحنی با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن گفته نشده است.

آیا می‌توان گفت آیه مربوط به اهل یهود، نصارا یا منافقان بوده است و حال آنکه اسلام از ابتدای ورود در مدینه با آنها مبارزه کرده و آیات فراوانی در این رابطه نازل شده و پیامبر هرگز در برخورد با آنها وحشت نداشته است.

پس نزول آیه در اواخر عمر حضرت و خوف ایشان از کارشکنی‌های منافقان و مساوی بودن ابلاغ این مسئله با تمامی رسالت الهی، دلالت کامل دارد که این موضوع، چیزی غیر از تعیین جانشین برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سرنوشت آینده اسلام و مسلمانان نخواهد بود.

در تفسیر نمونه آمده است: دانشمندان اهل تسنن، اعم از مفسر، محدث، مورخ و بسیاری از صحابه مثل ابوسعید خدری، ابن عباس، جابر بن عبدالله انصاری، ابوهریره، حذیفه، ابن مسعود و دیگران نقل کرده‌اند که آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ...﴾ درباره علی عَلِيٌّ و ماجرای روز غدیر نازل شده است.<sup>۱</sup>

## آیه ولایت

خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ

هُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده: ۵۵)

سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ آنها که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

۱. گفتنی است روایات مذکور فقط روایاتی است که می‌گوید آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ...﴾ درباره علی عَلِيٌّ نازل شده است و گرنه روایاتی که درباره جریان غدیر و خطبه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و معرفی علی عَلِيٌّ به وصایت و ولایت است، به مراتب بیش از آن است. علامه امینی رَحِمَهُ اللهُ در الغدیر، حدیث غدیر را از ۱۱۰ صحابی و ۸۴ تابعی، با اسناد و مدارک از ۳۶۰ دانشمند و کتاب‌های معروف اسلامی نقل می‌کند. حدیث غدیر از قطعی‌ترین روایات متواتر اسلامی است که جای هیچ‌گونه تردیدی را باقی نمی‌گذارد و همچون خورشید در وسط روز، ولایت و امامت علی بن ابی‌طالب عَلِيٌّ را برای مسلمانان معلوم و مشخص می‌کند.

آیه شریفه با کلمه «أَتَمَّا» شروع شده است که در بر دارنده معنای «حصر» است؛ یعنی فقط خدا و رسولش و کسانی که ایمان آورده‌اند و نماز می‌خوانند و در حال رکوع زکات می‌دهند، ولی و سرپرست شمایند.

کلمه «ولی» را در آیه نمی‌توان به معنای دوست و ناصر گرفت؛ زیرا دوستی و یاری کردن مخصوص کسانی نیست که در حال رکوع زکات بدهند. بلکه دستور است که همه مسلمانان یکدیگر را دوست بدارند و یاور همدیگر باشند؛ خواه زکات بر آنها واجب باشد یا خیر و خواه زکات را در حال نماز و رکوع بپردازند یا در حال دیگر.

پس معلوم می‌شود که «ولی» در این آیه شریفه به معنای سرپرستی و امامت و رهبری در امور مادی و معنوی است؛ به‌ویژه اینکه ولایت کسانی که در نماز و در حال رکوع زکات می‌دهند در ردیف ولایت خدا و رسول خدا قرار گرفته است که قرآن با صراحت درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ولایت ایشان می‌فرماید: «التَّيُّ أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»؛ «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است». (احزاب: ۶) این آیه شریفه با بیانی صریح و روشن بر ولایت و امامت گروه یا فرد خاصی که در حال رکوع نماز خود، زکات داده است دلالت می‌کند.

#### مصدق آیه ولایت

عالم بزرگ و دانشمند فرزانه «سید شرف‌الدین» در کتاب گرانسنگ «المراجعات»<sup>۱</sup> می‌نویسد:

روایات متواتر از ائمه داریم که آیه در حق علی علیه السلام نازل شده است. همچنین عده‌ای از بزرگان اهل سنت در کتاب‌های خود روایاتی نقل کرده‌اند که دلالت می‌کند نزول آیه درباره علی علیه السلام است. این موضوع در «صحیح نسائی»، «اسباب‌النزول امام واحدی»، «مسند ابن مردویه» و «کنز العمال» نقل شده است. این روایات به قدری مشهور است

که عده‌ای از علمای اهل سنت مانند «امام قوشجی» در مبحث امامت شرح تجرید می‌گوید: «اجماع داریم بر اینکه آیه **«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...»** در حق علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است.

سپس سید شرف‌الدین از «تفسیر کبیر امام ثعلبی» که از جایگاه بسیار بالایی نزد اهل سنت برخوردار است، روایتی را از ابوذر غفاری در ذیل آیه **«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...»** نقل می‌کند:

ابوذر می‌گوید مطلبی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم و شاهد بودم، که اگر دروغ بگویم هر دو گوشم کر باد و هر دو چشمم کور باد. حضرت فرمود: **«عَلِيٌّ قَائِدُ الْبَرَّةِ وَقَاتِلُ الْكُفْرَةِ مَنْصُورٌ مِّنْ نَّصْرِهِ مَخْذُولٌ مِّنْ خَذَلِهِ»**؛ «علی علیه السلام پیشوای نیکوکاران و کشنده کافران است. هر کس او را یاری کند، خدا یاری‌اش خواهد کرد و هر کس دست از یاری‌اش بردارد، خدا دست از یاری او برخواهد داشت».

سپس ابوذر می‌گوید: ای مردم! روزی با رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نماز می‌خواندم. سائلی وارد شد و از مردم تقاضای کمک کرد. چیزی به او داده نشد. دست به آسمان بلند کرد و عرضه داشت: «خداوندا! در مسجد رسول تو کمک خواستم و کسی جوابم را نداد». در همین حال علی علیه السلام که در حال رکوع نماز بود با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد. سائل نزدیک آمد و انگشت را از دست آن حضرت بیرون آورد. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله سر به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خداوندا! برادرم موسی از تو خواست که به او شرح صدر بدهی و کارها را بر او آسان بسازی و گره از زبانش بگشایی تا مردم گفتارش را بفهمند و نیز تقاضا کرد که برادرش هارون را وزیر و یاورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی<sup>۱</sup> و خواسته‌های او را عطا کردی. خداوندا! من محمد برگزیده توام. سینه مرا گشاده و کارها را بر من آسان ساز و از خاندانم، علی علیه السلام را وزیر من گردان تا به وسیله او پشتم قوی و محکم گردد».

ابوذر می گوید: «هنوز دعای پیامبر صلی الله علیه و آله تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد و آیه **﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...﴾** را بر حضرت خواند.<sup>۱</sup>

کمترا آیه ای در قرآن وجود دارد که برای شأن نزول آن، این همه روایات از شیعه و سنی نقل شده باشد. در این باره فقط «سیدهاشم بحرانی» (متوفای ۱۱۰۷ ه. ق) در کتاب «غایة المرام»، ۲۴ حدیث از اهل تسنن، و نوزده حدیث از شیعه نقل می کند. آیا می توان این همه روایات را نادیده گرفت؟ حال آنکه معمولاً مفسران شیعه و سنی در شأن نزول آیات به یک یا دو روایت بسنده می کنند.

بنابراین، آیه **﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...﴾** از آیاتی است که به طور روشن و قطعی، دلالت بر ولایت و امامت علی علیه السلام می کند و به عبارت دیگر این آیه به وضوح اهمیت امامت و خلافت را بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله می رساند و نیز دلالت کامل دارد که باید مسئله رهبری امت اسلامی از جانب خداوند متعال تعیین شود.

آری، این مسئله به قدری روشن و آشکار بوده است که «حسان بن ثابت»، شاعر معروف در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، واقعه را به شعر درمی آورد و می گوید:

فَأَنْتَ الَّذِي أُعْطِيتَ إِذْ كُنْتَ رَاكِعًا      زَكَاةَ فِدْتِكَ النَّفْسُ يَا خَيْرَ رَاكِعٍ  
فَأَنْزَلَ فِيكَ اللَّهُ خَيْرَ وِلَايَةٍ      وَبَيْنَهَا فِي مُحْكَمَاتِ الشَّرَائِعِ<sup>۲</sup>

یعنی تو بودی که در حال رکوع زکات دادی، جان به فدای تو باد ای بهترین رکوع کنندگان! به دنبال آن خداوند بهترین ولایت را درباره تو نازل کرد و در ضمن قرآن و آیات، آن را به ثبت رساند.

۱. علامه امینی در جلد ۲ الغدير، ص ۵۲ بیست نفر از بزرگان و مشاهیر اهل سنت را نام می برد که نزول آیه **﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...﴾** را مربوط به علی علیه السلام می دانند و عده ای از این بیست نفر روایت ابوذر را که در بالا نقل شده است، آورده اند. برای اطلاع از نام آنها و کتاب های شان با ذکر صفحات و ویژگی های دیگر به کتاب مذکور مراجعه شود. همچنین در تفسیر نمونه ج ۴، ص ۴۲۵ آمده است: کتاب های معروفی که این حدیث در آن نقل شده، از سی کتاب تجاوز می کند که همه از منابع اهل تسنن است. گفتنی است این تفسیر، مقداری از آنها را با ذکر صفحات نقل می کند.

۲. علامه امینی در الغدير، ج ۲، ص ۵۹ این اشعار حسان را از خطیب خوارزمی و شیخ الإسلام حموی و گنجی و سبط ابن جوزی و جمال الدین زرنندی که از علمای اهل سنت می باشند نقل می نماید.

## نتیجه گیری

از این بحث کوتاه معلوم شد:

اولاً: خداوند متعال، امام و رهبری را که بتواند همچون رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عهده دار رهبری و جوابگوی مسائل دینی، دنیوی و اخروی همگان باشد، تعیین و نصب کرده است؛

ثانیاً: ابلاغ آن را با رسالت برابر دانسته است؛

ثالثاً: به او ولایتی هم طراز با ولایت خود و رسولش داده است.

با توجه به اهمیت مسئله امامت و تأثیر آن در سراسر زندگی مادی و معنوی، به طور قطع تعیین امام منحصر به زمانی، مثل زمان حیات علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام نمی شود. بلکه باید این تعیین برای هر عصری، از جانب خداوند انجام شود. بیان نام و ویژگی های آن امامان نیز به عهده رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گذارده شده است؛ چنان که تفصیل مسائل دیگر از قبیل نماز، روزه، حج و زکات و نیز تفصیل بعضی از مسائل اعتقادی از قبیل حال محتضر، سؤال در قبر، ویژگی های قیامت، مواقف قیامت و... به عهده رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گذارده شده است. پیامبر همان گونه که به امامت و خلافت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام تصریح کرده است، در ضمن روایات فراوان و کلمات خویش، بارها تعداد و حتی نام و ویژگی های جانشینان خود را برای تمامی زمان ها بیان کرده است که در بحث روایی به آنها اشاره خواهیم کرد.

بنابراین، قرآن پیروان خود را با صراحت به امام و رهبر صالح که دارای ولایت از جانب خداوند باشد، ارجاع می دهد و گاهی از آنان به اهل ذکر، صادقان، اهل بیت، ذوی القربی، راسخان در علم و... تعبیر می کند.

قرآن کریم به اندازه ای مسئله امامت را با اهمیت شمرده است که علامه طباطبایی رَحِمَهُ اللهُ ذیل آیه **﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْسَمُ﴾** «این قرآن به راهی که استوارترین راه است، هدایت می کند». (اسراء: ۹) دو روایت نقل می کند که در یکی آمده: «یهدی الی

الولاية» و در دیگری آمده است: «يهدي الى الامام»؛ یعنی قرآن پیروان خود را به سوی امامت و ولایت راهنمایی می‌کند.

یکی از روش‌های قرآن برای معرفی امامان صالح و شایسته این است که به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾؛ «بگو من هیچ‌گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم)» (شوری: ۲۳).

و در سوره فرقان می‌فرماید:

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ (فرقان: ۵۷)

بگو من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) از شما هیچ‌گونه پاداشی نمی‌طلبم. مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند.

این دو آیه کنار هم به روشنی بیان می‌کند که راهی به سوی خدا و دین او، به جز پیروی از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیست. ﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ﴾؛ «این نامه اعمال شماست که ما نوشته‌ایم و به حق بر ضد شما سخن می‌گوید» (جاثیه: ۲۹).

## مه‌دویت از دیدگاه قرآن

اکنون که با لزوم وجود امام و حجت الهی در هر زمانی از دیدگاه عقل و نقل آشنا شدیم، به بحث درباره مه‌دی موعود، که هدف اصلی ماست، می‌پردازیم. قرآن در آیات متعددی، به مسائل مه‌دویت اشاره کرده است که در اینجا برخی از آنها را بیان می‌کنیم:

بعضی از آیات بیانگر این معناست که خداوند اراده کرده است مستضعفان و بندگان صالح خود را حاکمان روی زمین قرار دهد: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)

و حتی خداوند این اراده حتمی خود را در زبور نیز بیان کرده است؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵).

بعضی از آیات دیگر نیز بیانگر این مطلب است که به یقین باطل از بین خواهد رفت و حق و حقیقت جایگزین آن می شود؛ مثلاً آنجا که می فرماید: ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾ (انبیاء: ۱۸) همچنین می فرماید: ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾؛ «حق آمد و باطل نابود شد، زیرا باطل نابود شدنی است» (اسراء: ۸۱).

گفتنی است در روایات آمده است زمانی که حضرت مهدی علیه السلام متولد شد، امام عسکری علیه السلام فرزند خود را طلب کرد و دید در بازوی راست نوزاد نوشته شده است: ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾<sup>۱</sup>.

بعضی از آیات دیگر بیانگر این مطلب است که کلمه پاک، ماندنی، و ناپاکی نابودشدنی است. خداوند می فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ \* تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ \* وَ مِثْلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾ (ابراهیم: ۲۴-۲۶)

آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبه [و گفتار پاکیزه] را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت و شاخه آن در آسمان است هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد و خداوند برای مردم مثل‌ها می زند شاید متذکر شوند [و پند گیرند] و کلمه خبیثه [و سخن ناپاک] را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از زمین ریشه کن شده و قرار و ثباتی ندارد.

برخی از آیات نیز بیانگر این نکته است که به طور کلی زمین برای صاحبان تقوا خواهد بود؛ همان گونه که اموال پدر بعد از مرگ برای فرزندان اوست. خداوند می فرماید:



﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف: ۱۲۸)

زمین از آن خداست، و آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد واگذار می‌کند و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است.

در پایان درخور توجه است که خداوند در سه آیه از قرآن می‌فرماید: دین و مکتبی که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده است بر تمامی ادیان غلبه می‌یابد و هدف بعثت پیامبر، سیطره یافتن اسلام بر سایر مکتب‌هاست:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۳).

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند.

### نتیجه‌گیری از آیات

اولاً: آنچه خداوند متعال در این آیات وعده داده است، از قبیل حکومت صالحان، غلبه حق بر باطل و از همه مهم‌تر به اهتزاز درآمدن پرچم اسلام، تخلف‌ناپذیر است؛ همان‌گونه که در کلام الهی با صراحت آمده است: ﴿لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾؛ «خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند» (روم: ۶).

ثانیاً: آثار اشاره‌شده در این آیات، همان مطالبی است که در صدها روایت درباره حکومت عدل مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه به تفصیل آمده است. بنابراین تمام فرقه‌های اسلامی، طبق روایات فراوان، منتظر ظهور منجی عالم‌اند.

### یک مطلب مهم

همان‌گونه که بیان شد براساس آیات و روایات، اسلام بر تمام ادیان غلبه می‌یابد. اما این سؤال مطرح است که با توجه به فرقه‌های مختلفی که در اسلام وجود دارد، کدام مذهب در آینده حاکم خواهد شد؟

قرآن در این باره می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ (نور: ۵۵)

خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد؛ همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، برایشان پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند [به گونه‌ای] که فقط مرا می پرستند و چیزی را همتای من قرار نخواهند داد و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها همان فاسقان‌اند.

بنابراین دین پسندیده پروردگار، همان اسلام است: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ (آل عمران: ۱۹).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در غدیر خم آن خطبه معروف و مورد قبول همه مسلمانان را بیان کرد و حضرت علی علیه السلام را مولا و سرپرست و صاحب اختیار امت اسلام معرفی و نصب کرد. مسلمانان نیز در همان جا با علی علیه السلام بیعت کردند و آیه نازل شد که امروز، دین کامل شد و نعمت الهی بر شما تمام شد و من از چنین اسلامی راضی‌ام:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده: ۳).

امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین [جاودان] شما پذیرفتم.

براساس تحقیق علامه امینی در الغدیر، عده زیادی از بزرگان اهل سنت اعتراف کردند که این آیه در هیجدهم ذی حجه و در واقعه غدیر خم نازل شده است. بنابراین فقط مذهب شیعه به حاکمیت اهل بیت علیهم السلام در آینده جهان اعتقاد دارد.

## امامت و مهدویت از دیدگاه روایات

در این رابطه روایات فراوانی نقل شده است. همچنین علمای بزرگ کتاب‌های ارزنده‌ای را در این باره تألیف کرده‌اند.

### تعداد امامان و اسامی آنها

تعداد امامان معصوم در روایات فراوان نقل شده است. فقط روایاتی که تعداد امامان و خلفای رسول خدا ﷺ را دوازده نفر می‌داند، ۲۷۱ حدیث است که بخشی از این روایات از کتاب‌های صحیح بخاری، صحیح ترمذی، صحیح مسلم، صحیح ابوداود، مسند احمد و دیگر کتاب‌های معتبر اهل سنت نقل شده است. تنها احمد بن حنبل این روایات را از ۳۴ طریق نقل می‌کند. در صحیح بخاری چنین آمده است:

جابر بن سمرة قال سمعت النبي ﷺ يقول: يَكُونُ إِثْنِي عَشَرَ أَمِيرًا فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا فَقَالَ أَبِي: إِنَّهُ قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

جابر می‌گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: «دوازده امیر خواهد آمد». سپس کلمه‌ای را گفتند که من نشنیدم. پدرم به من گفت: «حضرت فرمود: همگی از قریش خواهند بود».

همچنین چهل حدیث نقل شده است که عدد ائمه را با عدد نقبای بنی اسرائیل و حواریون حضرت عیسیٰ (ع) که دوازده نفر بودند، منطبق کرده است. این روایات متواتر، دلیل روشنی بر حقانیت مذهب شیعه اثناعشری است؛ زیرا هیچ‌یک از فرقه‌های اسلامی به دوازده نفر معتقد نیست؛ به‌ویژه اینکه در برخی از روایات آنان را از «قریش»، و در برخی دیگر آنان را از «هاشم» برشمرده است. در برخی روایات دیگر نیز عزت و بقای اسلام را وابسته به آنها دانسته است.

همچنین ۱۳۳ روایت دلالت می‌کند که ائمه دوازده نفرند و نخستین آنها علی بن ابی طالب (ع) است. در «ینابیع الموده» تألیف «شیخ سلیمان بلخی قندوزی حنفی» از علمای عامه چنین نقل شده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّ حَرْبِكَ حَرْبِي وَسِلْمُكَ سِلْمِي وَأَنْتَ الْإِمَامُ وَأَبَوِ الْأَئِمَّةِ الْإِحْدَى عَشَرَ الَّذِينَ هُمُ الْمُطَهَّرُونَ الْمُعْصُومُونَ وَمِنْهُمْ الْمُهْدِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای علی تو وصی من هستی. جنگ تو به منزله جنگ من است. سازش با تو به منزله سازش با من است و تو امام و پدر یازده امامی که آنها از طهارت و عصمت برخوردارند و یکی از آنها مهدی است که زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد.

همچنین ۹۱ حدیث دلالت می‌کند ائمه دوازده نفرند که نخستین آنها علی عَلَيْهِ السَّلَام و آخر آنها مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است. در کتاب «کمال‌الدین» تألیف «شیخ صدوق» آمده است امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام از پدرش و ایشان از جدش نقل می‌کند که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ أَوْ هُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ»؛ «امامان دوازده نفرند: نخستین آنها تو هستی یا علی، و آخر ایشان قائم».

همچنین در ۹۴ حدیث، فقط آخرین حلقه از این سلسله را بیان کرده و فرموده است: «آخِرُهُمُ الْمُهْدِي». از «مناقب ابن شهر آشوب» نقل شده است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقِي وَمِيثَاقَ إِثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا بَعْدِي وَهُمْ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، الثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَأْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند متعال از من و دوازده امام بعد از من میثاق و عهد گرفته است [که به شرایط رسالت و امامت عمل کنند] و اینها حجت‌های الهی بر خلق‌اند. دوازدهمین آنها قائم است که خداوند بواسطه او زمین را بعد از ظلم و جور، پر از قسط و عدل می‌کند.

۱۲۰ حدیث نیز دلالت می‌کند که ائمه دوازده نفرند و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را اسم برده و سپس فرموده است: «نه نفر دیگر از فرزندان حسین عَلَيْهِ السَّلَام خواهند بود».

در «کفایة الأثر» آمده است: عبدالله بن عباس قال سمعتُ رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «أنا وعلي والحسن والحسين وتسعة من أولد الحسين مطهرون معصومون»؛ «عبدالله بن عباس می گوید: از رسول خدا صلى الله عليه وآله

شنیدم که فرمود: من و علی و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین پاک و معصومند».<sup>۱</sup>

۱۰۷ حدیث نیز همانند احادیث قبل است فقط می افزاید که نهمین فرزند امام حسین علیه السلام، قائم و مهدی آنهاست. در کتاب «کشف الیقین» تألیف «علامه حلی» از مسند احمد بن حنبل نقل شده است که پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به امام حسین علیه السلام فرمود: «هذا ابني امام، أخو امام، ابن امام أبو أئمة تسعة وتاسعهم قائمهم»؛ «این حسین فرزندم، امام است و برادر امام است و فرزند امام و پدر نه نفر از امامان است که نهمین آنان قائم است».<sup>۲</sup>

درخور توجه است که ۱۸۵ حدیث، حضرت مهدی را از نسل علی بن الحسین علیه السلام، ۱۰۳ حدیث، از نسل امام باقر علیه السلام، ۱۰۳ حدیث، حضرت مهدی را از نسل امام صادق علیه السلام، ۹۹ حدیث، او را ششمین فرزند امام صادق علیه السلام معرفی می کند. همچنین ۱۰۱ حدیث، حضرت مهدی را از نسل امام کاظم علیه السلام، ۹۸ حدیث، او را پنجمین فرزند امام کاظم علیه السلام، ۹۵ حدیث، مهدی را از فرزندان علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۹۰ حدیث، مهدی را سومین فرزند امام جواد علیه السلام، ۹۰ حدیث او را از فرزندان امام هادی علیه السلام و ۱۴۸ حدیث، مهدی را فرزند امام عسکری دانسته است.

گفتنی است در پنجاه حدیث، نام تمامی دوازده نفر نقل شده است که ما به ذکر یک روایت بسنده می کنیم:

جابر بن عبدالله انصاری می گوید وقتی آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» نازل شد، به پیامبر صلى الله عليه وآله عرض کردم: «خدا و رسول را می شناسیم. این اولوالأمر که طاعتشان قرین طاعت خدا و رسولش قرار گرفته است، چه کسانی اند؟» حضرت فرمود: «اینها خلفای من و ائمه مسلمانان خواهند بود. اول آنها علی بن ابی طالب، بعد حسن، بعد

۱. کفایة الاثر، ص ۱۹.

۲. کشف الیقین، ص ۳۳۱.

حسین، بعد علی بن الحسین، بعد محمد بن علی، که در تورات معروف است به باقر و تو او را خواهی دید و سلام من را به ایشان برسان، بعد جعفر بن محمد الصادق و بعد موسی بن جعفر و بعد علی بن موسی و بعد محمد بن علی و بعد علی بن محمد و بعد حسن بن علی و بعد فرزند حسن بن علی [صلوات الله علیهم اجمعین] آنکه نام او، نام من و کنیه او، کنیه من است و بعد از غیبتی، به دست او مشرق و مغرب زمین فتح خواهد شد...»<sup>۱</sup>

نکاتی که از این احادیث استفاده می شود:

اولاً: این احادیث، بیانگر غیبگویی و معجزه‌ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که تا حدود ۲۵۰ سال بعد از خود را بیان کرده است؛

ثانیاً: اینکه حضرت فرمود خلفای من دوازده نفرند، این عقیده و مذهب، با عقاید هیچ‌یک از مذاهب اسلامی جز مذهب امامیه اثناعشری مطابق نیست؛ زیرا اهل سنت معمولاً به خلفای چهارگانه، یعنی ابوبکر، عمر، عثمان و علی رضی الله عنهم اکتفا می کنند. بنابراین اگر بخواهند خلفای بنی امیه را بر آنها بیفزایند، بیش از دوازده نفر می شوند<sup>۲</sup> و اگر بخواهند با خلفای بنی العباس محاسبه کنند، افزون بر اینکه خلافت آنها با عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله فاصله داشته، عددشان بیش از سی نفر است.

از آنجا که این روایات مقابل چشم علما و محدثان بوده است و برخی نخواستند اعتراف به حق کنند یا مرعوب ساخته‌های ذهنی خود بوده‌اند، با تشویش خاطر، تأویلاتی خنده‌آور گفته‌اند؛ برای نمونه «قاضی عیاض» دوازده نفر را منطبق کرده است با ابوبکر، عمر، عثمان، علی رضی الله عنهم، معاویه، یزید بن معاویه، عبدالملک مروان و چهار فرزندان او، یعنی ولید، سلیمان، یزید، هشام و ولید بن یزید بن عبدالملک. او مدعی شده است که در زمان خلافت اینان، مسلمانان اجتماع بر خلافت آنها داشته‌اند و اسلام در عزت به سر می برده است.

۱. آنچه از تعداد امامان تا اینجا ذکر شد از کتاب منتخب الأثر، تألیف آیت الله صافی گلپایگانی (مد ظله العالی) است.

۲. زیرا از معاویه تا مروان بن محمد بن مروان بن حکم که آخرین خلیفه این سلسله بود، چهارده نفر می شوند که با چهار خلیفه مجموعاً هجده نفر خواهند شد.

## کفتار دوم؛ اثبات وجود حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه نقل ۷۱

ابن حجر هم کلام قاضی عیاض را بهترین توجیه برای این روایات دانسته است.<sup>۱</sup> این افراد خواسته‌اند عدد دوازده‌ای درست کنند و حال آنکه، دانسته یا ندانسته، از این نکته غافل شده‌اند که در این روایات، دوازده نفر را از قریش و بلکه از بنی‌هاشم معرفی می‌کند و نیز در مقام مدح و تجلیل از آن دوازده نفر، آنها را تشبیه به نقبای بنی‌اسرائیل و حواریون عیسی کرده است.

آیا می‌توان معاویه را خلیفه پیامبر دانست درحالی‌که او مقابل علی ایستاد و آن همه خونریزی کرد؟ آیا می‌توان یزید را جانشین پیامبر دانست که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و یارانش را آن‌گونه به قتل رساند؟ آیا می‌توان عبدالملک را خلیفه رسول خدا دانست که شخصی مثل «حجاج» را والی و حاکم بر مسلمانان کرد؟ آیا می‌توان ولیدبن یزیدبن عبدالملک را خلیفه رسول خدا دانست که بسیار شراب می‌نوشید تا آنجا که حتی اراده کرد به حج برود و بالای بام کعبه شراب بنخورد و به قدری مرتکب محرمات شد که مردم با او دشمن شدند. نقل شده است که او تفرّائی به قرآن زد تا از آینده خود آگاه شود. این آیه آمد: ﴿وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ﴾؛ «و آنها [از خدا] تقاضای فتح و پیروزی [بر کفار] کردند و [سرانجام] هر گردنکش حق ستیزی نومید و نابود شد» (ابراهیم: ۱۵).

قرآن را هدف تیر قرار داد و آن را پاره کرد و سپس این اشعار را خواند:

تَهْدَدُنِي بِجَبَّارٍ عَنِيدٍ فَهَذَا ذَاكَ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

إِذَا مَا جَنَّتْ رَبَّكَ يَوْمَ حَشْرِ فَقُلْ يَا رَبِّ مَرْقَنِي الْوَلِيدُ<sup>۲</sup>

بعد از این جسارت علنی به قرآن، زیاد زنده نماند و به درک واصل شد. آیا در زمان خلافت اینها، اسلام عزیز بود و مسلمانان همگی آنها را قبول داشتند؟  
ثالثاً: از این روایات استفاده می‌شود که آن فرقه ناجیه از میان فرقه‌های اسلامی، که وارد شده است امت اسلامی ۷۳ فرقه می‌شوند و تنها یک فرقه از اهل نجات‌اند، غیر از فرقه ناجیه اثناعشریه نخواهد بود؛

۱. منتخب الأثر، ص ۱۸، پاورقی.

۲. تمة المتی، ص ۹۱.

رابعاً: اگر این روایات را به روایت ثقلین و سفینه و آیه شریفه **يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ**؛ «روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم» (اسراء: ۷۱). ضمیمه کنیم، معلوم می شود که خلافت این دوازده نفر تا آخر دنیا برقرار است و هرگز زمانی نخواهیم داشت که اهل بیت علیهم السلام کنار قرآن نباشند یا کشتی نجات امت از حرکت باز بماند؛

خامساً: این روایات دلالت دارد که نام و اسم حضرت مهدی علیه السلام از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تا زمان ولادتش بر سر زبانها بوده است و تمامی ائمه بدون استثنا از حضرت مهدی علیه السلام نام برده و درباره ایشان سخن گفته اند.<sup>۱</sup>

#### روایات در خصوص حضرت مهدی علیه السلام

محدثان شیعه و سنی روایات بسیاری را درباره مهدی موعود علیه السلام و ویژگی های ایشان نقل کرده اند؛ روایاتی درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام، اسم، شمایل، غیبت، وقایع قبل از ظهور، زهد و عدالت حضرت، نزول عیسی علیه السلام از آسمان، ثواب انتظار، تکالیف شیعه در زمان غیبت و... برای مثال فقط ۳۱۸ حدیث درباره طول عمر حضرت و ۶۵۷ حدیث در بشارت به ظهور حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است.<sup>۲</sup> همچنین بیش از سیصد روایت دلالت دارد بر اینکه وقتی ظلم سرتاسر جهان را فرا گرفت، حضرت بقیة الله خواهد آمد و جهان را پر از عدل می کند: «به يَمَلَأُ اللهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

احادیث و اخبار مربوط به آن حضرت آن قدر زیاد است که کمتر موضوعی از مسائل اسلامی به این مقدار می رسد و قطعی بودن این احادیث از نظر شیعه و سنی مسلم است؛ زیرا افزون بر علمای شیعه، گروهی از علمای اهل تسنن به تواتر و

۱. ر.ک: دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۵۵ بعد. همچنین احادیث حضرت مهدی در کتاب مسند ابن حنبل (متوفای ۲۴۱. ه. ق.) و صحیح بخاری (متوفای ۲۵۶. ه. ق.) که قبل از تولد حضرت قائم علیه السلام نوشته شده، و نیز در کتاب «مشیخه» تألیف «حسن بن محبوب» که از مؤلفان شیعه است و به گفته مرحوم طبرسی متجاوز از صد سال قبل از غیبت کبرای امام تألیف شده، آمده است. ر.ک: جزوه امام زمان، مؤسسه در راه حق، ص ۱۶.

۲. ر.ک: منتخب الأثر.



قطعی بودن آنها تصریح کرده‌اند که در کتاب «نوید امن و امان» اسامی هفده نفر از مشایخ و بزرگان اهل سنت ذکر شده است.<sup>۱</sup>

گروهی از پژوهشگران و محققان مسئله مهدویت می‌گویند:

روایاتی که بزرگان و محدثین اهل سنت از قبیل بخاری و ابی داود و دیگران در کتاب‌های خود آورده‌اند حاکی از این است که: این آقایان غیر از اعتراف به اصل مهدویت و قیام آن حضرت در وقت مناسب، به خصوصیات و ویژگی‌های آن حضرت نیز اعتراف می‌نمایند و در این امور با عقائد شیعه مشترک می‌باشند. و اینک به تعدادی از آنها به‌طور اختصار اشاره می‌شود.

۱. اعتقاد به امر مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ بر همگان واجب است و منکر او، کافر شمرده می‌شود.

۲. دعوت و حکومت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ جهانی خواهد بود.

۳. حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرود می‌آید و به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ اقتداء می‌کند.

۴. حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از امدادهای الهی برخوردار است.

۵. حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از فرزندان حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ و اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌باشد.

۶. مقداری از مشخصات ظاهری امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ: ابوسعید خدری از پیامبر عظیم

الشان نقل می‌کند: مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از من است و پیشانی او آشکار و روشن و بینی ایشان کشیده و زمین را پر از عدل و داد می‌کند همانگونه که پر از ظلم و جور شده است.

۷. نعمت‌ها در زمان حکومت حضرت فراوان می‌شود.

۸. عدالت در همه اماکن و برای همه انسان‌ها فراگیر می‌شود.

۹. یاران حضرت بین رکن و مقام با ایشان بیعت خواهند کرد

۱۰. نام حضرت همان نام معروف پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خواهد بود.<sup>۲</sup>

در رساله ارزنده و محققانه «در راه حق» که درباره امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ است از صاحب

۱. امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. جمعی از پژوهشگران خیریه صالحات باقیات.

کتاب «الامام المهدی»<sup>۱</sup> نقل شده است: اگر اخبار رسیده از طریق شیعه و سنی درباره امام مهدی علیه السلام شماره شود به بیش از شش هزار روایت می‌رسد که رقم بسیار بالایی است و حتی در مورد بسیاری از مسائل بدیهی اسلام که مسلمان‌ها در آنها تردیدی ندارند و مورد قبول همگان است، این مقدار روایت وارد نشده است. بعید است شخص مسلمان معتقد به قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله، با وجود این همه روایات، درباره حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام تردید کند؛ به‌ویژه که دلیل قاطع و محکم عقلی نیز بر لزوم حجت خدا وجود دارد:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ (ق: ۳۷)

در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرا دهد درحالی که حضور [قلب] داشته باشد.

در اینجا به دو شاهد تاریخی اشاره می‌کنیم: یکی شعرای بزرگی که قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام در این رابطه شعر گفته‌اند و دیگری سوءاستفاده‌هایی که از نام «مهدی» قبل از ولادت حضرت شده است یا کسانی که به اشتباه محمد حنفیه را مهدی موعود می‌دانستند.

این شواهد تاریخی گویای این مطلب است که نام «مهدی» در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، زیاد بر سر زبان‌ها بوده و موضوع مهدی موعود از اصالت ویژه‌ای برخوردار بوده است. از جمله شعرایی که قبل از ولادت حضرت مهدی درباره ایشان شعر سروده‌اند، «اسماعیل حمیری» (متوفای ۱۷۳ هـ. ق) است که می‌گوید:

وَأَشْهَدُ رَبِّي أَنَّ قَوْلَكَ حُجَّةٌ      عَلَى الْخَلْقِ طُرّاً مِنْ مُطِيعٍ وَمُذْنِبٍ  
بِأَنَّ وَكَيْ الْأَمْرِ وَالْقَائِمِ الَّذِي      تَطَّلَعَ نَفْسِي نَحْوَهُ بِتَطَرُّبٍ  
لَهُ غَيْبَةٌ لَا بَدَّ مِنْ أَنْ يَغِيْبَهَا      فَصَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُ مِنْ مُتَغَيِّبٍ  
فَيَمُكِّتُ حِيناً ثُمَّ يَظْهَرُ حِينَهُ      فَيَمْلَأُ عَدْلًا كُلَّ شَرْقٍ وَمَغْرَبٍ

۱. جزوه امام زمان، انتشارات مؤسسه در راه حق، ص ۱۷.

پروردگارم را گواه می‌گیرم که قول تو ای امام صادق! بر همه خلق، چه مطیع و چه گنهکار، حجت است که فرمودی: ولی امر و قائمی که جانم مشتاق اوست، غیبتی دارد که بدون تردید غایب خواهد شد. درود الهی بر آن شخص غایب باد. مدتی پس پرده غیبت می‌ماند و سپس ظهور می‌کند و شرق و غرب جهان را پر از عدل می‌کند.<sup>۱</sup>

همچنین «کمیت»، شاعر مبارز شیعی (متوفای ۱۲۶هـ. ق) شعری در مورد امام موعود در محضر امام باقر ع سرود و از زمان قیام آن گرامی سؤال کرد:

مَتَى يَقُومُ الْحَقُّ فَيَكْمُ مَتَى يَقُومُ مَهْدِيكُمْ الثَّانِي<sup>۲</sup>

چه وقتی حق قیام می‌کند و سرانجام چه وقتی مهدی شما اهل بیت، یعنی امام ثانی عشر، قیام و ظهور می‌کند؟

قصیده «دعبل خزاعی» نیز در محضر حضرت ثامن الحجج ع معروف و مشهور است:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ  
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَى النَّعْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ<sup>۳</sup>

خروج و ظهور امامی که با مدد الهی حرکت خواهد کرد و حق را از باطل جدا خواهد نمود، حتمی است.

بنابراین شاعران قبل از ولادت حضرت مهدی، راجع به ایشان و آثار و برکات

۱. الغدير، ج ۲، ص ۲۴۶ و از کمال‌الدین صدوق نقل می‌کند که «سید حمیری» در امر غیبت، گمراه بود و معتقد به غیبت محمد حنفیه بود و مذهب کیسانیه داشت. با امام صادق ع ملاقات کرد و علائم امامت و وصایت را در ایشان مشاهده کرد و از مسئله غیبت سؤال کرد. حضرت فرمود: آن غایب، دوازدهمین امام است. محمد حنفیه از دنیا رفته است و پدرم امام باقر ع شاهد دفن او بود. سید مستبصر شد و اشعاری سرود که برخی از آنها ابیات مذکور است.

۲. الغدير، ج ۲، ص ۲۰۲. مراد از «الثانی» همان ثانی عشر است و اینکه «الثانی» آورده، برای حفظ قافیه شعری است؛ چون ابیات قبل با «یاء» ختم شده است. شاعر در مطلع ابیات خود می‌گوید:  
أضحكني الدهر وإبكاني والدهر ذو صرف واللوان

۳. الغدير، ج ۲، ص ۳۶۰.

وجودی او سخن گفته‌اند و این تنها به سبب دسترسی شاعران به روایات فراوانی است که در این زمینه وجود داشته است.

همچنین فراوانی این گونه روایات باعث شد که قبل از ولادت حضرت مهدی، بعضی به دروغ نام «مهدی» بر خود بگذارند و ادعای مهدویت کنند یا بعضی را به اشتباه مهدی غایب بدانند.

### نگاهی به مفاد حدیث ثقلین

از حدیث ثقلین نیز می‌توان برای اثبات وجود حجت خدا در هر زمانی بهره‌جست و به آن استناد کرد. این حدیث شریف، دلیلی قاطع برای وجود امام و حجت الهی در هر زمانی مقابل تمامی فرق اسلامی است؛ زیرا این حدیث را بسیاری از بزرگان اهل سنت نقل کرده‌اند؛ به طوری که احتمال داده نمی‌شود کسی از مسلمانان این حدیث را نپذیرد.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من میان شما دو چیز گران‌بها می‌گذارم. اگر به آنها تمسک جویید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و اهل بیت من و این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در حوض، بر من وارد شوند.

---

۱. در کتاب «مهدی کیست» ترجمه کتاب «من هو المهدی» ص ۱۲ حدیث ثقلین را از بزرگان اهل سنت با نام کتاب و شماره صفحه نقل کرده است که در اینجا فهرست‌وار به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم:

– به ۶۵ کتاب اهل سنت اشاره می‌کند که حدیث را از «زیدبن ارقم» نقل کرده‌اند.

– به هفت کتاب اهل سنت اشاره می‌کند که حدیث را از «حذیفه» نقل کرده‌اند.

– به هجده کتاب اهل سنت اشاره می‌کند که حدیث را از «جابر» نقل کرده‌اند.

– به ده کتاب اهل سنت اشاره می‌کند که حدیث را از «زیدبن ثابت» نقل کرده‌اند.

– به هشت کتاب اهل سنت اشاره می‌کند که حدیث را از علی رضی الله عنه نقل کرده‌اند.

– به پانزده کتاب اهل سنت اشاره می‌کند که حدیث را از «ابوسعید» نقل کرده‌اند.

گفتنی است این حدیث را از فاطمه زهراء رضی الله عنها، حمزه اسلمی، ابن عباس، ابوذر، ام سلمه، ابوهریره و دیگران نیز نقل کرده‌اند.

حضرت این مضمون را در روز عرفه، در مسجد خیف و در حجة الوداع و لحظات آخر عمر بر منبر بیان فرمود. از این حدیث شریف چنین برداشت می شود اهل بیت علیهم السلام نیز همانند قرآن تا قیامت همراه بشر باقی می ماند. این حدیث شریف با داشتن قرائن و شواهد روشن، همچون دلیل عقلی و نقلی، هر منصفی را وادار می کند که کنار قرآن، به حجت خدا که از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است، ایمان آورد.

### حدیث ثقلین از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی رحمته الله از حدیث ثقلین نکاتی را استنباط کرده، که یکی از آنها باقی ماندن عترت پیغمبر تا روز قیامت است. ایشان می فرماید:

زیدبن ارقم از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که حضرت فرمود: گویا خدا مرا به سوی خویش دعوت کرده است که باید اجابت کنم. ولی دو چیز بزرگ و وزین را بین شما برجا می گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم. آگاه باشید که چگونه با آنها رفتار می کنید. آن دو امر هرگز از هم جدا نخواهد شد تا اینکه در کوثر بر من وارد شوند.

حدیث ثقلین از احادیث مسلم و قطعی است که به سندهای بسیار و عبارات مختلفی روایت شده است و سنی و شیعه به صحتش اعتراف و اتفاق دارند. از این حدیث و امثال آن چند مطلب مهم برداشت می شود:

۱. همچنان که قرآن تا قیامت بین مردم باقی می ماند، عترت پیغمبر تا قیامت باقی خواهد ماند؛ یعنی هیچ زمانی از وجود امام و رهبر حقیقی خالی نمی شود.

۲. پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به وسیله این دو امانت بزرگ، تمام احتیاجات علمی و دینی مسلمانان را تأمین کرده، و اهل بیتش را مرجع علم و دانش معرفی کرده، و گفتار و اعمالشان را معتبر دانسته است.

۳. قرآن و اهل بیت نباید از هم جدا شوند و هیچ مسلمانی حق ندارد با علوم اهل بیت مخالفت کند و خودش را از ارشاد و هدایت آنان بیرون بداند.

۴. مردم اگر از اهل بیت اطاعت کنند و به اقوال آنان تمسک جویند، گمراه نمی شوند و همیشه حق نزد آنها خواهد بود.

۵. جمیع علوم لازم و احتیاجات دینی مردم نزد اهل بیت است و هر کس از آنها پیروی کند به گمراهی دچار نمی شود و به سعادت حقیقی نایل می گردد؛ یعنی اهل بیت از خطا و اشتباه معصومند. از این رو معلوم می شود که مراد از اهل بیت و عترت، تمام خویشان و اولاد پیغمبر نیستند. بلکه افراد معینی اند که از نظر علوم دین، کامل باشند و خطا و عصبان نیز نداشته باشند تا صلاحیت رهبری را داشته باشند و آنها عبارتند از علی بن ابی طالب و یازده فرزندش که یکی پس از دیگری به امامت منصوب شدند؛ چنان که در روایات به همین معنا تفسیر شده است.<sup>۱</sup>

آری حدیث ثقلین، دلیل قاطع و محکمی است برای لزوم متابعت از اهل بیت علیهم السلام بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و فقط راهنما و حجت برای تمامی آحاد مسلمین دو چیز خواهد بود ۱- قرآن ۲- اهل بیت و چنانچه از آیه ای و یا آیاتی برداشت های مختلف و متفاوت شد، آن معنی و تفسیری که از ناحیه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله شده، صحیح است و غیر آن باطل. خلاصه: صراط مستقیم و طریق و راه به سوی خداوند متعال منحصر است به صراط علی و آل علی علیهم السلام ﴿فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ﴾؛ «با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟» (یونس: ۳۲).

### مهدی از فرزندان فاطمه و از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است

روایات فراوانی حتی از اهل سنت نقل شده که حضرت مهدی علیه السلام فرزند فاطمه و از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است و بلکه ادعای تواتر نسبت به این روایات شده است. با توجه به این روایات معلوم و روشن می گردد که حضرت مهدی علیه السلام یکی از مصادیق و افراد اهل بیت علیهم السلام است که در حدیث ثقلین آمده است.

### روایات نور

پس از اثبات ضرورت وجود حجت، روایاتی را از محدثان شیعه و سنی نقل می کنیم که دلالت می کند نخستین خلق الهی، نور وجود حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله

۱. شیعه در اسلام، ص ۲۵۶. (با اندکی ویرایش)

بوده است. بعضی از این روایات، نور حضرت علی علیه السلام را نیز ضمیمه نور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کند و می‌گوید این دو نور پیش از همه، خلق شده‌اند.<sup>۱</sup>

این روایات به احادیث نور معروف شده که بیانگر نخستین مخلوق الهی است؛ همانند نخستین پرتو صادرشده از جرم خورشید است که هر جسمی را ذوب می‌کند. ولی بر اثر تنزل و طی مسافت، به نور آفتاب که برای موجودات، به‌ویژه نباتات و حیوانات و انسان‌ها فایده‌بخش است، تبدیل می‌شود. تمامی روشنایی‌ها و فوایدی که آفتاب دارد، به آن شعله‌های ابتدایی برمی‌گردد که از جرم خورشید صادر می‌شود. گرچه خود آن شعله‌ها نیز با تمام قدرتی که دارد از جرم خورشید است و استقلالی از خود ندارد.

قبول این سلسله مراتب، یعنی پذیرفتن قانون علیت است که همه اندیشمندان و فلاسفه آن را قبول دارند. بر این اساس می‌توان گفت تمام موجودات به واسطه این بزرگان دین به وجود آمده است و تمامی آنها به وجود ولی خدا محتاج‌اند؛ در حالی که خود پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نیز از خود چیزی ندارند و مقابل خدای بزرگ، فقیر محض‌اند.

محدث بزرگ، شیخ صدوق رحمته الله علیه، نقل می‌کند<sup>۲</sup> که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

خداوند انبیا را بر ملائکه فضیلت داد و من را بر تمامی انبیا و رسولان فضیلت بخشید و بعد از من این مقام و برتری مخصوص شما و امامان بعد از شماست و سپس فرمود: «یا عَلِيُّ لَوْلَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللهُ أَدَمَ وَلَا حَوَاءَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ»؛ «اگر ما نبودیم، هرگز خداوند، آدم و حواء، بهشت و جهنم، آسمان و زمین را خلق نمی‌کرد».

یکی از محدثان بزرگ اهل سنت یعنی «جوینی شافعی»<sup>۳</sup> حدیثی را با نقل سلسله

سند از امام زین العابدین علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود:

۱. ر.ک: تفسیر روح المعانی، ج ۲۱، ص ۱۳۸؛ امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۴۵ از بخاری، بیهقی، ابن سعد، طبرانی و دیگران نقل می‌کند.

۲. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۳.

۳. امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۸ به نقل از جوینی متوفای ۷۳۰ در کتابش فرائدالسمطین، ج ۱۱، ص ۴۵.

وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمِسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِنَا يُمِسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبِنَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَيَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَيَخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَلَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا.

خداوند به واسطه ما آسمان را از افتادن بر زمین نگه می‌دارد، مگر خداوند بر سقوط آن اذن دهد که اراده حق حاکم است، و به واسطه ما زمین را از اضطراب حفظ، و به واسطه ما باران را نازل، و رحمت خود را منتشر می‌کند و برکات زمین را بیرون می‌آورد و چنانچه زمین از وجود ما خالی شود، اهل خود را فرو می‌برد.

مولای متقیان علی بن ابی طالب ع فرمود: «فَأَنَا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالنَّاسُ بَعْدَ صَنَائِعِ لَنَا»<sup>۱</sup>؛ «ما تربیت یافتگان پروردگارانیم و مردم تربیت یافتگان ما»<sup>۲</sup>.

#### نتیجه‌گیری از این روایات

روایاتی که دلالت می‌کند نور وجود پیامبر ص و علی بن ابی طالب ع نخستین مخلوق، و خلقت پیامبر اکرم ص و اهل بیت پاک او قبل از خلقت عالم بوده است و مخلوقات همگی وابسته به وجود آنان‌اند، بسیار است که هم از محدثان اهل سنت از قبیل ابن عساکر، جوینی شافعی (فرائد السمطين) و... نقل شده است و هم از محدثان شیعه از قبیل کلینی، صدوق و دیگران. اگر کسی بخواهد از تواتر این اخبار آگاه شود می‌تواند به کتاب «عبقات الانوار» مراجعه کند.

بنابراین اگر پیامبر اکرم ص و اهل بیت پاک او را این‌گونه بشناسیم، شناخت ما به این خاندان طهارت به‌طور کامل تغییر می‌کند، و به‌جای تلاش برای اثبات آنان، خود و

۱. نهج البلاغه، نامه ۲۸.

۲. بعضی از فلاسفه بزرگ، انسان کامل را این‌گونه معرفی می‌کنند: او یک وجود عنصری دارد که در عالم طبیعت است و جامعه در خدمت اویند و یک وجود مثالی دارد که ملکوتیان در مشهد و محضر اویند و یک وجود جبروتی دارد که عقول عالیه از او بهره‌مند می‌شوند و بالأخره یک وجود خلافت مطلق دارد که دائماً در مشهد و محضر مستخلف‌عنه خود بوده و از همه مستور و غایب است.



تمامی موجودات را وابسته به آنان می‌نگریم و احتیاج خودمان را به آنان نه فقط برای هدایت و راهیابی، بلکه در تمامی ابعاد وجودی احساس خواهیم کرد.<sup>۱</sup>

از رهگذر خاک سر کوی شما بود هر ناله که در دست نسیم سحر افتاد

در پایان این گفتار به نقل شعری از امام صادق علیه السلام اشاره می‌کنیم:<sup>۲</sup>

فِي الْأَصِيلِ كُنَّا نُجُومًا يُسْتَضَاءُ بِنَا      وَفِي الْبَرِّيَّةِ نَحْنُ الْيَوْمُ بُرْهَانُ  
نَحْنُ الْبُحُورُ الَّتِي فِيهَا لِغَائِصِهَا      دُرٌّ تَمِينٌ وَيَاقُوتٌ وَمَرْجَانُ  
مَسَاكِينُ الْخُلْدِ وَالْفِرْدَوْسُ نَمَلِكُهَا      وَنَحْنُ لِلْخُلْدِ وَالْفِرْدَوْسِ خَزَانُ  
مَنْ شَدَّ عَنَّا قَبْرَهُوتُ مَكَانَتُهُ      وَمَنْ أَتَانَا فَجَنَّتْ وَرِضْوَانُ

ما ستارگان بودیم که از نور ما بهره‌مند می‌شدند و اکنون نیز در این جهان راهنمای گمشدگانیم. ما آن دریاهایم که غواص‌های آن از درهای گران‌قیمت و یاقوت و مرجان آنها بهره‌مند می‌شوند. جایگاه‌های عالی خُلد و فردوس در اختیار ماست و ما به خُلد و فردوس نگهبان و مالکیم. هرکس از ما روی برگرداند، جایگاهی غیر از برهوت ندارد و هرکس به دنبال ما آید و از ما پیروی کند جای او بهشت و رضوان خواهد بود.

### خلاصه گفتار

بعد از بیان ادله عقلی ضرورت وجود حجت خدا، به بیان ادله نقلی پرداختیم و ابتدا مسئله نصب امام و لزوم آن را از دیدگاه قرآن با اشاره به چند آیه ثابت کردیم. سپس

---

۱. بعضی از بزرگان و محققان از کلام مولا علی علیه السلام در دعای کمیل که می‌فرماید: «و باسمائک التي ملأت اركان كل شيء»؛ «خدایا تو را قسم به اسمای خُسنایت که سراسر عالم را پر کرده است» و نیز از کلام امام عصر در دعای ناحیه مقدسه که از اعمال ماه رجب است که می‌فرماید: «فیهم ملأت سماءك و ارضك»؛ «به وجود امامان، آسمان و زمین از نعمت هستی برخوردارند»، استفاده می‌کنند که چون اینان، مظاهر اسمای خُسنای الهی اند پس به ولایت اهل بیت علیهم السلام و به اذن خداوند به آسمان‌ها و زمین هویت بخشیده شده است.

۲. اعیان الشیعه در بحث حالات و گفتار امام صادق علیه السلام و نیز امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۶.

مقداری درباره آیه تبلیغ و آیه ولایت بحث شد و ضرورت وجود امام نیز از دیدگاه قرآن برای هر صاحب انصافی روشن و معلوم شد. در واقع، قرآن پیروان خود را به دنبال انسان کاملی که دارای ولایت مطلقه و جوابگوی امور دینی و دنیوی همگان باشد، فرستاده است. به دنبال مسئله امامت در قرآن به چند دسته آیات اشاره شد که حاکی از برقراری حکومت عدل در جهان و نابود شدن فساد و شرک می‌کرد که هر یک اشاره به حکومت عدل مهدی علیه السلام بوده و بر قراری پرچم اسلام با حاکمیت اهل بیت علیهم السلام بود سپس بحث را از دیدگاه روایات بررسی کردیم. روایات در این زمینه از جهات مختلف وارد شده است:

- علی علیه السلام اعلم امت است؛

- خلفای من دوازده نفرند؛

- نام نخستین و آخرین آنها؛

- نه نفر از فرزندان امام حسین علیه السلام؛

- مهدی فرزندی چندم امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم السلام است؛

- پنجاه حدیث که نام همه دوازده نفر را برده است و نیز به حدیث جابر در موقع نزول آیه **﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾** اشاره کردیم.

سپس پنج مطلب مهم از این روایات استفاده شد. آن‌گاه به نقل روایات متواتر درباره حضرت مهدی علیه السلام، در ابعاد مختلف پرداختیم. روایاتی که تواتر آن حتی از دیدگاه بعضی علمای اهل سنت قطعی و به حدی است که می‌گویند روایات مذکور بیش از شش هزار حدیث است. در ضمن به دو شاهد تاریخی اشاره شد: یکی گفتار شعرا درباره حضرت مهدی و دیگری سوء استفاده فرصت‌طلبان از نام مهدی. در واقع این دو مطلب بهترین شاهد است که نام مهدی و اعتقاد به آن، از زمان رسول خدا همواره بین مسلمانان بوده است.

گذشته از روایات مذکور، از روایت ثقلین استفاده می‌شود که همواره عترت پیامبر

همچون قرآن با کاروان بشر همراه است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه ضمن اشاره به این نکته، مطالب ارزنده دیگری را نیز از این حدیث شریف استفاده می‌کند.

در پایان به روایات نور اشاره کردیم که دلالت می‌کند اصل وجود و وصول فیض از جانب خداوند به مخلوقات، همگی به برکت پیامبر و ائمه معصوم علیهم السلام است. گفتنی است بعضی از علمای اهل سنت نیز مانند جوینی به این روایات اشاره کرده‌اند. همچنین صاحب کتاب فرائد السمطین به مقام والای اهل بیت، به ویژه حضرت مهدی علیه السلام تصریح کرده است.

آنکس که در فراق تو نالد ملوم نیست چشمی که در خیال تو گرید عجول نیست  
 آن مؤمنی که حبّ و ولای تو در سر است گر بر فرشتگان همه نازد هلوع نیست  
 دینی که نیست محور آن مهدی عزیز هرگز نماز و راز و نیازش قبول نیست  
 باطل فنا شود و ظلم، سرنگون آن دولتی که دم زند از حق زهوق نیست  
 مائیم تشنه لب، به ماء معین تو باالله، که جرعه نوش تو دیگر ملول نیست

## سوالات گفتار دوم

۱. آیه‌ای درباره امامت و رهبری ذکر کنید.
۲. آیه تبلیغ در کجا نازل شده است؟
۳. «ولی» در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...» به چه معنایی است؟
۴. آیاتی که به مسئله مهدویت و حکومت عدل حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد کدام است؟
۵. حسان بن ثابت کیست و در موقع نزول آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...» چه کرد؟
۶. تعداد روایاتی که خلفای رسول خدا صلی الله علیه و آله را دوازده نفر می‌داند، چه مقدار است؟
۷. چند روایت وارد شده که نام تمامی دوازده امام در آن ذکر شده است؟
۸. قاضی عیاض، دوازده امام را چه کسانی دانسته است و اشکال آن چیست؟
۹. یکی از شعرایی را که قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام درباره ایشان شعر گفته

است، نام ببرید.

۱۰. چگونه از حدیث تقلین برای ضرورت وجود حجت خدا در همه زمانها

استفاده می شود؟

۱۱. علامه طباطبایی چند مطلب از حدیث تقلین استنباط می کند؟

۱۲. مراد از روایات نور چیست؟

۱۳. از روایات نور چه مطالبی برداشت می شود؟

۱۴. امام صادق علیه السلام در اشعار خود چه فرموده است؟

۱۵. خلاصه گفتار دوم را بیان فرمایید.

گفتار سوم:

کسانی که با حضرت مهدی عج ملاقات  
کرده‌اند



اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى وَاٰلِ اَمْرِكِ، اَلْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ، وَحُفَّهِ بِمَلَايِكَتِكَ  
الْمُقَرَّبِينَ، وَاَيَّدِهِ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ... اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيْمَةٍ  
تُعِزُّ بِهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ، وَتُنْذِلُ بِهَا النِّفَاقَ وَاَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيْهَا مِنْ الدُّعَاةِ اِلَى طَاعَتِكَ  
وَالْقَادَةِ اِلَى سَبِيْلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.<sup>۱</sup>

بار خدایا، درود فرست بر ولیّ خود، صاحب الأمر، امام غایب منتظر، و او را به سپاه  
فرشتگان مقرب فراگیر، و به وسیله روح القدس مؤیدش بدار ای پروردگار عالمیان!...  
بار خدایا، به تو امید و اشتیاق داریم که دولت باکرامت امام زمان را به ظهور آوری و  
اسلام و اهلس را به وسیله آن، عزّت بخشی، و نفاق و اهل نفاق را ذلیل گردانی، و ما را  
در آن دولت حق، اهل دعوت به طاعت خودت و از پیشوایان هدایت قرار دهی، و به  
واسطه آن بزرگوار ما را به عزّت دنیا و آخرت برسانی.

---

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.





## کسانی که به حضور حضرت رسیده‌اند

هرچند وجود مقدس حضرت بقیةالله ارواحنا فداه از دیدگاه عقل و نقل ثابت شد، ولی راه دیگری وجود دارد که می‌توان گفت برای عموم مردم قابل فهم‌تر و اطمینان‌بخش‌تر است و آن عبارت از بررسی و آشنایی با کسانی است که به خدمت حضرت رسیده‌اند و جمال نورانی و زیبای امام خود را مشاهده کرده‌اند. این افراد از گروه‌های مختلف و در زمان‌های متفاوت به این توفیق رسیده‌اند که ما به‌طور اجمال به آنها اشاره خواهیم کرد:

۱. کسانی که در زمان کودکی و همراهی ایشان با پدر بزرگوارشان، امام عسکری علیه السلام، به خدمت حضرت رسیدند و ایشان را ملاقات کردند:

عده‌ای از این افراد کسانی بودند که به خانه امام عسکری علیه السلام رفت و آمد داشتند؛ از قبیل «حکیمه خاتون» عمه امام عسکری علیه السلام، «نسیم» و «ابونصر» که خادم منزل امام عسکری بودند، این دو از وجود حضرت مهدی، کرامتی را نقل می‌کنند، و نیز «عقید»، غلام امام عسکری و تربیت‌شده حضرت که در لحظات آخر عمر حضرت به او دستور می‌دهد به آوردن آب مصطکی...<sup>۲</sup>.

گروه دیگری نیز از بزرگان اصحاب و راویان بودند که در زمان حیات امام عسکری علیه السلام، حضرت مهدی علیه السلام را ملاقات کرده‌اند که به دو مورد اشاره می‌شود:

---

۱. ایشان وضع حمل نرجس خاتون و کیفیت به دنیا آمدن حضرت و حوادث بعد از آن را نقل کرده است.  
۲. در کفایة الموحدين، ج ۲ نحوه ملاقات هر یک از نسیم، ابونصر و عقید را توضیح داده است. ر.ک: ص ۷۹۳.

الف) شیخ صدوق از «معاویة بن حکیم»، «محمد بن ایوب» و «محمد بن عثمان» که هر سه از راویان بزرگ اند نقل می کند:

ما چهل نفر بودیم که خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدیم. ایشان فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «این امام شما بعد از من است و جانشین من بر شماست. از او پیروی کنید و گرنه هلاک خواهید شد و بعد از امروز، دیگر او را نمی بینید»<sup>۱</sup>.

ب) شیخ صدوق از «احمد بن اسحاق قمی» که از بزرگان علما و راویان است به سند خود نقل می کند:

روزی به خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و قصد داشتم از امام بعدی سؤال کنم. ولی قبل از اینکه سؤال خود را مطرح کنم، امام عسکری علیه السلام فرمود: «ای احمد! هرگز زمین خالی از حجت خدا نمی شود و به وسیله آن خیرات و برکات نازل، و بلاها دفع می شود». عرض کردم: «امام بعد از شما کیست؟» به داخل منزل رفت و چون بیرون آمد پسری سه ساله بسیار جذاب در دست حضرت بود. امام فرمود: «چون خیلی پیش ما عزیزی، این فرزند را که همانم جدش است به تو نشان دادم و او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد». عرض کردم: «علامت امامت ایشان چیست؟» ناگاه دیدم که آن طفل لب به سخن گشود و با کلام فصیح فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ أَنَا الْمُتَّقِمُ وَأَنَا الْمُهْدِي وَأَنَا الْقَائِمُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنَا الْخَاتَمُ وَأَنَا الَّذِي أَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»<sup>۲</sup>.

۲. کسانی که در غیبت صغرا<sup>۳</sup> به خدمت حضرت شرفیاب شدند:

البته در هنگام شهادت امام عسکری علیه السلام و به ویژه موقع نماز خواندن بر پیکر پاک امام، و ظاهر شدن فرزندش مهدی علیه السلام و نماز خواندن بر پدر بزرگوارش، طبیعی است که

۱. موعودی که جهان در انتظار اوست، به نقل از اکمال الدین، صدوق.

۲. کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۷۹۴.

۳. غیبت صغرا حدود ۶۹ سال به طول انجامید. ابتدای آن سال ۲۶۰ هـ. ق بعد از رحلت امام عسکری علیه السلام و انتهای آن سال ۳۲۹ هـ. ق بود که نایب چهارم حضرت به نام «سمری» از دنیا رفت.

## گفتار سوم: کسانی که با حضرت مهدی علیه السلام ملاقات کرده‌اند ۹)

بسیاری شاهد این منظره تاریخی بوده‌اند که شرحش نیز در کتاب‌ها آمده است.<sup>۱</sup> اما پس از ورود در سرداب و شروع غیبت صغرا، حضرت چهار نایب خاص داشت که به ترتیب عبارت بودند از «عثمان بن سعید»، فرزندش «محمد بن عثمان»، «حسین بن روح» و «ابوالحسن علی بن محمد صیمری» و بعضی نیز سَمَری نوشته‌اند.<sup>۲</sup>

اینها واسطه بین مردم و حضرت مهدی بودند و اگر مسئله‌ای پیش می‌آمد، شیعیان از طریق نامه به‌وسیله همین افراد از محضر امام علیه السلام استفاده می‌کردند. این چهار نفر بسیار جلیل‌القدر بودند. البته عثمان بن سعید وکیل امام هادی و امام عسکری علیه السلام نیز بوده است.<sup>۳</sup>

«احمد بن اسحاق» می‌گوید:

از امام هادی علیه السلام پرسیدم اگر نتوانم به خدمت شما برسم، سخن چه کسی را بپذیرم». فرمود: «این ابو عمرو (عثمان بن سعید عمری) مورد اطمینان و امین است. هر چه بگوید، از من می‌گوید». سپس احمد می‌گوید: «همین سؤال را از امام عسکری علیه السلام پرسیدم. حضرت همان جواب پدرشان را تکرار کردند».<sup>۴</sup>

عثمان بن سعید به دستور امام عهده‌دار کفن و دفن امام عسکری علیه السلام شدند<sup>۵</sup> و پس از امام عسکری علیه السلام به فرمان حضرت مهدی علیه السلام به وکالت و نیابت ادامه داد<sup>۶</sup> و پیش از وفات خود و به امر امام، فرزندش (محمد) را جانشین خود و نایب حضرت معرفی کرد.<sup>۷</sup>

۱. ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۶۷؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۷۶.

۲. در بزرگی سفرای اربعه و شخصیت و تقوای آنها ر.ک: منتخب الأثر، ص ۳۲۹؛ جزوه امام زمان، نوشته مؤسسه

در راه حق، ص ۴۰ به بعد.

۳. بهجة الآمال، ج ۵، ص ۳۳۳.

۴. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴.

۵. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۷.

۶. همان.

۷. همان.

اما محمدبن عثمان از بزرگان شیعه، و در تقوا و عدالت مورد قبول شیعیان بود؛ به طوری که هیچ کس در عدالت و امانت او تردید نداشت. از سوی حضرت، توقیعی برای تسلیت وفات پدرش صادر شد و امام عسکری علیه السلام درباره او و پدرش اعلام اعتماد کرد و فرمود: «الْعَمْرِي وَابْنُهُ ثِقْتَانِ فَمَا آدِيَا إِلَيْكَ فَعَنِّي يُؤَدِيَانِ وَمَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهَا وَأَطِعْهَا فَإِنَّهَا الثِّقْتَانِ الْمَأْمُونَانِ»<sup>۱</sup>.

محمدبن عثمان برای خود قبری تهیه کرده بود که هر روز داخل آن می شد و یک جزء قرآن قرائت می کرد. هنگامی که ایشان از مرگ خود خبر داد، شیعیان از نایب بعد سؤال کردند و او گفت: «امام علیه السلام امر کرده است که حسین بن روح را برای نیابت معرفی کنم.» «عبدالله بن جعفر حمیری» می گوید: «از محمدبن عثمان پرسیدم: صاحب الأمر را دیده‌ای؟» گفت: «آخرین ملاقاتم با او کنار بیت الله الحرام بود که می فرمود: اَللّٰهُمَّ اَنْجِزْ لِيْ مَا وَعَدْتَنِيْ». همچنین گفت: «صاحب الأمر هر سال در حج حاضر می شود. او مردم را می بیند و می شناسد و مردم او را می بینند ولی نمی شناسند».

اما حسین بن روح نزد موافق و مخالف، بزرگی ویژه‌ای داشت و به عقل، بینش، تقوا و فضیلت مشهور بود. عموم فرقه‌های مذهبی به او توجه داشتند و در زمان نایب دوم (محمدبن عثمان) متصدی پاره‌ای از امور بود و محمدبن عثمان نیز در موقع مرگ، از طرف صاحب الأمر، ایشان را نایب حضرت معرفی کرد.<sup>۲</sup>

اما درباره ابوالحسن سمری از کتاب «منتهی المقال» نقل شده است: «جلالت قدر او آنچنان زیاد است که نیازی به توصیف ندارد».<sup>۳</sup>

غرض از این توضیح مختصر درباره شخصیت و جایگاه نواب اربعه این است که بدانیم آنها افراد شناخته شده و مورد اعتماد عام و خاص و برخی از ایشان حتی وکیل امام هادی و

۱. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۷.

۲. جزوه امام زمان، مؤسسه در راه حق، ص ۴۶.

۳. همان «لازم است پیرامون شخصیت نواب اربعه بررسی بیشتری شود تا عظمت و بزرگی آنها برای مؤمنین روشن گردد».

عسکری علیه السلام بودند و برای هریک از آنان از طرف امام عصر علیه السلام نص خاص و توقیع صادر شد. البته شیعیان گفتار هیچ‌یک را نپذیرفتند مگر بعد از آشکار شدن معجزه‌ای به دست آنان؛ برای مثال جمعی از بزرگان قم در بغداد خدمت ابوالحسن سمری رسیدند و ایشان فرمود: «خداوند به شما در مصیبت علی بن بابویه قمی اجر عنایت فرماید. او در این ساعت از دنیا رفت». آنها ساعت و روز و ماه را یادداشت کردند. هفده یا هجده روز بعد خبر رسید که در همان ساعت علی بن بابویه قمی در گذشته است.<sup>۱</sup>

آری، اینها افراد ناشناخته و معمولی نبودند. آنها از نظر عدالت، تقوا و ایمان مورد اعتماد همگان بودند. آنان با این ویژگی‌ها ملاقات با امام عصر علیه السلام را ادعا می‌کردند. در غیبت صغرا افزون بر نواب اربعه، عده بسیاری حضرت را ملاقات کردند که «مرحوم طبرسی» در کفایة الموحدین، ۱۰۸ نفر از آنها را نام می‌برد و به کیفیت تشریف آنها اشاره می‌کند و در انتهای این حکایات می‌نویسد:

این عده کثیر که عدد ایشان زیادتراً از حد تواتر است، با این همه دلایل و معجزات با آنکه همه آن اشخاص از صلحا و پاکان زمان خود بودند، از اعظم برهان و دلیل است در مقام حجت از برای کسانی که طالب حق‌اند.

چهلمین نفری را که نام می‌برد حکایت تشریف «ابن مهزیار اهوازی» است<sup>۲</sup> که حکایت ایشان به‌طور اختصار چنین است:

می‌گویند بیست سفر به حج رفتم و تمام کوشش من، زیارت مولایم صاحب‌الأمر بود؛ چون حضرت در موسم حج شرکت می‌کند و در مواقف حضور دارند. اما به هدف خود نرسیدم. شبی در بستر خود خوابیده بودم که دیدم شخصی می‌گوید: «امسال به حج برو». ظاهراً از این جمله استفاده کرد که امسال به مقصود خود، خواهی رسید. روزشماری می‌کردم تا ایام

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

۲. بعضی علی بن مهزیار ثبت کرده‌اند و بعضی ابراهیم بن مهزیار و این حکایت را صاحب کفایة الموحدین در جلد ۲، ص ۸۰۹ از جماعتی از اصحاب حدیث، مانند شیخ صدوق علیه السلام نقل می‌کند؛ در منتخب‌الأثر، ص ۳۶۲ از کتاب «غیبت» تألیف «شیخ طوسی علیه السلام» نقل می‌کند؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹.

حج فرا رسید و به مدینه رفتم. هرچه تفحص کردم، از فرزند امام حسن عسکری علیه السلام اثری نیافتم. پس به مکه رفتم. شبی قبل از تاریک شدن کامل هوا، در طواف، جوان خوش سیمایی را دیدم که نور عبادت در پیشانی اش آشکار بود و دو حله سفید پوشیده بود. به او نزدیک شدم و سلام کردم و او جواب داد. از من پرسید: «هل کجایی؟» عرض کردم: «هواز». پرسید: «از ابن خضیب<sup>۱</sup> چه خبر داری؟» گفتم: «فوت کرده است». سه مرتبه فرمود: «رحمت خداوند بر او باد. چه شب‌هایی که برمی‌خاست و رو به درگاه الهی می‌آورد». سپس پرسید: «از ابن مهزیار چه خبر داری؟» گفتم: «خودم هستم». فرمود: «امانتی که از ابومحمد حسن عسکری علیه السلام باقی مانده کجاست؟» انگشتی<sup>۲</sup> که به ارث به او رسیده بود به آن بزرگوار داد. ایشان گرفت و بوسید و گریه می‌کرد و روی نگین آن را که نوشته بود «یا الله یا محمد یا علی» نگاه می‌کرد. آن‌گاه فرمود: «به چه قصدی به حج آمدی؟» عرض کردم: «به امید دیدار امام عصر علیه السلام می‌آیم». فرمود: «من مأمورم که تو را به امام علیه السلام برسانم. چون پاسی از شب گذشت به کوه صفا بیا تا حرکت کنیم». رفتم و آن جوان نیز آمد و به دنبال او حرکت کردم.

مقداری از پستی و بلندی‌ها را که پشت سر گذاردیم، فرمود: «سحر است. وقت نماز شب». ایستادیم به نماز. آن‌گاه حرکت کردیم تا طلوع فجر. فرمود: «پیاده شو تا نماز صبح را اول وقت بخوانیم». سپس حرکت کردیم به یک وادی رسیدیم که نور از دور ساطع بود و بوی مشک به مشام می‌رسید و در وسط آن خیمه‌ای بود که نور از آن به

۱. «ابن خضیب» به نام «جعفر بن احمد» از ارادتمندان به اهل بیت، و مردی مجتهد، سحرخیز و شب‌زنده‌دار بود. ر.ک: مهدی موعود، دستغیب.

۲. احتمالاً انگشتی بوده که امام عسکری علیه السلام به پدر ابراهیم بن مهزیار داده بود که به ارث به فرزندش رسیده بود. ابن مهزیار از طائفه‌ای است که پدران و اجدادش به اهل بیت ارادت خاصی داشتند.

جدش شبی در بیابان برای پیدا کردن آب وضو می‌گشت. ناگاه از مسواک که در دست داشت نوری تابید و منظره آب را به وسیله آن نور پیدا کرد. ابتدا وحشت کرد. ولی بعد که متوجه شد این نور سوزاننده نیست، وضو گرفت و نمازش را خواند و پس از مدتی آن نور خاموش شد. چون خدمت امام هادی علیه السلام رسید جریان را برای حضرت نقل کرد و سؤال کرد آن نور چه بود؟ حضرت فرمود: «این نور ولایت ما اهل بیت است». آری، ابن مهزیار فرزند و نوه چنین شخصیت‌های بزرگی است که ولایت را از پدران خود به ارث برده است. مهدی موعود، دستغیب، ص ۸۰

آسمان برمی‌خاست. آن جوان به من فرمود: «پیاده شو و مرکب را رها کن که اینجا وادی امن است». مقداری جلو رفتیم. فرمود: «اینجا بایست تا برایت اذن دخول بگیرم». رفت و برگشت، فرمود: «داخل شو». تا وارد خیمه شدم، نور جمال حضرت من را خیره کرد. خالی در رخسار ایشان بود و بسیار موّقر و باهیبیت بود. خود را روی قدم‌های حضرت انداختم و سلام دادم و ایشان جواب داد.

عرض کردم: «پدر و مادرم فدای شما باد. بعد از رحلت پدر بزرگوارتان امام عسکری علیه السلام شهر به شهر در جست‌وجوی شما بودم که خداوند این نعمت را به من ارزانی داشت».<sup>۱</sup> حضرت برای من و نزدیکان من دعا فرمود. مبلغی که بیش از پنجاه هزار درهم بود به حضرت دادم. ولی ایشان تبسم نمود و فرمود این مال را در برگشتن که سفری طولانی خواهی داشت برای خود صرف کن... این نمونه‌ای از ملاقات‌هایی است که در زمان غیبت صغرا اتفاق افتاده است.

### تشریف یافتگان به حضور امام عصر در غیبت کبرا

شمار کسانی که در غیبت کبرا با حضرت ملاقات کرده‌اند بسیار است. برای آگاهی می‌توان به کتاب‌های «بحار الانوار»، «نجم الثاقب»، «جنة المأوی»، «دارالسلام»، «کشف‌الاستار» و «عبقری الحسان» و دیگر کتاب‌هایی که در این موضوع نوشته شده، مراجعه کرد. «محدث نوری رحمته الله علیه» در باب هفتم کتاب نجم‌الثاقب صد حکایت نقل می‌کند. ایشان در آغاز می‌نویسد:

من هرچه شنیدم نقل نکردم. بلکه در صدق و دیانت ناقلان دقت کردم و آنچه نقل نمودم از کسانی است که دارای وثاقت و صداقت می‌باشند و بسیاری از آنها صاحبان مقامات عالیه و کرامات باهره‌اند.<sup>۲</sup>

۱. بعضی از گفت‌وگوها این بود: فقلت سیدی لقد بعد الوطن وطال المطلب فقال يا ابن المهزيار، أي ابو محمد عهد إلي ان لا أجاور قوماً غضب الله عليهم ولعنهم... وأمري ان لا اسكن من الجبال الا وعرها ومن البلاد الا قفرها... ابن مهزيار می‌گوید: «چند روزی در آنجا ماندم و حضرت به من اذن خروج داد. در بازگشت از مکه تا منزل و مقصد به راحتی گذشت و هیچ ناملاطیاتی پیش نیامد». الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲. نجم‌الثاقب، ص ۲۱۱.

برای مثال در حکایت «حاج علی بغدادی» می‌نویسد: «اگر نبود در این کتاب شریف، مگر این حکایت متقنه صحیحه که در آن فواید بسیار است و در این نزدیکی‌ها واقع شده، هرآینه کافی بود در شرافت و نفاست آن».<sup>۱</sup> سپس توضیح می‌دهد که حکایت حاج علی بغدادی را ابتدا از عالم فقیه و باتقوا جناب آقای «سید محمد کاظمینی» که در حرم شریف کاظمین امام جماعت و ملاذ و ملجأ طلاب و غربا و زوار بود شنیدم و خواستار ملاقات خود حاج علی بغدادی شدم. هر چند مشکلاتی سر راه بود، ولی سرانجام به دیدارش موفق شدم. حاج علی ابتدا از نقل آن حکایت ابا می‌کرد، اما با اصرار، بالأخره بیان کرد. حاجی نوری می‌نویسد: «از سیمای او آثار صدق و صلاح به‌نحوی نمایان بود که تمام حاضران با تمام مذاقه که در امور دینیه و دنیویه داشتند قطع پیدا کردند به صدق واقعه».<sup>۲</sup> برای اطلاع از اصل حکایت به کتاب نجم‌الثاقب و مفاتیح‌الجنان مراجعه شود.

### تشرفات در عصر حاضر

در عصر حاضر نیز تشرفاتی برای افراد روی داده است که فقیه عالی‌مقدار آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی در کتاب «اصالت مهدویت» به چند نمونه از آنها اشاره کرده است؛ برای مثال تشرف همسر فاضل ارجمند جناب آقای متقی همدانی که مورد اعتماد علما و مجتهدان بوده و در صداقت ایشان هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. این حقیر نیز اصل حکایت را از خود ایشان شنیدم.<sup>۳</sup>

همچنین تشرف دختر «آیت‌الله العظمی اراکی» که در حال طواف انجام گرفت با اینکه مکرر از افراد شنیده بودم، از پسر بزرگوار آیت‌الله اراکی، آقای مصلحی که از

۱. نجم‌الثاقب، ص ۲۷۱.

۲. همان، ص ۲۷۳.

۳. مشروح این واقعه را در بحث آینده نقل خواهیم کرد.



اساتید و مجتهدان است، پرسیدم و ایشان پس از تصدیق آن فرمود: «خواهرم اولاً تربیت شده پدرم است و ثانیاً در مقام افشا و بازگویی نیست و نمی‌خواهد حکایت خود را منتشر سازد». و در ادامه فرمودند: این خانم می‌خواست به حج مشرف گردد و از کثرت جمعیت در طواف و نبودن محارم با ایشان بسیار نگران بود که چه پیش می‌آید برای خداحافظی خدمت پدر بزرگوارش حضرت آیت‌الله العظمی اراکی می‌رسد و نگرانی خود را برای پدر می‌گوید آقای اراکی فرمودند، در موقع طواف این ذکر را بگو «یا حفیظ و یا علیم» این خانم برای انجام طواف با چند نفر از آشنایان و دوستانی که در قافله پیدا کرده بود به مسجدالحرام می‌رود اما در وقت طواف و کثرت جمعیت آنها را گم می‌کند و بالاخره تنها وارد مطاف می‌شود و آن ذکر «یا حفیظ و یا علیم» را می‌گوید ناگهان شخصی از عقب فرمود: دنبال امام زمان علیه السلام طواف کن من پشت آقا قرار گرفتم و دیدم یک دایره کوچک تشکیل شده و من در آن واقع شده‌ام و هرگز تنه نمی‌خورم و گاهی هم دست به پشت آن آقای جلو می‌کشم و به‌صورت می‌مالم و چون طواف تمام شد برای نماز طواف رفتم و از آنان جدا شدم و سپس به‌خود آمدم که چه شد و چه بود ای کاش به امام سلام می‌دادم.

بنابراین اگر کسی بخواهد این حکایات مورد قبول را جمع‌آوری کند، دست‌کم چند جلد کتاب خواهد شد. پس اگر در برخی از آنها شک کنیم، اما در کل این حکایات، به یقین می‌رسیم که وجود مقدس حضرت بقیة الله اعظم همان‌گونه که در روایات آمده، پشت پرده غیبت به وظایف خود مشغول است و ضمن توجه به تمام عالم، در صورت مصلحت، جمال نورانی خود را به بعضی نشان می‌دهد.

### گوناهونی اسباب تشرفات

شرفیابی افراد به خدمت حضرت علت‌های گوناگونی دارد: گاهی اضطرار و درماندگی سبب تشریف شده است؛ مانند تشریف «سید رشتی» که حکایتش را «محدث قمی» از استادش محدث نوری در مفاتیح الجنان نقل می‌کند یا حکایت «محمدبن عیسی» و قضیه

انار در بحرین گاهی نیز حضرت برای کمک‌رسانی به شیعیان، جلوه می‌نمایاند؛ مثل حکایت علامه حلی که شرحش از این قرار است:

یکی از علمای اهل سنت کتابی در رد مذهب شیعه امامیه نوشت و گاهی نیز برای گمراه کردن مردم آن را می‌خواند. اما حاضر نبود کتاب را از خود جدا سازد و به دیگری بدهد که مبدا علمای شیعه بر رد آن چیزی بنویسند. برخی می‌گویند که علامه نزد آن عالم سنی درس خوانده بود و او به علامه علاقه خاصی داشت. علامه از او تقاضا کرد که کتاب را برای مطالعه به وی دهد. آن عالم سنی برای اینکه مبدا کتاب استنساخ شود و بر آن ردی نوشته شود، گفت: «قسم یاد کرده‌ام که بیش از یک شب کتاب را به کسی ندهم». علامه نیز همان مقدار را غنیمت شمرد. گرچه با یک شب هرگز امکان استنساخ نبود. اما علامه مشغول استنساخ شد. نیمی از شب گذشت و خواب بر علامه غلبه کرد.

ادامه حکایت به دو صورت نقل شده است: برخی می‌گویند علامه بی‌اختیار خوابش گرفت و قلم از دستش افتاد. صبح روز بعد علامه بیدار شد و بسیار افسوس خورد که فرصت را از دست داده است. اما هنگامی که به کتاب نگاه کرد، دید تمام کتاب نوشته شده و در آخر نیز این جمله مکتوب است: کتبه م ح م د ابن الحسن العسکری صاحب الزمان.

برخی نیز می‌گویند: ناگاه حضرت صاحب الأمر آمد و به علامه فرمود: «کتاب را به من واگذار و تو بخواب». وقتی علامه بیدار شد، دید به برکت وجود حضرت تمام کتاب نوشته شده است.<sup>۱</sup>

گاهی نیز علت تشرفات بر ما معلوم نیست؛ مثل شرفیابی «سید مهدی بحر العلوم» در حرم حضرت امیر علیه السلام<sup>۲</sup>، ملاقات علامه حلی در شب جمعه به سمت کربلا<sup>۳</sup> و از همه

۱. قصص العلماء، تنکابنی، ص ۳۵۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

۳. قصص العلماء، ص ۳۵۹؛ منتخب الأثر، ص ۴۱۷.

مهم‌تر، ملاقات حاج علی بغدادی در بازگشت از کاظمین.

آری، سرّ این‌گونه ملاقات‌ها بر ما روشن نیست. این‌طور نیست که هرکس دارای صفات خوب و کمالات روحی شود، می‌تواند به خدمت حضرت برسد؛ زیرا انسان‌های ممتاز و خداجویی هم بوده‌اند که توفیق شرفیابی برایشان حاصل نشده است.<sup>۱</sup> بنابراین معلوم شد اولاً؛ در زمان غیبت کبرا تعداد بسیاری از مردم به خدمت حضرت مهدی رسیده‌اند؛

ثانیاً؛ این ملاقات‌ها در زمان و مکان مختلف رخ داده است؛

ثالثاً؛ اسباب این تشرفات متفاوت بوده است.

### مضمون توقیع را چگونه معنا کنیم؟

بعد از آنکه بر اثر این حکایت‌ها، اصل ملاقات بر ما ثابت شد، این سؤال مطرح است که آیا این ملاقات‌ها با توقیعی که از طرف حضرت صادر شده است و به‌وسیله نایب چهارم، جناب علی‌بن محمد سمری (صیمری) اعلام شد، منافات ندارد؟ ابتدا می‌پردازیم به متن توقیع که در کتاب منتخب الأثر از کتاب غیبت شیخ طوسی چنین نقل شده است<sup>۲</sup> که علی‌بن محمد سمری قبل از وفات خود این توقیع را برای مردم قرائت کرد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فَيْكَ فَإِنَّكَ  
مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِلْ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ  
فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ... سَيَأْتِي لِشِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي  
الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ وَهُوَ كَذَابٌ مَفْتَرٌ.

۱. نقل شده است که از آیت‌الله میرزا جواد تهرانی، آن مرد تقوا و اخلاص، در موقعی که به جبهه‌های حق علیه باطل رفته بود، سؤال شد: «آیا شما به خدمت حضرت رسیده‌اید و او را زیارت کرده‌اید؟» ایشان فرموده بود:

«من ایشان را ندیده‌ام. اما خوشحالم که او من را می‌بیند».

۲. منتخب الأثر، ص ۴۰۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱.

به نام خداوند بخشنده مهربان ای علی بن محمد سمری! خداوند اجر و پاداش دوستان و برادرانت را بیفزاید. شما در شش روز آینده فوت خواهی کرد. کار خود را مرتب کن و نایب خاص و جانشینی برای خود معرفی نکن. غیبت کبرا شروع می شود و هر زمان که خداوند اراده کند، ظهور خواهیم کرد... عده‌ای پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعای مشاهده و ملاقات من را خواهند کرد که اینها دروغگو خواهند بود.

براساس این توقیع، مدعیان ملاقات، افرادی دروغگو و حقه‌بازند. بنابراین چگونه می توان این جمله را با آن همه حکایات ملاقات جمع کرد و پذیرفت؟ در پاسخ به این اشکال می‌گوییم اولاً: این روایت نمی‌تواند با آن همه حکایات متواتر که ناقلان مورد وثوق دارد، معارضه کند؛ زیرا این اخبار متواتر قطعی است. ولی توقیع مذکور بر فرض صحت سند، ظنی است، به‌ویژه که مفاد آن هم مربوط به احکام شرعی نیست.

ثانیاً: تمام علمای شیعه اتفاق دارند که مشاهده و ملاقات با حضرت برای بسیاری اتفاق افتاده است. حتی خود شیخ طوسی (ناقل توقیع) نیز وقوع ملاقات را پذیرفته است.

ثالثاً: با توجه به اعتراف تعداد بسیاری از اولیا و نیکان درباره تشریف، می‌توان گفت که مراد از جمله «کذاب مفتر» عمومیت ندارد، بلکه حمل می‌شود بر موردی که شخص، ادعای نیابت داشته باشد؛ زیرا امام عصر ع به علی بن محمد سمری فرمود کسی را برای نیابت مشخص نکند.

رابعاً: امکان دارد جمله «کذاب مفتر» به معنای ادعای ملاقات اختیاری باشد که هر وقت شخص بخواهد، بتواند به خدمت حضرت برسد؛ درحالی‌که چنین اختیاری در غیبت کبرا به احدی داده نشده است.

خامساً: از جمله «من یدعی المشاهدة» استفاده می‌کنیم که کسانی را تکذیب کنید که ادعای مشاهده دارند و به دنبال تثبیت مقام و جایگاهی برای خود می‌گردند.

در پایان دو نکته درخور توجه است:

۱. پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام و عاشقان حضرت مهدی علیه السلام براساس تأکید ائمه علیهم السلام، باید اهل فکر و تعقل باشند. مبدا از روی عشق و علاقه به حضرت مهدی، چشم‌پسته و فکر نکرده، به دنبال افراد فرصت طلب حرکت کنند و پس از مدت‌ها بفهمند که خطا رفته و اشتباه کرده‌اند.

ملاک و معیار را روش بزرگان و علما قرار دهیم؛ یعنی عمل بزرگانی همچون آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری، بروجردی، گلپایگانی و امام خمینی در این مسیر برای ما الگو باشد.

حضرت علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزندش امام حسن علیه السلام توصیه می‌کند: «وَالْأَخْذُ بِمَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ وَالصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ»؛ «راهی را که صلحا و نیکوکاران قبل از تو رفته‌اند برو». آری، باید علاقه‌مندان حضرت مهدی علیه السلام به این نصیحت امیرمؤمنان علیه السلام توجه کنند؛ زیرا شیادان به روش‌های مختلف از این شور و عشق مردم به حضرت مهدی، سوء استفاده می‌کنند و آنها را به بیراهه می‌برند.<sup>۱</sup>

۲. از روایات فراوان استفاده می‌شود که برنامه و حکمت پروردگار در عصر حاضر براساس غیبت و مخفی بودن حضرت استوار است و اگر حضرت در بعضی موارد، چهره تابناک خود را نشان می‌دهد، براساس مصلحت است. پیش از این نیز اشاره کردیم هر فرد مهذب و صاحب تقوا نمی‌تواند به خدمت حضرت برسد. بنابراین نباید انتظار داشته باشیم که اگر به مسجد جمکران یا مسجد سهله یا عرفات و مشعر رفتیم،

---

۱. عالم جلیل‌القدر و متکلم بزرگ آقای سیداسماعیل طبرسی در جلد دوم کفایة الموحدين، ص ۷۹۰ اسامی گروهی را آورده که ادعای نیابت و یا سفارت داشتند و مردم علاقمند را به گمراهی وادار می‌کردند مثل شلمغانی، نمیری محمد بن نصیر، احمد بن هلال، بلالی، حسین بن منصور حلاج که کفر و زندقه بیشمار از او بروز و ظهور کرد و از شیخ طبرسی در کتاب احتجاج نقل شده که توقیعی از حضرت صاحب الأمر علیه السلام به دست حسین بن روح رسید که حاکی از لعن حسین بن منصور بود.

و در تاریخ مکتب تشیع از این‌گونه فرصت طلبان و سوء استفاده کنندگان زیاد بودند که اینک در زمان حاضر نیز به چشم می‌خورند و وجود دارند.

می‌توانیم به خدمت حضرت برسیم.

گاهی برخی افراد با عبارتهای نامناسبی از حضرت گلایه می‌کنند که مثلاً: «مهدی من آمدم. اما شما به من توجه نکردی!» در حالی که ما باید به وظایف خودمان در زمان غیبت عمل کنیم و او خود می‌داند که با ما چگونه رفتار کند.<sup>۱</sup>

تو بندگی جو گدایان به شرط مزد ممکن که خواجه خود روش بنده‌پروری داند

### خلاصه بحث

از راه‌های اثبات وجود حضرت بقیةالله اعظم که برای تمام مردم قابل فهم است، بررسی کسانی است که به محضر حضرت مهدی رسیده و ایشان را ملاقات کرده‌اند. این افراد به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. کسانی که در زمان حیات امام عسکری علیه السلام ایشان را زیارت کرده‌اند؛ مانند حکیمه خاتون، نسیم، ابونصر، عقید، معاویة بن حکیم، محمدبن ایوب، محمدبن عثمان، احمدبن اسحاق قمی و دیگران.

۲. کسانی که در غیبت صغرا با حضرت ملاقات کرده‌اند که تعدادشان بسیار بوده است و در رأس آنها چهار نایب خاص حضرت‌اند که تمامی آنها از بزرگی و وثاقت ویژه‌ای برخوردار بودند. صاحب کفایةالموحدین ۱۰۸ حکایت را نقل می‌کند که تمامی آنها در غیبت صغرا خدمت امام علیه السلام رسیده‌اند که یکی از آنها جناب ابن مهزیار است.

۳. کسانی که در غیبت کبرا حضرت را ملاقات کرده‌اند، در زمان‌ها و مکان‌های مختلفی بوده است که تعداد آنها از حد تواتر می‌گذرد. فقط محدث نوری در کتاب نجم‌الثاقب به صد حکایت اشاره می‌کند که به صحت آنها مطمئن است.

در ادامه، ضمن بیان توفیق حضرت، به شبهه چگونگی جمع بین اثبات ملاقات و فرمایش حضرت در تکذیب مدعیان ملاقات، جواب‌هایی داده شد.

---

۱. چنان‌که گاهی ما در مقام دعا می‌خواهیم مصلحت خودمان را برای خدا ثابت کنیم و حال آنکه این‌گونه سخن گفتن با خداوند حکیم جسارت است. خداوند بیشتر از ما به مصالح ما آگاه است.

در پایان نیز به دو مطلب اشاره کردیم: یکی آنکه باید پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، اهل فکر و تعقل باشند و دنبال هرکس نروند و دیگر اینکه حکمت الهی در حال حاضر بر مخفی بودن حجت خدا اقتضا می کند و نباید ما توقع داشته باشیم با مختصر عمل صالحی، حضرت را ملاقات کنیم.

بهر وصال تو شب زنده دارها هر شب دعا کنند هزاران هزارها

بردار پرده راز جمال نکوی خود تا بنگرند روی تو چشم انتظارها

جان سوز خال صورت ماه تو مهديا آتش زده به خرمن جان هزارها

### سؤالات گفتار سوم

۱. چه کسانی در خانه امام عسکری علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام ملاقات کردند؟
۲. مضمون حدیثی که شیخ صدوق از اسحاق بن احمد قمی نقل می کند چیست؟
۳. نواب اربعه را به ترتیب نام ببرید.
۴. ابن خضیب چه کسی بود؟
۵. حکایت تشریف علی بن مهزیار را به صورت خلاصه نقل کنید.
۶. محدث نوری در نجم الثاقب چند حکایت در زمینه ملاقات امام علیه السلام در غیبت کبرا نقل کرده است؟
۷. توقیعی که از طرف امام زمان علیه السلام برای سمری رسید چه بود؟
۸. چگونه مضمون توقیع، با این همه حکایات و اخبار ملاقات که از پاکان نقل شده، توجیه پذیر است؟
۹. حضرت علی علیه السلام به فرزندش چه توصیه ای می کند؟
۱۰. خلاصه گفتار سوم را بیان کنید.





کفتار چهارم:

اثبات وجود حضرت مهدی از طریق بروز  
معجزات و کرامات آن بزرگوار



اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيَّائِكَ الَّذِيْنَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ، وَاَوْجِبْتَ حَقَّهُمْ،  
وَادْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا.

اَللّٰهُمَّ اَنْصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِهٖ لِدِيْنِكَ،

وَاَنْصُرْ بِهٖ اَوْلِيَّائَكَ وَاَوْلِيَّائَهُ وَشِيعَتَهُ وَاَنْصَارَهُ وَاَجْعَلْنَا مِنْهُمْ<sup>۱</sup>.

پروردگارا درود و رحمت فرست بر ولی قائم خود و فرزند اولیای تو که طاعت آنان را بر خلق فرض و لازم گردانیدی و حق آنها را بر ذمه مردم واجب کردی و رجس و پلیدی را از وجود آن پاکان عالم دور گردانیدی. و آنان را پاک و منزّه و معصوم از هر عیب و گناه فرمودی. ای خدا به وجود او دین خود را یاری کن.

و دوستان تو و شیعیان و یاران و دوستان او را نصرت عطا فرما و ما را هم از آن دوستان و شیعیان قرار ده.

---

۱. مفاتیح الجنان، دعای بعد از زیارت آل یاسین.



## ظهور و بروز کرامات از ناحیه مقدسه

از نشانه‌های روشن اثبات وجود حضرت مهدی علیه السلام بروز کرامات و معجزات آن حضرت در زمان غیبت است. مواردی که برای بزرگان و اهل دقت ثابت و مشهور شده، در کتاب‌ها فراوان است. چه بسیار افرادی که با توسل به حضرت مهدی علیه السلام مشکلاتشان برطرف شده است. حکایات اسماعیل هرقلی، ابوالحسن کاتب، محمدبن عیسی بحرینی، شیخ حر عاملی، بحرالعلوم، شیخ حسین آل رحیم، همسر آقای متقی در قم و صدها حکایات دیگر بیانگر توجه حضرت است. آیا این همه کرامات و معجزات حضرت، دلیل واضحی برای اثبات آن وجود مقدس نیست؟!

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که عبرت نکند، نقش بود بر دیوار

## حق ماندنی است و باطل رفتنی

ممکن است کسی بگوید درست است که در موارد فراوان در هر زمان و مکانی این فریادرسی و دستگیری مشاهده شده است. اما از کجا بدانیم که دست باطل در کار نیست؟

قرآن برای مشخص کردن حق از باطل، ملاک‌هایی را ارائه می‌کند که از این طریق می‌توان به آسانی، حق را از باطل جدا کرد. خداوند در برخی از آیات می‌فرماید: باطل رفتنی است و آنچه برای همیشه می‌ماند، حق است: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾؛ «و بگو: حق آمد و باطل نابود شد؛ زیرا باطل نابود شدنی است» (اسراء: ۸۱). ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ﴾؛ «بلکه ما حق را بر باطل می‌کوبیم و آن را هلاک می‌سازد». (انبیاء: ۱۸).

خداوند در سوره رعد برای شناخت حق و باطل مثال واضح تری می‌زند و

می‌فرماید:

﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُۥ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَ الْبَاطِلَ فَاَمَّا الزَّبَدُ فَيَذٰهَبُ جُفَاءً وَاَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْاَرْضِ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ﴾ (رعد: ۱۷)

[خداوند] از آسمان آبی فرو فرستاد و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد. سپس سیلاب بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه [در کوره‌ها] برای به دست آوردن زینت‌آلات یا وسایل زندگی، آتش بر آن می‌افروزد کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید. خداوند برای حق و باطل چنین مثالی می‌زند. سرانجام کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند. ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند. خداوند این چنین مثال می‌زند.

از این آیات مشخص می‌شود که هر چند باطل خودنمایی می‌کند، اما دوام ندارد. برخلاف حق که ریشه آن در دل و فطرت بشری قرار دارد و شاخه‌های آن متصل به آسمان اندیشه و عقول انسان‌هاست. مثل معروفی است که می‌گوید: «للباطل جولة و للحق دولة»؛ باطل تنها خودنمایی می‌کند و جولانی می‌دهد و سپس از بین می‌رود. اما دولت و دوام، مختص به حق و حقیقت است.

بنابراین مشاهده می‌کنیم که ندای توحید از پیدایش بشر تا حال طنین‌انداز است و ندای انبیا همچون ابراهیم، موسی، عیسی و... استمرار دارد و قرآن و آیات محکم آن از زمان نزول تا به امروز جلوه‌گر است و عقول بشری را به خود جذب کرده است. کنار مکتب توحید و دعوت انبیا و قرآن، صدها مکتب دیگر آمد، ولی برای همیشه فراموش شد؛ به طوری که از آنها در تاریخ هم اثری نیست و همین تفاوت، به طور کامل حق را از باطل جدا می‌سازد.

مسئله توسل به ائمه، به ویژه در عصر غیبت، تنها به چند واقعه منحصر نیست تا احتمال اتفاق و تصادف دهیم و نیز به زمان خاص و محدودی منحصر نیست که گفته شود چرا

### تکثّر چهارم؛ اثبات وجود حضرت مهدی از طریق پروژ معجزات و کرامات آن بزرگوار )))

امروز از آن خبری نیست. بلکه مردم در طول زمان و در مکان‌های متعدد و فراوان، در خلوت و جلوت و شهر و بیابان از حضرت مهدی یاری می‌طلبند و آن بزرگوار نیز با مهربانی تمام، آنان را کمک می‌کند. گاهی دستگیری حضرت، مثل حکایت محمدبن عیسی در بحرین و شفایافتن اسماعیل هرقلی، به قدری مشهور شده است که نه فقط مردم، بلکه حاکمان وقت هم یقین کردند که پشت پرده غیبت، امام و حجت الهی هست و می‌تواند براساس ولایتی که خداوند به او داده است، کارهای مهمی انجام دهد. آیا با چنین نشانه‌ها و آثار واضحی می‌توان در وجود آن امام و حقانیت او شک کرد؟!

### ایمان ساحران به موسی

وقتی موسی و هارون به سوی فرعون و اطرافیان‌ش آمدند و آنها را به سوی خدا دعوت کردند و موسی معجزه‌ای همچون عصا و ید بیضا نشان داد، آنها قبول نکردند و نسبت سحر و جادوگری به آنها دادند. جناب موسی فرمود:

ایا شما حق را با سحر فرق نمی‌گذارید؟ و حال آنکه ساحران هرگز پیروز نخواهند شد و چنانچه ساحری بخواهد خود را رسول خدا معرفی کند و سپس سحر خود را به جای معجزه الهی نشان دهد، قطعاً خداوند او را رسوا می‌کند و هرگز به مقصدش نخواهد رسید.

فرعون از ساحران زمان دعوت کرد تا در میدان مسابقه و مبارزه مقابل موسی قرار گیرند. موسی به آنان فرمود: «هرچه می‌توانید انجام دهید». چون آن ساحران از اعمال خود فارغ شدند، حضرت موسی قبل از انداختن عصا فرمود:

﴿قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ \* وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾<sup>۱</sup> (یونس: ۸۱ و ۸۲)

آنچه شما آوردید سحر است و خداوند به زودی آن را باطل می‌سازد؛ زیرا خداوند هرگز عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند.

۱. ر.ک: (یونس: ۷۴ - ۸۲) و (طه: ۵۷ - ۷۶).

آری، هرچند باطل مدتی به صورت سحر در این میدان خودنمایی کرد، اما وقتی موسی عصا را انداخت و اژدها شد، تمام ساخته‌ها و بافته‌های ساحران را بلعید. ساحران نیز وقتی این اثر را از آن اژدها دیدند، فهمیدند که کار موسی سحر نیست. از این رو با تمام وجود و از صمیم قلب در آن صحنه مبارزه به خدای موسی و هارون ایمان آوردند.

نتیجه‌ای که از این بحث قرآنی گرفته می‌شود این است که هرگز خداوند اجازه نمی‌دهد دست شیطانی و باطل در ظهور کرامات امامان، به‌ویژه امام زمان علیه السلام خودنمایی کند؛ به عبارت دیگر هرگز نمی‌توان در کرامات و دادرسی‌های حضرت بقیة الله علیه السلام شک کرد.

### حکایت اسماعیل هرقلی

حقانیت این واقعه برای بزرگان و علما ثابت شده است و حتی مردم بغداد، حله، سامرا و حاکمان وقت نیز این معجزه را از امام عصر ارواحنا فداه به وضوح دریافتند و به حقانیت مذهب تشیع و وجود امام عصر پی بردند. این حکایت را از کتاب «نجم‌الثاقب»<sup>۱</sup> تألیف عالم ربانی آقای «میرزا حسین نوری» نقل می‌کنیم. البته با عباراتی که برای مردم امروز آشنا تر باشد و گرنه مطلب و اصل واقعه تغییر نخواهد کرد.

عالم فاضل «علی بن عیسی اربلی» در کتاب خود به نام «کشف‌الغمه» می‌نویسد: گروهی از دوستان مورد اعتماد حکایتی را نقل کردند که در حله، شخصی به نام اسماعیل هرقلی<sup>۲</sup> بود که در زمان ما فوت کرد و من او را ندیدم. اما پسرش، شمس‌الدین<sup>۳</sup>، برای من حکایت کرد که در سنین جوانی پدرم «توشه‌ای»<sup>۴</sup> که به مقدار

۱. نجم‌الثاقب، ص ۲۲۸.

۲. حله از شهرهای عراق است و هرقل یکی از محلات شهر حله است.

۳. حاجی نوری در پایان حکایت مذکور از کتاب «أمل‌الأمیل» تألیف «شیخ حر عاملی» نقل می‌کند که محمدبن اسماعیل پسر اسماعیل هرقلی عالمی فاضل و از شاگردان علامه حلی بوده است.

۴. ظاهراً مراد از توشه همان دمل بزرگ است.



یک مشت بود در ران چپش بیرون آمد و در فصل بهار می‌ترکید و از آن خون و چرک بیرون می‌آمد و درد و رنج آن پدرم را از هر کاری باز می‌داشت. پدرم به حله رفت و خدمت سیدبن طاوس<sup>۱</sup> رسید و ناراحتی خود را به ایشان گفت. سید بن طاوس نیز جراحان حله را حاضر کرد. ولی همه گفتند: توثه بالای رگ اکحل قرار گرفته است و چنانچه توثه را ببریم، رگ اکحل بریده می‌شود و فرد زنده نخواهد ماند.

سید به اسماعیل گفت من قصد بغداد دارم. همراه من بیا شاید طبای بغداد که تواناترند کاری بکنند. ولی متأسفانه طبای بغداد نیز همان را گفتند که جراحان حله گفته بودند.

اسماعیل دلگیر شد. سیدبن طاوس برای دلداری به او گفت: «نمازت با وجود این خون صحیح است و صبرکردن مقابل این درد و رنج، ثواب خواهد داشت». اسماعیل گفت: حال که چنین است من به سامرا می‌روم و متوسل به ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup> می‌شوم.<sup>۲</sup> سپس به سامرا می‌رود و بعد از زیارت امام علی النقی و امام حسن عسکری<sup>علیه‌السلام</sup>، به سرداب می‌رود و شب را در آنجا با استغاثه به صاحب‌الأمر مشغول می‌شود. آن‌گاه می‌گوید: صبح به طرف دجله رفتم. جامه خود را شستم و غسل زیارت کردم و ابریقی که داشتم پر از آب کردم و مجدداً متوجه حرم مطهر شدم. هنوز به شهر و قلعه نرسیده بودم که دیدم چهار سوار می‌آیند. فکر کردم از بزرگان اطراف سامرایند. وقتی جلو آمدند، دیدم دو نفر از آنها جوان‌اند که یکی از آنها تازه موی به صورتش روییده بود، و دیگری پیرمرد بسیار پاکیزه‌ای بود که نیزه‌ای به دست داشت و چهارمی شمشیری حمایل کرده و روی آن لباسی معروف به «فرجی» پوشیده و تحت‌الحنک<sup>۳</sup> انداخته بود و نیزه‌ای در دست داشت. پیرمرد، طرف راست و آن دو جوان، طرف چپ آن

۱. از علمای بزرگ شیعه است و دارای تألیفات فراوان (متوفای ۶۶۴ ه. ق.).

۲. ظاهراً نظرش توسل به امام عصر ارواحنا فداه بوده است، وگرنه کاظمین نزدیک بغداد است و می‌توانست به آنجا برود.

۳. گوشه عمامه خود را از زیر گلو به پشت انداختن.

فرجی پوش قرار گرفتند. فرجی پوش به من فرمود: «فردا روانه می شوی؟» گفتم: «بلی». گفت: «جلو بیا تا بینم چه چیز تو را آزار می دهد؟» با خود گفتم: «من شست و شو کرده ام و از سوی دیگر عرب بادیه نشین احتراز از نجاست ندارد و لباس من هنوز تر است. از این رو تمایل به جلورفتن نداشتم. اما ایشان خودش خم شد و مرا به طرف خود کشید و دست بر آن جراحت نهاد و فشرد؛ به طوری که به درد آمد. در همین حال آن پیرمرد به من گفت: «أَفْلَحْتَ يَا إِسْمَاعِيلُ»؛ «رستگار شدی ای اسماعیل».

من گفتم: «أَفْلَحْتُمْ»؛ «رستگار باشید». ولی تعجب کردم که نام من را از کجا می دانند. دوباره آن پیرمرد به من فرمود: «امام است. امام». به سرعت جلو رفتم و رکابش را بوسیدم. امام حرکت کرد من نیز با جرع و فزع به دنبال رکاب او در حرکت بودم. به من فرمود: «برگرد». عرض کردم: «از شما جدا نمی شوم». باز فرمود: «برگرد که مصلحت تو در برگشتن است». من نیز گفتم: «از شما جدا نمی شوم». آن پیرمرد گفت: «اسماعیل! شرم نمی کنی؟! امام دو مرتبه به تو می فرماید برگرد و تو بر نمی گردی». من ایستادم. چند قدم که از من دور شدند، حضرت روی به من کرد و فرمود: «چون به بغداد رسیدی، مستنصر<sup>۱</sup> تو را می طلبد و به تو عطایی می دهد. از او قبول نکن و به فرزندم رضی<sup>۲</sup> بگو: تو را به علی بن عرض معرفی کند و من به او سفارش می کنم که هر چه بخواهی به تو بدهد».

من در همان مکان ایستادم تا از نظر من غایب شدند. ساعتی با حال تأسف در آنجا نشستم و سپس به سمت شهر و حرم عسکریین روانه شدم. چون مردم من را مضطرب و متغیر دیدند، گفتند: «مشکل داری؟» گفتم: «نه». گفتند: «با کسی نزاع کرده ای؟» گفتم: «نه، شما به من بگویید آیا این سواران را که از اینجا گذشتند، دیدید؟»

۱. خلیفه عباسی که از سال ۶۲۳ تا سال ۶۴۰ ه. ق حکومت کرده است.

۲. مراد سید بن طاوس رحمته الله است.

گفتند: «ایشان از شرفایند». گفتم: «نه، بلکه یکی از آنها امام عصر علیه السلام بود». پرسیدند: «آن پیرمرد یا آن صاحب لباس فرجی؟» گفتم: «صاحب فرجی». گفتند: «زخمت را به او گفتی؟» حکایت را نقل کردم. آنها لباس من را بالا زدند و ران من را دیدند که اثری از زخم باقی نمانده بود. مردم ازدحام کردند و پیراهن من را پاره پاره کردند. خبر به ناظر بین‌النهرین<sup>۱</sup> رسید و آمد از نزدیک بررسی کرد و رفت و واقعه را به بغداد گزارش داد. من شب را در سامرا ماندم و آن‌گاه صبح حرکت کردم. چون به بغداد رسیدم، دیدم جمعیت بسیاری در انتظار من اند و هرکس وارد می‌شود اسم او را می‌پرسند و چون من را شناختند مجدداً پیراهن من را پاره پاره کردند و برای تبرک بردند. سرانجام سید بن طاووس با گروهی رسید و من را از دست مردم نجات داد.

سید فرمود: «تو شفا یافتی؟» عرض کردم: «بلی». ران من را دید. چون زخم را قبلاً دیده بود و از آن اثری ندید، ساعتی از خود بی‌خود شد. چون به حال عادی برگشت، فرمود: «خبر تو به وزیر رسیده و از من خواسته است که نزد او برویم». هر دو به پیش وزیر رفتند آن‌گاه سید فرمود: «این مرد، برادر و از بهترین اصحاب من است». وزیر گفت: «قصه را برایم نقل کن». چون قصه را نقل کردم، وزیر به دنبال اطبا فرستاد. چون حاضر شدند، به آنها گفت: «شما زخم این مرد را دیده بودید؟» گفتند: «بلی». پرسید که دوی آن چیست؟ همه گفتند: «علاج آن منحصر است در بریدن آن زخم. ولی زنده ماندن او بعید است». پرسید: «اگر نمیرد تا چه مدتی آن زخم خوب می‌شود؟» گفتند: «دست‌کم دو ماه آن جراحت باقی می‌ماند و جای آن هرگز موی نخواهد رویید». باز پرسید: «شما چند روز است که او را ندیده‌اید؟» گفتند: «با امروز ده روز است».

وزیر ران را برهنه کرد و به اطبا نشان داد. دیدند با ران دیگر اصلاً تفاوتی ندارد. یکی از اطبا که نصرانی بود فریاد برآورد و گفت: «وَاللَّهِ هَذَا مِنْ عَمَلِ الْمَسِيحِ»؛ «به خدا قسم که این از معجزات حضرت مسیح است».

۱. مأموری که از طرف حکومت در بین‌النهرین نظارت داشته و گزارش امور را به مرکز خبر می‌داده است.

خبر به خلیفه رسید. وزیر، من را به نزد او برد. مستنصر گفت: «قصه را بیان کن». چون نقل کردم، دستور داد کیسه‌ای که در آن هزار دینار بود به من بدهند و گفت: «این را بگیر و مصرف کن». گفتم: «دانه‌ای از آنها را قبول نمی‌کنم». خلیفه گفت: «از چه کسی می‌ترسی؟» گفتم: «از آن کسی که من را شفا بخشیده است؛ زیرا به من فرمود از ابوجعفر چیزی قبول نکن». خلیفه ناراحت شد و گریست.<sup>۱</sup>

صاحب کتاب کشف الغمّه از پسر اسماعیل هرقلی نقل می‌کند که پدرم هر سال به سامرا می‌رفت تا شاید یک‌بار دیگر چهره زیبای امام خود را ببیند و این عمل چهل بار تکرار شد. اما شرف زیارت دست نداد.

بعد از اینکه شیخ حر عاملی که یکی از علما و محدثان بزرگ جهان تشیع است، حکایت اسماعیل هرقلی را نقل می‌کند، می‌نویسد مانند این جریان در زمان ما و نیز در گذشته از آن حضرت به‌طور متواتر و قطعی برای ما نقل شده است.<sup>۲</sup>

### کرامتی از امام زمان علیه السلام در عصر حاضر

در عصر حاضر نیز حکایتی از لطف و عنایت حضرت بقیة الله علیه السلام برای همسر عالم فاضل جناب حاج آقای متقی همدانی واقع شده است<sup>۳</sup> که خود ایشان برای این‌جناب که به همراه آقای شاکری و آقای قاسمی به منزلشان رفته بودیم به‌طور مستقیم نقل کرد. البته چون آیت‌الله صافی از ایشان خواست که اصل واقعه را برای ایشان بنویسد،<sup>۴</sup> بهتر است ما نیز به همان نوشته حاج آقای متقی بسنده کنیم. ایشان بعد از حمد و صلوات و سلام بر اهل بیت پاک می‌نویسد:

۱. این حکایت را عده‌ای از بزرگان و محدثان نیز نقل کرده‌اند.

۲. جزوه مؤسسه در راه حق، نقل از کتاب اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۵۵.

۳. مرجع عالی‌قدر آیت الله صافی گلپایگانی درباره ایشان می‌نویسد: آقای متقی از فضیلت همدانی در حوزه علمیه قم و به تقوا و طهارت نفس معروف است و خود این‌جناب سال‌هاست ایشان را به دیانت و اخلاق پسندیده می‌شناسم.

۴. امامت و مهدویت، ص ۱۷۱.

## کفتار چهارم؛ اثبات وجود حضرت مهدی از طریق پروژ معجزات و کرامات آن بزرگوار ۱۱۷

مناسب دیدم توسلی را که به حضرت بقیةالله فی الارضین حجة بن الحسن العسکری  
نموده و توجهی که آن جناب فرمود، ذکر نمایم. چون موضوع کتاب در اثبات وجود آن  
حضرت است از طریق معجزات و خرق عادات.

روز دوشنبه هجدهم ماه صفر از سال ۱۳۹۷ امر مهمی پیش آمد که سخت مرا و صدها  
نفر دیگر را نگران نمود؛ یعنی همسر این جانب (محمد متقی همدانی) بر اثر غم و اندوه  
و گریه و زاری دو سال که از داغ دو جوان خود که در یک لحظه در کوه‌های شمیران  
جان سپردند، در این روز مبتلا به سکتة ناقص شد. البته طبق دستور دکترها مشغول  
به معالجه و مداوا شدیم. ولی نتیجه‌ای به دست نیامد. تا شب جمعه ۲۲ ماه صفر،  
یعنی چهار روز بعد از حادثه سکتہ، شب جمعه تقریباً ساعت یازده رفتم در اتاق خودم  
استراحت کنم. پس از تلاوت چند آیه از کلام الله و خواندن دعایی مختصر از دعا‌های  
شب جمعه، از خداوند تعالی خواستم که امام زمان حجة ابن الحسن علیه السلام را مأذون فرماید  
که به داد ما برسد و علت اینکه متوسل به آن بزرگوار شدم و از خداوند تبارک و تعالی  
مستقیماً حاجت خود را نخواستم این بود که تقریباً از یک ماه قبل از این حادثه، دختر  
کوچکم فاطمه، از من خواهش می‌کرد که من قصه‌ها و داستان‌های کسانی که مورد  
عنایت حضرت بقیةالله روحی و ارواح العالمین له الفداء قرار گرفته و مشمول عواطف و  
احسان آن مولا شده‌اند را برای او بخوانم. من هم خواهش این دختر ده ساله را  
پذیرفتم و کتاب نجم‌الثاقب حاجی نوری را برای او خواندم.

در ضمن من هم به این فکر افتادم که مانند صدها نفر دیگر چرا متوسل به حجت  
منتظر، امام ثانی عشر علیه السلام نشوم. لذا همان‌طور که در بالا تذکر دادم در حدود ساعت  
یازده شب به آن بزرگوار متوسل شدم و با دلی پر از اندوه و چشمی گریان به خواب  
رفتم. ساعت چهار بعد از نیمه شب جمعه طبق معمول بیدار شدم. ناگاه احساس کردم  
از اتاق پایین<sup>۱</sup> که مریض سکتہ کرده ما آنجا بود صدای همهمه می‌آید. سروصدا قدری  
بیشتر شد. سپس ساکت شدند. اذان صبح به قصد وضو پایین آمدم. ناگهان دیدم صبیحه

---

۱. در همین اتاق جناب آقای متقی برای ما حکایت را بعد از گذشت پنج ماه از اصل واقعه نقل می‌کرد.

بزرگم که معمولاً در این وقت در خواب بود، بیدار و غرق در نشاط و سرور است. تا چشمش به من افتاد گفت: «آقا مزده بده». گفتم: «چه خبر است؟» من گمان کردم خواهرم یا برادرم از همدان آمده‌اند.

گفت: «بشارت، مادرم را شفا دادند». گفتم: «کی شفا داد؟» گفت: «مادرم چهار ساعت بعد از نیمه‌شب با صدای بلند ما را بیدار کرد». چون برای مراقبت مریض، دختر و برادرش (حاج مهدی) و خواهرزاده‌اش (مهندس غفاری) که این دو نفر اخیراً از تهران آمده بودند تا همسرم را برای معالجه به تهران ببرند. ناگهان همسرم فریاد می‌زند: «برخیزید آقا را بدرقه کنید. برخیزید آقا را بدرقه کنید». می‌بیند که تا اینها از خواب برخیزند، آقا رفته است، خودش که چهار روز بود نمی‌توانست حرکت کند، از جای برمی‌خیزد و دنبال آقا تا دم در حیاط می‌رود.

دخترش که مراقب حال مادر بود، بر اثر سروصدای مادر، بیدار می‌شود و دنبال مادر تا دم در حیاط می‌رود تا ببیند که مادرش کجا می‌رود. دم در حیاط مریض به خود می‌آید، ولی نمی‌تواند باور کند که خودش تا اینجا آمده است. از دخترش زهرا می‌پرسد که زهرا من خواب می‌بینم یا بیدارم؟

دخترش پاسخ می‌دهد که مادر جان تو را شفا دادند. آقا کجا بود که می‌گفتی آقا را بدرقه کنید. ما کسی را ندیدیم. مادر می‌گوید آقای بزرگواری در لباس اهل علم، سید عالی‌قدری که نه جوان بود و نه پیر، به بالین من آمد گفت: «برخیزید. خدا تو را شفا داد». گفتم: «نمی‌توانم برخیزم». با لحنی تندتر فرمود: «شفا یافتی برخیز». من از مهابت آن بزرگوار برخاستم. فرمود: «تو شفا یافتی دیگر دوا نخور و گریه هم مکن». چون خواست از اتاق بیرون رود، من شما را بیدار کردم تا ایشان را بدرقه کنید. ولی دیدم شما دیر جنبیدید. خودم از جا برخاستم و دنبال آقا رفتم.

بحمدالله تعالی پس از این توجه و عنایت، حال مریض فوراً بهبود یافت و چشم راستش که بر اثر سکتة غبار آورده بود، برطرف شد. پس از چهار روز که میل به غذا نداشت، تقاضای غذا کرد. لیوان شیری به او دادند و بر اثر فرمان آن حضرت که فرمود گریه

مکن، غم و اندوه از دلش برطرف شد. ضمناً همسرم از پنج سال قبل رماتیسم داشت که از لطف حضرت علیه السلام شفا یافت با آنکه اطبا نتوانسته بودند معالجه کنند. ناگفته نماند که در ایام فاطمیه، در منزل، مجلسی برای شکرانه این نعمت بزرگ برپا کردیم. موضوع را به آقای دکتر دانشور، یکی از دکترهای معالج وی، توضیح دادم. دکتر اظهار فرمود: «آن مرض سخته که من دیدم از راه عادی قابل معالجه نبود. مگر آنکه از طریق خرق عادات و اعجاز شفا یابد».

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله المعصومین لاسیما امام العصر و ناموس الدهر، قطب دایره امکان، سرور و سالار انس و جان، صاحب زمین و زمان، مالک رقاب جهانیان، حجة بن الحسن العسکری صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه المعصومین الی قیام یوم الدین. ابن محمد تقی متقی همدانی.<sup>۱</sup>

### نامه‌ای از آیت الله حائری رحمته الله

بعد از ارائه ادله عقلی و نقلی اثبات وجود حجت خدا در هر زمان، به ویژه اثبات وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام، مناسب است نامه «آیت الله شیخ مرتضی حائری» را که درباره اثبات حجت خدا به ستاد برگزاری جشن‌های میلاد حضرت مهدی علیه السلام ارسال شد، در اینجا نقل کنیم. متن نامه چنین است:

مقام محترم ستاد برگزاری جشن‌های میلاد حضرت خلیفة الله حجة بن الحسن المهدی صلوات الله علیه و علی جده و آبائه الطاهرین.

پس از اهدای سلام و تحیات، این جانب به واسطه دنباله کسالت قلب و اعصاب از قسمت زیادی از وظایف، برکنارم و لذا از نوشتن مقاله مفصلی که تا حد تشخیص نالایق خودم، تناسبی با مقام معظم ولی الله اعظم و مولای مکرّم داشته باشد، معذرت می‌طلبم. ولی برای اینکه تا حد خیلی پایینی قیام به وظیفه نوکری نموده باشم، چند کلمه راجع به

۱. با اندکی ویرایش.

این موضوع ارجمند می‌نویسم. بعونه تعالی و توفیقه.

غیر از هزارها دلیل که از امنای وحی رسیده و از تورات گرفته تا امام یازدهم بیان فرموده، و همه بشارت به وجود مبارک او داده‌اند و غیر از عده زیادی که پیش از غیبت و در غیبت صغرا و غیبت کبرا خدمتش رسیده‌اند که تنها در کتاب نجم‌الثاقب صد حکایت راجع به آنها که در غیبت کبرا خدمت رسیده‌اند، ذکر می‌کند. غیر از آن نیز کسانی که خود این جانب می‌دانم که خدمتش رسیده‌اند و بعضی از آنها در این زمان هستند که نام آنها برده نمی‌شود.

یک دلیل قرآنی ذکر می‌شود که خصوص این دلیل را ندیده‌ام کسی به این بیان ذکر کرده باشد و آن آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره است که اول آن آیه شریفه **﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾** می‌باشد که خلاصه‌اش این است که خداوند به فرشتگان فرمود که من قراردهنده جانشینی در روی زمین هستم. فرشتگان گفتند: آیا آفرینشی در روی زمین می‌کنی که در آن فساد و خونریزی کنند؟ چون می‌دانستند که خلقت خلیفه تنها نخواهد بود، و مقصود این است که شاید آگاه شوند که خداوند متعال چه حکمتی در مقابل این فساد دارد. حق متعال، اسما را که ظاهراً خصوصیات و حقائق موجودات است، به آدم تعلیم فرمود و ملائکه نمی‌دانستند و به آدم فرمود: آنان را از این حقایق آگاه نماید.

پس از آن، ملائکه دانستند راز آفرینش بشر و خلیفه الله را و اینکه فساد که از لوازم خلقت بشری است در مقابل خلقت «خلیفه الله» چیزی نیست، و بیان دلالت از چهار راه است:

۱. می‌گویند و ظاهر کلام نیز چنین است که جمله اسمیه دلالت بر دوام دارد؛ یعنی جمله **﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾** من در روی زمین قرار دهنده خلیفه و جانشینی هستم، این جمله تمام اعصار و ازمنه را خواهد گرفت.

۲. بودن علت قراردادن خلیفه‌ای که تدارک فساد جامعه بشری باشد به وجود جانشین خدا در روی زمین که عالم به حقائق موجودات است در همه اعصار؛ زیرا فساد جامعه بشری در اعصار توسعه آن زیادتر و خیلی بیشتر است.



## گفتار چهارم؛ اثبات وجود حضرت مهدی از طریق بروز معجزات و کرامات آن بزرگوار (۱۲)

۳. با قطع نظر از تدارک فساد بشری، قابلیت درک حقایق موجودات و تعلیم آن به فرشتگان دائم و همیشگی است. پس باید این لطف دائم باشد؛ چون فایده آن دائم و همیشگی است.

۴. از آیه شریفه معلوم می‌شود که ممکن است یکی از موجودات بشری به قدری بلندپایه باشد که عارف به حقایق موجودات باشد؛ به حدی که فرشتگان از او باید تعلم نمایند. بنابراین باید همیشه موجود باشد؛ چون با وجود قابلیت، قطع فیض از واجب‌الوجود که آماده فیض است، قبیح است و مسلماً افاضه می‌فرماید.<sup>۱</sup>

۱/ ج ۱ / ۱۴۰۲ هـ. ق مرتضی حائری

اینک که از راه‌های مختلف با امام عصر علیه السلام آشنا شدیم و اعتقاد جازم به وجود امام و حجت خدا پیدا کردیم، دیگر تأخیر یا تعجیل ظهور یا بودن و نبودن در زمان ظهور برای ما مهم نیست. البته مخفی نماند که هر فرد علاقه‌مندی، آرزو می‌کند که حکومت عدل حضرت مهدی علیه السلام را درک کند و از سربازان حضرت باشد. اما آنچه مهم و سرنوشت‌ساز است، اعتقاد به وجود ولی‌الله اعظم است که بحمدالله با مباحث گذشته به اثبات رسید. برای شاهد این گفتار، به روایت زیر اشاره می‌شود:

«فضیل بن یسار» از امام صادق درباره آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»؛ «روزی را که

هر گروهی را با امامشان می‌خوانیم» (اسراء: ۷۱). سؤال کرد و حضرت فرمود:

يَا فَضِيلُ اَعْرِفْ اِمَامَكَ فَاِنَّكَ اِذَا عَرَفْتَ اِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْاَمْرُ اَوْ تَاَخَّرَ وَ مَنْ عَرَفَ اِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ اَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْاَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِيَاثِهِ.<sup>۲</sup>

شما وظیفه دارید که امام خود را بشناسید. دیگر نگران ظهور حضرت قائم نباشید؛ چه زود واقع شود یا دیر. اگر کسی امام خود را بشناسد و قبل از ظهور بمیرد، جایگاه او همانند

۱. گرچه بعضی عبارت‌ها و جملات نامه احتیاج به توضیح داشت و از فهم همگان مقداری دور بود. ولی امانت در نقل را رعایت کردیم تا صاحب‌نظران و اندیشمندان بهتر بتوانند از آن بهره برند.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۱.

کسی است که در لشکر حضرت حضور دارد و زیر پرچم ایشان قرار گرفته است.  
 شاهان نظری کن دل مسکین گدا را بگذار به چشمان ترم آن کف پا را  
 ای خاک درت تاج سرم مهدی زهرا نا امید مکن از درت این بی سر و پا را  
 رفتم به سر کوه صفا با دل خسته دیدم که صفایی نبود بی تو صفا را  
 گر قطره‌ای از جام ولای تو بنوشم هرگز نکنم میل دگر آب بقا را

### خلاصه بحث

ظهور و بروز کرامات از سوی حضرت مهدی علیه السلام، دلیل روشن دیگری بر وجود حضرت است. این کرامات به وفور در زمان‌ها و مکان‌های مختلف مشاهده شده است. هر صاحب خردی حکم می‌کند که پشت پرده، شخصی که از ولایت الهیه برخوردار است، وجود دارد.

در ضمن به دو مطلب قرآنی اشاره شد: یکی آنکه باطل دوام ندارد و دیگری این است که باطل نمی‌تواند با حق مقابله کند، تا چه رسد از طریق باطل کسی بخواهد خود را رسول و سفیر الهی معرفی کند. پس با استغاثه به حجت خدا و مشاهده الطاف ایشان نمی‌توان گفت که دست باطل در کار است و ممکن است این بروز کرامات از طرف غیرحجت خدا باشد.

سپس به دو نمونه از الطاف بی‌شمار حضرت بقیة الله اعظم اشاره شد: یکی حکایت اسماعیل هرقلی و دیگری توجه حضرت به خانم متقی. در پایان نیز نامه آیت‌الله شیخ مرتضی حائری رحمته الله علیه به ستاد برگزاری جشن‌های میلاد حضرت مهدی علیه السلام نقل شد که ایشان با استدلال به آیه ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾، لزوم حجت خدا را در هر عصر ثابت می‌کند.

### سؤالات گفتار چهارم

۱. چطور از ظهور کرامات می‌توان به وجود صاحب‌الزمان و حجت خدا پی برد؟

۲. از آیه ۱۷ سوره رعد چه برداشت می شود؟
۳. از آیات ۷۴ تا ۸۲ سوره یونس چه برداشت می شود؟
۴. اسماعیل هرقلی در حله به چه کسی مراجعه کرد؟
۵. اطبا درباره بیماری اسماعیل چه گفتند؟
۶. امام علیه السلام به اسماعیل چه فرمود؟
۷. شفایافتن اسماعیل در عصر کدام خلیفه از خلفای عباسی بود؟
۸. محدث بزرگ، شیخ حر عاملی، بعد از نقل حکایت اسماعیل هرقلی چه می گوید؟
۹. همسر آقای متقی به چه مرضی مبتلا شد؟
۱۰. امام زمان به خانم متقی چه فرمود؟
۱۱. آقای متقی برای تشکر از عنایت امام زمان چه کرد؟
۱۲. دکتر دانشور در این باره چه گفت؟
۱۳. مضمون دو روایت پیرامون معرفت و شناخت حضرت مهدی علیه السلام چه بود؟
۱۴. خلاصه گفتار را بیان کنید.



گفتار پنجم:

استغاثه و توسل به خاندان عصمت و

طهارت، به ویژه حضرت مهدی علیه السلام



فَارَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ  
وَ أَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ  
وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ  
وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ  
مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ  
وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ.<sup>۱</sup>

(ای اهل بیت پیامبر) رستگار شد متمسک به ولایت و امامت شما.  
و ایمن شد (از عذاب الهی) کسی که به شما پناه آورده.  
و سالم ماند (از هرگونه انحرافات) کسی که شما را تصدیق نموده.  
و هدایت گردید کسی که به حبل (ریسمان) محکم شما چنگ زد.  
جایگاه پیروان شما بهشت است.  
و جایگاه مخالفین و دشمنان شما آتش جهنم.

---

۱. مفاتیح الجنان، زیارت جامعۀ کبیره.





## استغاثه و توسل به ائمه علیهم السلام

در بحث بروز کرامات امام عصر علیه السلام این سؤال مطرح است که آیا قدرت بندگان برگزیده خدا در درمان دردها و پاسخگویی آنان به استغاثه مردم، با مسئله توحید منافات دارد؟<sup>۱</sup>

### سنت تغییرناپذیر الهی

خداوند متعال، جهان را براساس اسباب و مسببات آفریده است؛ یعنی باید انسان گرسنه و تشنه به سراغ غذا و آب برود و اگر بیمار شد به سوی دارو و درمان برود. در واقع، خداوند متعال این خواص را در گیاهان قرار داده است؛ یعنی در روغن زیتون، عسل، سیب، انجیر، گل گاوزبان، سبزیجات، میوه جات و... حتی در سم مار نیز خاصیت درمانی قرار داده است.<sup>۲</sup>

بنابراین اگر کسی دنبال این اسباب برود، آیا عاقلان آنها را سرزنش می کنند؟ آیا می توان گفت که این شخص برخلاف دستور شرع رفتار کرده است؟ آیا می توان او را مشرک دانست و گفت عملش با توحید منافات دارد؟ قطعاً جواب این سؤالها، منفی است.

پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام و شیعه اثناعشری معتقدند خداوند به انبیا و

---

۱. گرچه یک دلیل روشن آن، همان وقوع کرامات و جوابگوییهایی است که از ائمه علیهم السلام در پی استغاثهها و توسلات مردم محقق شده است و چنانچه جنبه الهی و دینی نداشت، هرگز این شفابخشیها و دادرسیها واقع نمی شد.  
۲. تا جایی که ملاحظه می کنید آرم داروخانهها عکس دو مار است که در جامی زهر خود را می ریزند.

ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی داده است که دیگران آن را ندارند.<sup>۱</sup> سپس بندگان را به سوی آنها فراخوانده است.

## ادله‌ای که این ادعا را ثابت می‌کند

قرآن با صراحت تمام بعضی از انبیا و انسان‌های ممتاز را که دارای نیروی تصرف در جهان خلقت‌اند، معرفی می‌کند؛ برای مثال به دو مورد اشاره می‌شود:

۱. خداوند درباره حضرت مسیح علیه السلام می‌فرماید:

﴿أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُرِيءُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۴۹)

من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛ من از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم. سپس در آن می‌دمم و به اذن خدا پرنده‌ای می‌گردد و با اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلا به بیماری پیسی را بهبودی می‌بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم و به شما خبر می‌دهم از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید. به یقین در این [معجزات] نشانه‌ای برای شماست. اگر ایمان داشته باشید.

حضرت عیسی فرمود من گل را به شکل پرنده می‌سازم و در آن می‌دمم. کور مادرزاد و بیمار مبتلا به برص را شفا می‌دهم. مرده را زنده می‌کنم و بالأخره من از غیب به شما خبر می‌دهم. البته تمام این قدرت‌ها را خداوند به من داده است و با اذن و رضایت او به کار گرفته می‌شود. پس معلوم می‌شود خداوند به ایشان این قدرت و توان را داده است.

۱. البته قدرتی را که خداوند به این بزرگان داده است به طور یکسان نیست. بلکه بعضی بیشتر و بعضی کمتر است.

بنابراین کمک‌خواهی بندگان مبتلا از این انسان‌های ممتاز مانعی ندارد. همان‌گونه که بهره‌گیری از خواص گل‌گاوزبان برای درمان مانعی ندارد، پناه‌بردن به حضرت عیسی برای بهره‌گیری از قدرت الهی او شرک به حساب نمی‌آید.

۲. در سوره مبارکه نمل و در حکایت خبرآوردن همداد از سرزمین سبا و پادشاه آن «بلقیس»، سلیمان به اطرافیان خود می‌گوید: «کدام یک از شما تخت او را برای من حاضر می‌کند قبل از اینکه آنها تسلیم‌وار پیش من آیند؟» فردی که از طایفه جنیان بود و قرآن از آن به «عفریت» نام می‌برد، گفت: «من آن را می‌آورم قبل از اینکه از جای خود برخیزی». اما انسانی که به تعبیر قرآن به او دانشی داده شده بود، به حضرت سلیمان گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد»: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل: ۴۰).

روایات، آن شخص را «أصف بن برخیا» معرفی می‌کند. از سخن حضرت سلیمان که فرمود: «يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا؟» (ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او را برای من می‌آورد). (نمل: ۳۸) معلوم می‌شود که صاحبان چنین قدرتی بین حاضران متعدد بوده‌اند.<sup>۱</sup>

در واقع، حضرت سلیمان از آنها خواست که این کار را برای او انجام دهند و واژه توسل نیز چیزی غیر از این نیست که از بزرگ و صاحب‌قدرتی بخواهیم که ما را کمک کند. با توجه به اینکه قدرت این افراد از خداست، مراجعه ما به آنان نیز به معنای مراجعه به خداست؛ زیرا معتقدیم که آنها هرچه دارند از خداست و خودشان نیز معترف‌اند که ما هرچه داریم از جانب خداوند است. پس آنان این قدرت خدادادی را در مسیر غیر رضای خداوند به کار نمی‌گیرند. بنابراین کمک‌خواهی از این افراد هیچ منافاتی با توحید ندارد.

---

۱. درخواست حضرت سلیمان از آن گروه برای احضار تخت بلقیس دلیل نمی‌شود که خود حضرت توانایی چنین کاری را نداشته است؛ زیرا شاید سلیمان خواسته تا این کار از طریق پرورش‌یافته‌هایش انجام بگیرد.

دورنمایی از توانایی ائمه اطهار علیهم السلام

با مطالعه روایات، به ویژه روایات کتاب اصول کافی، باب الحجّة که درباره علم و توانایی ائمه علیهم السلام است، و با در نظر گرفتن مضامین زیارت‌ها، به ویژه زیارت جامعه کبیره، شاید بتوان تا حدودی با علم و توانایی ائمه آشنا شد. در این گفتار کوتاه فقط به دو نکته در این باره اشاره می‌شود:

۱. محدث بزرگ «شیخ کلینی» در اصول کافی، باب الحجّة، روایاتی را نقل می‌کند که اسم اعظم الهی ۷۳ جزء دارد و ۷۲ جزء آن در اختیار ائمه اطهار علیهم السلام است. گفتنی است آصف بن برخیا که توانست تخت بلقیس را در چشم برهم زدنی مقابل سلیمان حاضر کند، از یک جزء اسم اعظم برخوردار بود.

۲. مقایسه بین آیه **﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾** (رعد: ۴۳) و آیه **﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ﴾** (نمل: ۴۰) بسیار درخور توجه است.

مفسران شیعه می‌گویند مراد از **﴿مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾** حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است و روایات هم در این رابطه بسیار وارد شده است؛ به ویژه آنکه علامه طباطبایی در المیزان<sup>۱</sup> با دلیل محکم ثابت می‌کند که مراد از **﴿مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾** کسی غیر از علی علیه السلام نمی‌تواند باشد. همچنین علامه طباطبایی روایتی را از ابوسعید خدری نقل می‌کند<sup>۲</sup> که او می‌گوید:

به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: «مراد از آیه **﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ﴾** کیست؟» فرمود: «وصی برادرم، سلیمان بن داود». عرض کردم: «یا رسول الله! مراد از آیه **﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾** کیست؟» فرمود: «برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام».

۱. مفسران عامه سعی کرده‌اند که **﴿مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾** را منطبق کنند با چند نفر از علمای اهل کتاب، مانند تمیم داری و جارود. آنان به خصوص روی عبدالله بن سلام پافشاری می‌کنند؛ درحالی‌که علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «سوره رعد به اتفاق فریقین مکی است و هرگز علمای اهل کتاب در مکه ایمان نیاورده‌اند».

۲. المیزان، ج ۱۱، ص ۴۲۷.

این روایت و نظیر آن می‌رساند که در صدر اسلام نیز مقایسه بین این دو آیه برای بعضی از مردم مطرح بوده است. آری، در آیه اول «علم» نکره است و به مختصر علم از کتاب نیز اطلاق می‌شود. اما در آیه دوم با اضافه شدن علم به «الکتاب» که الف و لام دارد و مفید عموم است، مراد تمامی علم کتاب خواهد بود؛ برای مثال اگر گفته شود آبی از دریا، می‌توان آن را به قطره‌ای از آب دریا نیز اطلاق کرد. اما اگر گفته شود آب دریا، منظور تمامی آب دریا خواهد بود.

میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است

بنابراین اگر آصف با مقداری از علم کتاب توانست چنان قدرت‌نمایی کند، مولای متقیان علی بن ابی‌طالب علیه السلام چه قدرتی خواهد داشت؟!

مقداری از این قدرت ائمه اطهار علیهم السلام در شفای مریضان و دادرسی به مظلومان مشاهده شده است که صدها نمونه آن در کتاب‌ها نوشته شده است.<sup>۱</sup>

به ذره گر نظر لطف بوتراب کند به آسمان رود و کار آفتاب کند

## نسبت ناروا به موحدان

متأسفانه فرقه نوظهور وهابیت<sup>۲</sup> توسل را شرک می‌داند و پیروان قرآن را، جاهلانه یا مغرضانه، مشرک می‌خوانند. گرچه خوشبختانه اهل سنت با آنان هم‌فکر و همراه نیستند، ولی برای رفع اتهام از پیروان اهل بیت، به نکاتی اشاره می‌کنیم:

### ملائکه و تدبیر عالم

قرآن در آیات فراوانی به مسئولیت‌های ملائکه اشاره می‌کند که برخی از آن وظایف را در اینجا ذکر می‌کنیم:

---

۱. حکایت نجات «ابوالحسین کاتب» از دست فرمانروای ظالم و شفا یافتن شیخ حر عاملی در سن ده سالگی از جمله این حکایت‌هاست که در منتهی‌الآمال شرح آنها آمده است.

۲. بررسی پیدایش فرقه وهابیت در عربستان و بهابیت در ایران و بعضی دیگر از ممالک اسلامی به صورت همزمان، گویای آن است که این دو فرقه دو حزب بوده‌اند که به دست اجانب پیدا شده‌اند. رک: آیین وهابیت، آیت الله سبحانی.

۱. قبض ارواح؛

۲. سؤال در قبر؛

۳. با نفع صور اول همگان را می میرانند؛

۴. با نفع صور دوم تمامی را زنده می کنند؛

۵. وضع میزان در قیامت؛

۶. بردن انسان‌ها به جهنم و بهشت؛

۷. نزول وحی و دفع شیاطین از مداخله در آن؛

۸. تأیید و تقویت مؤمنان در جنگ؛

۹. استغفار برای تطهیر صاحبان ایمان؛

۱۰. نشر و انتشار ابرها.

خداوند در سوره نازعات می فرماید: «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا»؛ «آنها که امور را تدبیر می کنند» (نازعات: ۵). بنابراین تدبیر امور و حوادث عالم به دست آنان است. خواه مقصود از ملائکه، فرشتگان چهارگانه باشند یا تمام فرشتگان. البته صاحب المیزان قول دوم را نظر بیشتر مفسران می داند و برخی مفسران نیز قول دوم را نظر همگان می دانند. علامه طباطبایی در بحثی با عنوان: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ وَسَائِطُ فِي التَّدْبِيرِ» می فرماید:

فرشتگان هم در ابتدای خلقت اشیا و حوادث کنونی دنیا و هم در عالم آخرت و حتی در مسائل نزول وحی و تشریح و... کارساز بوده‌اند و خداوند تدبیر این امور را به آنها واگذار کرده است. وساطت ملائکه و سببیت آنها برای تحقق یافتن حوادث امور مهم در جهان خلقت، منافات با توحید ندارد؛ زیرا سببیت آنها در طول سببیت پروردگار است [نه در عرض آن].<sup>۱</sup>

بنابراین اگر ملائکه واسطه در تدبیر امور می شوند، چرا انسان‌های الهی همچون انبیا

و اولیا که معلم و مسجود ملائکه اند نتوانند به اذن الهی چنین قدرتی داشته باشند؟! پس چرا گروهی فریاد برمی آورند که این گونه اعتقادهای شرک است و با توحید منافات دارد؟!

## نحوه تعلیم قرآن در رابطه با توسل

قرآن گاهی به صورت امر و گاهی به صورت نقل حکایت از انبیا که منادیان توحید بودند مردم را برای پیمودن راه کمال، آمرزش گناهان و بهبود یافتن بیماران، به انبیا، بزرگان و مقربان درگاه الهی ارجاع می دهد و مسئله توسل را مطرح می کند.

قرآن به طور عام، صاحبان ایمان و تقوا را برای تقرب به خدا، به مسئله توسل دستور می دهد و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید، و وسیله ای برای تقرب به او بجویید». (مائده: ۳۵)

«وسيله» چیزی است که باعث تقرب انسان به مطلوب و خواسته اش می شود. بنابراین ایمان، جهاد، نماز، صوم، زکات و... می تواند وسیله برای تقرب الی الله قرار گیرند.<sup>۱</sup> همچنین «وسيله» می تواند استمداد از مقام والای اولیای الهی باشد. در بعضی روایات وارد شده است:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَخَذَ بِحُجْرَةِ رَبِّهِ وَنَحْنُ آخِذُونَ بِحُجْرَتِهِ وَأَنْتُمْ آخِذُونَ بِحُجْرَتِنَا.<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله به وجود پروردگار تمسک می کند و ما ائمه به وجود پیامبر و شما به وجود ما تمسک می نمایید.

و نیز در تفسیر آیه «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» در روایت آمده است: «تَقَرَّبُوا إِلَيْهِ بِالْإِمَامِ»؛ «به وسیله امام به خدا نزدیک شوید».<sup>۳</sup>

۱. در نهج البلاغه خطبه ۱۱۰ در این باره سخن گفته شده است: «إن افضل ما توسل به المتوسلون إلى الله سبحانه وتعالى الإيثار بالله...».

۲. الميزان، ج ۵، ص ۳۶۲.

۳. نور الثقلين، ج ۱، ص ۶۲۷.

توسل به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در منابع اهل سنت

موضوع توسل در منابع روایی شیعه به قدری روشن است که نیاز به نقل احادیث آن نیست. بلکه مهم بررسی این موضوع از دیدگاه اهل سنت و روایات آنان است. در «تفسیر نمونه»<sup>۱</sup> از کتاب «وفاء الوفاء» تألیف دانشمند معروف سنی «سمهودی» نقل شده است که مددگرفتن و شفاعت خواستن از پیامبر صلی الله علیه و آله و مقام ایشان، همواره جایز است؛ هم پیش از خلقت، هم بعد از تولد و هم بعد از رحلت ایشان. سپس به توسل آدم ابوالبشر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و از «نسائی» و «ترمذی»، دو دانشمند معروف اهل سنت، برای جواز توسل حکایتی را نقل می‌کند که نابینایی از پیامبر برای شفای بیماری‌اش درخواست دعا کرد و حضرت فرمود این گونه بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي فِي حَاجَتِي لِتَقْضِي لِي»؛ مضمون دعا این است که یا رسول الله ما به تو روی آورده‌ایم برای رفتن به سوی خدا درباره قضای حاجاتمان.

همچنین سمهودی اضافه می‌کند که شخصی در زمان خلافت «عثمان»، یعنی بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، آمد کنار قبر پیامبر و با همان جملات قبل (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ...) به حضرت توسل یافت و مشکل او حل شد. نویسنده مذکور ۲۶ حدیث در این رابطه نقل می‌کند و حتی در بعضی از آنها از امام شافعی پیشوای معروف اهل تسنن نقل می‌کند که به اهل بیت پیامبر علیهم السلام توسل می‌جسته و چنین می‌گفته است:

أَلُ النَّبِيَّ ذَرِيعَتِي وَهُمْ إِلَيَّ وَسِيلَتِي أَرْجُو بِهِمْ أُعْطِيَ غَدًّا بِيَدِ الْيَمِينِ صَحِيفَتِي<sup>۲</sup>

و نیز از «تفسیر روح المعانی» تألیف «آلوسی» که از مفسران معروف و مشهور اهل سنت است نقل شده است که ایشان بعد از بحثی طولانی در موضوع توسل

۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۶۷.

۲. خاندان پیامبر وسیله من‌اند و آنان در پیشگاه او سبب تقرب من‌اند. امیدوارم به سبب آنان فردای قیامت نامه عمل من به دست راست من داده شود.



می نویسد: «من هیچ مانعی در توسل به پیشگاه خداوند به مقام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نمی بینم؛ چه در حال حیات حضرت و چه بعد از رحلت ایشان». سپس اضافه می کند: «توسل جستن به مقام غیر پیامبر نیز مانعی ندارد به شرط اینکه او حقیقتاً در پیشگاه خدا مقامی داشته باشد»<sup>۱</sup>.

در کتاب «شب‌های پیشاور»<sup>۲</sup> از «حافظ ابونعیم»، «ثعلبی» و دیگران نقل می کند که مراد از «وسيله» در آیه شریفه، عترت و اهل بیت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. سپس از «ابن ابی الحدید» نقل می کند که فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در قضیه غصب فدک در حضور مهاجر و انصار، در مقام معرفی خودشان و نیز اشاره به تفسیر و تأویل آیه شریفه، فرمود:

أَحْمَدُ اللَّهِ الَّذِي لِعَظَمَتِهِ وَنُورِهِ يَبْتَغِي مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَنَحْنُ  
وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ<sup>۳</sup>

حمد می کنم خدایی را که آن قدر بزرگ است و نور وجودش شدت دارد که تمامی موجودات آسمانی و زمینی باید برای رفتن به سوی او، وسیله و واسطه برای خود فراهم آورند و ما عترت پیامبر، آن وسیله ایم.

نظیر این جمله نیز در المیزان از «ابن شهر آشوب» نقل شده است که علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ در توضیح و تفسیر آیه «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» فرمود: «أَنَا وَسِيلَتُهُ»؛ «آن وسیله که مردم باید به واسطه آن به سوی خدا حرکت کنند، منم».

## آمزش گناهان از طریق توسل

قرآن بعضی از گناهکاران را به انبیا و مقربان الهی ارجاع می دهد با اینکه در توبه باز است و هرگز خداوند، گنه کار را مایوس نمی کند.<sup>۴</sup> از این رو خداوند می فرماید:

۱. تفسیر نمونه به نقل از تفسیر روح المعانی، ج ۴، صص ۱۱۵ و ۱۴۴.

۲. شب‌های پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی، ص ۲۱۹.

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

۴. خداوند می فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»؛ «و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، [بگو] من نزدیکم، دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم» (بقره: ۱۸۶).

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ (نساء: ۶۴)

و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند او فرمان‌های خدا را زیر پا می گذارند] به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند، و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

نظیر مضمون این آیه، در اواخر زیارت جامعه کبیره آمده است که خطاب به ائمه اطهار علیهم السلام می گوئیم:

يَا وَلِيَّ اللَّهِ اِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا اِلَّا رِضَاكُم.

ای ولی خدا من گناہانی کرده‌ام که مشمول رحمت و لطف الهی قرار نمی گیرم. مگر اینکه شما خانواده از من بخشود شوید.

#### تقاضای دعای فرزندان یعقوب از پدر

فرزندان یعقوب بعد از آگاهی از برادرشان یوسف و با پیداشدن ایشان، با شرمساری فراوان به نزد پدر آمدند و عرض کردند: ﴿يَا اَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا اِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾؛ «ای پدر! از خدا آمرزش گناہان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم». (یوسف: ۹۷)

اگر درخواست فرزندان، شرک بود، به یقین حضرت یعقوب که منادی توحید و دشمن سرسخت شرک است، می فرمود خودتان از خدا بخواهید. چرا از من می خواهید؟ اما آن حضرت در جواب فرمود: ﴿سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي﴾؛ «به زودی برای شما از پروردگار آمرزش می طلبم». (یوسف: ۹۸)

این گونه آیات نه تنها به طور کامل بر جواز توسل دلالت دارد، بلکه به آن نیز تحریص و ترغیب می کند.

#### پیراهن یوسف

قرآن از قول حضرت یوسف نقل می کند: ﴿اَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَاَلْقُوهُ عَلٰى وَجْهِ

اِي يَآتٍ بَصِيرًا﴾؛ «پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیندازید تا بینا شود». (یوسف: ۹۳)

براساس آیه ۹۶ سوره یوسف وقتی پیراهن را آوردند و بر صورت پدر گذاشتند، یعقوب بلافاصله بینا شد.

این آیه دلالت می‌کند حتی وسایل بزرگان و مقربان الهی، از قبیل لباس، قلم و... کارساز است تا جایی که همین اشیا می‌تواند چشم نابینایی را بینا کند.

اگر کسی بگوید پیراهن یوسف در زمان حیات او چنین عملی را انجام داد، ولی پس از مرگ او چنین استغاثه و توسلی جایز نیست، باید گفت آیا توجه به غیر خدا در زمان حیات بزرگان جایز است و شرک نیست، اما در زمان فوت آنان شرک محسوب می‌شود؟! در حالی که بعضی از بزرگان اهل سنت گفته‌اند توسل به نام پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام آن هم هزاران سال قبل از ولادت ایشان برای حضرت آدم، کارساز بود و موجب قبول توبه او شد. روزی «ابوحنیفه» پیشوای حنفی‌ها در خدمت امام صادق علیه السلام بود و غذا می‌خورد.

امام صادق علیه السلام بعد از خوردن غذا، دست خود را بلند کرد و فرمود:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. خداوندا! این نعمت از جانب تو و پیامبر تو بوده است.

ابوحنیفه گفت: «آیا برای خدا، شریک قرار می‌دهی؟» حضرت فرمود: «وای بر تو،

خداوند متعال در کتاب خود می‌فرماید: «وَمَا نَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَعْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ

فَضْلِهِ»<sup>۱</sup> و در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا

حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ»<sup>۲</sup>.

۱. آنان از پیامبر خلافتی ندیده و هیچ لطمه‌ای از اسلام نخورده بودند. بلکه در پرتو حکومت اسلام از نعمت‌های مادی و معنوی نیز برخوردار شدند و به تعبیر آیه شریفه از فضل خداوند و فضل رسول خدا بهره‌مند بودند.

در این آیه، فضل رسول خدا کنار فضل الهی قرار گرفته است. (توبه: ۷۴)

۲. ترجمه آیه: «اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده، راضی می‌شدند و می‌گفتند خداوند برای ما کافی است و به زودی خدا و پیامبرش از فضل خود به ما می‌بخشند [برای آنها بهتر بود]». ملاحظه می‌کنید در این آیه نیز فضل رسول خدا کنار فضل الهی، و بخشش رسول خدا کنار بخشش الهی قرار گرفته است. البته قبول داریم پیامبر اکرم هر چه دارد از جانب خداست و آنچه می‌کند به عنایت الهی است. اما براساس این دو آیه آنان که می‌گویند کنار فضل الهی، دیگر سخن از دیگران نشود و مقابل لطف خدا دیگر سخن از الطاف دیگران

به میان نیاید، سخنی نادرست است. (توبه: ۵۹)

ابوحنیفه گفت: «به خدا سوگند! گویا این دو آیه را در قرآن نخوانده بودم و اکنون از شما شنیدم!» امام صادق علیه السلام فرمود: «چرا هم خوانده‌ای و هم شنیده‌ای. اما خداوند درباره تو و امثال تو می‌فرماید: «أُمَّ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا». همچنین می‌فرماید: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ چنین نیست [که آنها می‌پندارند]. بلکه اعمالشان همچون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است».<sup>۱</sup>

### نکته‌ای در باب توسل

گرچه دانستیم برای حل مشکلات و نیز آمرزش گناهان، می‌توان به مقربان درگاه الهی متوسل شد، اما باید بدانیم که بهترین توسل، پیروی کردن از ائمه علیهم السلام است که گاهی خود آنان نیز از این افراد تعریف فراوان کرده‌اند و حتی توفیق تشریف در غیبت کبرا برای پیروان ائمه حاصل شده است که یک نمونه روشن آن، تشریف «حاج علی بغدادی» به خدمت امام زمان علیه السلام است.

امام هشتم علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

الْاِئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ هُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَهُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.

امامان از نسل حسین علیه السلام اند. هرکس از آنان پیروی کند، از خدا پیروی کرده است و کسانی که با آنان مخالفت کنند، با خدا مخالفت کرده‌اند و آنان دستگیره محکم و وسیله مستحکم برای راهیابی و تقرب به سوی خداوندند.<sup>۲</sup>

این روایت دلالت می‌کند که توسل حقیقی به ائمه اطهار علیهم السلام، همان پیروی کردن از اوامر و نواهی آنهاست و اگر ائمه علیهم السلام، وسیله ما برای رفتن به سوی خداوند، مراد همان پیروی از دستورهای آنان است.

۱. بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۲۶.

ای روی تو قبله حاجاتم    وی کوی تو طور مناجاتم  
مصباح جهان افروزت را    از پر تو لطف تو مشکاتم  
گر سینه شود سینا چه عجب    گر جلوه کنی به میقاتم  
گر بنده خویشم گردانی    بیزار ز کشف و کراماتم

### خلاصه بحث

به مناسبت بحث بروز کرامات امام زمان علیه السلام و معمول بودن توسل به ایشان بین اهل ایمان، خوب است که بحث توسل از نگاه قرآن، روایات و عقل بررسی شود.

در ابتدا گفتیم که اگر خداوند، قدرت و امکاناتی را در اختیار افرادی قرار می دهد و سپس مردم را برای رفع گرفتاری به آنها ارجاع می دهد، منافاتی با توحید ندارد؛ همان گونه که در گیاهان، خواصی را قرار داده است و بیماران را به آن ارجاع می دهد.

سپس برای اثبات این مطلب از دیدگاه قرآن و روایات، به دو آیه اشاره شد:

۱. عیسی بن مریم علیه السلام می گوید: «من به اذن الهی بیماری پسی و کوری را شفا می دهم و مردگان را زنده می کنم».

۲. واقعه آوردن تخت بلقیس به وسیله آصف، آن هم به یک چشم به هم زدن.

در روایات نیز به دو نکته اشاره شد: یکی آنکه براساس روایات، اسم اعظم الهی ۷۳ جزء دارد و ۷۲ جزء آن نزد ائمه علیهم السلام است و حال آنکه نزد آصف یک جزء از آن بود که توانست آن گونه قدرت نمایی کند. دیگر آنکه مقایسه ای بین آیه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» با آیه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ» انجام شد و به روایت ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در این زمینه اشاره شد.

فرقه وهابیت که در قرون اخیر پیدا شده است با مسئله توسل مخالفانند. آنها می گویند خداوند متعال قدرت و نیرویی به مخلوقات خود نداده است. اما آیات فراوانی داریم که بیانگر قدرت ملائکه است تا جایی که به اذن الهی در جهان خلقت تدبیر می کنند.

به عقیده وهابیان، استغاثه از دیگران در قرآن و اسلام نیامده است. البته باید به آنان گفت خود قرآن دستور می‌دهد که برای رفتن به سوی خدا وسیله بجویید. از برخی بزرگان اهل سنت مانند ابونعیم و ثعلبی نقل شده است که مراد از «وسیله»، عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در آیه ۶۴ نساء نیز آمده است تا برخی گنهکاران استغفار نکنند و پیامبر نیز برای آنها استغفار نکند، خداوند آنها را نمی‌آمرزد. همچنین فرزندان یعقوب از پدر تقاضای دعا و استغفار کردند و گفتند: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا...». اگر توسل منافات با توحید داشت، قطعاً یعقوب، که از منادیان توحید است، این‌گونه توسل کردن را محکوم می‌کرد. علمای اهل سنت نظیر سمهودی، نسائی، ترمذی، آلوسی و ابن‌ابی‌الحدید به توسل کردن تصریح می‌کنند و آن را منافی توحید نمی‌دانند. در قرآن با صراحت آمده است که پیراهن یوسف باعث بینایی پدر شد. در پایان به دو نکته اشاره شد: یکی کلام بسیار ارزنده امام صادق علیه السلام در جواب به ابوحنیفه بیان شد و دیگر آنکه توسل به ائمه علیهم السلام منحصر به استغاثه جستن به آنها نمی‌شود. بلکه بهترین توسل اقتدای به رفتار ائمه علیهم السلام و به‌کارگیری دستورهای آنان است.

### سوالات گفتار پنجم

۱. اگر خداوند متعال خاصیتی را در گیاهی قرار داد و بیمار برای استفاده از آن خاصیت به آن گیاه روی آورد، مشرک است؟
۲. خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام چه قدرتی داده بود؟
۳. سلیمان از حاضران در مجلس چه درخواستی کرد؟
۴. آصف در جواب سلیمان علیه السلام چه گفت؟
۵. اسم اعظم دارای چند جزء است و چه مقدار از آنها نزد ائمه اطهار علیهم السلام است؟
۶. تفاوت بین آیه «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» با آیه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» چیست؟
۷. ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله چه پرسید؟
۸. وهابیت در چه مملکتی و بر چه مبنایی شکل گرفت؟

۹. مقداری از قدرت و نیروهای فرشتگان را بشمارید.
۱۰. بعضی از بزرگان اهل سنت که مسئله توسل را جایز دانسته‌اند، نام ببرید.
۱۱. حضرت زهرا علیها السلام درباره وسیله بودن عترت پیامبر صلی الله علیه و آله چه فرمود؟
۱۲. مفاد آیه ۶۴ سوره نساء چیست؟
۱۳. فرزندان یعقوب از پدر چه تقاضایی کردند؟
۱۴. چشمان یعقوب چگونه بینا شد؟
۱۵. ابوحنیفه چه اشکالی به امام صادق علیه السلام کرد و حضرت چه جوابی داد؟
۱۶. بهترین توسل به ائمه علیهم السلام کدام است؟
۱۷. خلاصه این گفتار را بیان کنید.





گفتار هشتم:

نخبت امام زمان علیه السلام



اَللّٰهُمَّ وَاخِي بَوْلِيْكَ الْقُرْآنَ  
وَارِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا لَا لَيْلَ [ظُلْمَةٌ] فِيْهِ  
وَآخِي بِهِنَّ الْقُلُوْبَ الْمَيِّتَةَ  
وَاشْفِ بِهِنَّ الصُّدُوْرَ الْوَعْرَةَ  
وَاجْمَعْ بِهِنَّ الْاَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلٰى الْحَقِّ.<sup>۱</sup>

بار الها! با ظهور ولیّات (حضرت مهدی) به قرآن حیات جدیدی مرحمت نما  
همگان را از نور وجود حضرتش برخوردار کن به طوری که هیچ ظلمتی باقی نماند  
به برکت امام عصر علیه السلام دل های مرده را زنده گردان  
سینه های مملوّ از کینه و خشم را به دست مبارک حضرت شفاء بخش  
خواست ها و آرای مختلف را با رهبری و تدبیر حضرت بر کلمه حق جمع نما

---

۱. مفاتیح الجنان، قسمتی از دعا در غیبت امام زمان علیه السلام.



## اهتمام به مسئله غیبت در میان اصحاب و علمای شیعه

مسئله غیبت حضرت مهدی علیه السلام از مباحث مهم مهدویت است که هر یک از ائمه معصوم به آن اشاره کرده‌اند. زراره می‌گوید امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ...»<sup>۱</sup> «برای حضرت قائم غیبتی خواهد بود پیش از آنکه قیام کند...». در برخی روایات، حتی به چگونگی غیبت که ابتدا کوتاه‌مدت، و سپس درازمدت خواهد بود، اشاره شده است؛ همان‌گونه که امام صادق علیه السلام فرمود: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ أَحَدُهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ...»<sup>۲</sup>. تا آنجا مسئله غیبت مورد توجه خاص و عام بوده است که گروهی از روایان و اصحاب ائمه علیهم السلام که معمولاً احادیث را جمع‌آوری می‌کردند، هرگاه روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را در رساله‌ای نقل می‌کردند، نام آن رساله را «کتاب الغیبة» می‌گذارند که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌شود:

- کتاب غیبت، تألیف ابوالحسن طاطاری از اصحاب امام کاظم علیه السلام؛
- کتاب غیبت، تألیف ابوالفضل ناشری معاصر با امام جواد علیه السلام؛
- کتاب غیبت، تألیف حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی همزمان با امام رضا علیه السلام؛
- کتاب غیبت، تألیف ابراهیم بن صالح انماطی؛
- کتاب غیبت، تألیف علی بن حسن فضال از اصحاب امام هادی و عسکری علیهم السلام؛
- کتاب غیبت، تألیف اعرج کوفی.<sup>۳</sup>

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۶۶.

۲. همان، ص ۱۷۰.

۳. موعودی که جهان در انتظار اوست.

همچنین بزرگانی بوده‌اند که بعد از ولادت حضرت و بعد از غیبت صغرا درباره حضرت کتاب نوشته و نام کتاب خود را «کتاب الغیبه» گذارده‌اند که به چند نمونه اشاره می‌شود:

- کتاب غیبت، تألیف فضل‌بن‌شاذان نیشابوری که به گفته محدث نوری بعد از ولادت حضرت تألیف شده، و به گفته صاحب کتاب الذریعه تألیف کتاب مقارن با وفات امام عسکری علیه السلام و آغاز غیبت صغرا بوده است؛

- کتاب غیبت، تألیف شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ ه. ق؛

- کتاب غیبت، تألیف سید مرتضی، متوفای ۴۳۶ ه. ق؛

- کتاب غیبت، تألیف شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ه. ق.

«شیخ آقابزرگ» صاحب کتاب الذریعه نام ۴۲ کتاب را می‌برد که دانشمندان شیعه درباره غیبت حضرت مهدی علیه السلام نوشته و نام کتاب خود را «غیبت» نهاده‌اند.

جلد سیزده بحارالانوار نیز که علامه مجلسی آن را به بحث درباره امام زمان علیه السلام اختصاص داده، به «غیبت بحار» معروف شده است.<sup>۱</sup>

## عنایت حضرت مهدی علیه السلام به موضوع غیبت

امام عصر علیه السلام به بحث غیبت توجه ویژه‌ای دارد. شیخ صدوق رحمته الله، از محدثان و فقیهان بزرگ شیعه در مقدمه کتاب «کمال‌الدین و تمام‌النعمه»<sup>۲</sup> می‌نویسد:

مدتی در نیشابور توقف داشتم؛ حال آنکه زن و فرزند و برادران همه در شهر ری بودند. شبی در فکر رفته بودم که چرا این‌گونه اتفاق افتاده است. [ظاهراً این جدایی، باعث بروز غم و ایجاد مشکل برای ایشان شده بود] و با همین فکر به خواب رفتم و در عالم رؤیا دیدم که در مسجدالحرام هستم و مشغول طواف کردن بیت بودم و بعد از شوط

۱. موعودی که جهان در انتظار اوست.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمه مترجم: ص ۶.

هفتم، استلام حجر کردم و دعای آن را خواندم: «أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِشَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِيَتَّشَهَّدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ»؛ «این امانت و پیمان من است با تو، تا در موقعش به آن شهادت دهی». آن گاه مولایم صاحب الزمان را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده بود و من با حالی پریشان به نزد ایشان رفتم. حضرت به چهره من نگاه کرد و فرمود: «چرا در باب غیبت، کتابی تألیف نمی کنی تا اندوخت زایل شود؟» عرض کردم: «یا رسول الله! رساله‌هایی تألیف نموده‌ام». اشاره به اینکه در خلال مباحث و تألیفات، در این موضوع نیز بحث کرده‌ام[ حضرت فرمود: «کتابی مستقل درباره غیبت بنویس و غیبتی را که برای بعضی از انبیا رخ داده است در آن کتاب متذکر شو».

شیخ صدوق در ادامه می‌نویسد:

وقتی بیدار شدم تا طلوع فجر به دعا و گریه پرداختم و چون صبح دمید به تألیف این کتاب مشغول شدم».

### غیبت انبیا و اوصیا علیهم السلام

مناسب است خلاصه‌ای از بحث شیخ صدوق درباره موضوع غیبت را در اینجا بیان کنیم. شیخ صدوق علیه السلام در بخشی از این کتاب به نقل روایاتی می‌پردازد که درباره غیبت بعضی از انبیا و اوصیاست؛ مانند حضرت ادريس علیه السلام که طاغوت زمان قصد کشتن او را می‌کند و ایشان حدود بیست سال از دیدگان غایب می‌شود. همچنین حضرت نوح علیه السلام که از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «لَمَّا أَظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نُبُوَّةَ نُوحٍ علیه السلام...»؛ «زمانی که خداوند متعال نبوت حضرت نوح علیه السلام را آشکار کرد...». از این بیان معلوم می‌شود که مدتی حضرت نوح در خفا به سر می‌برده است.<sup>۱</sup>

حضرت صالح نیز مدتی از میان قوم خود غایب شد. حضرت ابراهیم علیه السلام نیز مدتی پنهان بوده است؛ همان‌گونه که امام صادق علیه السلام فرمود:

---

۱. شاید بتوان آیه ۹ سوره نوح را که می‌گوید: «ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِشْرَارًا» دعوت سری حضرت را با دعوت در زمان مخفی بودن نبوت ایشان منطبق کنیم. البته این احتمال ضعیفی است.

فَلَمْ يَزَلْ إِبْرَاهِيمُ فِي الْغَيْبَةِ حَتَّى لَشَخِصَهُ كَاتِمًا لِأَمْرِهِ حَتَّى ظَهَرَ فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى  
ذِكْرَهُ وَ أَظْهَرَ اللَّهُ قُدْرَتَهُ فِيهِ ثُمَّ غَابَ عليه السلام الْغَيْبَةَ الثَّانِيَةَ وَ ذَلِكَ حِينَ نَفَاهُ الطَّاغُوتُ عَن  
مِصْرَ ... ۱.

ابراهیم علیه السلام از ابتدای ولادت در خفا به سر می برد و چون بزرگ شد نیز خود او رسالت  
خود را مخفی نگه داشت تا موقعی که خداوند اذن ظهور داد و پروردگار، قدرت خود را  
درباره وی نمایان ساخت و چون طاغوت زمان با ایشان درگیر شد، برای دومین بار  
غایب شد.

در واقع، آیه شریفه «وَ أَعْتَزِلْكُمْ وَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ ادْعُوا رَبِّي عَسَى أَلَّا  
أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا»؛ «و از شما و آنچه غیر خدا می خوانید کناره گیری می کنم و پروردگارم را  
می خوانم و امیدوارم در خواندن پروردگارم محروم و بی پاسخ نمانم» (مریم: ۴۸). اشاره به غیبت  
دوم حضرت است. امام صادق علیه السلام در ذیل همین کلام اشاره می کند به سخن جد  
بزرگوارش، علی علیه السلام، که به کمیل فرمود:

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَحُلُو مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خَافٍ مَغْمُورٍ لِيَلَّا تَبْطَلَ  
حُجُجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ. ۲

زمین از قیام کننده به حجت الهی خالی نمی ماند تا حجت ها و بینات الهی باطل نشود.  
خواه (آن حجت) ظاهر مشهور باشد یا غایب پشت پرده.

سپس شیخ صدوق اشاره می کند به غیبت حضرت یوسف علیه السلام و می نویسد غیبت  
حضرت یوسف بیست سال به طول انجامید و این غیبت از روزی که یوسف در چاه  
افکنده شد، شروع می شود تا آنجا که بعد از فراز و نشیب حوادث و افتادن در زندان،  
سرانجام بالای تخت سلطنت و ریاست قرار می گیرد؛ در حالی که کسی از مقام والای  
نبوت او و بلکه از مقام نَسَبی او نیز مطلع نبود. حتی برادران یوسف با او ملاقات

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. همان.



کردند، اما او را نشناختند.<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام فرمود: «انّ فی القائم سنّة من یوسف».<sup>۲</sup> یوسف با برادران دادوستد کرد. ولی او را نشناختند تا موقعی که یوسف فرمود: «أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي»؛ «من یوسفم و این برادر من است» (یوسف: ۹۰). پس چه مانعی دارد که خداوند، حجت خود را از دیدگان پنهان کند.

همچنین شیخ صدوق به غیبت حضرت موسی علیه السلام اشاره می کند و روایاتی را در این باره نقل می کند؛ برای نمونه به نقل از «عبدالله بن سنان» می نویسد که امام صادق علیه السلام فرمود: «در قائم علیه السلام سنتی از موسی بن عمران علیه السلام است». به ایشان عرض کردم: «سنت او از موسی بن عمران چیست؟» فرمود: «پنهانی ولادتش و غایب شدن از قومش». عرض کردم: «موسی چه مقدار از قوم خود غایب شد؟» فرمود: «۲۸ سال».<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: بعد از موسی علیه السلام، یوشع بن نون، امر نبوت و خلافت را به دست گرفت و ائمه پس از ایشان تا زمان داود علیه السلام به مدت چهارصد سال پنهان بودند و آنها یازده نفر بودند. البته پیروان آنان می توانستند به نزد آنها بروند و دستورهای دینی خود را از آنها بگیرند تا آنکه نوبت به آخرین آنها رسید و او غایب شد و پس از ظهورش، بشارت به داود داد.

حضرت داود علیه السلام به فرمان الهی، سلیمان را جانشین خود معرفی کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله

در این باره فرمود:

ثُمَّ أَخْفَى سُلَيْمَانَ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرَهُ وَ تَزَوَّجَ بِأَمْرَأَةٍ وَ اسْتَتَرَ مِنْ شَيْعَتِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَسْتَتِرَ ...

۱. معنای غیبت این نیست که مطلقاً کسی شخص غایب را نبیند. بلکه معنایش این است که او را نشانند.

از این رو هرچند یوسف برابر دیدگان مردم بود، اما او را نمی شناختند.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۴۴.

۳. البته حضرت مهدی از جهات دیگر نیز شباهت به حضرت موسی دارد؛ مثل اینکه امر فرجش در یک شب اصلاح می شود؛ همان گونه که نبوت حضرت موسی برای مردم در یک شب آشکار شد و همان گونه که چگونگی پیروزی حضرت موسی بر فرعونیان معلوم نبود، چگونگی پیروزی حضرت مهدی علیه السلام بر طاغوتیان معلوم نیست.

سلیمان امر خود را پنهان کرد و در این هنگام ازدواج نمود و از شیعیانش تا زمانی که خدا خواست مستور بود... .

و چون وفات سلیمان فرا رسید به امر خدای متعال به آصف بن برخیا وصیت کرد و پیروانش نزد او می رفتند و مسائل دینی را از ایشان فرا می گرفتند تا اینکه خداوند متعال، آصف را مدت طولانی غایب ساخت و بعد از آن ظهور کرد. همچنین در حدیث آمده است:

غَابَتِ الْحُجُجُ بَعْدَهُ وَاشْتَدَّتْ الْبَلْوَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ حَتَّى وُلِدَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا.<sup>۱</sup>

حجت های الهی بعد از عزیر علیه السلام غایب شدند و بنی اسرائیل در سختی های بسیاری قرار گرفتند تا آنکه یحیی بن زکریا علیه السلام آمد... .

درباره حضرت مسیح علیه السلام نیز نقل شده است:

كَانَتْ لِلْمَسِيحِ علیه السلام غِيَابٌ فِيهَا فِي الْأَرْضِ فَلَا يَعْرِفُ قَوْمَهُ وَشِيعَتُهُ خَبَرَهُ ثُمَّ ظَهَرَ فَأَوْصَى إِلَى شَمْعُونَ...<sup>۲</sup>

برای حضرت عیسی علیه السلام چندین غیبت بود که ناشناس در زمین گردش می کرد و قوم و پیروانش خبری از او نداشتند و سپس ظهور کرد و شمعون را وصی خود قرار داد و چون شمعون درگذشت حجت های پس از وی غایب بودند و جست و جوی آنها سخت شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «بین عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله پانصد سال فاصله بود که ۲۵۰ سال آن، پیامبر و عالمی آشکار نبود و مردم در این مدت بدون حجت ظاهر گذراندند». راوی می گوید از حضرت سؤال کردم: «مردم چه می کردند؟» حضرت فرمود: «به دین عیسی عمل می کردند و مؤمن بودند». سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا تَكُونُ الْأَرْضُ إِلَّا وَفِيهَا عَالَمٌ»<sup>۳</sup>.

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. همان، ص ۱۶۰.

۳. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۳.

در پایان این بحث، شیخ صدوق رحمته الله علیه به اسلام آوردن «سلمان فارسی» اشاره می کند که حدود چهارصد سال از نزد این عالم به نزد عالم دیگر رفت تا متوجه ولادت باسعادت پیامبر عظیم الشان اسلام شد که حضرت مسیح از آمدن او خبر داده بود.<sup>۱</sup>

این بود خلاصه ای از غیبت انبیا و اوصیا که برای ما نقل شده است و چه بسا مسئله غیبت برای بسیاری از پیامبران بوده است که برای ما نقل نشده است. به هر حال مسلم است که حجج الهی، گاهی از دیدگان مردم غایب بودند.

از همه اینها گذشته؛ حکایت خضر و موسی و ملاقاتشان، بیانگر این است که حضرت خضر در خفا به سر می برده است. گفتنی است براساس روایات<sup>۲</sup> ایشان همچنان زنده است و بعد از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام برای تسلیت به در خانه حضرت آمد و جملاتی را در مقام حضرت علی علیه السلام بیان کرد. از امام سجاد و حضرت رضا علیه السلام رسیده است که خضر هر روز نزد ما می آید و سلام می دهد و در زمان غیبت قائم ما (حضرت مهدی) با ایشان انس می گیرد.

### چند سؤال درباره غیبت امام زمان علیه السلام

#### منافات نداشتن غیبت با تبیین احکام

سؤال اول: آیا غیبت حضرت علیه السلام با وظیفه اش در تبیین احکام و تشریح مسائل اسلامی منافات ندارد؟

پاسخ: گرچه حضور حضرت و دسترسی به حجت خدا، برکات فراوانی دارد که یکی از آنها یادگیری احکام از ایشان است، ولی غیبت حضرت هیچ اختلالی در آشنایی مردم با حلال و حرام و آگاهی از مسائل مختلف اسلام ایجاد نمی کند؛ زیرا اصول اساسی اسلام و احکام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و نیز سایر ابعاد آن در

۱. برای توضیح و شرح غیبت های انبیا و اوصیا ر.ک: کمال الدین، ج ۱، صص ۲۵۴ - ۳۲۸.

۲. سفینه البحار، ج ۱، صص ۳۸۹ و ۳۹۰.

طول رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نیز در عصر امامان معصوم علیهم السلام تا سال ۲۶۰ هـ. ق تبیین شد؛ به طوری که امروزه صاحب نظران و محققان اسلامی بر اساس آثار به جا مانده از ائمه قادرند در تمامی ابعاد اسلامی جوابگو باشند و حتی در مسائل مستحدثه، یعنی مسائلی که با پیشرفت علم و صنعت برای افراد جامعه مطرح می شود، با الهام گرفتن از اصولی که از ائمه رسیده است، حکم الهی یا دست کم وظیفه مکلفان را بیان کنند و بالاتر اینکه اگر زمینه تشکیل حکومت برای فقیه جامع الشرائطی فراهم آید به برکت همین آیات و روایات، توانایی اداره آن را خواهد داشت.<sup>۱</sup>

پس غیبت امام عصر علیه السلام منافاتی با تبیین احکام و آگاهی مکلفان به وظایف خود ندارد.

### فلسفه غیبت

سؤال دوم: فلسفه غیبت حضرت مهدی چیست؟

پاسخ: مسلم است غیبت بر اساس حکمت الهی صورت گرفته است و ما به همه اسرار آن آگاه نیستیم. «عبدالله بن فضل هاشمی» می گوید شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای صاحب این امر (حضرت قائم) غیبتی خواهد بود که گروهی به شک می افتند». به امام صادق عرض کردم: «غیبت ایشان برای چیست؟» حضرت فرمود: «مأذون نیستیم که علت آن را بیان کنیم». عرض کردم: «در غیبت امام چه حکمتی است؟» حضرت

---

۱. در واقع از روایات ائمه علیهم السلام از قبیل روایت عمر بن حنظله مشخص می شود که ائمه علیهم السلام اصول و مبانی احکام را بیان می کردند و استخراج و استنباط فروع را بر عهده صاحب نظران می گذاشتند. گویی غیبت طولانی امام را در نظر داشته اند؛ به ویژه اگر برای فقیه جامع الشرائط در زمان غیبت، قائل به ولایت مطلقه باشیم که عده ای از فقیهان، این نظریه را پذیرفته و از آن دفاع کرده اند. حتی فقیهی همچون صاحب جواهر پس از اقامه چند دلیل برای ولایت فقیه، از قبیل توفیق حضرت علیه السلام برای شیخ مفید که مجلسی رحمته الله علیه در جلد ۵۳ بحار الانوار ص ۱۷۴ آن را نقل کرده است و دلیل عقلی که با توجه به منع از رجوع به حکام طاغوت در احقاق حق، چنانچه فقیه در این امور ولایت نداشته باشد بسیاری از امور شیعیان معطل می ماند و... تعجب می کند از کسانی که در این مسئله تردید می کنند، با اینکه این مطلب از واضحات است و احتیاج به دلیل ندارد و می فرماید: «فمن الغریب وسوسة بعض الناس في ذلك بل كأنه ما ذاق من طعم الفقه شيئاً». جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۷.

فرمود: «همچون حکمت غیبت حجج الهی در زمان‌های قبل است؛ همان‌گونه که حکمت کارهای خضر معلوم نشد مگر موقع جداشدن موسی از خضر». سپس امام صادق (ع) فرمود: «ای پسر فضل! مسئله غیبت از اسرار الهی است».<sup>۱</sup>

از آنجا که خدا را حکیم می‌دانیم باید اعتراف کنیم که غیبت نیز دارای حکمتی است.<sup>۲</sup> گرچه طبق این روایت، علت واقعی غیبت امام (ع) بعد از ظهور حضرت روشن خواهد شد. البته با توجه به یک مطلب تاریخی شاید بتوان مقداری به سرّ غیبت پی برد. پیامبر اسلام (ص) و امیرمؤمنان (ع) حکومتی اسلامی را برپا کردند تا بشر جلوه‌های آن را ببیند و زیر پرچم حکومت عدل، ابعاد مختلف مسائل اسلامی، اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تحقق یابد.

اما از سوی مردم برای چنین حکومتی آمادگی وجود نداشت. اگر مردم آماده پذیرش آن بودند، امام غایب نمی‌شد و قانون الهی اجرا می‌شد و حکومت عدل اسلامی، سراسر جهان را فرا می‌گرفت. بعید نیست بعضی از روایاتی که قیام و ظهور قائم آل محمد (ع) را نزدیک معرفی می‌کند<sup>۳</sup> یا به انتظار دستور می‌دهد و در هر زمان مردم را به حال آماده‌باش درمی‌آورد، برای این است که اگر مردم حالت پذیرش پیدا کنند، بی‌درنگ حضرت ظهور خواهد کرد.

«خواجه نصیرالدین طوسی» در «کشف المراد» می‌نویسد:<sup>۴</sup> «سبب غایب‌شدن امام، خود مردم‌اند». علامه حلی نیز در توضیح این عبارت می‌نویسد:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۱. در ذیل حدیث، امام صادق (ع) به عبدالله بن فضل فرمود: «یا ابن الفضل! إن هذا الأمر أمرٌ من أمر الله ویر من سرّ الله وعبّ من عبّ الله و متی علمنا أنه عزوجلّ حکیم، صدقنا بأنّ أفعاله کلّها حکمة و إن کان وجهها غیر منکشیف لنا».

۲. همان.

۳. مثل روایتی که منتخب الأثر از منتخب کنز العمال نقل می‌کند که به «عوف بن مالک» گفته می‌شود: امت به ۷۳ فرقه منشعب می‌گردد و یک فرقه اهل نجات است و فتنه‌ها دنبال یکدیگر پیدا می‌شوند تا مردی از اهل بیت من که به او مهدی گفته می‌شود، خروج کند. اگر او را درک کردی، از او پیروی کن تا اهل نجات باشی.

۴. کشف المراد، ص ۲۲۶.

لطف بودن و وجود امام وابسته به سه امر است:

۱. خداوند چنین امامی را خلق کند که از حیث علم و قدرت بتواند رهبری انسان‌ها را به دست بگیرد.

۲. شخص امام، تمامی مشکلات و سختی‌های این امامت را متحمل شود.

۳. مردم او را کمک کنند و مقابل اوامر و نواهی او تسلیم باشند. اگر مردم آمادگی پذیرفتن چنین امامی را نداشتند، غیبت مسئله‌ای طبیعی است و قرآن با صراحت به این حقیقت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوهُمَا بِأَنفُسِهِمْ﴾؛ «خداوند سرنوشت هیچ قومی [ملتی] را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که آنان آنچه را در [وجود] خودشان است تغییر می‌دهند» (رعد: ۱۱). متأسفانه این رمز تا هنگام ظهور، پنهان است و در آن وقت مردم جهان درمی‌یابند که علت غیبت در وجود خودشان نهفته بوده است و چنانچه خود را آماده می‌ساختند، امام بر آنها ظاهر می‌شد.

آری، خداوند حجت خود را خلق کرد و میان مردم فرستاد. ولی متأسفانه مردم آمادگی پذیرش آنان را نداشتند و از حاکمان ظالم و جاهل پیروی کردند و یازده امام معصوم را به شهادت رساندند. بنابراین خداوند برای حفظ نظام عالم، حضرت مهدی علیه السلام را از دیدگان مردم پنهان کرده است.

امام کاظم علیه السلام در تفسیر و توضیح آیه شریفه ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾؛ «مبادا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم» (زمر: ۵۶). فرمود: «جنب‌الله، امیرمؤمنان علی علیه السلام و نیز اوصیای بعد از اویند تا می‌رسد به آخرین آنها که حضرت مهدی علیه السلام است.<sup>۱</sup> زمان ظهور، مردم انگشت پشیمانی به دندان می‌گیرند و می‌گویند وای بر ما که درباره امامان و فراهم کردن زمینه برای حکومت عدل آنان کوتاهی کردیم.

البته معنای این سخن که مردم موجب غیبت امام عصر علیه السلام شده‌اند، آن نیست که

۱. منتخب الأثر، ص ۱۵۹، به نقل از ینابیع الموده.

افرادی نیستند که حضرت را یاری کنند. بلکه مراد حد نصابی است که برای ظهور آن حضرت لازم است؛ زیرا هرچند بسیاری از شایستگان، در هر زمانی آماده ظهور بوده‌اند اما آن حد نصاب آمادگی برای بشر حاصل نشده است. با توجه به اینکه انقلاب حضرت مهدی علیه السلام، جهانی است، اگر حضرت بدون آمادگی مردم ظهور کند، حکومت و انقلاب عظیم ایشان محقق نخواهد شد. بنابراین خداوند به وسیله غیبت، امام زمان را از قتل حفظ می‌کند تا زمینه ظهور حضرت فراهم آید و آمادگی در جامعه حاصل شود.

### فوائد حجت غایب

سؤال سوم: امام غایب چه فایده‌ای دارد؟

معمولاً کسانی این سؤال را طرح می‌کنند که شئون امام را در زعامت دینی و اجتماعی منحصر می‌کنند. طبق روایات<sup>۱</sup> وجود امام در جامعه همچون وجود مغز نسبت به اعضای بدن است<sup>۲</sup> که با تعطیل شدن مغز، تمامی اعضا از کار می‌افتد. همچنین ارتباط موجودات عالم با وجود حجت خدا همانند ارتباط کرات منظومه شمسی نسبت به خورشید است.<sup>۳</sup>

امام سجاد علیه السلام فرمود:

ما پیشوای مسلمانان و حجت بر اهل عالم و سادات مؤمنان و رهبر نیکان و صاحب‌اختیار مسلمانانیم. ما امان برای اهل زمینیم. به واسطه ما، آسمان بر زمین فرو نمی‌آید و اگر ما روی زمین نبودیم، زمین اهلیش را فرو می‌برد. از روزی که خدا آدم را آفرید تا حال هیچ‌گاه زمین از حجت، خالی نشده است. البته گاهی حجت، ظاهر و گاهی پنهان بوده است و تا قیامت نیز از حجت خالی نخواهد شد.

۱. همان‌گونه که اشاره شد نباید فراموش کنیم که بحث درباره حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه درون دینی است؛ بنابراین برای استدلال در موضوعات مهدویت می‌توان از وحی و روایات که مورد قبول تمامی مسلمانان است، استفاده کرد.

۲. در گفتار اول گذشت که هشام برای عمرو بن عبید، عالم بصری، از همین طریق لزوم وجود حجت را ثابت کرد.

۳. روایات متعددی، استفاده مردم از وجود امام علیه السلام را در زمان غیبت همانند بهره‌بردن مردم از خورشید پشت ابر می‌داند.

سلیمان که راوی خبر است می گوید به امام سجاد عجل الله تعالی فرجه عرض کردم: «مردم چگونه از وجود امام غایب بهره می برند؟» فرمود: «همان گونه که از خورشید در موقعی که پشت ابر است بهره می برند».<sup>۱</sup> امروزه نیز ثابت شده است که خورشید مرکز منظومه شمسی، و جاذبه آن حافظ زمین و سایر کرات منظومه از سقوط است. حرارت آن سبب زندگی حیوان و نبات و انسان، و نورش روشنی بخش زمین است و این فواید مهم خورشید به سبب وجودش است؛ خواه پشت ابر باشد یا ظاهر.

رشد موجودات، تغذیه و تولید آنها و هزاران فعل و انفعالات در جهان طبیعت همگی به وجود خورشید و شعاع آن وابسته است؛ خواه خورشید ظاهر باشد و خواه پشت ابرها پنهان. البته قسمتی از آثار، نیاز به تابش مستقیم خورشید دارد. اما این گونه آثار مقابل آثار وجود خورشید بسیار ناچیز است.

### وابستگی خلقت به وجود معصوم

اساس خلقت وابسته به وجود معصوم است؛ همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی عجل الله تعالی فرجه فرمود: «يا عَلِيُّ لَوْلَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللهُ آدَمَ وَلَا حَوَاءَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّاءَ وَلَا الْأَرْضَ».<sup>۲</sup>

امام صادق عجل الله تعالی فرجه نیز ائمه عجل الله تعالی فرجه را این گونه معرفی می کند:

فِي الْأَصْلِ كُنَّا نُجُومًا يُسْتَضَاءُ بِنَا      وَفِي الْبَرِّيَّةِ نَحْنُ الْيَوْمَ بُرْهَانُ  
نَحْنُ الْبُحُورُ الَّتِي فِيهَا لِغَائِصِهَا      دُرٌّ تَمِينٌ وَيَاقُوتٌ وَمَرْجَانُ  
مَسَاكِينُ الْخُلْدِ وَالْفِرْدَوْسُ تَمَلِكُهَا      وَنَحْنُ لِلْخُلْدِ وَالْفِرْدَوْسِ خُزَّانُ  
مَنْ شَدَّ عَنَّا فَبِرْهُوْتُ مَكَاتَتْهُ      وَمَنْ أَتَانَا فَجَتَّتْ وَرِضْوَانُ<sup>۳</sup>

۱. منتخب الأثر، ص ۲۷۱ از ینابیع الموده، تألیف شیخ سلیمان بلخی از علمای عامه، و از غایة المرام و بحار الأنوار که از کتب معروف شیعه است، نقل کرده است.

۲. کمال الدین، صدوق، باب ۲۳، حدیث ۴.

۳. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه، ص ۳۶۱.



همچنین حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «يُنْحَدِرُ عَنِّي السَّبِيلُ وَلَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ»؛ «سبیل علوم از دامن کوهسار من جاری است و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها به بلندای ارزش من نتوانند پرواز کرد».<sup>۱</sup>  
در دعای عدیله نیز چنین می‌گوییم: «بِيَمِينِهِ رِزْقُ الْوَرَى وَبِوُجُودِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ». آری خداوند بزرگ، چنین مقامی را به این بزرگان عطا کرده و آنان را واسطه فیض‌رسانی خود قرار داده است.

در فرازی از زیارت جامعه کبیره که دوره امام شناسی است و از امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ رسیده اینگونه آمده است:

بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يُخْتَمُ وَبِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ  
الْأَبْذِيهِ.

ای امامان بزرگ خداوند به سبب شما باران را فرو می‌فرستد، و به برکت وجود شما آسمان را نگه داشته است از اینکه بر زمین فرود آید، مگر اراده حق متعال تعلق به فرو پاشی آسمان کند.

#### امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ امان روی زمین هستند

اصولاً یکی از عناوینی که در خلال روایات به ائمه اطهار داده شده عنوان (امان) است یعنی وجود مقدس این خانواده باعث برقراری امان و امان در عالم وجود و به خصوص برای زمین و اهل زمین می‌باشند. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

جَعَلَ اللَّهُ النَّجْوَمَ أَمَانًا لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَجَعَلَ أَهْلَ بَيْتِي أَمَانًا لِأَهْلِ الْأَرْضِ.<sup>۲</sup>

خداوند متعال ستارگان را امان برای اهل آسمان قرار داد، و اهل بیت من را امان برای اهل زمین.

حضرت بقیة الله الاعظم عَلَيْهِ السَّلَامُ به ابونصر طریف که ظاهراً خدمتکار در منزل بود فرمود: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ الْبَلَاءُ عَنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي».<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۳۰۸.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱.

من آخرین وصی و خلیفه» رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشم و به وسیله من بلاء از شیعیان دفع می شود.

شیخ صدوق رحمته الله در کمال الدین باب ۴۵ که مربوط به توقیعات امام عصر عجل الله تعالی فرجه می باشد در توقیع چهارم که به دست محمدبن عثمان عمری رسید از قول:

حضرت درباره نحوه استفاده مردم از وجود مبارکش در زمان غیبت می فرماید:

... وَاَمَّا وَجْهُ الْاِنْتِفَاعِ فِي غَيْبَتِي فَكَالانْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ اِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْاَبْصَارِ

السَّحَابُ، وَاِنِّي لِأَمَانَ لاهِلِ الْاَرْضِ كَمَا اِنَّ النُّجُومَ اَمَانَ لاهِلِ السَّمَاءِ.

همانگونه که مردم در موقع وجود ابر از نور خورشید بهره مند می شوند. و سپس می فرماید:

هر آینه من باعث امن و امان می باشم برای تمامی اهل زمین. آری وجود حضرت گرچه برای شیعیان خود فوائد بیشتری دارد، اما آن وجود مبارک برای همه موجودات روی زمین باعث برکت و امان و ادامه پیدا کردن سیر وجودی آنها است. کما اینکه قرآن مجید به صراحت می فرماید: ﴿مَا كَانَ اللهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾؛ «خداوند مردم را عذاب نمی کند در حالی که تو در میان آنها هستی».<sup>۱</sup>

وجود مقدس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باعث رحمت بوده و خداوند به خاطر ایشان مردم را برای کارهای ناپسند در دنیا عذاب نمی کند و لذا جای هیچگونه تعجبی نیست که وجود امام و حجت خدا که جانشین بحق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است چنین اثر مهمی را داشته باشد.

### هدایت معنوی امام در تمامی حالات

علامه طباطبایی رحمته الله در ذیل آیه:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾<sup>۲</sup> (بقره: ۱۲۴)

هنگامی که پروردگار ابراهیم را با دستوراتی آزمود و او به طور کامل از عهده آنها برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم.

۱. انفال: ۳۳.

۲. المیزان ج ۱، ص ۲۷۵ و نیز در ذیل آیه ۷۳ سوره انبیاء به همین مطلب اشاره شده است.

با اشاره به این مطلب که ابراهیم بعد از نبوت و رسالت به مقام امامت، منصوب شد، شأن امامت را برتر از نبوت می‌داند. سپس اضافه می‌کند که همواره قرآن، امام را هدایتگر معرفی می‌کند؛ مانند آیه:

﴿وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ \* وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ (انبیاء: ۷۳)

و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و همه آنان را افرادی صالح قرار دادیم و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند.

و آیه:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ (سجده: ۲۴)

و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند، چون شکیبائی نمودند و به آیات ما یقین داشتند.

خداوند در این آیات، هدایت را به «امر» مقید کرده است و در آیه:

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (یس: ۸۲)

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند تنها به آن می‌گوید «موجود باش»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود.

و آیه «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلِمَةٍ بِالْبَصْرِ»؛ «و فرمان ما یک امر بیش نیست، همچون یک چشم برهم زدن» (قمر: ۵۰) بیان شده است که عالم امر، عالم تجرد، و وقایع و حوادث در آن دفعی است و تدریج که از لوازم عالم خلق است در آنجا نیست.

بنابراین مقام امامت، افزون بر ارشاد و هدایت ظاهری، هدایت و جذبه‌ای معنوی دارد که در دل‌های آماده و شایسته، تأثیر و تصرف می‌کند و آنان را به کمال می‌رساند و به اصطلاح «ایصال الی المطلوب» می‌کند.

علامه طباطبایی رحمته‌الله در کتاب «شیعه در اسلام»<sup>۱</sup> درباره فواید وجود امام غایب چنین

می‌نویسد:

۱. شیعه در اسلام، طباطبایی، ص ۱۵۲.

مخالفان شیعه اعتراض می‌کنند که شیعه، وجود امام را برای بیان احکام دین و حقایق آیین و راهنمایی مردم لازم می‌دانند؛ در حالی که غیبت امام ناقض این غرض است؛ زیرا امامی که به واسطه غیبتش، مردم هیچ‌گونه دسترسی به وی ندارند، فایده‌ای بر وجودش مترتب نیست... در پاسخ باید گفت: اینان به حقیقت معنای امامت پی نبرده‌اند؛ زیرا در بحث امامت روشن شد که وظیفه امام، تنها بیان صوری معارف و راهنمایی ظاهری مردم نیست و امام چنان‌که وظیفه راهنمایی صوری مردم را به عهده دارد، ولایت و رهبری باطنی اعمال را به عهده دارد و اوست که حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می‌دهد.

بدیهی است که غیبت و حضور جسمانی امام در این مسئله تأثیری ندارد و امام از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشراف و اتصال دارد. اگرچه از چشم جسمانی ایشان مستور است و وجودش پیوسته لازم است.

آیت‌الله «خرازی» نظیر کلام علامه طباطبایی را از قول یکی از فرزندان بزرگوار آیت‌الله «شاه‌آبادی» نقل می‌کند که پدرم به مشایخ در عرفان و ارائه اعمال به شیخ، معتقد نبود و عقیده او این بود که انسان از راه کتاب و سنت به تهذیب اخلاق پردازد. آن وقت مقام ولایت، او را تحت اشراف خود درخواهد آورد.<sup>۱</sup>

از این کلام استفاده می‌شود که آیت‌الله شاه‌آبادی نیز به اشراف مقام ولایت بر نفوس، معتقد بوده است و یکی از کارهای مقام ولایت را هدایت معنوی آنان می‌داند.

### توضیح کلام علامه طباطبایی در نفوذ معنوی امام (عج)

می‌دانیم خورشید هم اشعه مرئی دارد که از ترکیب آنها، هفت رنگ معروف پیدا می‌شود و هم اشعه نامرئی که به نام «اشعه فوق بنفش» و اشعه «مادون قرمز» معروف است. پیامبر و امام نیز افزون بر تربیت تشریحی که از طریق گفتار و رفتار صورت می‌گیرد، تربیتی روحانی از راه نفوذ معنوی در دل‌ها و فکرها دارد که می‌توان آن را

۱. روزنه‌هایی از عالم غیب، ص ۲۹۵.

تربیت تکوینی نام گذارد. در چنین تربیتی گفتار و کردار نقشی ندارد، بلکه تنها کشش درونی مؤثر است.

گاهی بعضی افراد گناهکار با ارتباطی اندک با معصومان، به کلی تغییر مسیر می‌دادند و از گمراهی و تاریکی، به سوی نور و صراط مستقیم هدایت می‌شدند. این دگرگونی‌ها نتیجه جذبه ناخودآگاه است. البته این تأثیر بر افرادی است که آمادگی آن را داشته باشند. به یقین این تأثیرگذاری، نتیجه شعاع اسرارآمیزی است که از درون ذات انسان‌های بزرگ برمی‌خیزد.

ملاقات «اسعدبن زراره» با پیامبر صلی الله علیه و آله کنار خانه کعبه از این‌گونه بود که موجب تحول اسعدبن زراره شد. هرچند دشمنان سرسخت پیامبر صلی الله علیه و آله، نام حضرت را ساحر گذاشته بودند تا مردم را از نزدیک شدن به ایشان باز دارند، ولی مردم با دیدن رفتار پیامبر شیفته ایشان می‌شدند.

همچنین تأثیر کلام امام حسین علیه السلام بر «زهیر» در مسیر کربلا، یا کشش عجیب و فوق‌العاده‌ای که «حربن یزید ریاحی» در خود احساس می‌کرد و با تمام شجاعتش می‌لرزید تا سرانجام او را به صف شهدای کربلا آورد، یا داستان جوانی که در همسایگی «ابوبصیر» زندگی می‌کرد و با پول فراوانی که از خدمتگزاری به دستگاه بنی‌امیه به دست آورده بود، به عیش و نوش مشغول بود، ولی با یک پیام امام صادق علیه السلام به کلی دگرگون شد و مسیر خود را عوض کرد و نیز توفیق عجیبی که برای عالم جلیل‌القدر «سید شبر» در تألیفات رخ می‌دهد و می‌گوید: «تماماً به برکت توجه امام کاظم علیه السلام است که در عالم رؤیا قلمی به من داد و فرمود: بنویس، و از آن وقت این برکت در قلم و تألیفات من پیدا شد»<sup>۱</sup> و توجهی که امام صادق علیه السلام به «مفضل بن عمر»

۱. سید شبر از علمای بزرگ شیعه است و در بغداد زندگی می‌کرده و ۵۲ یا ۵۴ سال بیشتر عمر نکرده است. غیر از زعامت دینی و فصل خصومات و جواب به سؤالات و تدریس و کارهای شخصی خود، به‌قدری کتاب تألیف کرده که به ایشان مجلسی ثانی لقب داده شده است.

کرد و تمامی اسرار موجوداتی که در جلسات متعدد برای او بیان کرده بود، در یک لحظه در سینه و ذهنش حاضر شد<sup>۱</sup>، همگی نشانه از همین تأثیر ناخودآگاه است که می‌توان آن را از ولایت تکوینی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام عجل الله تعالی فرجه دانست.<sup>۲</sup>

استاد بزرگوار ما، فقیه عالی قدر «شیخ مرتضی حائری رحمته الله» وقتی توجه امام صادق عجل الله تعالی فرجه را به مفضل بن عمر بیان کرد، فرمود: «لحظه‌ای از این گونه توجهات ائمه عجل الله تعالی فرجه را نمی‌توان با شصت سال دوییدن مقایسه کرد».

برای تأیید بیشتر مطلب شاهی از قرآن می‌آوریم: خداوند متعال رزق حضرت مریم را با امر **﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾** ایجاد کرد؛ یعنی خارج از صورت طبیعی، به گونه‌ای که زکریا را شگفت زده کرد و با تعجب سؤال کرد: «این طعام از کجاست؟!» او جواب داد: «از جانب خدا، و خداوند به هرکسی که بخواهد بدون حساب رزق می‌رساند»:

**﴿كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾** (آل عمران: ۳۷)

هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در کنار او می‌دید. پس از او پرسید ای مریم این روزی از کجا نصیب تو شده؟ گفت این از سوی خداست، خداوند به هرکس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.

اولیای الهی نیز براساس **﴿يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾** که توضیح داده شد، با امر **﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾** کار می‌کنند و گشودن گرفتاری‌های مادی و برآوردن حوایج، کمترین کرامت آنهاست. بلکه اگر کسی بخواهد از جهل به علم، از ظلم به عدل، از بدفرجامی به حسن عاقبت و از دوزخ به بهشت درآید و تحول یابد، باید به کرامت اولیای خدا و به‌ویژه در زمان غیبت، به وجود مبارک ولی عصر عجل الله تعالی فرجه روی آورد تا ایشان با امر **﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾** که خداوند در اختیارش نهاده است، حاجاتش را سامان دهد و قلبش را هدایت کند.

۱. بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۵۰.

۲. علامه مجلسی حکایت تشرف خود را که براساس هدایت ولایی است در روضه‌المتقین در شرح زیارت جامعه ذکر کرده است.

به ذره گر نظر لطف بو تراب کند به آسمان رود و کار آفتاب کند

ما قطب‌های مغناطیس زمین را با چشم خود نمی‌بینیم. ولی اثر آنها را روی عقربه‌های قطب‌نما، بر دریا، صحرا و آسمان که راهنمای بشرند و میلیون‌ها مسافر را به مقصد می‌رسانند، مشاهده می‌کنیم. اگر این قطب‌های مغناطیسی این‌گونه بتوانند هزاران عقربه قطب‌نما را هدایت کنند، جای تعجب نیست اگر براساس آیات قرآن و دلیل گفته شود حضرت مهدی علیه السلام پشت پرده غیبت با جاذبه وجودی خویش، افکار و جان‌های زیادی را هدایت می‌کند.

### خدمات حضرت به جامعه در زمان غیبت

گرچه دو فایده‌ای که برای وجود امام غایب مطرح شد، بسیار مهم و ارزنده بود، ولی درخور توجه است که گاهی خود حضرت، و گاهی به‌وسیله یارانش از بیچارگان دادرسی می‌کند.

در واقع غایب‌بودن حجت خدا به معنای کناره‌گیری ایشان از کارهای اجتماعی نیست. بهترین شاهد برای این مطلب، حکایت ملاقات حضرت موسی علیه السلام با حضرت خضر که ولی غایب بود، معروف است. این مرد الهی به‌گونه‌ای بود که حتی موسی علیه السلام با او آشنا نبود و تنها با راهنمایی خدا بود که او را شناخت و از علمش بهره گرفت؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ۖ قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْتُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا﴾ (کهف: ۶۵ و ۶۶)

[موسی و همراهش]، بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت [و موهبت عظیمی] از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. موسی به او گفت: [آیا اجازه می‌دهی] از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی.

قرآن سپس کارهای مفید آن شخص را بیان می‌کند که به‌طور کامل دلالت می‌کند مردم از آثار و برکات او بهره‌مند بوده‌اند؛ درحالی که ایشان به‌طوری غایب از دیدگان بود که حضرت موسی هم او را نمی‌شناخت و از جایگاه او مطلع نبود.

## ولّیّ غایب که معلم حضرت موسی بود

حضرت موسی علیه السلام با راهنمایی پروردگار با خضر آشنا می‌شود و از او درخواست همراهی و استفاده از دانش وی می‌کند. به یقین، چنین شخصی که حضرت موسی از وی می‌خواهد تا از علمش بهره‌مند شود باید از اولیای خدا باشد و از نظر علم، برتر و دست‌کم در بعضی از علوم و فنون، آگاه‌تر باشد که وقتی موسی اجازه می‌خواهد از او پیروی کند، در جواب می‌گوید: «تو نمی‌توانی با من صبر کنی. چگونه خواهی توانست کارهایی را که از اسرار آنها خبر نداری تحمل نمایی؟»

بررسی حالات همان چند لحظه کوتاه از زندگی حساس آن ولّیّ خدا که با حضرت موسی گذرانده است، از قبیل سوراخ کردن کشتی، کشتن جوانی که به ظاهر تقصیری نداشت و ساختن دیوار کنار دهی که اهل آن حاضر نشدند مقداری غذا به آنها بدهند، ما را با نکاتی آشنا می‌سازد:

۱. این ولّیّ خدا، مدتی از دیدگان پنهان بوده و کسی او را نمی‌شناخته است. اگر خدا او را معرفی نمی‌کرد، کسی با او آشنا نمی‌شد. بنابراین شرط ولّیّ خدا بودن، این نیست که مردم او را بشناسند.

۲. این ولّیّ خدا با اینکه از دیدگان پنهان بود، هرگز از حوادث زمان و اوضاع جهان غفلت نداشت و براساس ولایتی که از جانب خداوند به او داده شده بود، در اموال و نفوس تصرف می‌کرد و به مصلحت بندگان اقدام می‌کرد.

۳. نه تنها خود او غایب بود، بلکه تصرفات او نیز از دیدگان عادی پنهان بود. اگر مردم از تصرف او برای معیوب ساختن کشتی آگاه می‌شدند، هرگز به او اجازه نمی‌دادند که دست به چنین کاری بزند و نیز اگر مردم شاهد قتل نفس او بودند، هرگز رهایش نمی‌کردند و... از اینکه او همه این کارهای شگفت‌آور را در اجتماع انجام داد و کسی متوجه کار او نشد، می‌توان فهمید که نه تنها خود او پنهان بود، بلکه تصرفات او نیز بر مردم پنهان بود. آنها تنها اثر فعل او را می‌دیدند نه کار او را.



۴. هدایت و رهبری که از شئون اولیای الهی است، گاهی هدایت فرد است و گاهی هدایت جمع، گاهی در ظاهر است و گاهی در پنهان. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حدود سه سال مخفیانه دعوت کرد و وظیفه‌اش هدایت و تربیت فرد بود. سپس مأمور به اعلان شد. حضرت نوح نیز گفت: «**لَمَّا إِنِّي أَغْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا**؛ «سپس آشکارا و نهان [حقیقت توحید و ایمان را] برای آنان بیان کردم». (نوح: ۹) که دعوت در خفا همان هدایت و تربیت فرد است.

مفاد آیه «**وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا**» (انبیاء: ۷۳) این است که هرطور خداوند به امامان دستور می‌دهد، آنان وظیفه هدایت را انجام می‌دهند؛ چه پنهان و چه آشکارا. حضرت ولی عصر علیه السلام نیز همانند حضرت خضر شخص ناشناخته‌ای است که کارهای سودمندی برای بشر انجام می‌دهد. پس غیبت امام به معنای جدایی او از جامعه نیست.

### عنایت ائمه علیهم السلام به مشکلات دوستان خود

روایات فراوانی داریم که بر توجه ائمه علیهم السلام برای رفع مشکلات مردم دلالت دارد؛ برای مثال «رمیله» می‌گوید:

در زمان خلافت امیرمؤمنان علیه السلام تب شدیدی بر من عارض شد و چون روز جمعه رسید مقداری تب فرو کشید و با خود گفتم چیزی بهتر از این نیست که خود را شست‌وشو بدهم و بروم پشت سر علی علیه السلام نماز گزارم. همین که حضرت شروع به خطبه کرد، تب شدت پیدا کرد. بعد از نماز حضرت وارد دارالاماره شد و من نیز با ایشان داخل شدم.

حضرت به من توجهی کرد و فرمود: «چرا ناراحتی و به خود می‌پیچی؟» حال خود را برای حضرت بیان کردم. حضرت فرمود: «رمیله! هیچ مؤمنی نیست که وقتی مریض می‌شود ما نیز برای مرض او مریض، و برای اندوه او اندوهگین می‌شویم و آنان دعایی نمی‌کنند مگر اینکه ما برای استجاب آن آمین می‌گوییم و اگر ساکت بماند ما برایشان دعا می‌کنیم».

رمیله می‌گوید: عرض کردم این مطلب مربوط می‌شود به دوستان و مؤمنانی که در همین شهر و در اطراف شمایند؟ و حال آنکه دوستان شما و صاحبان ایمان در عالم

بخش اند. به آنها چه عنایتی می‌شود؟ حضرت فرمود: «هیچ مؤمنی در شرق و غرب این زمین نیست، مگر آنکه از حال او مطلعیم و از دید ما غایب نیست».<sup>۱</sup>

### کمک‌رسانی امام عصر علیه السلام به مردم

حضرت علی علیه السلام فرمود:

هَذَا إِيَّانُ وَرُودِ كُلِّ مُوْعِدٍ وَدُنُوٌّ مِنْ طَلْعَةِ مَا لَا تَعْرِفُونَ، أَلَا وَإِنَّ مِنْ أَدْرَكِهَا مَنَّا سِرِّي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَيَجْدُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيُحَلَّ فِيهَا رِبْقًا وَيُعْتَقَ فِيهَا رِقًا وَيَصْدَعَ شَعْبًا وَيَشْعَبَ صَدْعًا فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَلَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ.

اینک ما در آستانه تحقق وعده‌های داده‌شده، و نزدیکی طلوع آن چیزهایی که بر شما پوشیده و ابهام‌آمیز است، قرار داریم. بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی علیه السلام) که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشن‌گر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده، و حق‌جویان پراکنده را جمع‌آوری می‌کند. سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد؛ آن‌چنان‌که اثرشناسان، اثر قدمش را نمی‌شناسند، گرچه در یافتن اثر و نشانه‌ها، تلاش فراوان کنند.<sup>۲</sup>

شارحان نهج‌البلاغه می‌گویند: این جملات حضرت علی علیه السلام مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است<sup>۳</sup>؛ زیرا حضرت از کارهای فردی از اهل بیت علیهم السلام خبر می‌دهد که از دید

۱. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۱۴۰.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۰.

۳. ابن‌ابی‌الحدید در شرح این خطبه می‌گوید: مراد امام از این جمله «الاول من ادركها منا» مهدی آل محمد علیهم السلام است و صفاتی که بعد از آن آمده نیز مربوط به ایشان است و چون می‌رسد به جمله «فی ستره عن الناس» که حضرت این کارهای مهم را در زمان فتنه و در حال پنهانی از دیدگان، انجام می‌دهد، می‌گوید: این جمله نمی‌تواند برای شیعه دلیل باشد که حضرت مهدی علیه السلام از نظرها پنهان است؛ زیرا ممکن است خداوند مهدی را در آخر زمان خلق کند و مدتی پنهان باشد و جمله مذکور اشاره به چنین زمانی باشد. ملاحظه می‌کنید که این عالم و دانشمند معتزلی چگونه دست از ظهور کلام برمی‌دارد و تنها به احتمالی بسنده می‌کند که مبدا اعتقاد شیعیان ثابت شود. البته ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه بعد از اشاره به اینکه کلام علی علیه السلام دلالت دارد بر اعتقادات شیعه اثنا عشری، از این‌گونه احتمالات ضعیف بسیار دارد.

مردم پنهان است و یگانه فرد غایب از اهل بیت، حضرت مهدی (عج) است. «طبرسی» در کتاب «احتجاج» نقل می‌کند که حضرت مهدی (عج) فرمود:

إِنَّا عَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ السَّلَاطَةُ  
وَإِصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ.<sup>۱</sup>

ما در مراعات شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را فراموش نمی‌نماییم، و اگر این نبود، شر و ناملايمات بر شما نازل می‌شد و دشمنان بر شما مستولی می‌گردیدند.

بعد از نزول آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» جابر از رسول خدا (ص) می‌پرسد که مراد از اولوالأمر چه کسانی‌اند؟ پیامبر اکرم (ص) در این حدیث نام دوازده جانشین خود را می‌برد و می‌فرماید: اینها اولوالأمراند و چون به دوازدهمین آنان می‌رسد می‌فرماید: «نام او، نام من و کنیه او، کنیه من است و از دیدگان غایب است». جابر می‌گوید: «آیا شیعیان از وجود ایشان بهره می‌برند؟» پیامبر (ص) فرمود: «آری، سوگند به آن کسی که مرا به پیغمبری برانگیخت! در دوران غیبت او، از نور او روشنی می‌گیرند و به ولایت او بهره‌مند می‌شوند؛ مانند خورشید که پشت ابر است و مردم از نور او استفاده می‌کنند».<sup>۲</sup>

### حضرت مهدی از خداوند چه می‌خواهد؟

همه می‌دانیم که دعا باید برای انسان انگیزه حرکت و تلاش ایجاد کند. اگر برزگری از خدا محصول فراوان طلب کند، ولی در خانه بنشیند و تلاشی نکند در واقع دعای او کاری بیهوده است و دانه محصولی نیز نصیب او نخواهد شد.

آری، اگر از خداوند متعال وسعت رزق می‌خواهیم، باید به دنبال اسباب آن باشیم. اگر فرزند صالح می‌خواهیم باید برای تعلیم و تربیت آن تلاش کنیم و چنانچه عاقبت به خیر شدن را خواهیم، باید پیوسته مراقب حال خود باشیم. اگر خداوند متعال بنده

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵؛ امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۴۷۳.

۲. منتخب الأثر، ص ۱۰۱.

خود را در دعا صادق دید و تلاش او را در فراهم آوردن اسباب مشاهده کرد، به یقین او را کمک می کند و رسیدن به مقصود را برایش آسان می کند که از آن به توفیقات الهی تعبیر می شود.

اینک به برخی از دعاها و خواسته های حضرت مهدی علیه السلام اشاره می شود که بیانگر تلاش ها و فعالیت های ایشان در حال غیبت است. حضرت به درگاه ایزد متعال عرضه می دارد:

يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي وَلِشِيعَتِي مِنَ الضُّبِقِ فَرَجًا وَ مِنَ الْهَمِّ مَخْرَجًا وَ أَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ وَأَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يُفْرِّجُ وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ.<sup>۱</sup>

ای روشنایی بخش به هر روشنایی! ای کسی که تدبیر و اداره تمام امور به دست اوست و ای کسی که مردگان را به عرصه قیامت حاضر می کنی! صلوات و درود خود را بر محمد و آل محمد نازل فرما. من و شیعیان من را از تنگناها نجات مرحمت کن و از هموم و غموم خلاصی بخش. راه را برای ما هموار و زمینه فرج و گشایش را فراهم آور و آن گونه که لایق مقام بزرگواری شماس با ما رفتار نما، ای کریم!

و در دعای دیگر نیز از خداوند می خواهد:

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَ السَّعَةِ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغَفْرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.<sup>۲</sup>

ای خدای من! به حق کسانی که با تو راز و نیاز و گفت و گو و مناجاتی دارند و در خشکی و دریا تو را می خوانند، بر محمد و آل محمد درود فرست و بر فقراى مؤمنان

۱. منتخب الاثر، ص ۵۲۱.

۲. همان.

وسعت رزق، و بر بیماران صحت و سلامت، و بر صاحبان ایمان مغفرت و رحمت، و به غربا وسیله بازگشت به وطن مرحمت فرما، به حق محمد و آل محمد.

آری، اگر حضرت در دعا این گونه برای رفع مشکلاتِ دوستان سوزوگداز دارد، به یقین با توانی که خداوند در اختیارش نهاده است، برای رفع مشکلات صاحبان ایمان تلاش می‌کند. «خواجه آن است که باشد غم خدمتکارش». بخش مختصری از این تلاش‌ها و دستگیری‌های امام عصر در برخی حکایات برای ما بیان شده است.

### نتیجه‌گیری

حضرت مهدی علیه السلام پشت پرده غیبت مشغول راهنمایی، دستگیری و... است و هرگز غایب بودن امام به معنای انزوا و کناره‌گیری از کارهای ارشادی، تعلیمی، اجتماعی و... نخواهد بود.

اقدامات و کمک‌رسانی‌های حضرت و توجه ایشان به مسائل اجتماعی و به خصوص مشکلات شیعیان در زمان غیبت صغری و نیز غیبت کبری به قدری فراوان است که می‌توان گفت: نسبت به اموری که ما مطلعیم از حدّ شماره و تعداد گذشته است.

آنچه که قابل توجه است این است که: حضرت در زمان کودکی و در کنار پدر بزرگوارشان حضرت امام عسکری علیه السلام با اینکه در حال اختفاء به سر می‌بردند و پدر بزرگوارشان او را به مجالس و محافل نمی‌بردند و به جز به افراد خاصی از بزرگان شیعه نشان نمی‌دادند، با وجود این می‌نگریم که حضرت بقیه الله اعظم در همان سنین به امور اجتماعی مردم اشراف داشتند و اگر پدر اجازه می‌دادند برای اصلاح امور به صحنه می‌آمدند.

شیخ صدوق علیه السلام از سعد بن عبدالله قمی نقل می‌کند<sup>۱</sup> به خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم و حضرت مشغول نوشتن چیزی بودند و آقازاده در محضر ایشان بود و چون

امام از نوشتن نامه فارغ شدند. احمد بن اسحاق کیسه‌ای را از زیر عبا بیرون آورد و مقابل امام علیه السلام قرار داد (وجوهاتی بود که مردم داده بودند تا به خدمت امام علیه السلام داده شود) امام عسکری علیه السلام به فرزند خود فرمود: هدایای شیعیان و دوستان را باز کن، عرض کرد: ای مولای من آیا روا است دست پاک خود را به هدایای ناپاک و اموالی که حلال و حرام مخلوط شده دراز کنم؟ امام عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمود: آنچه در کیسه داری بیرون بیاور تا فرزندم حلال و حرام آنها را جدا سازد.

اولین کیسه را که بیرون آورد، حضرت مهدی علیه السلام فرمود: این کیسه از فلان شخص است که در فلان محله زندگی می‌کند، در آن ۶۲ دینار است و ۴۵ دینار آن مربوط است به بهای زمین و ۱۴ دینار مربوط به فروش لباس‌ها است و ۳ دینار مربوط به اجاره دکان‌ها امام عسکری علیه السلام فرمود: درست گفתי و اینک دینارهای حرام را مشخص کن و علت آن را هم بیان‌نما، این کار انجام گرفت.

سپس احمد بن اسحاق کیسه دوم را بیرون آورد، حضرت مهدی علیه السلام مقدار پول که پنجاه دینار بود و اینکه چه کسی فرستاده و محل سکونت او کجا است را بیان کرد و فرمود: دست زدن به آن برای ما خانواده روا نیست. احمد پرسید چرا؟ فرمود: برای آنکه آن دینارها بهای گندمی است که صاحبش بر زارع خود در موقع تقسیم ستم نموده؛ زیرا سهم خود را با پیمانۀ تمام برداشته، اما سهم زارع را با پیمانۀ ناتمام داده است.

امام عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمود: همه را بردار به صاحبانش برسان و یا به شخصی بده که آنها را به صاحبانش برگرداند که ما را در آنها حاجتی نیست.

غرض از نقل این حدیث شریف و نظیر آن که بعد از دفن امام عسکری اتفاق افتاد و ابوالادیان که از خادمین امام عسکری بود نقل نموده و حضرت مهدی از محتوای کیسه پول و اینکه نامه‌ها را چه کسانی فرستاده‌اند.<sup>۱</sup> دلیل روشنی است بر اینکه حضرت مهدی علیه السلام حتی در زمان کودکی به اعمال اشخاص و حوادث روزگار از ریز و درشت

کاملاً آگاه بوده و با اجازه پدر بزرگوارشان در آن امور دخالت می کردند.

از مباحث گذشته معلوم شد که غیبت و اختفای امام عصر علیه السلام هرگز مانع کارهای مهم اجتماعی که وظیفه امام و حجت خدا می باشد نیست.

حتی در بعضی روایات<sup>۱</sup>، غیبت حضرت تشبیه شده به مخفی بودن حضرت یوسف از دید برادرانش، که حضرت یوسف در حال اختفای نسب و حسب خود، هم امور مملکتی را اداره می کرد و هم به برادران خود می رسید و در میان مردم رفت و آمد داشت. امام صادق علیه السلام به سدیر صیرفی می فرماید:

... ان فی صاحب هذا الامر شبهاً من یوسف ... صاحب هذا الامر یتردد بینهم و

یمشی فی أسواقهم و یطأ فرشهم ولا یعرفونه حتی یأذن الله له أن یعرفهم نفسه...<sup>۲</sup>

مهدی موعود دارای شباهتی از یوسف صدیق دارد که برادران آمدند و حضرت یوسف را دیدند و کارشان انجام گرفت اما او را نشناختند تا اینکه حضرت یوسف خود را معرفی کرد و فرمود: «آیا یوسف. آری صاحب الأمر نیز در میان مردم رفت و آمد می کند در بازارهای آنان حاضر می شود و حتی گاهی در خانه های افراد وارد می شود و روی فرش های آنها می نشیند ولی او را نمی شناسند.

خلاصه کلام، در یک جمله کوتاه باید گفت: غیبت امام به معنای حاضر نشدن در جامعه و مداخله نکردن در امورات نیست، بلکه به معنای ظاهر نبودن ایشان است.

### کلام معجزه آسا

«ابونصر»، خادم امام عسکری علیه السلام می گوید:

من روزهای اول ولادت حضرت مهدی علیه السلام به خدمتشان رسیدم. صورت ایشان مثل قرص ماه روشنایی داشت. به او سلام کردم، جواب من را داد. ایشان به من نگاهی کرد و فرمود: «أَتَعْرِفُنِي؟» «آیا مرا می شناسی؟» گفتم: «أنت سیّدي و ابن سیّدي»؛ «تو

۱. غیبة نعمانی، ص ۱۶۳، باب عاشر، ح ۴.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۱۶۴.

آقای من، فرزند آقا و مولای من هستی». فرمود: «نه، این مقدار نخواستم». عرض کردم: «پس چه؟» فرمود: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يُدْفَعُ الْبَلَاءُ عَنْ شِيعَتِي»، «من خاتم اوصیایم. [یعنی همان کسانی که یکی پس از دیگری آمدند و حافظ نظام عالم بودند، من آخرینشان هستم که بعد از من دیگر کسی با این منصب نخواهد آمد]. به وجود من، از شیعیان بلا دفع می‌شود».<sup>۱</sup>

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست      منت خاک درت بر بصری نیست که نیست  
ناظر روی تو صاحب نظرانند ولیک      بوی گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

وجود امام غایب موجب بقای مکتب

اعتقاد به وجود امام، هرچند غایب، اثر عمیقی در تداوم آیین و مذهب خواهد داشت؛ زیرا هر جامعه‌ای که برای خود سازمان و تشکیلاتی دارد، وجود رهبر برای آن ضروری است. اگرچه آن رهبر به عللی زندانی یا در تبعید و یا بیمار باشد؛ زیرا مردم در این هنگام دست به دست هم به کارهای خود ادامه می‌دهند. ولی اگر رهبر از دنیا برود، تفرقه میان آنها ایجاد خواهد شد.

در جنگ احد، زمانی که صدایی به اشتباه یا برای غرض ورزی بلند شد: «أَلَا قَدْ قُتِلَ مُحَمَّدٌ؟» «محمد کشته شد». اتحاد مسلمانان از بین رفت و هر کدام به گوشه‌ای گریختند و به محض اینکه مطلع شدند که پیامبر صلی الله علیه و آله زنده است، بار دیگر به صحنه نبرد آمدند.

به طور کلی در میدان‌های نبرد، تلاش هر گروه بر آن است که پرچم خود را برابر حملات دشمن برافراشته نگه دارد و سربازان دشمن می‌کوشند پرچم طرف مقابل را سرنگون کنند؛ زیرا برافراشته بودن پرچم به سربازان دلگرمی می‌بخشد و مهم‌تر از پرچم، مقر فرماندهی است که اگر نابود شود، لشکر بزرگ نیز متلاشی می‌شود.

۱. کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۷۹۳.



## گاندی در زندان

رهبر هر جنبشی حتی اگر میان پیروان خود نباشد، می‌تواند موجب اتحاد معتقدان به نهضت باشد؛ برای مثال در نهضت هندوها که منجر به استقلال هندوستان شد، رهبر آنها «گاندی» در زندان دشمن استعمارگر بود. اما نهضت «عدم همکاری با دولت استعمارگر بریتانیا» با شدت ادامه یافت. مردم هند، گاندی را میان خود نمی‌دیدند، اما گاندی زنده بود و نفوذ و قدرت معنوی او همچنان مردم هند را به هم پیوند می‌داد. از این نمونه در نهضت‌ها بسیار فراوان است. در عصر خود شاهد بودیم که «امام خمینی» را به «بوسای ترکیه» تبعید کردند. هرچند ایشان پانزده سال میان مردم نبود، اما نهضت ادامه یافت و هر روز بر وحدت و پیوستگی مردم افزوده شد تا شاه مجبور به فرار شد و امام خمینی علیه السلام به وطن بازگشت.

## اثر اعتقاد شیعه به حیات امام عصر علیه السلام

شیعیان براساس عقیده‌ای که به وجود امام علیه السلام و زنده‌بودن او دارند، هرچند او را میان خود نمی‌بینند، اما خود را تنها نمی‌دانند و در هر لحظه به انتظار ظهور او نشسته‌اند و با امید فراوان او را می‌خوانند.

## آگاهی امام غایب از حالات و اعمال شیعیان

براساس روایات، امام همواره در دوران غیبت مراقب پیروان خویش است و با تکیه بر الهام الهی و ولایت و نیرویی که خداوند به ایشان عطا کرده است، از اعمال شیعیان آگاه می‌شود. به تعبیر برخی روایات، همه هفته و طبق بعضی از روایات هر روز، برنامه اعمال آنها به نظر مبارک امام علیه السلام می‌رسد و از چگونگی رفتار و گفتار آنها آگاه می‌شود.

این عقیده برای منتظران واقعی، مراقبتی دائمی ایجاد می‌کند تا در هر کاری توجه به آن «نظارت عالی» داشته باشند. از این رو اثر تربیتی این باور، بسیار زیاد و درخور توجه است. همچنین بر مبنای این عقیده، رهبر و امام ما، نه فقط زنده است و با ظهور

خود عدل را در جهان بر پا می‌کند، بلکه او از حالات ما و مشکلات فردی و اجتماعی ما آگاه است و برای اصلاح امور دوستان و پیروان خود اقدام خواهد کرد.

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

طُوبَى لَشِيعَتِنَا الْمَتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوَالَتِنَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْ  
اَعْدَائِنَا اَوْلِكَ مَتَا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا اُتْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً، فَطُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ  
طُوبَى لَهُمْ، وَ هُمُ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۱</sup>

خوشا به حال شیعیان ما، آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان دوستی ما چنگ  
زنند و بر دوستی با ما و نیز بیزاری از دشمنان ما استوار بمانند آنها از ما هستند و ما از  
آنها، آنان به پیشوائی ما راضی شدند (و امامت ما را پذیرفتند) و ما نیز به شیعه بودن  
آنها راضی و خشنود شدیم، خوشا به حال ایشان، به خدا قسم آنها در قیامت با ما و در  
رتبه ما خواهند بود.

ای شمع جهان افروز بیا	وی شاهد عالم سوز بیا
ای مهر سپهر قلمرو غیب	شد روز ظهور و بروز بیا
ما دیده به راه تو دوخته‌ایم	از ما همه چشم مدوز بیا
عمریست گذشته بنادانی	ای علم و آدب آموز بیا
شد گلشن عمر خزان از غم	ای باد خوش نوروز بیا
من مفتقر رنجور توام	تا جان به لب است هنوز، بیا

### خلاصه گفتار ششم

مسئله غیبت مورد توجه پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. از این رو در کلمات خود  
به غیبت حضرت مهدی علیه السلام و کیفیت آن اشاره کرده‌اند. عده‌ای از اصحاب ائمه علیهم السلام و  
بزرگانی مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، کتاب غیبت تألیف کرده‌اند. حکایت تألیف

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵.

کتاب کمال‌الدین بیانگر توجه ویژه حضرت مهدی علیه السلام به مسئله غیبت است. سپس در رابطه با غیبت، سؤالاتی مطرح شد:

۱. آیا غیبت امام، منافات با تبیین احکام دارد؟

اگر امام حاضر بود، بهتر و شفاف‌تر احکام بیان می‌شد، اما چون ائمه علیهم السلام کلیات احکام را بیان کرده‌اند، مجتهدان می‌توانند وظایف بندگان را استخراج کنند. پس غیبت امام منافاتی با تبیین احکام ندارد.

۲. فلسفه غیبت چیست؟

حکمت غیبت طبق روایت عبدالله بن فضل هاشمی، بعد از ظهور معلوم می‌شود. ولی با این حال می‌توان گفت: علت غیبت، خود مردم‌اند. مردم با اینکه گوشه‌ای از حکومت عادلانه را در تاریخ انبیا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و چند سال حکومت حضرت علی علیه السلام دیدند، ولی خود را برای تحقق چنین حکومتی برای همیشه آماده نکردند.

۳. فایده وجود امام در حال غیبت چیست؟

آثار وجود امام تنها به زعامت دینی و اجتماعی منحصر نمی‌شود تا گفته شود با غیبت ایشان دیگر فایده‌ای برای وجود پنهان حضرت نخواهد بود. وجود امام غایب نیز همانند خورشید پشت ابر فواید زیادی دارد. این تشبیه در روایات، به‌ویژه روایت سلیمان اعمش از امام سجاد علیه السلام آمده است. وجود امام طبق روایات فراوان در حفظ نظام جهان مؤثر است که در این رابطه به کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و اشعار امام صادق علیه السلام اشاره شد. در روایات به ائمه علیهم السلام اطلاق امان شده و مخصوصاً حضرت بقیة الله علیه السلام خود را امان اهل زمین معرفی نموده است. از دیگر فواید وجود امام، هدایت معنوی اوست که با اشرف بر نفوس، بر دل‌های آماده تأثیر می‌گذارد. علامه طباطبایی رحمته الله علیه به این مطلب اشاره کرد و در توضیح کلام علامه به اشعه نامرئی خورشید و کشش قطب‌های مغناطیسی اشاره شد و سپس مواردی از هدایت‌های معنوی و کشش‌های باطنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بیان شد.

گفتنی است که خود حضرت مهدی علیه السلام، یا به واسطه یاران خاص خود، شبانه روز به مشکلات مردم رسیدگی می‌کند و به اصلاح امور مسلمانان می‌پردازد. در این زمینه حکایات فراوانی نقل شده است. غایب شدن حجت خدا، به معنای انزوای او از کارهای فردی و اجتماعی نیست. بهترین نمونه، کارهای حضرت خضر است که شرح آن در سوره کهف آمده است و ما نیز به پنج نکته درباره آن اشاره کردیم. امام زمان علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام، کارهای ناپیدایی در مسیر اصلاح امور مسلمانان و ایجاد جذبه‌های معنوی دارند که در این رابطه چند حدیث نقل شد. حتی امام عصر علیه السلام در زمان طفولیت و زمان حیات پدر بزرگوارش کاملاً بر امور مسلمین اشراف داشتند. در پایان اشاره کردیم وجود و حیات امام علیه السلام چه در زندان و تبعید و چه در غیبت، روح‌بخش و باعث امید امت و پیروان خویش خواهد بود.

### سوالات گفتار ششم

۱. برای اهمیت مسئله غیبت حضرت مهدی علیه السلام در نظر اهل بیت علیهم السلام، به کلامی از ایشان اشاره کنید.
۲. یکی از کسانی را که قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام، کتاب غیبت نوشته است، نام ببرید.
۳. در کتاب الذریعه نام چند نفر از علمایی که کتاب «غیبت» نوشته‌اند، ذکر شده است؟
۴. چه چیزی باعث شد که شیخ صدوق رحمته الله کتاب کمال‌الدین را تألیف کرد؟
۵. فلسفه غیبت چیست؟ و مراد خواجه طوسی از عبارت: «وَعَدَمُهُ مِنَّا» چیست؟
۶. چند فایده برای وجود امام علیه السلام در زمان غیبت ذکر کنید.
۷. در روایات، فایده وجود حضرت در زمان غیبت به چه چیزی تشبیه شده است؟
۸. حضرت مهدی علیه السلام در مقام معرفی خود به ابونصر چه فرمود؟
۹. علامه طباطبایی فایده وجود حضرت را چگونه ذکر کرده است؟

## کفتار ششم: غیبت امام زمان (عج) ۱۸

۱۰. یکی از مواردی که ائمه اطهار (ع) با جذب معنوی و هدایت باطنی، یاران خود را راهنمایی کرده‌اند، بیان کنید.

۱۱. خدمات حضرت مهدی (ع) را به مردم در زمان غیبت بیان کنید.

۱۲. حضرت خضر (ع) در زمانی که با حضرت موسی (ع) همراه بود چه کارهایی انجام داد؟

۱۳. از حکایت موسی و خضر (ع) پنج نکته برداشت می‌شود. به یکی از آنها اشاره کنید.

۱۴. حدیث رمیله چه مطلبی را به ما می‌آموزد؟

۱۵. امام عصر (ع) در سنین طفولیت به احمد بن اسحاق چه فرمود؟

۱۶. روایتی را ذکر کنید که بیانگر کمک‌رسانی حضرت مهدی (ع) در زمان غیبت است.

۱۷. ابونصر از کودکی حضرت مهدی (ع) چه مطلبی را نقل کرده است؟

۱۸. اعتقاد به زنده‌بودن رهبر و امام برای پیروانش چه فایده‌ای دارد؟

۱۹. خلاصه بحث را بیان کنید.



گفتار، مضمون:

طول عمر حضرت مهدی





لَيْتَ شِعْرِي أَإِنِّ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى؟  
بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُثَقِّلُكَ أَوْ تُرِي؟  
أَبْرَضُوا أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوى؟  
عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخُلُقَ وَلَا تُرِي،  
وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيساً وَلَا نَجْوَى.<sup>۱</sup>

ای کاش می دانستم محل اصلی تو کجاست،

ای کاش می دانستم کدامین زمین و یا خاکی تو را در آغوش گرفته،

آیا در کوه رضوی هستی یا در سرزمین ذی طوی،

برای من سنگین و گران است که خلق را ببینم و لکن تو دیده نشوی

سخت است برای من که نشنوم برای تو صدای محسوس و راز و نیازی را.

---

۱. مفاتیح الجنان، بخشی از دعای ندبه.



## مسئله طول عمر

آیا طول عمر بیش از هزار سال حضرت مهدی (عج) با قوانین طبیعی سازگار است؟ و آیا مدارک و ادله اسلامی آن را تأیید می‌کند؟

شیعه و نیز بسیاری از علمای اهل سنت بر اساس ادله معتقدند که طول عمر، مسئله‌ای پذیرفتنی است و با مدارک شرعی و قوانین طبیعی نیز در تضاد نیست. البته بعضی از اهل سنت معتقدند مهدی موعود، نزدیک ظهور متولد می‌شود. گاهی نیز بدون دلیل، به شیعیان اعتراض می‌کنند و آنان را جاهل می‌خوانند و می‌گویند چگونه می‌توان به مسئله عجیب و غریب طول عمر معتقد شد؟

گفتنی است بسیاری از بزرگان و اندیشمندان، موضوع طول عمر و امکان آن را از دیدگاه علم و وحی توضیح داده‌اند که می‌توان به کتاب‌های بحارالانوار، کمال‌الدین، کنزالفوائد، منتخب‌الاثار، نوید امن و امان، دادگستر جهان و... مراجعه کرد.

به یقین، عجیب بودن چیزی نمی‌تواند دلیل بر محال بودن آن چیز شود؛ زیرا بسیاری از امور است که به مراتب عجیب‌تر از طول عمر است، ولی به آن معتقدیم؛ برای مثال خلقت انسان از خاک یا نطفه و دمیده شدن روح به آن. همچنین منکران معاد، بازگشت انسان را عجیب دانستند و گفتند:

﴿إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أِنَّا لَمَبْعُوثُونَ﴾؛ «هنگامی که ما مردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟!». (واقعه: ۴۷) گاهی استخوان پوسیده‌ای را در قبرستان به دست می‌گرفتند و با تعجب زیادی می‌گفتند: ﴿مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾؛ «چه کسی

این استخوان‌ها را زنده می‌کند درحالی که پوسیده است؟!». (یس: ۷۸)

قرآن در جواب این افراد می‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ...»؛ «ای مردم اگر در رستخیز شک دارید، ما شما را از خاک آفریدیم». (حج: ۵) در واقع قرآن می‌گوید استعجاب این افراد، دلیل بر انکار قیامت نیست؛ زیرا عجیب‌تر از وقوع قیامت و بازگشت انسان‌ها در عالم آخرت، خلقت انسان‌ها از خاک و از عدم است. خداوند ما را از خاک آفرید و به ما چشم، گوش، زبان، عقل و... داد. پس چگونه برای بار دوم نتواند ما را برای روز رستخیز برگرداند؟!

### اسرار پنهان خلقت

اصولاً بسیاری از اسرار خلقت برای بشر معلوم نشده است. نیروی الکتریسته که فواید فراوانی دارد، با اینکه در خلقت همواره بوده است، اما مردم پس از قرن‌ها به وجود آن پی بردند. اگر به آنها گفته می‌شد که نیرویی در آینده کشف می‌شود که هم آب را به یخ تبدیل می‌کند، هم آن را به جوش می‌آورد، هم روشنایی می‌دهد، هم نیروی محرکه می‌شود، مردم آن را انکار می‌کردند.

امروزه بعضی گمان می‌کنند که با شکافتن اتم و مشاهده کهکشان‌ها، بشر بر بام علم و صنعت قرار گرفته است. اما اهل دانش اعتراف می‌کنند که ما آگاهی ناچیزی درباره خلقت داریم و به تمام اسرار و شگفتی‌های جهان آگاه نیستیم. دانشمندی که سالیان دراز اسرار خلقت انسان را مطالعه می‌کند، کتابی با عنوان «انسان موجود ناشناخته» می‌نویسد. بنابراین چگونه می‌توان به مجرد اینکه چیزی در نظر ما عجیب آمد، آن را انکار کنیم.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حقیقت روح سؤال شد. خداوند نیز به رسولش فرمود که در پاسخ به تمامی انسان‌ها چنین بگو: «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»؛ بگو: روح از فرمان پروردگار من است و جز اندکی از دانش به شما داده نشده است.

یعنی انسان از حقیقت خود، از روح و نفس خود که همواره با آن عجین است، بی‌خبر است، چه رسد به اسرار مخلوقات و جهان خلقت. با وجود آگاهی اندک انسان از راز و رمز جهان خلقت، چگونه می‌تواند چیزی را که باعث تعجب او شده، انکار کند؟!<sup>۱</sup>

## تلاش برای افزایش عمر انسان

مسئله طول عمر و حتی نگه‌داشتن انسان در حالت جوانی، از مدت‌ها پیش مورد توجه پزشکان و صاحبان اندیشه بوده است و درباره آن آزمایش‌های فراوانی انجام شده، و تاکنون کسی طول عمر و طولانی‌کردن آن را غیرممکن ندانسته است.

«دکتر فورد نوف» از مشاهیر پزشکان که راجع به امکان طولانی‌کردن عمر و تازه‌کردن جوانی روی حیوانات آزمایش‌های فراوانی انجام داده است، می‌گوید:

ششصد آزمایش موفقیت‌آمیز انجام داده‌ام و اطمینان می‌دهم که در آینده نزدیک تجدید قوای پیران و برطرف ساختن گرد و غبار سالخوردگی و خمیدگی قامت آنها، عملی خواهد شد. چنانچه دیررس ساختن پیری و طولانی‌کردن عمر با حفظ صحت قلب و دماغ تا آخر عمر، بلکه تغییر صفات و شخصیات و عادات ممکن خواهد شد.<sup>۲</sup>

«بلوفر»، زیست‌شناس معروف فرانسوی در ضمن مطالعات خود درباره زنبور عسل متوجه مسئله حیرت‌انگیزی شد که عمر ملکه زنبورها چهارصد برابر عمر زنبورهای دیگر است، آن هم توأم با نیرومندی و جوانی. وی دریافت که ملکه زنبورها از خوراک مخصوصی که توسط کارگران فراهم می‌آید در تمام عمر تغذیه می‌کند؛ در صورتی که

---

۱. امروز بدن‌هایی را در قبر مشاهده کرده‌اند که صاحبان آن هزار سال است از دنیا رفته‌اند و بدن آنها همچنان تازه و سالم مانده است؛ مثل قبر جابر بن عبد الله انصاری، شیخ صدوق، حرین یزید ریاحی و ... آیا علم می‌تواند علت آن را بفهمد؟! آیا باقی ماندن بدن این افراد، با اینکه بدن در چند روز متلاشی می‌شود و از استخوان‌های او هم چیزی باقی نمی‌ماند، امر عجیبی نیست؟!

۲. نوید امن و امان به نقل از مجله کلّ شیء؛ تفسیر طنطوری، ج ۱۷، ص ۲۲۴.

زنبورهای دیگر فقط در سه روز نخستین زندگی خود از این غذای اسرارآمیز بهره می‌برند.

سرانجام ایشان با مطالعات شبانه‌روزی خود ثابت کرد که علت طول عمر ملکه زنبورها، همان شهد شاهانه است که از مواد مخصوص، مثل کربن، هیدروژن، ازت، ویتامین ب و... ترکیب شده است. بلوفر از این ترکیبات، ماده‌ای به نام «آپی‌سرم» ساخت و با تجویز آن در اشخاص فرسوده و پیران به نتایج شگفت‌آوری دست یافت. بلوفر براساس صدها آزمایش اعلام داشت که شهد شاهانه از پیری انسان جلوگیری نمی‌کند. ولی دوران جوانی را طولانی، و توأم با تندرستی و نیرومندی می‌سازد.<sup>۱</sup>

همچنین بعضی از دانشمندان با آزمایش‌هایی روی مگس‌های میوه، عمر آنها را به نهصد برابر افزایش داده‌اند.<sup>۲</sup> اگر چنین آزمایشی با موفقیت روی انسان انجام شود، هشتاد سال عمر انسان به ۷۲ هزار سال خواهد رسید.<sup>۳</sup> پس مسئله طول عمر در جهان علم به‌طور کامل پذیرفتنی است.

### عمرهای طولانی در بعضی از گیاهان و حیوانات

عمر طولانی نه فقط در انسان، بلکه در سایر موجودات زنده، مانند نباتات و حیوانات نیز مشاهده شده است؛ برای مثال در «کالیفرنیا» درخت کاجی است به طول سیصد قدم و محیط سی قدم که عمرش شش هزار سال است. همچنین ماهی‌هایی در اقیانوس اطلس، در شمال اروپا دیده شده است که عمر آنها را سه میلیون سال برآورد کرده‌اند و مارهایی نیز وجود دارد که عمرشان چند هزار ساله است.<sup>۴</sup>

۱. نوید امن و امان به نقل از اطلاعات شماره ۸۹۳۰.

۲. منتخب الاثر، ص ۲۷۸ به نقل از مجله الهلال.

۳. ما تنها به چند نمونه از آزمایش‌ها و گفتار دانشمندان بسنده کردیم، برای آگاهی بیشتر رک: نوید امن و امان؛ دادگستر جهان.

۴. نوید امن و امان.

بنابراین برای عمر افراد، حد و مرزی وجود ندارد. درست است که بیشتر انسان‌ها قبل از صد سالگی می‌میرند، ولی دلیل نمی‌شود که تجاوز از صد سال امکان ندارد؛ زیرا افراد زیادی دیده شده که بیش از صد سال زندگی کرده‌اند. وجود انسان‌های ۱۵۰ ساله، ۱۸۰ ساله و ۲۰۰ ساله که حتی در عصر خودمان گاهی یافت می‌شوند، دلیل روشنی است بر اینکه عمر انسان حد و مرزی ندارد.

### طول عمر از دیدگاه تاریخ

تاریخ، افراد زیادی را نشان می‌دهد که عمر طولانی داشته‌اند. یکی از کتاب‌هایی که درباره اشخاص معمر (کسی که عمر طولانی دارد) نوشته شده و از کتاب‌های منبع و رجالی به شمار می‌آید، کتاب «المعمرون» اثر «ابوحاتم سجستانی» متوفای ۲۵۰ ه. ق. است. کتاب «الآثار الباقیه» تألیف «ابوریحان بیرونی» نیز در این زمینه است. «مسعودی» مورخ مشهور هم عده‌ای از این افراد را در کتاب خود نام برده است؛ مانند آدم: ۹۳۰ سال، شیت: ۹۱۲ سال، انوش: ۹۶۰ سال، قینان: ۹۲۰ سال، مهلائل: ۷۰۰ سال، لوط: ۷۳۲ سال، ادریس: ۳۰۰ سال، متوشالح: ۹۶۰ سال، نوح: ۹۵۰ سال، ابراهیم: ۱۹۵ سال، کیومرث: ۱۰۰۰ سال، جمشید: ۶۰۰ یا ۹۰۰ سال، عمر بن عامر: ۸۰۰ سال و عاد: ۱۲۰۰ سال.<sup>۱</sup>

### عمرهای طولانی از دیدگاه کتاب‌های آسمانی

در تورات فعلی که بر ملت یهود و نصارا حجت است نام عده‌ای از افراد معمر، از قبیل آدم: ۹۳۰ سال، شیت: ۹۱۲ سال و انوش: ۹۰۵ سال آمده است. البته از همه مهم‌تر و یقین‌آورتر، قرآن مجید است که با صراحت خبر از عمر طولانی برخی داده است؛ برای مثال درباره حضرت نوح می‌فرماید:

۱. دادگستر جهان، ص ۲۰۲، به نقل از مروج الذهب.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ﴾ (عنکبوت: ۱۴)

و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او میان آنان ۹۵۰ سال درنگ کرد و سرانجام طوفان [اعظیم] آنان را فرا گرفت.

بنابر بعضی از احادیث، عمر حضرت نوح به ۲۵۰۰ سال می‌رسد و ظاهر آیه هم این است که فقط زمان رسالت نوح بین قوم خود تا فرا رسیدن طوفان، ۹۵۰ سال بوده است. همچنین خداوند درباره حضرت عیسی می‌فرماید:

﴿... وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا \* بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا \* وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾ (نساء: ۱۵۷-۱۵۹)

و به یقین او را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خداوند، توانا و حکیم است و هیچ‌یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه قبل از مرگش به او (حضرت مسیح) ایمان می‌آورد.

در ذیل این آیه، روایاتی از عامه و خاصه رسیده است که در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، حضرت عیسی از آسمان نزول می‌کند و اهل کتاب به زنده‌بودن او ایمان می‌آورند. مفسر بزرگ، علامه طباطبایی می‌نویسد<sup>۱</sup> روایات درباره نزول عیسی علیه السلام در زمان ظهور مهدی علیه السلام به طور مستفیض از عامه و خاصه نقل شده است. احمد حنبل، بخاری، مسلم و بیهقی نقل می‌کنند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ وَأَمَامُكُمْ مِنْكُمْ؟»؛ «چگونه است حال شما آن موقعی که پسر مریم (حضرت عیسی) از آسمان نزول کند و امام از شما باشد». که اشاره به این است که حضرت عیسی اقتدا به حضرت مهدی می‌کند و ایشان را یاری می‌نماید.

از این آیه شریفه و روایات ذیل آن استفاده می‌شود که حضرت عیسی زنده است و تا کنون بیش از دو هزار سال از عمر شریفش می‌گذرد.



همچنین درباره حضرت یونس می فرماید: ﴿فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ \* لَلَيْتَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾؛ «و اگر او از تسبیح کنندگان نبود، تا روز قیامت در شکم آن ماهی [می ماند]». (صافات: ۱۴۳ و ۱۴۴) گرچه از آیه به طور صریح، زنده ماندن یونس استفاده نمی شود، اما در بعضی از تفاسیر آمده است که او زنده می ماند.

حکایت اصحاب کهف را خداوند متعال در سوره کهف آورده است آنان ۳۰۹ سال داخل غاری زنده ماندند و به خواب فرو رفتند. خداوند می فرماید: «و [اگر به آنها نگاه می کردی] آنها را بیدار می پنداشتی»<sup>۱</sup>.

گفتنی است در برخی روایات به سرانجام این جوانمردان اشاره می شود؛ برای مثال در کلام امام صادق علیه السلام آمده است که آنها بعد از بیداری و آگاهی از وضع خود، از پروردگار خواستند دوباره به خواب بروند: «سئَلُوا اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَعِيدَهُمْ إِلَى مُضَاجِعِهِمْ نَائِمِينَ كَمَا كَانُوا»<sup>۲</sup> و نیز در خبر دیگر فرمود: «اصحاب کهف که هفت نفر بودند، از اصحاب و یاران ویژه حضرت قائم خواهند بود»<sup>۳</sup>. از این روایات استفاده می شود که اصحاب کهف تا امروز و بلکه تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام زنده خواهند بود.

اگر زنده بودن این افراد، آن هم در چنین وضعی، مورد تأیید قرآن باشد، چگونه مسلمانی که معتقد به قرآن است می تواند طول عمر حضرت مهدی علیه السلام را محال یا بعید بداند.

ابلیس بعد از سرپیچی از فرمان سجده بر آدم و رانده شدن، از پروردگار تقاضای عمر طولانی تا قیامت کرد، با اینکه عمر آنها قطعاً این مقدار نبوده است و گرنه از خداوند درخواست نمی کرد، و خداوند متعال نیز به او مهلت داد و فرمود: ﴿فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ﴾؛ «تو از مهلت یافتگانی». البته تا وقت معلوم و معینی.

۱. ر.ک: کهف، آیات ۱۳ - ۲۶.

۲. نورالتقلین، ج ۳، ص ۲۴۸.

۳. همان، ص ۲۵۲.

اگر قرآن، طول عمر چند هزار سال را برای موجودی اغواگر تأیید می‌کند و از آن خیر می‌دهد، چطور طول عمر برای انسانی مانند ولیّ خدا و بنده شایسته الهی ناممکن باشد؟

### مناظره سیدبن طاووس

سیدبن طاووس با بعضی از اهل سنت درباره طول عمر امام زمان عجل الله فرجه بحث کرد و آنها را متعجب ساخت. وی به آنها گفت:

اگر کسی بیاید و بگوید ای مردم! من روی دجله بغداد بدون وسیله خاصی راه می‌روم، مردم تعجب می‌کنند و قهراً جمع کثیری برای تماشا کنار دجله می‌روند. چنانچه شخص دیگری همان ادعا را تکرار نماید، این بار تعجب مردم کمتر می‌شود و از اجتماع آنها کنار دجله کاسته می‌شود. اگر شخص ثالث و رابعی بیاید و همین ادعا را بکند، تعجب مردم منتفی می‌گردد و کسی برای تماشا به کنار دجله نخواهد رفت.

سپس سیدبن طاووس می‌گوید:

مسئله طول عمر امام زمان از همین قبیل است؛ چون شما اهل سنت در احادیث خود نقل می‌کنید ادريس زنده است و در آسمان است و خضر از زمان موسی و بلکه قبل از آن تا حال حاضر زنده است و عیسی بن مریم زنده است و در آسمان است. آیا بعد از این سه نمونه دیگر جای تعجب است اگر براساس ادله گذشته معتقد شویم به طول عمر یکی از فرزندان و اوصیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که آن فرزند پیامبر می‌آید و شرق و غرب عالم را پر از عدل و داد می‌کند. اگر بنا شود که تعجب کنیم، باید از گسترش عدل و داد به دست حضرت مهدی عج آن هم بعد از پرشدن جهان از ظلم و جور تعجب کرد، نه از طول عمر حضرت.<sup>۱</sup>

از این رو بعضی از بزرگان اهل سنت براساس وجود افرادی که عمر طولانی داشته‌اند و نام آنها در قرآن یا احادیث اسلامی آمده است، تصریح می‌کنند که طول عمر حضرت

۱. منتخب الاثر، ص ۲۷۵، نقل از کشف المحجّه، سیدبن طاووس، فصل ۷۹.

مهدی امری پذیرفتنی است؛ برای مثال «حافظ گنجی شافعی»<sup>۱</sup> برای اثبات طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به بقای عیسی، خضر، ایلاس و بقای دجال<sup>۲</sup> و ایلیس استدلال کرده است<sup>۳</sup> که در آینده کلام ایشان و دیگر علمای اهل سنت را نقل خواهیم کرد.

### اراده خداوند بر همه چیز حاکم است

آیات فراوانی از قرآن بدین نکته اشاره دارد که خداوند هر چه اراده کند، انجام می دهد<sup>۴</sup> و بر هر چیزی قادر است.<sup>۵</sup> همچنین ملت یهود را که می گویند دست خدا بسته شد،<sup>۶</sup> سخت مذمت می کند. گاهی نیز به مواردی اشاره می کند که خداوند بقا و حفظ فردی را اراده کرده است و حال آنکه تمامی علل و اسباب ظاهری در جهت نابودی او بوده اند؛ مثل حفظ یوسف در چاه، موسی در آب، ابراهیم در آتش، اسماعیل در سرزمین بی آب و علف و برگرداندن پیامبر اکرم ص به وطن خویش، یعنی مکه و پیروزی ایشان بر تمامی مشرکان سرزمین حجاز.

میان اهل سنت افراد معدودی از قبیل «ابن حجر» و «محب الدین خطیب» با رد کردن امور واضح و بدیهی، سعی می کنند فاصله بین شیعه و سنی را زیاد کنند. آنان گاهی معتقدان به طول عمر حضرت را جاهل ترین انسان ها می دانند!<sup>۷</sup> با اینکه عده ای از

۱. البیان، باب ۲۵ طبق نقل منتخب الاثر، ص ۲۷۶.

۲. در روایات اهل سنت مثل صحیح مسلم و غیره آمده است که دجال از زمان پیامبر اکرم ص تا ظهور حضرت مهدی زنده است؛ گرچه این مطلب از دیدگاه علما و دانشمندان شیعی مورد بحث است و در جای مناسب خود خواهد آمد. شما ملاحظه می کنید که علمای اهل سنت از طول عمر دجال تعجب نمی کنند. اما از طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تعجب می کنند.

۳. نظیر کلام حافظ گنجی از «بیهقی» که امام الحرمین بوده، و همچنین از «ابن جوزی» نقل شده است.

۴. ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (یس: ۸۲).

۵. ﴿وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ (احزاب: ۲۷).

۶. ﴿قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا﴾ (مائده: ۶۴).

۷. می گویند: «اگر کسی مبلغی را برای جاهل ترین افراد وصیت کند، باید آن مبلغ را به معتقدان طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه داد!».

مشاهیر و بزرگان اهل سنت اعتراف کرده‌اند که مهدی موعود، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. برخی دیگر از آنها گفته‌اند حضرت مهدی به دنیا نیامده است و با شیعه موافقت ندارند. اما حمله‌ای به شیعه و اعتقاد آنها نکرده، و اعتقاد به طول عمر را مسئله غیر ممکن ندانسته‌اند.

امروزه دشمنان اسلام سعی می‌کنند تا بین شیعه و سنی فاصله بیندازند. برخی نیز آگاهانه یا ناآگاهانه به دنبال تحقق بخشیدن به آرمان‌های آنها قلم به دست می‌گیرند و بر این فاصله می‌افزایند. اگر این افراد از روی دشمنی می‌نویسند که نمی‌توان با آنها گفت‌وگو کرد. اما اگر در جست‌وجوی حقیقت‌اند، به آنها می‌گوییم اگر مسلمانید و به قرآن معتقدید و خداوند را بر هر کاری توانا، و اراده او را بر همه عوامل طبیعی حاکم می‌دانید، چرا با مسئله طول عمر که مورد تأیید قرآن، تاریخ و علم است، این‌گونه رفتار می‌کنید؟!

### تشرفات و طول عمر

همان‌گونه که بیان شد برای اثبات وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام، گذشته از ادله عقلی و نقلی، به توفیق بسیاری از بزرگان و علما در تشریف و ملاقات حضرت مهدی علیه السلام استناد شد. بنابراین با وجود این همه افراد صالح و شایسته‌ای که در طول تاریخ غیبت به محضر امام شرفیاب شده‌اند، دیگر جایی برای انکار یا تعجب از طول عمر حضرت مهدی علیه السلام باقی نمی‌ماند.

### اعتراف بزرگان اهل سنت

بسیاری از علما و بزرگان اهل سنت با شیعه هم عقیده‌اند و می‌گویند که حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و در سال ۲۵۵ ه.ق به دنیا آمده است. عالم بزرگوار آیه‌الله صافی در کتاب خود، منتخب‌الأثر، نام ۶۵ نفر از علمای اهل سنت را به همراه کتابشان ذکر کرده است.<sup>۱</sup>

۱. منتخب‌الأثر، ص ۳۲۱.

ما نیز در اینجا نام چند نفر از علمای عامه را از این کتاب نام می‌بریم که مهدی موعود علیه السلام را فرزند امام عسکری علیه السلام می‌دانند و می‌گویند ولادت ایشان در گذشته واقع شده است:

۱. «ابن صباغ مالکی» در کتاب «فصول المهمه» می‌نویسد: «ابوالقاسم محمد، حجة بن الحسن در شهر «سرمن‌رای» در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق از کنیزی به نام نرجس به دنیا آمد».

۲. «ابن خلکان» در کتاب «وفیات الاعیان» می‌نویسد: «ولادت حضرت مهدی علیه السلام روز جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق بوده، پنج ساله بوده که پدرش از دنیا رفت، نام مادرش خمط یا نرجس بوده است».

۳. «ابن حجر هیثمی» که شافعی مذهب است در کتاب «صواعق» بعد از ذکر بعضی از حالات امام عسکری علیه السلام می‌نویسد: «ابومحمد فرزندی را غیر از ابوالقاسم محمد از خود باقی نگذاشت».

۴. «شیخ شمس‌الدین» صاحب «تاریخ کبیر»<sup>۱</sup> و «تذکره الخواص» راجع به مهدی موعود علیه السلام می‌نویسد: «هو محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام و بعد از اینکه نسب حضرت مهدی علیه السلام را به جدش علی بن ابی طالب می‌رساند، می‌گوید: «کنیه ایشان ابوعبدالله و ابوالقاسم است و او حجت و صاحب زمان و قائم و منتظر است». سپس به روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند که حضرت فرمود: «اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، فردی از اهل بیت من خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند».

۵. «نورالدین دشتی» که حنفی مذهب و صاحب «شرح کافیه» و «شواهد النبوه» است. ایشان گذشته از اینکه به ولادت حضرت مهدی از امام عسکری اعتراف می‌کند، می‌گوید: «ایشان حجة بن الحسن الامام الثانی عشر است». آن‌گاه حوادث عجیبی را نقل

۱. از ابن خلکان نقل شده است که می‌گوید: «تاریخ کبیر را به خط شیخ شمس‌الدین در چهل جلد دیدم».

می‌کند که در هنگام ولادت حضرت مهدی رخ داده است؛ از قبیل جستن روی کنده‌های پا، دست‌ها را به سوی آسمان بلند کردن و گفتن «الحمد لله رب العالمین» در هنگام عطسه. همچنین نقل می‌کند کسی از امام عسکری سؤال کرد امام بعد از شما کیست؟ ایشان به داخل اتاقی رفت و چون بیرون آمد، پسر بچه‌ای سه ساله را مثل ماه شب چهارده، در بغل گرفته و به آن شخص سائل نشان داد و فرمود: «اگر نبود جایگاه خوبی که نزد خدا داری، این فرزند را به تو نشان نمی‌دادم...».

۶. «شیخ حافظ ابو عبدالله گنجی» صاحب کتاب «البيان فی اخبار صاحب الزمان» و کتاب «کفایة الطالب فی مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب». ایشان بعد از تصریح به اینکه حضرت مهدی فرزند امام عسکری است، می‌نویسد: «دلیل بر بقا و طول عمر حضرت مهدی، بقا و طول عمر حضرت عیسی، الیاس و خضر است که از اولیای خدایند و نیز بقای دجال و ابلیس است که از دشمنان خدایند...».

۷. «شیخ محیی‌الدین اندلسی» در «فتوحات» می‌نویسد: «خروج و قیام مهدی حتمی است بعد از آنکه زمین پر از جور و ظلم شود». وی اشاره می‌کند به روایت معروف رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد...»؛ «اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، فردی از اهل بیت من خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند». وی در ادامه می‌گوید: «مهدی از فرزندان فاطمه و نواده حسین بن علی است و فرزند حسن عسکری است...».

۸. «شیخ عبدالرحمان» صاحب کتاب «مرآة الاسرار» و از مشایخ صوفیه، در کتاب خود که به زبان فارسی است، می‌نویسد:

آن آفتاب دین و دولت، آن هادی جمیع ملت و دولت، آن قائم مقام پاک احمدی، امام بر حق، ابوالقاسم محمد بن الحسن المهدی علیه السلام، وی امام دوازدهم است از ائمه اهل بیت، مادرش ام‌ولد بود و نرجس نام داشت. ولادتش شب جمعه پانزدهم شعبان سنه خمس و خمسین و مأتین ...

۹. «شیخ محمدبن ابراهیم جوینی»، شافعی مذهب بوده است. او در کتاب «فرائدالسمطین» روایت «دعل خزاعی» را از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل می کند. سپس نقل می کند که امام رضا علیه السلام فرمود:

امام بعد از من، فرزندم جواد تقی است و بعد فرزندش علی الهادی النقی است و بعد فرزندش حسن عسکری و بعد فرزندش «حُجَّة المَهْدِي المنتظر في غَيْبَتِهِ المطاع في ظُهورِهِ»؛ «حجت حق مهدی است که باید در زمان غیبت او، به انتظارش بود و در زمان ظهورش، از او فرمان برداری کرد».

۱۰. «بهلول بهجت افندی»، قاضی، محقق و صاحب کتاب «المحاكمة فی تاریخ آل محمد» که به زبان ترکی نوشته، و به فارسی ترجمه شده است. در این کتاب بعد از امامت اثناعشر و بیان فضایل آنان می نویسد:

دوازدهمین امام در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ متولد گردید و اسم مادرش نجس است و او دارای دو غیبت می باشد: غیبت صغرا و غیبت کبرا. او زنده است تا خداوند به او اذن بدهد و ظاهر گردد و زمین را پر از عدل و داد کند، و ظهور ایشان مطلبی است که تمامی مسلمانان بر آن اتفاق دارند و احتیاجی به آوردن دلیل نیست.

۱۱. «شیخ جلال الدین سیوطی» در کتاب «احیاء المیت بفضائل اهل البیت» می نویسد: «یکی از ذراری امام حسین، مهدی است که در آخر الزمان مبعوث خواهد شد». سپس می نویسد که امام اول، علی بن ابی طالب علیه السلام است. آن گاه نام یک ائمه علیهم السلام را می برد تا می رسد به امام یازدهم حضرت عسکری، سپس می گوید:

امام دوازدهم، فرزند عسکری، «محمد القائم المهدی» است و درباره امام دوازدهم از پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و نیز از بقیه پدران ایشان که همه از بزرگان بوده اند، روایات داریم، و امام دوازدهم هم صاحب شمشیر است و او قائم منتظر است.

۱۲. «شیخ احمد جامی» در اشعار خود می گوید:

من ز مهر حیدرم هر لحظه اندر دل صفا از پی حیدر، حسن ما را امام و رهنماست  
همچو کلب افتاده ام بر آستان بوالحسن خاک نعلین حسین بر هر دو چشم تویاست

عابدین تاج سر و باقر دو چشم روشنم      دین جعفر بر حق است و مذهب موسی رواست  
 ای موالی وصف سلطان خراسان را شنو      ذره‌ای از خاک قبرش دردمندان را دواست  
 پیشوای مؤمنان است ای مسلمانان تقی      گر نقی را دوست داری بر همه ملت رواست  
 عسکری نور دو چشم آدم است و عالم است      همچو یک مهدی سپهسالار در عالم کجاست  
 شاعران از بهر سیم و زر سخن‌ها گفته‌اند      احمد جامی غلام خاص شاه اولیاست  
 این گفتار را با سخن امام سجاد علیه السلام به پایان می‌بریم که فرمود: «**فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهِيَ طَوْلُ الْعُمَرِ**»<sup>۱</sup>؛ «قائم ما اهل بیت (حضرت مهدی موعود علیه السلام) یک خصلت و شباهت به حضرت نوح دارد و آن طول عمر آن حضرت است». و نیز امام سجاد علیه السلام به اباخالد می‌فرماید:

يا ابا خالد انّ اهل زمان غيبته القائلين بامامته والمنتظرين لظهوره، افضل من اهل كل زمان، لانّ الله تبارك وتعالى اعطاهم من العقول والافهام والمعرفة ما صارت الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة وجعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله بالسيف اولئك المخلصون حقاً وشيعتنا صدقاً، والدعاة الى دين الله عزوجل سراً وجهراً.<sup>۲</sup>

(امام سجاد علیه السلام پس از اینکه اشاره به طولانی بودن غیبت امام دوازدهمین می‌کند) می‌فرماید: ای ابا خالد افرادی که در زمان غیبت معتقد به امامت باشند و منتظر ظهور حضرت از مردم همه زمان‌ها برتر و بهترند زیرا خداوند متعال عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا فرموده (به‌وسیله آیات و کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله و توان عقلانی) که غیبت در نزد آنان به‌منزله مشاهده و ظهور است، و آنها همانند مجاهدین در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشند که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند آنان افراد با اخلاص و شیعیان واقعی ما می‌باشند. و دیگران را در آشکار و نهان به دین دعوت می‌کنند.

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۶، ح ۵.

۲. همان، ج ۱، باب ۳۱، ح ۲.



زغم تو گشته ویران، دل زار عاشقانت ز فراق رویت ای گل، شده ایم نغمه خوانت  
تو که بال رحمت بر، سرما فکنده سایه زچه رو نهانی از ما، بکجاست آشیانت  
چه خوش است دیده ما، شود از رخ تو روشن چه خوش است گوش ما را، بنوازی از بیانت  
همه ریزه خوار خون کرم توایم و اکنون میسند نا امید از تو شوند سائلان

### خلاصه گفتار هفتم

بعد از اثبات وجود حضرت مهدی علیه السلام، مسئله طول عمر ایشان مطرح است. بعضی از اهل سنت طول عمر حضرت را مسئله عجیب و ناممکن دانسته‌اند. البته آنان فقط تعجب خود را ابراز کرده‌اند، ولی هیچ دلیلی بر امکان نداشتن آن نیاورده‌اند. خلقت انسان از خاک نیز بسیار عجیب است. اما این امر واقع شده است و قرآن از همین طریق به منکران معاد جواب می‌دهد. در واقع انسان با تمام پیشرفت‌های علمی از اسرار خلقت بی‌خبر است. قرآن به انسان خطاب می‌کند و می‌گوید: ﴿وَمَا أَوْتَيْتُم مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾.

گفتنی است امروزه محققان برای طولانی کردن عمر تلاش می‌کنند. آنان در مطالعات خود متوجه شده‌اند ملکه زنبورها، بر اثر غذای خاصی که برایش فراهم می‌شود، عمرش چهارصد برابر بیشتر از دیگر زنبورهاست. همچنین آنان عمر مگس میوه را به نهصد برابر افزایش داده‌اند. پس اعتقاد به طول عمر، اعتقادی مخالف علم نیست. بلکه فرضیه‌ها و تجربه‌ها، بیانگر امکان وقوع آن است.

تاریخ، شاهد دیگری برای اثبات مسئله طول عمر است. همچنین تورات و از همه مهم‌تر قرآن، درباره نوح، عیسی و ابلیس قائل به طول عمر است. حتی بنابر احتمالی از آیه ۱۴۴ سوره صافات استفاده می‌شود که اگر یونس در دل ماهی تسبیح نمی‌کرد، تا قیامت در شکم ماهی زنده می‌ماند. حکایت اصحاب کهف و عمر طولانی آنان بدون خوردن آب و غذا، روشنگر این است که افرادی نیز براساس اراده الهی طول عمر داشته‌اند. سیدبن طاووس نیز با استشهاد به آیات و روایات در مناظره با بزرگان

اهل سنت پیروز شد؛ همان گونه که بعضی دیگر از بزرگان اهل سنت براساس همین افرادی که در قرآن با عمر طولانی معرفی شده‌اند، به طول عمر حضرت مهدی اعتراف کرده و آن را امری پذیرفتنی دانسته‌اند.

آیات فراوانی از قرآن اشاره دارد که خداوند هرچه بخواهد، می‌شود و خواسته او بر تمام علل و اسباب عالم حاکم است؛ همان گونه که به خواست او، ابراهیم از میان آتش، سالم بیرون آمد و یوسف بر تخت سلطنت نشست. از این رو جای تعجب است چرا بعضی از اهل سنت با آنکه مقابل آیات قرآن تسلیم‌اند، مسئله طول عمر حضرت مهدی را نمی‌پذیرند.

سپس اشاره کردیم براساس براهین عقلی و نقلی، به‌ویژه نقل ملاقات‌های شایستگان، جایی برای تردید در طول عمر حضرت باقی نمی‌ماند.

در پایان نیز بیان شد که بسیاری از علمای اهل سنت اعتراف کرده‌اند که حضرت مهدی عج فرزند امام عسکری، و در سال ۲۵۵ هـ. ق متولد شده است و می‌گویند با وجود افرادی که دارای طول عمر بوده‌اند و در قرآن مطرح شده‌اند، و نیز با در دست داشتن روایاتی در این رابطه، مسئله طول عمر هیچ‌گونه تعجیبی ندارد. و امام سجاد عج نیز در این باره فرمود: «قائم ما شباهتی به حضرت نوح دارد و آن هم طول عمر ایشان است».

### سوالات گفتار هفتم

۱. آیا کسانی که طول عمر حضرت مهدی را امری عجیب دانسته و قبول نکرده‌اند، دلیلی برای گفتار خود دارند؟
۲. منکران معاد از چه امری اظهار شگفتی می‌کردند و قرآن به آنها چه جوابی داده است؟

۳. انسان تا چه حدی از اسرار عالم و مخلوقات آگاهی دارد؟

۴. دکتر فوردر درباره طولانی شدن عمر و امکان آن چه می‌گوید؟

۵. عمر ملکه زنبورها چند برابر زنبورهای دیگر است؟
۶. نتیجه آزمایشی را که روی مگس‌های میوه به عمل آوردند، چه بود؟
۷. کتاب «المعمرون والوصایا» تألیف چه کسی است؟
۸. یکی از کسانی که طول عمر داشته و در تاریخ ثبت، یا در تورات آمده است، نام ببرید.
۹. از عمر درخت کاجی که در «کالیفرنیا» است، چند سال می‌گذرد؟
۱۰. کدام حیوان دریایی سه میلیون سال عمر می‌کند؟
۱۱. قرآن درباره نوح، عیسی و یونس چه فرموده است؟
۱۲. اصحاب کهف چند سال در غار خوابیده بودند؟
۱۳. امام صادق علیه السلام در باره اصحاب کهف چه فرموده است؟
۱۴. مناظره سیدبن طاووس با بعضی از بزرگان اهل سنت درباره طول عمر امام زمان علیه السلام چه بود؟
۱۵. بعضی از مشاهیر و بزرگان اهل سنت را که طول عمر حضرت مهدی علیه السلام را امری پذیرفتنی می‌دانند، نام ببرید.
۱۶. چگونه از آیاتی که بر حاکمیت اراده و مشیت الهی دلالت می‌کند، در بحث طول عمر حضرت مهدی علیه السلام استفاده کردیم؟
۱۷. دلیل پنجم ما در بحث طول عمر حضرت مهدی علیه السلام چه بود؟
۱۸. نام یکی از علمای اهل سنت را که به ولادت امام مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ هـ. ق معتقد است، نام ببرید.
۱۹. امام سجاد علیه السلام شباهت حضرت مهدی علیه السلام را با نوح پیامبر در چه امری دانسته و به اباخالد چه فرموده است؟
۲۰. خلاصه بحث را بیان کنید.



گفتار، هشتم:

انتظار



اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ حَرِّهِ عَنَّا  
وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ  
وَقُوَّةَ الْبَاقِينَ فِي ظُهُورِهِ وَالِدُعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ.<sup>۱</sup>

بارالها؛ هرگز برای طولانی شدن غیبت حضرت و نرسیدن خبری از جانب ایشان یقین و ایمان ما را نسبت به وجود مقدسش، کم و یا سلب مفرما  
بارالها؛ هرگز یاد امام عصر ع و انتظار ظهورش و اعتقاد جازم ما را به ایشان از یادمان  
نبر.

بارالها: یقین ما را در ظهور نمودن حضرت و دعای ما را برای سلامتی و ظهور حضرت و  
درود و صلوات خود را بر آن حضرت بیش از پیش قرار ده.

---

۱. مفاتیح الجنان، قسمتی از دعا در غیبت امام زمان ع «اللهم عرفنی نفسک...».





## انتظار در قرآن و روایات

قرآن و روایات، آینده تاریخ و سرانجام کاروان بشر را روشن و زیبا معرفی می‌کند و به صاحبان ایمان بشارت می‌دهد که حکومت زمین متعلق به آنها و مستضعفان خواهد بود، و هیچ قدرتی نمی‌تواند بر خلاف آن گام بردارد. در این باره قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

(انبیاء: ۱۰۵)

در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشتیم، بندگان شایسته‌ام، وارث [حکومت] زمین خواهند شد.

نیز می‌فرماید:

﴿وَوَرِّدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ

الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)

ما اراده کرده‌ایم تا بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

همچنین می‌فرماید:

﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفِرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَتَوَكَّرَهُ الْكَافِرُونَ﴾ (صف: ۸)

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند. ولی خدا، نور خود را کامل می‌کند هرچند کافران خوش نداشته باشند.

احادیث فراوانی نیز بیانگر این مطلب است که صالحان و مؤمنان در آینده، حکومتی

پراز عدل و جامعه‌ای پراز آرامش خواهند داشت که منجی و مصلح آن، یکی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، یعنی مهدی آل محمد علیهم السلام است. گفتنی است بسیاری از این روایات را محدثان اهل سنت نقل کرده‌اند.

از روایان شیعه و سنی نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرِجَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.<sup>۱</sup>

اگر از دنیا جز یک روز نماند، خداوند متعال آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از فرزندان من بیرون آید که نامش، نام من و کنیه‌اش کنیه من است. زمین را پراز عدل و داد می‌کند؛ همان‌گونه که از جور و ظلم پر شده است.

در روایتی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله انتظار فرج را بهترین عبادت دانسته و فرموده است:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ».<sup>۲</sup>

## مراتب و انواع انتظار

به یقین می‌توان گفت که زندگی بدون انتظار، معنایی ندارد. یکی منتظر پایان سال و گرفتن رتبه و حقوق است، دیگری در انتظار گرفتن مدرک، فردی در انتظار خرید منزل و ماشین و... محقق منتظر نتیجه تألیف و زحمات علمی و پزشک منتظر دیدن نتیجه پزشکی خود در مریض است. همچنین هر حزب و حکومتی، به انتظار تحقق اهداف خویش است و دو لشکر نیز که مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، هر دو به انتظار پیروزی خودشان‌اند.

## انتظار پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام

انتظاری که براساس تعلیمات وحی، از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به پیروان توصیه شده، انتظار گسترش عدل، علم، توحید، ایمان، برابری و برادری در

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲. همان، ص ۵۳۷.

تمامی نقاط کره زمین است تا همه مردم زیر نظر یک حکومت و قانون، در امنیت کامل زندگی کنند.

### تلاش و کوشش، لازمه انتظار واقعی

تمامی مردم برای تحقق اهداف خود، در حرکت و تلاش‌اند. هر انسانی تلاش می‌کند تا زودتر و بهتر به آرزوی مورد انتظار خود برسد. اسلام از این عامل حرکت‌آفرین بهره می‌برد و مسلمانان را به نابودی ظلم و استکبار و برقراری حکومت عدل اسلامی دعوت می‌کند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى﴾

(طه: ۱۳۵)

بگو همه [ما و شما] در انتظاریم [ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما] پس انتظار بکشید. اما به زودی خواهید دانست چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است.

البته اگر در زمان یا وضعیتی قرار بگیریم که نتوانیم با ظلم و نابسامانی مبارزه کنیم و بدانیم که به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم، باید آن‌چنان در خودسازی و تربیت خود و خانواده بکوشیم که هنگام ظهور حضرت بقیة الله، بتوانیم از یاران او باشیم. بنابراین انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برپایی حکومت عدل، به معنای انزوا گزیدن و دوری از مسائل اجتماعی نیست. بلکه باید این انتظار همانند تمامی انتظارات، با عمل و سعی فراوان همراه باشد؛ همچنان‌که مستظران مسافری عزیز، خود و منزلشان را برای پذیرایی بهتر آماده می‌کنند، شخصی که در انتظار کسب نمره خوب و قبولی در آخر سال است، از استراحت خود می‌کاهد و به مطالعه و تحصیل علم می‌پردازد و مادرانی که در انتظار داشتن فرزندی برومندند، مشکلات بچه‌داری را تحمل می‌کنند. بنابراین انتظار ظهور مصلح جهانی و برقراری حکومت عدل در سراسر زمین، به مراتب تلاش بیشتری را می‌طلبد.

روایات، انتظار حضرت مهدی علیه السلام را براساس عمل و تلاش دانسته، و آن را کاری دشوار معرفی کرده است. حضرت علی علیه السلام فرمود: «الْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُنْتَحِطِّ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ «کسی که منتظر دولت ماست، مانند کسی است که در راه خدا به خون خود غوطه‌ور است».

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ  
وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَالْحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ.<sup>۱</sup>

البته برای ما دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد، محقق می‌شود و هرکس دوست دارد که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد، و منتظر هم باید خود را به ورع و اخلاق نیک بیاراید.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «لَيُعِدَّنَّ أَحَدُكُمْ لِحُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا...»؛<sup>۲</sup> «باید شخص منتظر، خود را برای روز ظهور و خروج امام آماده سازد، اگرچه به اندازه فراهم آوردن یک تیر باشد».

از این روایت می‌توان استفاده کرد که منتظران دولت حق، نه تنها باید خود را از نظر اخلاقی اصلاح کنند، بلکه باید خود را برای جهاد آماده کنند و این همان معنای بلندی است که در دعای شب‌های ماه مبارک رمضان می‌خوانیم و از خدا طلب می‌کنیم: «وَقْتَلًا فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ فَوْقَ لَنَا».

زاهدان و عابدانی که پیوندی با جهاد و شهادت ندارند، ناخودآگاه دوستدار امام غایب‌اند، نه امام قائم.

### جایگاه انتظار در مباحث اعتقادی

دانستیم که انتظار، به معنای حرکت و تلاش برای رسیدن به مطلوب، یا دست‌کم آماده‌شدن برای آن است. ولی درخور توجه است که «انتظار فرج» در برخی روایات،

۱. منتخب الأثر، ص ۴۹۷.

۲. همان، ص ۴۹۸.

۳. غیبت نعمانی، ص ۳۲۰.

مانند روایت «ابوالجارود» از مسائل اعتقادی شمرده شده است. ابوالجارود که از علاقه‌مندان اهل بیت بود، خدمت امام باقر علیه السلام عرض کرد:

شما می‌دانید که من از محبان و پیروان شمایم. حضرت فرمود: «بله، همین طور است». عرض کرد: «سؤالی دارم چون نابینا هستم و از راه رفتن عاجزم و نمی‌توانم زیاد خدمت شما برسم، جواب من را بدهید». حضرت فرمود: «سؤال خود را مطرح کن». عرض کرد: «آن دین و اعتقادی که شما برای خود و خانواده خود پسندیده‌ای به من نیز بیاموز تا آن گونه باشم». حضرت فرمود: «سؤال کوتاه است، اما محتوای زیادی دارد. آدین و اعتقاد و راه و روش صحیح عبارت است از: [شهادت به وحدانیت خدا (لا اله الا الله) و شهادت به رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم (وان محمداً رسول الله) و اینکه به تمامی آنچه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آورده اقرار کنیم و مقابل آن تسلیم و خاضع باشیم. دوست داشتن دوستان ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم بودن مقابل دستوره‌های ما، و در انتظار قائم ما بودن». سپس فرمود: «والاجتهاد والورع»، یعنی بعد از همه این مراحل، باید تلاش و تقوا داشته باشید.

معنا و مفهوم انتظار این است که با قول و عمل از خدا بخواهیم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا الْأِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُنْزِلُ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ  
وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ.<sup>۱</sup>

### امیدبخشیدن، اصل مهم تربیت اسلامی

از اصول مهم تربیتی مکتب وحی و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت پاک او، القای روح امید در پیروان خود و مبارزه با یأس است. در اینجا به چند نمونه از روش قرآن در این باره اشاره می‌کنیم: قرآن کریم خطاب به کسانی که به علت مشکلات گوناگون از تشکیل خانواده و ازدواج مأیوس می‌شوند، می‌فرماید:

۱. مفاتح الجنان، دعای افتتاح.

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا قُرَّاءَ يُعْزِمُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور: ۳۲)

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید. همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را. اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد. [فضل] خداوند واسع و [از نیازهای بندگان] آگاه است.

همچنین برای ایجاد روحیه و امید به سرباز مسلمان و باایمان در میدان جنگ، می فرماید: ﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ﴾؛ «هرگاه از شما بیست نفر باستقامت باشند، بر دویست نفر غلبه می کنند». (انفال: ۶۵)

همچنین به گنهکاری که در گناه غوطه ور و از رحمت الهی ناامید است، نوید می دهد و می فرماید:

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (زمر: ۵۳)

بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

حضرت یعقوب پس از سالیان دراز که در فراق یوسف ناله زد، به برادران یوسف که از بازگشت یوسف و حتی زنده بودن او مایوس بودند، خطاب می کند و می فرماید:

﴿يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (یوسف: ۸۷)

پسرانم! بروید و از یوسف و برادرش جست و جو کنید و از رحمت خدا مایوس نشوید که تنها گروه کافران از رحمت خدا مایوس می شوند.

و چنانچه گروهی از مسلمانان مرتد شوند و به دشمنان بپیوندند، قرآن به مسلمانان بشارت می دهد که اگر اینها رفتند، بهتر از آنان جایشان را خواهند گرفت و چنین می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَدَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (مائده: ۵۴)<sup>۱</sup>

## روش پیامبر و ائمه علیهم السلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز از ابتدای رسالت خویش خطاب به مردم فرمود: «لا اله الا الله» بگویند تا رستگار شوید و نیز اعلام کرد که مکتب من باقی می ماند و بعد از من جانشینان به حق من، اهداف مرا دنبال می کنند. آن شخصیت والای عالم ملک و ملکوت، با گفتار و کردار خود روح امید را در مردم می دمد و با تمام وجود، جلوی ناامیدی را می گیرد.

حضرت زینب علیها السلام نیز که در مهد عصمت و امامت پرورش یافته است، از همین روش استفاده می کند و در مجلس یزید درحالی که اسیر است، به یزید رو می کند و می فرماید:

ثُمَّ كَذَّبَكَ وَاجْهَدَ جَهْدَكَ فَوَاللَّهِ الَّذِي شَرَّفْنَا بِالْوَحْيِ وَالْكِتَابِ وَالنُّبُوَّةِ وَالْإِنْتِخَابِ، لَا تَدْرُكُ أَمَدَنَا وَلَا تَبْلُغُ غَايَتَنَا وَلَا تَمَحُّوْا ذِكْرَنَا وَلَا يَرْخُصُ عَنْكَ عَارُنَا.<sup>۲</sup>

ای یزید! تمام مکر و حیل‌ها را به کار گیر و سعی خود را بکن. قسم به خدایی که ما را انتخاب کرد و به وحی و کتاب و نبوت مفتخر ساخت، نمی توانی به عمق ارزش وجود ما برسی و نیز نمی توانی نام و یاد ما را محو کنی، و هرگز آن عار و نکبتی که بر اثر رفتار با ما، نصیب تو شد نمی توانی از خود بزدایی.

۱. آیات در این زمینه فراوان است؛ مانند آیه ﴿إِنَّ الَّذِي قَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾ «آن کس که قرآن را بر تو لازم کرد، تو را به جایگاهت (زادگاهت) باز می گرداند» (فصص: ۸۵). که به پیامبر بازگشت به مکه و فتح آن را نوید می دهد و آیه ﴿إِنَّا نَبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ﴾ «قالَ أَبَشِّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ» \* قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْفَاطِنِينَ \* قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» «ما تو را به پسری دانا بشارت می دهیم. گفت آیا به من چنین بشارت می دهید با این که پیر شده ام؟ با این حال به چه چیز بشارت می دهید؟ گفتند تو را به حق بشارت دادیم، بنابراین جزء مایوسان مباش. گفت چه کسی جز گمراهان، از رحمت پروردگارش مایوس می شود؟» (حجر: ۵۳ - ۵۶).

۲. امامت و مهدویت، ص ۳۷۸، به نقل از احتجاج، طبرسی، ص ۳۰۹.

این بخشی از آیات و گفتار بزرگان دین بود که نشان می‌دهد:  
 اولاً: آنان تلاش می‌کردند که انسان ناامید نشود و از فعالیت برای رسیدن به اهداف  
 خود باز نایستد؛ زیرا ناامیدی عامل همه بدبختی‌ها و شکست‌هاست.  
 ثانیاً: آنچه وحی الهی یا بزرگان دین مطرح کردند و نوید دادند، محقق شده است. امروز  
 نام اهل بیت علیهم السلام و آثارشان را در همه جا می‌بینیم و از همه مهم‌تر، محبت اهل بیت علیهم السلام بر دل  
 میلیون‌ها انسان آزاد و مؤمن حکومت می‌کند. اما از معاویه و دودمان او هیچ خبری نیست.

### دعوت به انتظار در روایات اهل بیت

براساس روایات انتظار، اولیای دین با بیان ظهور مصلحی جهانی، مسلمانان را به  
 انتظار آن شخصیت والا دعوت می‌کنند تا پیروان مکتب قرآن و اهل بیت علیهم السلام، با دیدن  
 ظالمانی همچون معاویه، منصور، متوکل و... از بقای اسلام و مسلمانان ناامید نشوند و با  
 تمام وجود مقابل دشمن مقاومت کنند؛ همان‌گونه که پیروان ائمه علیهم السلام در طی قرن‌ها با  
 همه وجود برای حفظ دین مقابل ناملایمات ایستادند. این پایداری معلول همان انتظار  
 است که در روایات از آن به بهترین اعمال تعبیر شده است.

گفتنی است اهل بیت علیهم السلام پیروان خود را به انتظار فرج سفارش، و از ناامیدی نهی  
 می‌کردند. علی علیه السلام فرمود:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتَظِرُ الْفَرَجِ.<sup>۱</sup>

در انتظار فرج باشید و از رحمت الهی مأیوس نشوید که بهترین عمل نزد پروردگار،  
 انتظار فرج است.

همچنین در روایات از کسانی که در عصر غیبت، ثابت‌قدم مانده‌اند و هرگز در  
 وجود حضرت مهدی علیه السلام و امامت ایشان شک نکرده‌اند، تعریف فراوان شده است.

پیامبر عظیم‌الشان اینها را بهترین دوستان خود معرفی می‌کند و می‌فرماید:

۱. خصال، شیخ صدوق، باب اربعمأة.



خوشا به حال کسانی که زمان قائم اهل بیت من را درک می‌کنند و قبل از قیامش، پیرو او و ائمه علیهم‌السلام هستند و از دشمنان ایشان بی‌زاری می‌جویند و اینان دوستان من و گرامی‌ترین امت من‌اند.<sup>۱</sup>

همچنین پیامبر به اصحاب خود خطاب می‌کند و می‌فرماید: «يَا لَيْتَنِي قَد لَقَيْتُ إِخْوَانِي؛ «ای کاش من برادرانم را ملاقات می‌کردم». حضرت این جمله را چند بار تکرار کردند. بعضی از صحابه عرض کردند: «مگر ما برادران شما نیستیم؟» حضرت فرمود: «شما اصحاب من هستید. اما برادران من کسانی‌اند که آینده خواهند آمد و به من ایمان می‌آورند، محبت می‌ورزند و به یاری من برمی‌خیزند و حال آنکه من را ندیده‌اند».<sup>۲</sup>

جابر انصاری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که حضرت فرمود: «حجت الهی از چشم‌ها پنهان می‌شود تا خداوند اذن ظهور دهد و روی زمین را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده است. سپس فرمود:

طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي عَيْبَتِهِ طُوبَى لِمُتَمِيمِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ أَوْلِيكَ وَصَفَّهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾، وَقَالَ: ﴿أَوْلِيكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.<sup>۳</sup>

خوشا به حال کسانی که در حال غیبت شکیبایی کردند و به دنبال امامان معصوم خود بودند. اینها همان کسانی‌اند که خداوند در قرآن توصیف کرده و فرموده است: آنان ایمان به غیب خواهند داشت و نیز می‌فرماید: آنان «حزب‌الله»‌اند. بدانید حزب‌الله پیروزان و رستگاران‌اند.

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم      بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم  
به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم      به گفت‌وگویی تو خیزم به جست‌وجوی تو باشم

۱. منتخب الاثر، ص ۵۱۱.

۲. همان، ص ۵۱۶.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳.

حدیث روضه نگویم گل بهشت نبویم جمال حور نجویم دوان به سوی تو باشم  
می بهشت نوشم ز دست ساقی رضوان مرا به باده چه حاجت که مست روی تو باشم

### خلاصه گفتار هشتم

آینده بشر از دیدگاه قرآن و روایات، در دست صالحان قرار می گیرد و همه در امنیت، زیر سایه دین زندگی می کنند. اسلام پیروان خود را به انتظار برای فرارسیدن آن روز فرخنده دعوت می کند. در روایت مورد اتفاق و قبول همگان آمده است که اگر از دنیا یک روز هم باقی مانده باشد، حکومت عدل برقرار خواهد شد. همچنین در روایات، انتظار چنین روزی بهترین عمل معرفی شده است.

همه مردم با انتظار زندگی می کنند و ارزش انسان بستگی دارد به اهمیت آنچه به انتظارش است. پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام در انتظار مصلحی جهانی اند. بنابراین باید در هر شرایطی تلاش کنند. روایات انتظار فرج، منتظر واقعی را همانند مجاهدی می داند که برای خداوند در خون خود غوطه ور شده است. امام صادق علیه السلام فرموده اند که منتظران باید آماده برای رزم در محضر امام عصر علیه السلام باشند اگرچه به آماده کردن یک تیر برای پرتاب به سوی دشمن باشد. بنابر حدیث ابوالجارود که از امام باقر علیه السلام نقل شد، انتظار فرج از مسائل اعتقادی مهم است که باید هر مؤمنی به آن معتقد شود. نتیجه مهم انتظار این است که افراد را امیدوار می کند؛ همان گونه که از تعالیم حیات بخش اسلام، امیدبخشیدن به افراد است. پیامبر و فرزندان پاک او حتی در اوضاع سخت و مأیوس کننده، با امید و نشاط صحبت کرده اند که در این باره به شیوه تربیتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سخنان حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید اشاره شد.

در پایان به روایت حضرت علی علیه السلام اشاره شد که فرمود: «در انتظار فرج باشید و از رحمت الهی مأیوس نشوید».

در نهایت به دو مطلب اشاره شد: ۱- سفارش اهل بیت علیهم السلام به پیروانشان نسبت به مسئله انتظار و عدم غلبه یأس و ناامیدی بر آنها. ۲- تمجید و تکریم از منتظران.

## سوالات گفتار هشتم

۱. آیه‌ای را که آینده زمین را برای صالحان می‌داند، ذکر کنید.
۲. در روایات برای انتظار فرج چه فضیلتی بیان شده است؟
۳. پیروان مکتب اهل بیت در انتظار چه روزی به سر می‌برند؟
۴. برای اثبات اینکه انتظار از نوع عمل و تلاش است، چه دلیلی اقامه شد؟
۵. امام صادق علیه السلام به منتظران چه دستوری می‌دهد؟
۶. انتظار، در کلام حضرت علی علیه السلام به چه چیزی تشبیه شده است؟
۷. چه مطلبی از حدیث ابوالجارود به اثبات می‌رسد؟
۸. قرآن به کسی که می‌خواهد ازدواج کند، ولی مشکلات فراوان دارد، چه توصیه‌ای می‌کند؟
۹. قرآن با گنه‌کاران آلوده چگونه سخن گفته است؟
۱۰. آیه ۵۴ سوره مائده چه می‌فرماید؟
۱۱. حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید چه فرمود؟
۱۲. عامل مهم استقامت پیروان قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام مقابل ظالمان چیست؟
۱۳. حضرت علی علیه السلام درباره انتظار فرج چه فرمود؟
۱۴. به یکی از دو مطلب که در خاتمه بحث آمده اشاره فرمایید؟
۱۵. خلاصه بحث را بیان فرمایید.



کفتار نهم:

ونظیفه اهل ایمان در زمان نعمیت امام زمان



أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُوْا مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ  
أَيْنَ السُّعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ  
أَيْنَ الْمُنْتَظَرِ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعُوجِ  
أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ  
أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْقَرَائِصِ وَالسُّنَنِ<sup>١</sup>.

«بخشی از ناله‌ها و زمزمه‌های علاقمندان به امام در حالی که آن حضرت را مخاطب قرار داده و می‌گوید»:

کجاست آن وارث انبیاء و ائمه هدی و آن حجت الهی که هرگز زمین از وجود او خالی نخواهد بود.

کجاست آنکه آماده شده برای هلاک نمودن ظالمان.

کجاست آنکه منتظریم اختلاف و کج رفتاری‌ها و کج روی‌ها را به راستی اصلاح کند.

کجاست آن امامی که امید همه ملت‌ها و امت‌ها است که بیاید تا ظلم و ستم را از روی زمین زائل گرداند.

کجاست آن آقایی که ذخیره شده برای تجدید نمودن واجبات و سنت‌های اسلامی.





## وظایف ما در زمان غیبت

مسلم است که پیروان و معتقدان امام زمان، در زمان غیبت، وظایف و تکالیفی دارند که باید با آنها آشنا شوند و به آنها عمل کنند. در این گفتار به برخی از آن وظایف به طور خلاصه اشاره می‌شود:

### ۱. شناخت امام زمان

در عصر غیبت بر همگان واجب است که امام زمان را براساس دلیل و برهان بشناسند؛ زیرا طبق فرمایش رسول خدا ﷺ اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. «علامه امینی» در جلد دهم «الغدیر» این روایت را با عبارتهای مختلف از کتابهای اهل سنت نقل می‌کند. همچنین «کلینی» در «اصول کافی» چندین روایت به همین مضمون آورده است.<sup>۱</sup> گفتنی است اگر در بعضی از ویژگیهای وجود حضرت مانند طول عمر، تردیدی داریم، باید با مطالعه و سؤال از بزرگان، آن را برطرف کنیم و خلاصه ارتباط خودمان را با وجود مقدسش تنها به ذکر نام آن حضرت منحصر نکنیم. بلکه افزون بر آن، همواره بر شناخت و آگاهی خود بیفزاییم.

امروز، مسئله مهدویت بیشتر مورد توجه دشمنان است؛ زیرا با القای تازه‌ترین شبهات، می‌خواهند ایمان جوانان را متزلزل کنند. بنابراین گویندگان و نویسندگان مذهبی، وظیفه دارند که مردم را با این مسئله اصیل اسلامی آشنا سازند و از نقل خواب

---

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۶.

و حکایت بی اساس پرهیز کند؛ زیرا پشتوانه اعتقاد به مسئله مهدویت، آیات و روایات فراوان و ادله عقلی است که لزوم حجت خدا را در جهان خلقت ثابت می‌کند. بنابراین هرگز احتیاجی به نقل خواب یا مطالب سست نداریم و چنانچه چنین مسئله محکم و متقن اسلامی با افسانه آمیخته شود، به یقین از عظمت آن کاسته می‌شود.

## ۲. لزوم برقراری ارتباط با امام عصر علیه السلام

وظیفه دیگر ما در زمان غیبت، برقراری ارتباط با امام است. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» (آل عمران: ۲۰۰) فرمود: «اصْبِرُوا عَلَىٰ اَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَ رَابِطُوا اِمَامَكُمْ (الْمُنْتَظَر)»؛<sup>۱</sup> «بر انجام دادن واجبات، شکیبا، و مقابل دشمن پایدار باشید و بین خود و امام زمان خود رابطه برقرار کنید».

ممکن است پرسش شود که چگونه و با چه اعمالی می‌توان با امام زمان ارتباط برقرار کرد. در پاسخ به چند عمل اشاره می‌کنیم:

### الف) دعا برای سلامتی و ظهور حضرت

در مواقع دعا، بعد از نماز و نیز در وقتی که به یاد امام علیه السلام می‌افتیم، برای سلامتی حضرت، به ویژه فرج ایشان دعا کنیم. در یکی از توقیعاتی<sup>۲</sup> که به دست محمدبن عثمان، نایب خاص دوم امام زمان، در غیبت صغرا رسید، آمده است: «برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید؛ زیرا فرج شما نیز در سایه فرج ما انجام می‌گیرد».<sup>۳</sup>

گفتنی است امامان معصوم علیهم السلام نیز برای فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله دعا می‌کردند. «هروی» می‌گوید: از دعبل شنیدم که می‌گفت: وقتی قصیده خودم را نزد امام رضا علیه السلام خواندم که مطلع آن چنین بود:

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۹۹. ترجمه آیه چنین است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [در برابر مشکلات و هوس‌ها] استقامت کنید و در برابر دشمنان پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید. شاید رستگار شوید».

۲. توقیع عبارت است از نامه‌ای که از ناحیه مقدسه رسیده است.

۳. منتهی الآمال به نقل از احتجاج طبرسی.

مَدَارِسُ آيَاتِ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةِ وَمَنْزِلُ وَحْيِ مَقْرُءِ الْعَرَصَاتِ

و در ادامه، با اشاره به قیام امام مهدی عجل الله فرجه و جدانشدن حق از باطل و رسیدن هر یک از پیروان حق و باطل به جزای خویش، گفتم:

خُرُوجِ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ بِالْبُرْكَاتِ  
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَى النِّعَمِ وَالنِّقَمَاتِ

امام هشتم عجل الله فرجه با شنیدن این دو بیت، به شدت گریه کرد: «بکی الرضا بکاءً شديداً». سپس سر را بلند کرد و فرمود: «ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را به زبانت جاری کرد و او تو را کمک کرد که توانستی این گونه شعر بگویی»<sup>۱</sup>.

محدث قمی رحمته الله اضافه می کند وقتی دعبل این دو بیت را خواند، حضرت برخاست و سر خود را خم کرد و کف دست راست خود را بر سر نهاد و گفت: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَخَرِّجْهُ وَأَنْصُرْنَا بِهِ نَصْرًا عَزِيزًا» و برای تعجیل فرج منجی بشر دعا کرد.<sup>۲</sup> امام هشتم عجل الله فرجه امر می فرمود برای حضرت صاحب الامر به این طریق دعا کنند: «اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَلِسَانِكَ الْمُعَرِّعِ عَنكَ التَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ... تا آخر دعا»<sup>۳</sup>.  
«محمد بن مسلم» می گوید:

شب قدر خدمت حضرت صادق عجل الله فرجه رفته تا احیای آن شب را کنار حضرت بگذرانم. امام عجل الله فرجه تا آخر شب به دعا و نماز گذراند. من هم چنین کردم. امام عجل الله فرجه نماز صبح را به جا آورد و دعایی طولانی با تضرع خواند. در ضمن آن دعا چنین گفت: «اللهم عجل في فرج من بفرجه فرج اوليائك»؛ «خدایا! شتاب کن در فرج کسی که با فرج او، دوستانت در گشایش قرار می گیرند». به حضرت عرض کردم: «او کیست؟» فرمود: «فرزند زاده من که نام او، نام جدم پیامبر صلی الله علیه و آله است که در زمان او عدل برپا می شود»<sup>۴</sup>.

و نیز محدث قمی در صفحات آخر مفاتیح الجنان، دعای دیگری از «سید بن طاووس»

۱. کمال الدین، باب ۳۵، ح ۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.

۲. منتهی الآمال، ص ۳۳۲؛ منتخب الأثر، ص ۵۰۶.

۳. مفاتیح الجنان، دعا برای امام زمان عجل الله فرجه (بعد از دعای عهد).

۴. مهدی موعود، شهید دستغیب، ص ۸۶، به نقل از اقبال الاعمال، سید بن طاووس.

نقل کرده است که در زمان غیبت خوانده شود و سیدبن طاووس توصیه می‌کند که از مزایای این دعا غفلت نکنید که ما این دعا را از فضل الهی شناختیم. ابتدای آن دعا این است:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تُعَرِّفُنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تُعَرِّفُنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تُعَرِّفُنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي اللَّهُمَّ لَا تُمِتَّنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً...

اما دعای جامع و کوتاهی که می‌توان هر لحظه از شبانه‌روز، حضرت را با آن دعا کرد و بدین وسیله با امام عصر ارتباط برقرار کرد، این دعای معروف است:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحُسَيْنِ صَلَّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّىٰ تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.<sup>۱</sup>

گرچه دعا در زمان غیبت و وظیفه شیعیان است، اما باید دانست که دعا برای فرج، باعث می‌شود که خودمان از بلایا، شداید و تاریکی‌ها نجات پیدا کنیم. امام صادق عج در ضمن حدیثی فرمود:

بنی‌اسرائیل بر اثر بی‌توجهی و اعمال ناپسندشان، قرار بود چهارصد سال از وجود منجی و رسولی که آنان را از شکنجه‌های فرعونیان نجات بخشد، محروم باشند، اما بر اثر چهل روز دعا و ناله، خداوند ۱۷۰ سال باقیمانده را بخشید و به موسی و هارون دستور داد که بروید و آنان را از عذاب فرعون نجات دهید.

امام صادق عج در ادامه به نکته مهمی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَمَرَجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا، فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَىٰ مُنْتَهَاهُ.

اگر شما هم این‌گونه رفتار کنید، خداوند فرج ما را می‌رساند و گرنه مسئله غیبت و ابتلای شما تا پایان ادامه پیدا می‌کند.<sup>۲</sup>

۱. محدث قمی این دعا را در ضمن اعمال شب ۲۳ ماه رمضان از بعضی ائمه معصوم ع در مفاتیح الجنان نقل می‌کند.

۲. المیزان، ج ۱۰، ص ۳۴۴.

### ب) صدقه دادن از طرف امام علیه السلام

گاهی از طرف حضرت، صدقه بدهیم؛ چنان که برای سلامتی خود و خانواده خود صدقه می دهیم و بدین وسیله از برخی امراض و حوادث ناگوار در امان می مانیم. چه کسی عزیزتر و گران قدرتر از حضرت بقیة الله علیه السلام است؟ کمترین اثر این صدقات آن است که محبت و علاقه ما را به امام زمان آشکار می کند. نقل شده است پیرزنی با مختصر کلافی که در دست داشت، برای خرید یوسف به بازار رفت. به او گفتند: «بعضی یوسف را با مبلغ های گزاف خریدارند و نوبت به آنها نمی رسد. شما با این مختصر کلاف چه می گوید؟» پیرزن جواب داد: «می دانم یوسف را به من نمی دهند. اما با این کار ثابت می کنم که من هم از علاقه مندان و مشتریان یوسفم».

هرکس به زبانی سخن از حمد تو گوید بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه

### ج) انجام برخی عبادات به نیابت از حضرت

مناسب است برخی عبادات مانند زیارت، قرائت قرآن، نوافل، عمره و... را دست کم یک بار به نیابت از امام عصر علیه السلام انجام دهیم. بعضی از عاشقان امام زمان، فردی را اجیر می کنند که از طرف حضرت مهدی علیه السلام به حج برود و مناسک را کامل انجام دهد. این کارها که گاهی کوچک به نظر می آید، ارتباط روحی و باطنی ما را با امام عصر علیه السلام برقرار می سازد.

در سال ۱۳۶۴ ه. ش هنگامی که برای ادای نماز صبح در مسجد الحرام نشسته بودم، شخص عربی از من حد طواف را پرسید. دانستم که او شیعه است و از عراق آمده است. پس از کمی گفت و گو، پرسید: «تَزُورُ مَشْهَدَ الرُّضَا؟»؛ «آیا به زیارت امام رضا می روی؟» عرض کردم: «بلی». یک تسبیح صد دانه تربت که آن ایام بسیار کمیاب بود؛ زیرا مهر و تسبیح کربلا به ایران نمی آمد و زائری رفت و آمد نمی کرد، به من داد و گفت: «وقتی به زیارت امام رضا رفتی، یک سلام به نیابت بده» گفتم: «اسم شما چیست؟ تا از طرف شما سلام بدهم و زیارت کنم». گفت: «به نیابت از طرف حضرت مهدی علیه السلام زیارت کن». گفتم: «مانعی ندارد. هم از طرف امام زمان و هم از طرف شما سلام می دهم». جا دارد که این شیعه عراقی، به حضرت مهدی خطاب کند و بگوید:

﴿ يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ  
وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا ﴾ (یوسف: ۸۸)

ای عزیز مصر، ما و خاندان ما را پریشانی فرا گرفته و بهای اندکی با خود آورده‌ایم،  
پیمانۀ را برای ما کامل کن و بر ما تصدق و بخشش نما.  
در واقع، او با این کار، علاقه و عشق خود را به امام زمان ثابت کرد و ارتباطی بین  
خود و امام زمانش برقرار ساخت.

#### د) اظهار علاقه به وجود مقدس امام زمان علیه السلام

شیعیان باید در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به نحوی علاقه و عشق خود را به محضر  
امام علیه السلام ثابت کنند. عالم و فقیه بزرگوار «آیت الله میلانی» که از مراجع تقلید عصر خود و  
مورد علاقه بزرگانی از قبیل علامه طباطبایی و دیگران بوده است، در جلسه درس  
اخلاق، خطاب به طلاب علوم دینی فرمود:

بر شما واجب است که در شبانه‌روز، چند دقیقه با امام خود سخن بگویید و با او  
خواسته‌ها و مشکلات خود را مطرح کنید و برای او دعا کنید و از این طریق ما وظیفه  
غلامی و سربازی خود را ادا کنیم، و ابراز علاقه به ساحت مقدسش نماییم. او هم قطعاً  
به وظیفه بزرگواری و آقایی خودش آگاه است.

دلبراً گر بنوازی به نگاهی ما را خوش‌تر از آنکه دهی منصب شاهی ما را  
به من بی‌سروپا گوشه چشمی بنما که محال است جز این گوشه پناهی ما را  
به دل تار من ای چشمه خورشید بتاب نبود بدتر از این روز سیاهی ما را  
از ازل در دل من تخم محبت کشتند نبود بهتر از این بذر گیاهی ما را  
گرچه از پیشگه خاطر عاطر دوریم هم مگر یاد کند لطف تو گاهی ما را<sup>۱</sup>

خیلی مناسب است بعد از نماز صبح، برای ابراز ادب و سلام به پیشگاه امام زمان علیه السلام  
دعایی را که در مفاتیح بعد از دعای ندبه است بخوانیم. آن دعا این‌گونه آغاز می‌شود:  
«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُوَلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...».

۱. اشعار از آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی رحمته الله می باشد.

۳. استغاثه به حضرت مهدی (عج)

از دیگر وظایف ما شیعیان در زمان غیبت این است که با توجه به مقام و منزلت امام، باید در مواقع اضطرار و پریشانی، بدان حضرت استغاثه کنیم و از ایشان کمک بگیریم. در مباحث گذشته<sup>۱</sup> اشاره کردیم نه تنها استغاثه با توحید منافاتی ندارد، بلکه افراد زیادی در طول تاریخ اسلام با توسل به اهل بیت (ع)، به خواسته‌شان رسیده‌اند که خود بروز کرامات و دادرسی از بیچارگان، دلیل واضحی برای اثبات وجود حضرت مهدی (عج) است. پیش‌تر اشاره کردیم که در رجال کشی<sup>۲</sup> نقل شده است: رمیله<sup>۳</sup> که از اصحاب امیرمؤمنان (ع) است، می‌گوید:

تب شدیدی بر من عارض شد. چون روز جمعه احساس کردم مقداری سبک‌تر شده‌ام و تبم کاهش یافته است، با خود گفتم: چیزی بهتر از این نیست که غسل کنم و به نماز جمعه که به امامت حضرت علی (ع) برگزار می‌شود، بروم. این کار را انجام دادم و به مسجد رفتم. اما همین که حضرت شروع به ایراد خطبه کرد، تبم شدید و حالم دوباره دگرگون شد. حضرت بعد از نماز، هنگام خروج از مسجد، متوجه من شد و فرمود: «چرا ناراحتی، چه شده؟» وضع بیماری خودم را برایش بازگو کردم. حضرت فرمود: «مؤمنی نیست که مریض شود و محزون گردد مگر اینکه ما نیز مریض و محزون می‌شویم و مؤمنی نیست که دعا کند، مگر اینکه ما برای او آمین می‌گوییم و از خداوند، استجاب دعا او را خواستار می‌شویم و مؤمنی نیست که ساکت و خاموش باشد مگر اینکه ما برای او دعا می‌کنیم.» عرض کردم: «آیا این لطف شما تنها شامل حال کسانی می‌شود که در این شهر به سر می‌برند؟ یا شامل همه اهل ایمان است؟» حضرت فرمود: «یا رُمَيْلَةُ، لَيْسَ يَغِيْبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا!» «ای رمیله! هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین نیست که از دیدگاه و منظر ما مخفی باشد.»

۱. ر.ک: گفتار چهارم.

۲. رجال کشی، ص ۹۵

۳. رمیله به ضم راء و فتح میم و سکون یاء خوانده می‌شود. البته بعضی زمیله به زاء خوانده‌اند.

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به «أَبُو الْوَفَاء» فرمود: «هرگاه در کار خود در مانده شدی، استغاثه کن به حضرت حجت علیه السلام که او تو را درمی یابد و او فریادرس و پناه دهنده است برای هرکسی که به او استغاثه کند».<sup>۱</sup>

از وجود مبارک مهدی آل محمد علیهم السلام نقل شده است که فرمود: «أَنَا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِرُءَايَاكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ»؛<sup>۲</sup> «ما توجه خودمان را از شما بر نمی داریم و شما را فراموش نمی کنیم».

با وجود لطف این بزرگان، به ویژه حضرت بقیة الله، باید شیعیان مضطر و گرفتار از آستان کرم آنان غافل نشوند و به آن بزرگان استغاثه کنند. یکی از روش های استغاثه به امام زمان علیه السلام چنین است: دو رکعت نماز بخوان زیر آسمان و رو به قبله بگو: **سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامِ الشَّامِلِ وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ النَّائِمَةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيَّتِهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ وَخَلْقَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ** تا آخر دعا.<sup>۳</sup>

ای عروة الوثقای من      دنیای من عقبای من  
 محبوب بی همتای من      یا بن الحسن یا بن الحسن  
 ماه معین من تویی      حبل المتین من تویی  
 درّ ثمین من تویی      یا بن الحسن یا بن الحسن

#### ۴. رعایت پاکدامنی و تقوا

از دیگر وظایف مؤمنان در زمان غیبت این است که از هر عملی که قلب امام عصر علیه السلام را آزرده می سازد، پرهیز کنند؛ زیرا براساس روایات، اعمال و کردار ما به محضر امام علیه السلام عرضه می شود و ایشان از تمامی اعمال ما باخبر است و اعمال زشت یا گناه شیعیان و محبان، موجب ناراحتی ایشان می شود.

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۳۳.

۲. مکیال المکارم؛ امامت و مهدویت به نقل از احتجاج طبرسی؛ مفاتیح الجنان، استغاثه به امام زمان علیه السلام.

۳. مفاتیح الجنان قبل از مناجات خمس عشره.



در روایتی، امام صادق علیه السلام خطاب به یاران خود فرمود:

چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اذیت و آزار می‌کنید؟ عرض شد: «چگونه ما پیامبر را ناراحت می‌کنیم؟». حضرت فرمود: «مگر نمی‌دانید اعمال شما بر ایشان عرضه می‌شود و با دیدن اعمال زشت شما ناراحت می‌شود؟ پس تلاش کنید که موجب خرسندی پیامبر شوید».<sup>۱</sup>

بنابراین باید ما دوستاناران امام زمان توجه کنیم مبدا با نفاق و مکر خودمان یا با سهل‌انگاری در نماز، حجاب و... دل آن یگانه‌محبوب را آزرده کنیم. یکی از دوستان روحانی<sup>۲</sup> می‌فرمود:

وقتی که عالم جلیل‌القدر «میرجهانی رحمته الله علیه»<sup>۳</sup> به اصفهان منتقل شد، بنده گاهی به خدمتشان می‌رسیدم تا از ایشان بهره‌مند شوم. یک‌بار ایشان فرمود: شی در عالم رؤیا، حضرت صدیقه کبری علیها السلام به من فرمود:

دلی شکسته‌تر از من در آن زمانه نبود در این زمان دل فرزند من شکسته‌تر است

گرچه ناراحتی‌های حضرت مهدی علیه السلام علل مختلفی دارد؛ همچون سلطه ظالمان بر مردم ضعیف و بی‌پناه، شیوع انواع گناه‌ها در جوامع بشری و فرانسیدن زمان فرج و...، اما یک علت ناراحتی حضرت، گناه و بی‌اعتنایی به واجبات از سوی دوستان و کسانی است که عشق و علاقه به ائمه اطهار علیهم السلام، به‌ویژه به ایشان دارند.

در همین رابطه به دو روایت اشاره می‌کنیم:

۱- در یکی از توقیعات امام قائم علیه السلام آمده: ...

فَمَا يُجْسِنَا عَنْهُمْ إِلَّا وَ مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ.<sup>۴</sup>

هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده مگر آن اعمال ناخوشایند آنان که بما می‌رسد و حال آنکه از آنها چنین انتظار نداریم.

۱. اصول کافی، کتاب الحجة، ص ۲۱۹.

۲. فاضل ثقه جناب رهبر، یکی از روحانیون اصفهان.

۳. صاحب تألیفات فراوان.

۴. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲- امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ تَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَتَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ.<sup>۱</sup>

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد باید در حال انتظار خود را به تقوی و اخلاق نیکو مسلح گرداند.

### ۵. آشنایی با راه صحیح

از دیگر وظایف مهم شیعیان در زمان غیبت، انتخاب راه صحیحی است که ما را با دستورهای ائمه اطهار آشنا کند. به یقین، علاقه‌مندان به اهل بیت، به‌ویژه امام زمان علیه السلام، زیادند. اما متأسفانه هریک راه جداگانه‌ای را پیش گرفته‌اند و از راهنما و رهبر خود پیروی می‌کنند؛ حال آنکه ائمه اطهار علیهم السلام وظیفه دوستان خود را برای چنین زمانی معین و مشخص کرده‌اند تا مبادا در چنین عصری که حجت خدا غایب است، عده‌ای هواپرست و ریاست‌طلب با دام‌های شیطانی خود آنان را فریب دهند.

اکنون باید دید آن راه صحیح و مورد تأیید امامان، کدام راه است؟ یگانه راهی که در زمان غیبت ما را به ساحل نجات می‌رساند و رضایت و خشنودی امام زمان را فراهم می‌کند، پیروی کردن از مجتهدی جامع‌الشرایط است که با داشتن عدالت و تقوا، بتواند احکام الهی را از آیات و روایات استخراج کند و در دسترس علاقه‌مندان به مکتب اهل بیت علیهم السلام قرار دهد. ائمه اطهار علیهم السلام آنان را حاکم قرار داده، و مخالفت با آنها را به منزله مخالفت با خودشان دانسته‌اند. اینک چند حدیث را در این باره نقل می‌کنیم:

الف) «عمر بن حنظله» می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «دو نفر از شیعیان با هم نزاعی دارند و برای رفع اختلاف به سلطان یا قضات حکومتی مراجعه می‌کنند، آیا این کار درست است؟». حضرت فرمود: «کسی که نزاع و دعوای خود را نزد اینها ببرد و به حکم و قضاوت آنها رجوع کند، در واقع به طاغوت پناه برده و از او طلب قضاوت و حکم کرده است؛ و حال آنکه

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶.

باید به طاعت کفر ورزید و از آنان دوری گزید. امام صادق در فرمایش خود به آیه ۶۰ سوره نساء استشهاد کرد: «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ»؛ «می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند، با این که به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند».<sup>۱</sup> حتی اگر طاغوت حکم به حق کند و شخصی به حق خودش برسد، آن مال، برای او حرام است چون به حکم طاغوت و قضاوت او به این مال رسیده است.

راوی می‌گوید: «پس برای قضاوت و رفع نزاع چه کنند؟» حضرت فرمود: «بروند نزد کسی که از خود شما شیعیان است و احادیث ما و احکام ما را نقل می‌کند و در حلال و حرام ما صاحب‌نظر است و شناخت کامل به احکام ما دارد. باید شیعیان به حکم صادر از سوی چنین شخصی خشنود باشند و من آنها را بر شما حاکم قرار می‌دهم و چنانچه این افرادی که احکام ما را بیان می‌کنند و بین شما قضاوت و حکومت می‌نمایند، مورد قبول آنها واقع نشوند، بدانید که به حکم الهی بی‌اعتنایی شده است و در واقع، حکم ما را نپذیرفته‌اند و کسانی که حکم ما را رد کنند، فرمان خدا را رد کرده‌اند و در حد شرک قرار می‌گیرند».<sup>۱</sup>

ملاحظه می‌کنید اولاً: امام عليه السلام پیروان خود را به افرادی ارجاع می‌دهد که ناقل احادیث امامان معصوم و صاحب‌نظر در فهم احکام الهی باشند.

ثانیاً: ما وظیفه داریم مقابل حکم چنین مجتهدی تسلیم باشیم. اگرچه علیه ما حکم کند. بنابراین واضح و روشن است برای آشنایی با احکام الهی و کیفیت آن مانند روزه، نماز، تجارت و... که بیانگر همان راه صحیح است، باید از مجتهد پیروی کرد.

ثالثاً: اگر طاغوت به حق هم حکم کند، صاحب مال نمی‌تواند در آن مال تصرف کند؛ چون اساس آن دادگاه بر باطل است؛ زیرا در چنین حکمی، از وحی الهام گرفته نشده است. بنابراین پیروان ائمه عليهم السلام باید برای پیدا کردن راه دین و بندگی به آنجایی

مراجعه کنند که مورد قبول ائمه علیهم السلام است و توجه داشته باشند که فریب دیگران را نخورند؛ زیرا برخی برای اغوای مردم با ارائه مسئله‌ای اسلامی، افراد را گمراه می‌کنند. به هر حال اگرچه ممکن است فردی، اخلاق بگوید یا روضه‌خوانی کند و فرد خوبی هم باشد، اما نباید در حوادث مهم اجتماعی یا دینی ابراز نظر کند و مردم نیز نباید در احکام و مسائل شرعی از او تقلید کنند. بلکه باید به نظر مجتهد جامع‌الشرایط که نایب عام امام زمان است عمل کنند.

ب) «احمدبن اسحاق» می‌گوید به امام هادی علیه السلام عرض کردم:

از چه کسی احکام دین را بگیرم و کلام چه کسی را در بیان دین قبول کنم؟ حضرت فرمود: «از عثمان بن سعید» [ملقب به «عمری»] احکام دین خود را بگیرید؛ زیرا او نزد من ثقة و مورد اطمینان است و هرچه از من نقل می‌کند، صحیح نقل می‌کند.

احمدبن اسحاق می‌گوید همین سؤال را از امام حسن عسکری علیه السلام پرسیدم. حضرت فرمود:

الْعُمَرِيُّ وَابْنُهُ ثَقَاتَانِ فَمَا آدَيَا إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِيَانِ وَمَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهَا وَاطْعُهَا فَاتَّبِعَا الثَّقَاتَانَ الْمَأْمُونَانِ.

عثمان بن سعید و فرزندش محمدبن عثمان مورد اطمینان‌اند. هرچه از من نقل کنند و بگویند، کلام و گفته من است. سخن آنها را گوش کن و از آنها اطاعت کن.<sup>۱</sup>

با مراجعه به کتاب‌های رجال معلوم می‌شود این پدر و پسر، مقام علمی و اطلاع دینی بسیاری داشتند و هر دو بر اثر تقوای فراوان، نایب خاص امام زمان شدند. بنابراین باید برای آشنایی با مسائل دینی به افراد مورد قبول ائمه مراجعه کرد. در روایتی از کتاب کافی نقل شده است: «الفقهاء أمناء الرسل...»؛ «آنهايي مورد قبول و امين رسولان الهی‌اند که فقیه باشند». البته فقیه‌ای که مقام علمی خود را با پیروی از هوا و هوس آلوده نسازد و دنیا و ریاست را بر آخرت ترجیح ندهد.

ج) شيخ صدوق عليه السلام نقل می کند که اسحاق بن يعقوب به محمد بن عثمان عمري نایب دوم امام زمان عليه السلام در زمان غيبت صغرا نامه ای داد و در آن نوشت: «چند مسئله است که می خواستم از حضرت مهدی عليه السلام جواب بگیرم». جواب به خط حضرت آمد که متضمن مطالبی بود. از جمله در آن چنین آمده بود:

أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.<sup>۱</sup>

در مسائل و حوادثی که پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید که آنان حجت من بر شمايند و من حجت خدايم بر آنان.

بنابراین ائمه اطهار عليهم السلام به ویژه حضرت مهدی عليه السلام شیعیان و پیروان خود را به راویان احادیث (فقها) ارجاع داده اند. فقهایی که دارای نظر و تشخیص اند و می توانند روایت صحیح را از ناصحیح جدا کنند. البته در روایات به مقام علمی آنها بسنده نشده است. بلکه آنان باید انسان هایی پرهیزکار و باتقوا باشند. طبرسی در کتاب احتجاج از امام عسکری عليه السلام نقل می کند که حضرت فرمود:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضَ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعَهُمْ.<sup>۲</sup>

باید از فقیهانی پیروی و تقلید کرد که خویشتن دار و حافظ دین و ایمان اند و با خواسته های دل مخالفت می کنند و مطیع امر الهی اند، و آن هم گروهی از فقیهان خواهند بود.

از این روایات چنین برداشت می شود که در زمان غيبت امام زمان و حتی زمان حضور امام در صورتی که دسترسی به امام نداشته باشیم، باید برای دریافت احکام و حوادثی که پیش می آید به فقها و عالمان ربانی مراجعه کنیم. سعدی می گوید:

عابد و زاهد و صوفی همه طفلان رهند مرد اگر هست به جز عالم ربانی نیست

۱. کمال الدین، باب ۴۵، ح ۴.

۲. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۸۵.

تعیین تکالیف منتظران در دعای امام عصر عج

محدث قمی در مفاتیح، دعایی را از مصباح کفعمی نقل می‌کند که دعای امام عصر عج است. حضرت در این دعای شریف، ضمن طلب جدی از پروردگار برای اصلاح تمامی امور زندگی شیعیان و دوستان خود، وظیفه اقشار مختلف پیروان اهل بیت علیهم‌السلام را بیان می‌کند.

بنابراین شیعیان باید تلاش کنند تا به گونه‌ای زندگی کنند که مولایشان خشنود شود؛ زیرا براساس روایات، ائمه اطهار علیهم‌السلام و به‌ویژه حضرت مهدی عج ناظر و شاهد مایند و آنکه خود را در محضر امام علیه‌السلام می‌نگرد، می‌کوشد تا لایق نگاه امام شود که به‌یقین با چنین نگاهی ذره وجود انسان به آسمان می‌رود و کار آفتاب می‌کند. خیلی از افراد بودند که خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی علیه‌السلام و سایر ائمه علیهم‌السلام رسیدند، ولی لیاقت عنایت خاص این بزرگان را نداشتند. اما اویس قرنی از راه دور نیز مورد توجه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار گرفت.

آری، دیدار جمال دلربای مهدی عج، آرزوی مشتاقان است و البته رسیدن به این نعمت بزرگ، سعادت است. ولی بهتر و مهم‌تر آن است که انسان مورد نظر حضرت باشد تا تنها شاهد چهره او؛ زیرا نگاه یک سویه‌ای که نظر آنان را جلب و جذب نسازد، اثری نخواهد داشت. به بزرگی گفته شد: «شما خدمت امام زمان رسیده‌ای؟» فرمود: «خیر. اما خوشحالم که حضرت من را می‌بیند».

دعای حضرت مهدی عج

اینک می‌پردازیم به اصل دعا تا ببینیم که امام زمان از دوستان خود در حال انتظار و غیبت چه انتظاری دارد؟ و نیز از هر گروهی چه می‌خواهد؟ و برای آنان از خداوند چه طلب می‌کند؟ حضرت در دعا چنین می‌فرماید:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَوَعْدَ الْمُعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النَّبِيِّ، وَعِزَّ فَنَ الْحُرْمَةِ، وَأَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَأَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ

وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهَّرَ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبُهَةِ، وَكَفَّفَ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ،  
 وَاغْضَضَ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسْتَدْرَأَ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغِيْبَةِ، وَتَفَضَّلَ  
 عَلَيَّ عَلِمَائِنَا بِالرُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى الْمُسْتَمْعِينَ  
 بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مُرَضِي الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ  
 وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مَسَاحِينَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ  
 بِالحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَعَلَى الْأَغْيَاءِ بِالتَّوَاضُعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ،  
 وَعَلَى الْغُرَزَاءِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ، وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخِلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأُمَرَاءِ  
 بِالعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْأَنْصَافِ وَحُسْنِ السِّيَرَةِ، وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي  
 الرِّزَادِ وَالتَّفَقُّهِ، وَأَقْضِ مَا أَوْجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحُجِّ وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ  
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ<sup>۱</sup>.

حضرت در این دعا، تکالیف و وظایف دوستان و منتظران خود را این گونه بیان کرده است:

۱. از خداوند متعال، توفیق بندگی و تلاش بیشتر را طلب کنند.
۲. از گناه که مانع بزرگ سیر تکاملی انسان است، دوری بجویند.
۳. دارای نیت پاک و صداقت باشند.
۴. از محرمات الهی آگاه باشند که در صورت ناآگاهی قطعاً به حرام گرفتار می شوند و از خداوند بخواهند که هدایت الهی را نصیب آنان کند تا در این راه ثابت قدم و استوار بمانند.
۵. از سخنان بیهوده خودداری کنند و گفتار خود را با حکمت و صواب هماهنگ سازند.
۶. همواره به دنبال کسب علم و معرفت دینی باشند.
۷. شکم های خود را از حرام، و حتی شبهه ناک خالی نگه دارند که لقمه حرام، و بی مبالاتی در طعام، در تغییر سرنوشت انسان و تبدیل مسیر سعادت به شقاوت اثر بسزایی دارد.

۱. مفتاح الجنان، دعای حضرت مهدی (عج) .

۸. نه حق کسی را ضایع کند و نه دستبرد به اموال دیگران داشته باشد.

۹. چشم خود را کنترل کند.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد

۱۰. گوش خود را از شنیدن غیبت و کلمات لغو و بیهوده کنترل کند.

۱۱. انصاف و حسن معاشرت داشته باشد.

این امور به توده مردم مربوط می‌شد و جنبه همگانی داشت. اما حضرت، تکالیف

خواص را در دعا چنین بیان فرمود:

### ۱. وظایف علما

علما و دانشمندان مکتب اهل بیت و منتظران ولی عصر علیه السلام باید دو ویژگی داشته باشند:

الف) زهد و بی‌رغبتی به دنیا؛ چه در بُعد مالی و چه در بُعد ریاست و قدرت. نقش

زهد علما در اصلاح خود و جامعه بر کسی پوشیده نیست.

ب) نصیحت، یعنی خیرخواهی مردم. چنین عالمانی سخن نمی‌گویند و کاری انجام

نمی‌دهند، مگر در راستای صلاح امت.

### ۲. وظایف دانشجویان

وظیفه مهم دانشجویان و به‌ویژه طلاب علوم دینی، تلاش در راه تحصیل علوم است،

آن هم با رغبت و میل: «و علی المتعلمین بالجهد و الرغبة»؛ زیرا تلاش بی‌رغبت، به سردی

و سستی می‌گراید و متوقف و خاموش می‌شود.

### ۳. وظایف مستمعان

اصولاً دو گروه با علما و دانشمندان ارتباط دارند: یکی شاگردان و دانشجویان

رسمی که در فضای علمی‌اند و دیگر افرادی که علاقه‌مند به فراگیری علم‌اند و از علما

استفاده می‌کنند. به این گروه، سفارش شده است از علمای ربانی پیروی کنند و مواظظ

و نصایح آنان را بپذیرند.



#### ۴. وظایف بزرگسالان

بزرگسالان جامعه، بر اثر عمر زیاد و کسب تجربه فراوان می‌توانند در تربیت افراد، نقش چشمگیری داشته باشند، به‌ویژه برای نزدیکان و بستگان. البته اقتضای طبیعت کهنسالی، کم‌صبری و بی‌قراری است. گاهی این کم‌صبری به صورت پرگویی و تکرارگویی جلوه می‌کند و گاهی به شکل خشم و غضب و قهر. آری، اگر این گروه بخواهند برای دیگران نافع باشند و خود نیز آسوده زندگی کنند، باید همواره متانت و نیز آرامش جسمی و روحی داشته باشند.

#### ۵. وظایف جوانان

جوانان سرمایه‌های جامعه‌اند. آنان آرزوهای فراوانی دارند و ممکن است برای رسیدن به مطلوب خویش با وسوسه شیاطین از مسیر بندگی خارج شوند. البته جوانی که توجه به خدا دارد و از گناهان و انحرافات خود پشیمان می‌شود و توبه می‌کند، مورد رضایت و خشنودی امام زمان علیه السلام است.

#### ۶. وظایف زنان

نیمی از افراد جامعه را زنان تشکیل می‌دهند. آنان نه تنها وظیفه تربیت اولاد و تنظیم امور منزل را به‌عهده دارند، بلکه نقش مؤثری در ساختار جامعه دارند؛ به‌طوری‌که می‌گویند آینده جامعه در دست مادران امروز است؛ زیرا اگر آنان، عفیف و پاک باشند، فرزندان امروزشان که همان جوانان آینده‌اند، جامعه‌ای صالح و سالم را رقم می‌زنند. در واقع دو چیز زنان ما را از آلودگی حفظ می‌کند و در نتیجه، جوانان و جامعه ما نیز پاک می‌مانند: یکی حیای زنان است؛ حیا به معنای مراقبت از نفس و دوری از هرگونه فساد، و دیگری عفت است؛ یعنی نگهداشتن نفس از تمایلات و شهوات نفسانی. به‌یقین زنان پاکدامن و باحیا، مورد علاقه و رضای امامشان‌اند و می‌توان گفت چنین زنانی در انتظار واقعی امام خود به‌سر می‌برند.

## ۷. وظایف ثروتمندان

خداوند متعال براساس حکمت خود به گروهی از مردم، ثروت داده است. متنها وظایفی را نیز برای ایشان مقرر کرده است؛ مانند انفاق، صدقه، خمس، زکات و دادرسی از محرومان و برآوردن حاجات آنان که در دعای امام علیه السلام با کلمه «وَالسَّعَةِ» به آن اشاره شده است؛ یعنی بر ثروتمندان واجب است با شناسایی نیازمندان، در رفع تنگناهای زندگی آنان و توسعه بخشی به وضع معیشتی آنها بکوشند. البته، چون ثروت همچون قدرت و علم، موجب خودبزرگ بینی و دوری ثروتمندان از فقرا می شود، امام زمان علیه السلام برای آنان دعا می کند و از خدای بزرگ می خواهد که حالت تواضع و فروتنی به آنان عطا کند. از این دعا معلوم می شود ثروتمندی که به ثروت خود مغرور نمی شود و با فروتنی از حال فقرا باخبر می شود و تا می تواند غمی را از دل آنها می زداید، منتظر واقعی امام زمان علیه السلام است.

## ۸. وظایف فقرا

فقرا قشر آسیب پذیر جامعه اند و فشار فقر در زندگی نیز بر کسی پوشیده نیست. اما فقرا می توانند با دو عامل، بخش عظیمی از سنگینی فقر را از دوش خود بردارند تا ضمن حفظ بندگی، آرامش روحی نیز داشته باشند: یکی صبر و شکیبایی؛ دیگری، قناعت که آن را گنج بی پایان نامند.

## ۹. وظایف حاکمان

حاکمانی که تدبیر امور را به دست گرفته اند و در زمینه سازی جامعه سالم، نقش بسزایی دارند، چنانچه بخواهند به وظیفه خود عمل کنند و منتظر واقعی امام زمان باشند، باید عدالت را بین اقشار جامعه و در تمام شئون مدیریت رعایت کنند. از وظایف دیگر آنان، مهربانی و دلسوزی درباره ملت است. حضرت در دعای خود به این دو وظیفه سنگین حاکمان اشاره می کند.

## فرازهای دیگر دعای امام

این دعای شریف فرازهای دیگری دارد که بیانگر وظایف مستقیم منتظران نیست؛ مانند دعا برای شفای مریضان، طلب رحمت برای گذشتگان، نجات اسیران، پیروزی مرداران و طلب برکت برای زاد و توشه زائران خانه خدا و مشاهد مشرفه. ولی با اندک تأملی می‌توان دریافت که زمینه‌سازی برای این امور نیز مقصود و مطلوب امام زمان علیه السلام است و اگر افراد منتظر بتوانند در هر یک از این موارد نقش‌آفرین باشند، به یقین مورد توجه ولی عصر علیه السلام قرار می‌گیرند و از منتظران واقعی حضرت خواهند بود. اللهم اجعلنا من المنتظرین لأمره.

## خلاصه گفتار نهم

اهل ایمان علاقه‌مندند با وظایف خود در زمان غیبت امام زمان علیه السلام آشنا شوند. البته یکی از وظایف مهم مسلمانان، همان مسئله انتظار است که بحث آن و نیز بیان ثمرات آن در گفتار قبلی گذشت. وظیفه دیگری که اهمیت ویژه‌ای دارد این است که باید معرفت خود را به امام زمان علیه السلام، بر پایه ادله محکم قرار دهیم و اگر شعار می‌دهیم، آن را با شعور همراه سازیم و سپس بین خود و امام زمان علیه السلام ارتباط برقرار کنیم؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنْتَظَرَ»<sup>۱</sup>. عقل هر انسانی نیز حکم می‌کند که انسان باید با پیشوای خود، ارتباطی روحانی داشته باشد.

اما آن ارتباط چگونه برقرار می‌شود؟ گاهی با دعا کردن برای حضرت، به‌ویژه برای فرج ایشان، آن هم با خواندن دعاهایی که از ائمه علیهم السلام در این رابطه به ما رسیده است؛ مانند دعای «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن...» و حتی خود ائمه علیهم السلام برای فرج حضرت قائم علیه السلام دعا می‌کردند و می‌فرمودند: فرج حضرت قائم باعث فرج و گشایش برای دوستان ما خواهد شد که به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره شد. و گاهی برای

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۹۹.

آن حضرت صدقه بدهیم و با این کار ابراز علاقه نماییم و چنانچه به یکی از مشاهد مشرفه رفتیم، از طرف حضرت مهدی علیه السلام نیز زیارت کنیم. بعضی برای حضرت، حج به جا می آورند یا نایب می گیرند و از این طریق، علاقه و ارتباط روحی خود را ثابت می کنند. حکایت آن مرد عراقی در مسجدالحرام بهترین شاهد در این مورد است. فقیه بزرگوار آیت الله میلانی نیز به طلاب توصیه می کردند با امام خویش سخن بگویند و درد دل کنند، اگرچه در شبانه روز چند دقیقه باشد. خوب است گاهی با اشعار مناسب و دلنشین، با آن امام عزیز زمزمه ای داشته باشیم و نیز صبح ها بعد از نماز، دعای «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان...»<sup>۱</sup> را برای ابراز ادب و تجدید بیعت با حضرت بخوانیم.

از دیگر وظایف شیعیان در عصر غیبت، استغاثه به حضرت در پیش آمده است که ایشان در صورت مصلحت، دستگیری خواهند کرد. شاهد بر این مطلب، احادیث رمله، ابوالوفاء و فرمایش خود حضرت مهدی علیه السلام است که فرمود: «أنا غیر مهملین لمراعاتکم...».

وظیفه دیگر در عصر غیبت مراقبت از اعمال است که کاری نکنیم باعث آزرده گی امام زمان علیه السلام شود؛ زیرا روایات فراوان داریم که خانواده عصمت و طهارت از اعمال و کردار ما باخبرند و اعمال ما به خدمت امام عصر علیه السلام عرضه می شود. بر همین اساس امام صادق علیه السلام فرمود: «چرا با عمل خود، پیامبر اکرم را ناراحت می کنید؟» همچنین خواب عالم بزرگوار، میرجهانی، در این رابطه درخور توجه است. در یکی از توقیعات حضرت قائم علیه السلام آمده: آنچه باعث جدایی ما از شیعیان می شود اعمال ناشایسته آنان است.

اما وظیفه بسیار مهم شیعیان در زمان غیبت، تشخیص راه صحیح است. راهی که ائمه علیهم السلام برای ما تعیین کرده اند، همان پیروی از مجتهد جامع الشرایط است. آن هم مجتهدی خداترس، مخالف با خواسته های دل و مطیع امر مولای خود. بنابراین پیمودن

۱. مفاتیح الجنان، زیارت امام عصر علیه السلام هر روز صبح.

دیگر راه‌ها جایز نیست؛ اگر چه به نام ذکر، دعا و سیروسلوک باشد. و در خاتمه به دعائی از وجود مقدس امام زمان اشاره شد که راه و رسم تقوی و صلاح را برای هر قشری بیان کرده و اینکه افراد در هر مقام و منصبی وظیفه و تکلیف خاصی خواهد داشت.

عاشق سر گشته‌ایم، آرام جان گم کرده‌ایم      بلبل گلزار حسینیم، آشیان گم کرده‌ایم  
آنکه ما را پرورش با مهر خود داده کجاست؟      ما به باغ زندگانی، باغبان گم کرده‌ایم  
گلّه‌ای سرگشته‌ایم و در کمین گرگ خطر      راه، ناهمواره و تاریک و شبان گم کرده‌ایم  
میهمان برخوان احسانیم و نعمت بی‌شمار      نیست ما را نوش جان، چون میزبان گم  
زندگی شد سخت و شادی رفت و آسایش      بی تو یابن العسکری، آرام جان گم کرده‌ایم

### سؤالاتی از گفتار نهم

۱. اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، چگونه از دنیا رفته است؟
۲. بهترین راه برای شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه کدام است؟
۳. امام باقر علیه السلام در ذیل آیه «**اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا**» چه می‌فرماید؟
۴. هروی از دعبل چه نقل کرده است؟
۵. دعای «**اللهم اذفع عن وليك...**» از کدام امام نقل شده است؟
۶. مصرع دوم این بیت چیست؟ هرکس به زبانی سخن از حمد تو گوید.
۷. آن مرد عراقی در مسجدالحرام چه تقاضایی داشت؟
۸. آیت‌الله میلانی به طلاب چه توصیه‌ای می‌کرد؟
۹. بعد از نماز صبح چگونه به آستان مقدس امام زمان عرض ادب کنیم؟
۱۰. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوالوفاء چه فرمود؟
۱۱. سخن «**انا غیر مهملین لمراعاتکم ولا ناسین لذکرکم**» از چه امامی است؟
۱۲. عالم جلیل‌القدر، میرجهانی چه خوابی دیده بود؟
۱۳. از روایت عمرین حنظله چه نکته‌ای برداشت می‌شود؟

۱۴. امام هادی علیه السلام به احمد بن اسحاق چه فرمود؟
۱۵. مرحوم طبرسی از امام عسکری علیه السلام چه روایتی را نقل کرده است؟
۱۶. مقداری از وظایف عبادراکه در دعای امام زمان علیه السلام آمده، بیان نمایید.
۱۷. خلاصه بحث را بیان کنید.

کفتار دهم:

وقایع قبل از ظهور





اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
وَعَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا  
وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا.<sup>۱</sup>

بارالها: به تو شکایت می‌کنیم از نبودن پیامبرمان، که درودهای تو بر او و آل او باد.  
بارالها: به تو شکایت می‌کنیم از غائب بودن اماممان و کمی تعدادمان.  
بارالها: به تو شکایت می‌کنیم از فتنه‌های سخت و دشوار و هجوم همگان بر ما.



## نامعین بودن زمان ظهور

نه تنها در روایات برای ظهور وقتی معین نشده است، بلکه ائمه اطهار علیهم السلام تعیین کننده وقت ظهور را تکذیب کرده اند و به ما نیز دستور داده اند که آنها را تکذیب کنیم. «فضیل» می گوید از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: «آیا ظهور مهدی علیه السلام وقت معینی دارد؟» حضرت در پاسخ سه مرتبه فرمود: «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ»<sup>۱</sup>.

## علائم ظهور

با توجه به نامشخص بودن زمان ظهور، در روایات فراوانی برای ظهور حضرت صاحب الأمر علیه السلام نشانه‌هایی ذکر شده است. از آنجا که بعضی از نشانه‌ها و روایات آنها خالی از رمز و اشاره نیست،<sup>۲</sup> ما نیز از میان نشانه‌های ظهور، تنها به دو مورد شیوع فساد در جوامع و شیوع ظلم در زمین اشاره می‌کنیم.

### تفاوت نشانه‌های ظهور

به علائم و نشانه‌های زیادی برای ظهور حضرت در روایات اشاره شده، بعضی از آنها و بلکه اکثر آنها به‌عنوان نشانه‌های غیر حتمی معرفی شده و ممکن است در اثر

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳.

۲. برای نمونه گفته شده است: در وقت ظهور، خورشید از مغرب طلوع می‌کند با اینکه می‌دانیم لازمه وقوع این‌گونه حوادث این است که نظم عالم دگرگون شود. پس روایت اشاره به حادثه‌ای دارد که برای ما معلوم نیست.

دعاهای مؤمنین و مؤمنات که برای فرج امام زمان می‌کنند و یا احیاناً در اثر عوامل دیگر، این نشانه‌ها واقع نشود و خداوند متعال ظهور حضرت را جلو بیندازد.

قبل از ورود به بحث، باید یادآور شویم که بعضی از نشانه‌ها، حتمی است و به هیچ قید و شرطی وابسته نیست و قبل از ظهور باید واقع شود.<sup>۱</sup> البته برخی از همین علائم حتمی، مقارن یا بعد از ظهور با فاصله بسیار کم محقق می‌شود؛ مانند ندای آسمانی که قبل از ظهور، جبرئیل با صدای بلند، به طوری که شرق و غرب آن صدا را بشنوند، ندا می‌کند: «الحق مع علی و شیعته».<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت قائم کنار کعبه ظاهر می‌شود و چون آفتاب برآید، منادی از آسمان ندا کند: این مهدی آل محمد است، و آبای طاهر او را یک به یک نام می‌برد و شرق و غرب این صدا را می‌شنوند و به مردم توصیه می‌کند با ایشان بیعت کنید و این ندا بعد از ظهور به گوش می‌رسد.<sup>۳</sup> البته بعضی دیگر از علائم حتمی فقط بر نزدیک شدن ظهور دلالت دارد.

### تذکر لازم

یکی از نکات بسیار مهمی که در باب علائم ظهور باید به آن توجه داشت بحث تطبیق علائم مطرح شده در روایات با اتفاقات واقع شده است، بعضی خیلی علاقه دارند که بگویند فلان حادثه‌ای که پیش آمده همان علامتی است که امام علیه السلام به عنوان علامت ظهور بیان نموده و به دنبال آن نتیجه می‌گیرد که ظهور نزدیک است و چون مردم توجه خاصی به امام زمان علیه السلام و ظهور او دارند با حساسیت زیادی آن را دنبال می‌کنند و قهراً موج وسیعی در جامعه ایجاد می‌شود و حال آن‌که این تطبیق علائم ظهور با وقایع و حوادث خارجی بدون شواهد قطعی کار صحیحی نیست زیرا اولاً

۱. طبق روایتی از امام صادق علیه السلام خروج سفیانی، قتل نفس زکیه، خسف بیداء و ندای آسمانی از علائم حتمی شمرده شده است. ر.ک: غیبت نعمانی، ص ۲۵۷.

۲. وافی، ج ۲، ص ۴۴۶.

۳. کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۴۰.

بعضی از این علائم ظهور در کتاب‌های معتبر روایی ما نیامده و ثانیاً ممکن است از سند معتبری برخوردار نباشد حتی گاهی مشاهده می‌شود، سند بعضی از این احادیث به دشمنان اهل بیت مرتبط می‌گردد، اما محدثین بزرگوار ما نقل نموده‌اند تا بفهمانند مسئله مهدویت و ظهور ایشان در آینده از دیدگاه دشمنان نیز مورد قبول است شاهد بر این مطلب روایتی است که علامه مجلسی در رابطه با علائم ظهور نقل نموده که یکی از راویان این حدیث خبیث‌ترین خلق خدا است یعنی عمر بن سعد لعنة الله علیه منتهی علامه مجلسی در ذیل حدیث می‌فرماید:

إِنَّمَا أُورِدْتُ هَذَا الْخَبْرَ مَعَ كَوْنِهِ مُصَحِّحاً مَغْلُوطاً وَ كَوْنِ سَنَدِهِ مُنْتَهِيّاً إِلَى شَرِّ خَلْقِ اللَّهِ  
عمر بن سعد (لعنة الله) لِإِسْتِمَالِهِ عَلَى الْإِخْبَارِ بِالْقَائِمِ ﷺ لِيُعْلَمَ تَوَاطُؤُ الْمُخَالِفِ  
وَالْمُؤَلَّفِ عَلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.<sup>۱</sup>

و ثالثاً: عمر ما محدود و زمان بسیار طولانی چه بسا نظیر این حادثه در آینده زمان واقع شود و ما چه دلیلی داریم که بگوییم: این حادثه همان است که امام عجل الله فرجه پیشگویی نموده.

مثلاً در کتاب غیبت نعمانی از احمد بن محمد بن ابی نصر نقل می‌کند که امام رضا عجل الله فرجه فرمود: قبل از ظهور حضرت قائم (بُیُوح) واقع می‌شود و من نفهمیدم مراد از بیوح چیست؟ به حج رفتم و شنیدم که شخصی می‌گفت: «هَذَا يَوْمٌ يُبُوحُ»: یعنی امروز روز بیوح است. به او گفتم: مراد از بیوح چیست؟ جواب داد: روز گرم؛ یعنی گرمای زیاد.<sup>۲</sup>

آیا می‌توان در تابستان گرمی که برای ما اتفاق افتاد بگوئیم: این همان علامتی است که امام هشتم عجل الله فرجه برای ظهور حضرت مهدی بیان نموده؟ قطعاً چنین حکمی نمی‌توان کرد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۷.

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۴۴.

گذشته از اینکه تطبیق علائم ظهور با حوادث واقع شده کار صحیح و معقولی نیست چه بسا آثار بدی بر این گونه شایعات مترتب است که لا اقل باعث ضعف ایمان و اعتقاد به وجود مقدس امام زمان علیه السلام و ظهور حضرتش در افراد ضعیف الایمان می شود.

### شیوع فساد قبل از ظهور

بعضی از روایات، شیوع فساد را علامت ظهور معرفی کرده، و بعضی روایات دیگر آن را از نشانه های آخرالزمان و اشراطالساعه دانسته است. بعضی از بزرگان<sup>۱</sup> نیز احتمال داده اند که مراد از هر دو عنوان یک چیز بیش نیست و آن شیوع گناه قبل از ظهور حضرت است. بعضی از این مفاسد که در احادیث آمده است عبارت اند از:

۱. شراب خواری و خرید و فروش مسکرات، آشکارا انجام می گیرد؛
۲. رباخواری رواج می یابد؛
۳. زنا و اعمال زشت متداول و آشکار می شود؛
۴. قساوت قلب زیاد می شود؛
۵. تقلب زیاد می شود؛
۶. نفاق فراوان می گردد؛
۷. رشوه خواری رواج پیدا می کند؛
۸. ریاکاری متداول می شود؛
۹. بدعت در دین می گذارند؛
۱۰. غیبت و سخن چینی رواج می یابد؛
۱۱. بی عفتی و بی حیایی شایع می شود؛
۱۲. زنان از حجاب کناره می گیرند و با لباس زننده و جذاب در اجتماع آشکار می شوند؛

۱. آیت الله صافی گلپایگانی در منتخب الأثر.

۱۳. امر به معروف و نهی از منکر تعطیل می‌شود و صاحبان ایمان توانایی جلوگیری از گناهان را نخواهند داشت؛
۱۴. کفر و الحاد رواج پیدا می‌کند؛
۱۵. به اسلام و قرآن عمل نمی‌شود؛
۱۶. فرزندان، حرمت پدران و مادران را رعایت نمی‌کنند؛
۱۷. کوچک‌تر احترام بزرگ‌تر را رعایت نمی‌کند و بزرگ‌تر نیز به کوچک‌تر ترحم نمی‌نماید؛
۱۸. صلّه رحم انجام نمی‌شود؛
۱۹. خمس و زکات پرداخت نمی‌شود و یا به مصرف صحیح نمی‌رسد؛
۲۰. بیگانگان و اهل باطل بر مسلمانان چیره می‌شوند؛
۲۱. مسلمانان در لباس و گفتار و کردار، از کفار و اجانب پیروی می‌کنند؛
۲۲. حدود الهی تعطیل می‌شود؛
۲۳. مکر و حيله شیوع پیدا می‌کند؛
۲۴. مساجد از نظر بنا آباد، و از نظر محتوا خراب می‌شوند؛
۲۵. مردم دین خود را به دنیا می‌فروشند؛
۲۶. اوقات نماز سبک شمرده می‌شود؛
۲۷. طلاق زیاد می‌شود؛
۲۸. لجاجت و دشمنی فراوان می‌شود؛
۲۹. در شهوات، مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کنند؛
۳۰. با زبان به یکدیگر اظهار علاقه می‌کنند و در دل با یکدیگر در نزاع و جنگ‌اند و...<sup>۱</sup>
- امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «چگونه است حال شما آن

---

۱. ر.ک: منتخب الأثر، ص ۴۲۴؛ روضه کافی، ص ۳۶؛ کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۴۴ و جزوه امام زمان، نوشته مؤسسه در راه حق، ص ۸۲.

روزی که زنان شما فاسد، و جوانان شما فاسق شوند و امر به معروف نکنید و نهی از منکر ننمایید؟» عرض شد: «یا رسول الله! چنین روزگاری خواهد آمد؟» حضرت فرمود: «روزی می رسد که بدتر از این خواهد شد. در آن روز مردم را به منکر امر می کنند و از کارهای خوب و معروف نهی می نمایند». اصحاب با تعجب عرض کردند: «امت اسلامی به چنین وضعی مبتلا خواهد شد؟» حضرت فرمود: «بدتر از این خواهد شد. در آن روز، کار خوب را بد می دانند و کارهای بد را خوب».<sup>۱</sup>

### وضع امت اسلامی در حال حاضر

امروز ما مسلمانان بیشتر مفاسد یادشده را در جوامع بشری، و بلکه در امت اسلامی شاهدیم. با تأسف و تأثر فراوان باید گفت که دنیای اسلام امروز با این مفاسد خو گرفته است و با سرعت در گرداب مفاسد فرو می رود. ناگفته نماند که با انقلاب اسلامی ایران، بسیاری از مفاسد در ایران تعطیل شد. اما متأسفانه براساس تسامح و تساهل بعضی از مسئولان، بخشی از مفاسد بار دیگر به جامعه ما برگشت. ولی امیدواریم که مسئولان در حفظ دستاوردهای انقلاب و برقراری احکام اسلامی بکوشند و مملکت را از تهاجم دشمنان حفظ کنند.

### آیا حضرت قائم دین جدید می آورد؟

با توجه به روایات ائمه اطهار علیهم السلام، امت اسلام نه تنها گناه و مفاسد مرتکب می شوند، بلکه کار زشت و گناه را خوب و پسندیده می دانند. طبیعی است که چنین جامعه ای تا چه حد از اسلام و احکام آن فاصله می گیرد. چنین افرادی خود را مسلمان می دانند، اما در واقع از اسلام هیچ اطلاعی ندارند. بنابراین وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند و احکام اسلام و حقیقت قرآن را بیان می کند، گروهی تصورشان این است که حضرت مهدی دین جدید آورده است؛ حال آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.



می‌فرماید: «مهدی پای خود را جای پای من می‌گذارد و تخطی از آن نخواهد کرد».<sup>۱</sup> آری، قبل از ظهور چنان حقیقت اسلام و واقعیت قرآن دگرگون می‌شود که با آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و تبیین اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله، مردم گمان می‌کنند که آن حضرت دین جدید آورده است.

البته مخفی نماند که مهجورماندن اسلام بدین معنا نیست که در جهان اسلام، درس تفسیر، فقه و اخلاق به‌طور کامل تعطیل می‌شود. بلکه ظاهر این است که هر گروهی، قرآن را به رأی خود و براساس مسلک و مذهب خود تفسیر می‌کند و هر فقیهی براساس قیاس و استحسان، آن‌گونه که جامعه می‌پسندد، حکم می‌کند؛ چنان‌که امروزه عده‌ای از مسلمانان، گروه دیگری را با مواد منفجره می‌کشند و متأسفانه این عمل را باعث تقرب خود به خدا می‌دانند و حال آنکه قرآن کریم با صراحت می‌فرماید: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مَّتَعِدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا»؛ «و هرکس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است».<sup>۲</sup> (نساء: ۹۳) همچنین فرقه‌هایی پیدا شده است که بسیاری از مسلمانان را مشرک می‌دانند و بعضی از فقیهان خودفروخته و مزدور آنان، ریختن خون دیگر مسلمانان را مباح می‌شمارند. خلاصه این‌گونه احکامی که در اسلام بدعت‌گذاری شده است و با اسلام واقعی ارتباطی ندارد، کم نیست. با چنین وضعی، طبیعی است که با ظهور حضرت مهدی و گسترش حکومت او در تمامی نقاط زمین، عده‌ای خیال کنند که ایشان دین جدید آورده است.

### غربت دوباره اسلام

در کتاب «غیبت نعمانی» فصلی وجود دارد با عنوان: «حضرت قائم مردم را دعوت جدید می‌کند و اسلام همان‌گونه که در ابتدای ظهور آن غریب بود، مجدداً به غربت کشیده می‌شود».<sup>۲</sup> در آنجا شش روایت در این‌باره نقل شده است؛ برای نمونه روایتی است از ابوبصیر که ایشان می‌گوید:

۱. منتخب الاثر، ص ۴۹۱ به نقل از فتوحات ابن عربی.

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۲۰.

به امام صادق عرض کردم: مراد امیرالمؤمنین از این کلام چیست که فرمود: «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ كَمَا بُدِئَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ»؛ «اسلام در اوایل بعثت برای مردم آشنا نبود و یک امر جدیدی بود و در آینده، اسلام به همین غربت مبتلا می‌شود. خوشا به حال آنهایی که در این زمان با اسلام آشنا کنید». امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی حضرت قائم ظهور می‌کند، مردم را به احکام جدیدی دعوت می‌کند؛ همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردم را به احکام جدیدی دعوت کرد».<sup>۱</sup>

بنابراین همان‌طوری که مردم جاهلیت از احکام حیات بخش اسلام خبر نداشتند و احکام اسلام برای آنها مطالب جدیدی بود، در زمان حضرت مهدی علیه السلام مردم به قدری از مسائل اسلامی فاصله می‌گیرند، گویا با اسلام بیگانه‌اند. پس دعوت حضرت گرچه دعوت به اسلام است، اما دعوت جدیدی به نظر خواهد رسید.

### انتظار واقعی در آخرالزمان دشوار است

طبیعی است اگر کسی بخواهد در چنین جامعه‌ای و میان چنین افرادی که از احکام و دین فاصله گرفته‌اند، از منتظران واقعی امام زمان باشد، با مشکلات بسیاری مواجه می‌شود. در بعضی از روایات انتظار آمده است: «شخصی که منتظر حکومت عدل الهی است و خود را برای آن آماده می‌سازد، همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلطان است».<sup>۲</sup>

### شیوع ظلم و جور

از دیگر علائم ظهور که بیش از سیصد روایت درباره آن نقل شده، این است که ظلم جهان را فرا می‌گیرد و جوامع بشری از آتشی که ظالمان برافروخته‌اند به ستوه می‌آیند و بعد از فراگیر شدن ظلم: «...بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا»<sup>۳</sup> آن مصلح و منجی

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۲۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳: «الْمُنْتَظَرُ لِمَرْنَا كَالْمَشْحَطِ بِدَمِيهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

۳. غیبت نعمانی، ص ۶۱.

حقیقی ظهور می‌کند و عدل را روی زمین برقرار می‌سازد.

البته معنای روایات آن نیست که همه مردم، ظالم و متجاوز خواهند شد، بلکه ظلم و جور جهان را فرامی‌گیرد؛ برای مثال، دیکتاتوری مثل صدام، ملتی چند میلیونی را به خفقان می‌کشد یا چند نفر از سران حکومت‌های جهان‌خوار و استعمارگر، قاره‌ای را از لحاظ اقتصادی و نظامی تحت سلطه خود درمی‌آورند و به نام دفاع از حقوق بشر و آزادی، هر نوع ظلم و ستمی را بر آنها روا می‌دارند. بسیاری از مردم نیز بر اثر کناره‌گیری از دین و بی‌خبری از احکام الهی و پیروی از غرایز سرکش، به یکدیگر ستم می‌کنند.

بنابراین ظلم و ستم، هم از ناحیه سردمداران خودکامه و هم از ناحیه مردم، روز به روز افزون می‌شود تا بدانجا که ممکن است با بروز اختلاف‌های سران جهان‌خوار، جنگ جهانی دیگری برپا شود.

#### شیوع فساد از دو ناحیه

چنان‌که گفتیم، بخشی از شیوع ظلم در جوامع بشری معلول جدایی انسان‌ها از مکتب وحی و عمل‌نکردن به دستورهای حیات‌بخش آن و فرورفتن در منجلاب فساد و گناه است؛ زیرا جامعه فاسد به راحتی گرفتار حاکمان فاسد خواهد شد. براساس شواهد تاریخی، ستمگران به راحتی بر چنین جامعه‌ای سلطه یافته‌اند. از این رو یکی از نقشه‌های شوم سلطه‌گران جهان‌خوار، ترویج فساد و تهاجم فرهنگی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام مکرر چنین اوضاعی را برای آیندگان بیان کرده‌اند<sup>۱</sup> که در اینجا به ذکر یک حدیث بسنده می‌کنیم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

زمانی بر مردم خواهد آمد که صورت آنان صورت آدمی، و دل‌های آنها دل‌های شیاطین است. همانند گرگ‌های درنده خون یکدیگر را می‌ریزند و از انجام دادن کارهای بد،

۱. به روایات آخرالزمان مراجعه شود.

خودداری نمی‌کنند. پیروان خود را به شک و شبهه می‌کشاند و اگر با آنان سخن بگویند، به آنها دروغ خواهند گفت و اگر از نزد آنها بروند، غیبت و بدگویی آنها را می‌کنند. سنت واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله نزد اینها بدعت است و بدعت‌های خودشان را سنت رسول خدا می‌دانند و کسانی را که بردارند، خائن، و خائن را بردبار می‌شمارند. صاحبان ایمان بین آنها کوچک و حقیرند، اما فاسق نزد آنها صاحب شرف و عظمت است. بچه‌های آنان پای از گلیم خود دراز می‌کنند و باعث اذیت و آزار دیگران می‌شوند و زنان آنها بی‌پروا و بی‌باک، با خوی و خباثت خود، نزدیکان و اهل خود را به رنج می‌آورند. پیران و سالخوردگان امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند. پناه‌بردن به این مردم غیر از خواری، و اعتماد کردن به آنها غیر از ذلت چیز دیگری نیست. در چنین زمانی خداوند باران رحمت خود را قطع می‌کند و موقعی باران می‌فرستد که برای آنها سودی ندارد و نیز اشرار را بر آنها حاکم و امیر می‌سازد که مردم را به بدترین و رنج‌آورترین کارها می‌گمارند. بچه‌های آنها را می‌کشند و زنانشان را به بیگاری وادار می‌کنند و در این هنگام نیکان دعا می‌کنند، اما مستجاب نمی‌شود.<sup>۱</sup>

بنابراین ائمه معصوم علیهم السلام به مردم هشدار داده‌اند که در صورت ارتکاب فساد و گناه، ظالمان بر آنان مسلط می‌شوند.

در واقع روزی که ظلم و فساد و جدایی از وحی و دین، جهان را فراگیرد، ظهور حضرت مهدی علیه السلام نزدیک خواهد بود.

### آزمایش بزرگ اهل ایمان

دینداری در آخرالزمان بسیار مشکل است؛ زمانی که شیاطین به راحتی اعتقادات اسلامی را از مردم می‌گیرند و مردم به امتحان و آزمایش بزرگی مبتلا می‌شوند.

«سدید صیرفی» می‌گوید:

به همراه فضل‌بن عمرو، ابوصیر و ابان‌بن تغلب بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم. دیدیم امام

۱. سفینة البحار، ج ۱، ص ۵۵۶، «ماده زمن».

روی خاک نشسته و مانند مادری که فرزند خود را از دست داده و دلش سوخته است، گریه می‌کند و می‌گوید: «سَيِّدِي غَيْبَتِكَ نَفْتُ رِقَادِي وَصَيِّقَتُ عَلِيٍّ مَهَادِي...»؛ «ای آقای من! غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و بستر استراحت را بر من تنگ کرده و آرامش از دلم رخت بر بسته است...». سدید می‌گوید: چون امام را با این حال پریشان و گریان دیدم، با خود گفتم: حتماً حادثه ناگواری پیش آمده است. به حضرت عرض کردیم: «آیا اتفاقی افتاده است که شما این‌گونه گریه می‌کنید؟»

حضرت فرمود: «امروز به کتاب جفر که وقایع مهم جهان تا قیامت در آن درج شده است، نگاه می‌کردم، و اخباری را مشاهده کردم که مربوط است به غیبت قائم آل محمد و طول عمر ایشان و امتحانی که برای صاحبان ایمان در آن زمان پیش می‌آید و شبهاتی که بر اثر طولانی شدن غیبت عارض می‌شود و عده‌ای از دین دست می‌کشند. این مسئله باعث دگرگونی حال من شد».<sup>۱</sup>

#### نصرت بعد از یأس

از بعضی روایات چنین برداشت می‌شود که ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نصرت الهی بعد از ناامیدی کامل حاصل می‌شود. برای توضیح مطلب لازم است به معنا و تفسیر این آیه توجه شود که خداوند می‌فرماید:

﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾ (یوسف: ۱۱۰)

[پیامبران به دعوت خود، و دشمنان به مخالفت با آنها، همچنان ادامه دادند] تا آن‌گاه که پیامبران مأیوس شدند و [گروهی] گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است. در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد. آنان را که خواستیم، نجات یافتند و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی‌شود.

گرچه توضیح و تفسیر این آیه بحث مفصلی دارد، اما براساس یکی از اقوال مطابق

با ظاهر آیه، پیامبران الهی به دعوت خود ادامه می‌دادند و دشمنان هم مخالفت می‌کردند تا آنجا که صاحبان ایمان که در سختی به سر می‌بردند و منتظر آن نصرت الهی بودند که رسولان و پیامبران به آنها خبر داده بودند، به شک و شبهه می‌افتند و با خود فکر می‌کنند که پیامبران به آنها دروغ گفته‌اند. در چنین حالی خداوند می‌فرماید: «یاری ما به سراغ آنها آمد. آنان را که خواستیم، نجات دادیم و عذاب و مجازات ما گنهکاران و مجرمان را شامل می‌شود». از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که برای صاحبان ایمان در عصر انبیای گذشته نیز چنین آزمایش‌های سختی پیش آمده است تا سرانجام نصرت الهی بر آنها نازل شده است؛ چنان‌که فرزندان یعقوب، بعد از مایوس شدن از حیات یوسف و بازگشت او به آغوش خانواده، یوسف را یافتند.

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خود از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می‌کند که حضرت جمله **«حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا»**؛ «تا آنگاه که پیامبران مأیوس شدند و گروهی گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است». را با وضع صاحبان ایمان در آخرالزمان و قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، و جمله **«جَاءَهُمْ نَصْرُنَا»**؛ «در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد». را با ظهور قائم آل محمد علیه السلام منطبق ساخته و فرموده است: **«وَذَلِكَ عِنْدَ قِيَامِ قَائِمِنَا الْمَهْدِيِّ»**<sup>۱</sup>.

#### هشدار به اهل ایمان

بر مردان و زنان مؤمن لازم است که اعتقادات خود را با منابع صحیح مانند قرآن و روایات، و نیز با أدله عقلی محکم کنند تا در آزمایش‌های الهی در دام وسوسه‌های شیطانی قرار نگیرند و بدون معرفت و اعتقاد به امام زمان علیه السلام از دنیا نروند که اگر چنین شود، به مرگ جاهلیت مرده‌اند؛ یعنی بدون دین و شرافت انسانی از دنیا رفته‌اند.

در کتاب شریف اصول کافی آمده است که «فضیل بن یسار» می‌گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

۱. منتخب الاثر، ص ۳۱۴ به نقل از ینابیع الموده.

مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ  
تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي  
فُسْطَاطِهِ.<sup>۱</sup>

کسی که از دنیا برود و امام و حجت خدا را نشناسد و از او پیروی نکند، مرگ او همانند مردن در زمان جاهلیت خواهد بود و اگر امام و حجت الهی را شناخت و دانست که امامی از جانب خدا وجود دارد، اگرچه از دیدگان پنهان بوده باشد، برای چنین شخصی فرق نمی‌کند ظهور حضرت جلو بیفتد یا عقب، و چنین شخصی همانند فردی است که در خیمه امام به سر می‌برد و در محضر شریف حضرت است.

### زمینه‌سازی برای ظهور مصلح جهانی

جامعه‌ای که گرفتار ستمگران فاسد شده است و مردمانش از ظلم، فساد و گناه به ستوه آمده‌اند، به دنبال رهبری شایسته‌اند تا آنها را از تمامی گرفتاری‌ها نجات بخشد. اگر در حال حاضر گروهی از اهل ایمان، ندبه‌کنان در صبح جمعه، امام خود را صدا می‌زنند و ندا می‌دهند:

أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْنِ وَالْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدُ الْعُنْتَاةِ  
وَالْمَرْدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِحَادِ...<sup>۲</sup>

کجاست آن کس که انحرافات و هوا و هوس‌ها را محو کند؟ کجاست آن کسی که جلوی دروغ و دروغ‌بافی را بگیرد؟ کجاست آن آقایی که ریشه لجابت و گمراهی و بی‌دینی را نابود کند.

در آن روز تمامی مردم از سیاه و سفید، شرقی و غربی، و با هر گرایش فریادشان بلند خواهد شد: «این المنجی؟»؛ «کجاست نجات‌بخش بشر؟» و این مهم‌ترین زمینه برای ظهور مصلح بزرگ جهانی است؛ زیرا شرط اساسی انقلابی جهانی، پذیرش و

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱ و ج ۲، ص ۲۵۱.

۲. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

آمادگی جوامع است. با وجود فراهم آمدن چنین زمینه‌ای می‌توان گفت سلاح‌های ظالمان کاربرد نخواهد داشت. ما فراموش نمی‌کنیم که در دوازده بهمن ۱۳۵۷ ه.ش، با اینکه هنوز حکومت ایران در دست طاغوتیان بود و ارتش در ظاهر به فرمان آنها بود، امام خمینی علیه السلام از فرودگاه تا بهشت زهرا میان میلیون‌ها جمعیت حرکت کرد و در آنجا قاطعانه سخنرانی کرد و فرمود: «من توی دهن این دولت می‌زنم...».

البته ما نمی‌گوییم که پیروزی حضرت مهدی علیه السلام همانند پیروزی انقلاب ایران خواهد بود؛ زیرا ممکن است به شکل دیگری باشد. قرآن هلاکت فرعون و فرعونیان، و پیروزی موسی و بنی اسرائیل را در قرآن بیان فرموده است؛<sup>۱</sup> حال آنکه قبل از غرق شدن فرعونیان هیچ‌کس نمی‌دانست که آن حکومت ستمگر چگونه نابود می‌شود. آنچه می‌توان گفت این است که باید در جهان، زمینه پذیرش مصلح کل فراهم آید و به یقین این زمینه، بعد از شیوع فساد و ظلم فراهم خواهد آمد.<sup>۲</sup>

### چرا فرمان ظهور صادر نمی‌گردد؟

برخی می‌پرسند اکنون که ظلم و کفر همه جا را فرا گرفته است، چرا مهدی موعود علیه السلام ظاهر نمی‌شود تا به اوضاع آشفته جهان خاتمه دهد؟

پاسخ سؤال با دقت در احادیث مربوط به اوضاع قبل از ظهور، روشن می‌شود؛ زیرا اولاً: در بعضی از این روایات به مسائلی اشاره شده که هنوز به‌طور کامل محقق نشده

۱. (نور: ۵۵). خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که به یقین خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید».

۲. همان‌گونه که ظلم ستیزی مردم جهان نیز روزافزون شده است و امروزه شاهدیم که چگونه ملت‌های جهان به دفاع از مردم مظلوم فلسطین فریاد می‌زنند و دولت ظالم صهیونیسم را محکوم می‌کنند. در واقع فریاد مردم نشان از این دارد که ظالم باید از صحنه خارج شود و ظلم از میان رود و مردم دنبال یک نجات بخش می‌گردند. تاریخ بشر نشان می‌دهد فریاد علیه ظالمان هر روز بیشتر خواهد شد. امروز دیگر مثل زمان قبل نیست که ظالمی از سرهای بریده، مناره بسازد و کسی خبردار نشود و علیه او فریادی نزنند.



است؛ برای مثال از کتاب نعمانی نقل شد که اسلام همان گونه که در ابتدای ظهور آن غریب بود، به غربت کشیده می شود و چون حضرت مهدی (عج) احکام اسلام را بیان می کند، برای مردم تازگی دارد و می گویند حضرت، ما را به دین جدید دعوت می کند. در حالی که امروزه هنوز اسلام و احکام مهم آن مانند نماز، روزه، حج، توحید، معاد و... آن طور فراموش نشده است که غریب شده باشد.

ثانیاً: باید زمینه پذیرش انقلاب جهانی حضرت در درون دل ها فراهم آید؛ چون پیروزی هر نهضت و انقلابی بستگی به آمادگی تمامی اوضاع و شرایط آن دارد و از شرایط مهم موفقیت هر نهضتی، این است که عموم ملت خواستار آن انقلاب باشند.

در واقع حضرت می خواهد تمام اختلافات نژادی، زبانی و دینی را برطرف سازد، جهان را با یک حکومت نیرومند اداره نماید، دست گرسختگان را قطع کند، کفر و مادیگری را ریشه کن سازد و عموم جهانیان را به برنامه های الهی متوجه کند. خلاصه اینکه حضرت می خواهد معبودهای دروغین و فتنه انگیز را که گاهی به بهانه مرز، نژاد، مرام، حزب، قاره و... آتش افروزی می کنند، ریشه کن سازد و بشر را به خواسته فطری، یعنی داشتن اعتقادات و افکار سالم و برقراری عدالت اجتماعی برساند. به یقین چنین نهضت بزرگی بدون فراهم شدن شرایط و اسباب آن امکان پذیر نخواهد بود.

به طور قطع روزی می رسد که مردم از فرمانروایان بشر و برنامه های آنان ناامید می شوند و با به ستوه آمدن از مشکلات و گرفتاری ها، رو به سوی خدا و قوانین او می کنند و چاره دردها و مشکلات اجتماعی را در پیروی از مکتب انبیا می دانند.

آری، احساس می کنند که به دو چیز گران بها احتیاج دارند:

۱. برنامه و قوانین کامل و دست نخورده و روشن الهی؛

۲. یک زمامدار پاک و معصوم و مقتدر که در اجرای احکام الهی دچار اشتباه و خطا نشود.

به نظر می رسد کلام امام صادق (ع) به «هشام بن سالم» ناظر به همین مقطع زمانی است؛

زیرا حضرت فرمود: «تا همه اصناف مردم به حکومت نرسند، صاحب الامر قیام نمی کند.

برای اینکه کسی نگوید اگر حکومت به دست ما می‌رسید با عدالت رفتار می‌کردیم.<sup>۱</sup>

همچنین در خور توجه است که حضرت نوح، پیامبر بزرگ و اولوالعزم، بعد از ۹۵۰ سال

دعوت و شکیبایی و خون دل خوردن و بعد از یأس کامل، زبان به نفرین گشود و گفت:

﴿رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا \* إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا﴾ (نوح: ۲۶ و ۲۷)

پروردگار! هیچ‌کس از کافران را روی زمین باقی نگذار؛ زیرا اگر آنان را باقی بگذاری،

بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به دنیا نمی‌آورند.

حضرت نوح برای نفرین خود به این مطلب استدلال می‌کند که آنان بندگان را

گمراه می‌کنند و همچنین از نسل آنان هرگز مؤمن و موحدی به وجود نخواهد آمد. از

این استدلال استفاده می‌شود که باید عقوبت الهی برای هلاکت افراد امتی، موقعی انجام

گیرد که از نسل آنان، اگرچه در آینده دور باشد، مؤمن و موحدی به وجود نیاید.

از این رو روایات اهل بیت علیهم السلام یکی از علل تأخیر ظهور را همین مسئله دانسته است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

خدا در صلب کافران و منافقان، نطفه افراد باایمانی را ودیعه نهاده است. به همین علت

بود که علی علیه السلام از کشتن برخی پدران کافر، خودداری می‌کرد تا اولاد مؤمن از آنان

به وجود آید... همچنین قائم ما اهل بیت ظاهر نمی‌شود تا اینکه امانت‌های الهی از صلب

کافران خارج شوند. بعد از آن ظاهر می‌شود و کفار را به قتل می‌رساند.<sup>۲</sup>

## توجه به نکته‌ای مهم

تصریح روایات بر شیوع فساد و ظلم قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام نه تنها بدان

معنا نیست که ما مقابل گناه و ظلم ساکت، و نظاره‌گر باشیم، بلکه نباید انسان به بودن

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴.

۲. دادگستر جهان، ص ۲۴۳ به نقل از اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۵.

ظلم و فساد راضی شود و بگوید بعد از چنین وضعی است که امام زمان (عجل الله فرجه) ظهور می‌کند. در واقع روایات از حادثه‌ای خبر می‌دهد که در آخرالزمان واقع می‌شود. پیامبر (ص) نیز از قتل ابوذر و عمار و جنگ ناکثین، قاسطین و مارقین با علی (ع) خبر داد. اما وظیفه مردم برابر ظلم و جور، مطلب دیگری است.

به‌طور اجمال باید بدانیم که امر به معروف و نهی از منکر در هر زمانی از بزرگ‌ترین وظایف مسلمانان است و اگر مسلمانان، به فرموده قرآن، بهترین امت‌اند،<sup>۱</sup> برای امر به معروف و نهی از منکر است و این فریضه از بزرگ‌ترین فرایض الهی شمرده شده است<sup>۲</sup> که اقامه‌اش در صورت بودن شرایط آن واجب است. مبدا شیطان بعضی را بفریبد و به کسانی که برای امر به معروف و نهی از منکر و برای دفاع از حریم اسلام برخاسته و به زندان رفته‌اند و حتی جان خود را در این راه داده‌اند، نسبت ناروا بدهد یا بگویند که آنان وظیفه‌ای غیر از سکوت نداشتند. به‌یقین، آنان دنبال انجام‌دادن وظیفه‌ای بوده‌اند که قرآن و سنت مقرر کرده است.

با وضع آشفته جوامع بشری، گسترش ظلم و فساد و فراموش شدن تعالیم

---

۱. ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ «شما بهترین امتی بودید که به سواد انسان‌ها آفریده شده‌اید؛ [زیرا] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید». (آل عمران: ۱۱۰)

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴. حضرت افراد را چنین تقسیم کرد و فرمود: گروهی، منکر را با دست و زبان و قلب انکار می‌کنند.

آنان تمامی خصلت‌های نیکو را در خود گرد آورده‌اند. گروهی دیگر، منکر را با زبان و قلب انکار کرده، اما دست به کاری نمی‌برند. پس چنین کسی دو خصلت از خصلت‌های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است و بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده، و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند. پس دو خصلت را که شریف‌تر است تباه ساخته و یک خصلت را به دست آورده‌اند و بعضی دیگر منکر را با زبان و قلب و دست رها ساخته‌اند که چنین کسی از آنان، مرده‌ای میان زندگان است.

تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا برابر امر به معروف و نهی از منکر چونان قطره‌ای بر دریای موج و پهناور است و همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می‌کند و نه از مقدار روزی می‌کاهد و از همه اینها برتر، سخن حق در پیش روی حاکمی ستمکار است.

حیات بخش انبیا جا دارد که محبوب خودمان، حضرت بقیة الله را با ابیات مولانا در «دیوان شمس تبریزی» مخاطب قرار دهیم و به محضر ایشان عرضه داریم:

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست      بگشای لب که قند فراوانم آرزوست  
 یعقوب وار و اسفاها همی زنم      دیدار خوب یوسف کنعانم آرزوست  
 بالله که شهر بی تو مرا حبس می شود      آوارگی کوه و بیابانم آرزوست  
 زین همهان سست عناصر دلم گرفت      شیر خدا و رستم دستانم آرزوست  
 جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او      آن نور روی موسی عمرانم آرزوست  
 دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر      کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست  
 گفتم که یافت می نشود جسته ایم ما      گفت آنکه یافت می نشود آنم آرزوست  
 گویاترم ز بلبل اما ز رشک جام      مهر است بر دهانم و افغانم آرزوست

در پایان به دو روایت درباره برخی از ویژگی های آخرالزمان و مردمان آن اشاره می کنیم:

۱. ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میان اصحاب فرمود: «خداوندا! برادران من را به من بنما» و این سخن را دو بار تکرار فرمود. بعضی گفتند: «آیا ما برادران شما نیستیم؟» فرمود: «نه، شما یاران منید. برادران من قومی اند که در آخرالزمان خواهند آمد و به من ایمان می آورند در حالی که من را ندیده اند و در دین خود پایدار می مانند و حال آنکه این عمل از دست کشیدن بر خارها و در دست گرفتن آتش دشوارتر است»<sup>۱</sup>.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که حجت خدا میان مردم نباشد، مردم به خدا نزدیک ترند و خدا از مردم خشنودتر است؛ زیرا با اینکه حجت خدا ظاهر نیست و جای او را نمی دانند، باز باور دارند که حجت خدا هست و پیمان الهی استوار است. در چنین روزگاری (روزگار غیبت) هر صبح و هر شام

منتظر فرج باشید؛ چون در چنین زمانی، خشم خدا بر دشمنان بیشتر خواهد بود، و خداوند می‌دانست که اولیای او درباره حجت او [اگرچه غایب باشد] شک نمی‌کنند. اگر شک می‌کردند، یک چشم به هم زدن، حجت خود را غایب نمی‌کرد.<sup>۱</sup>

بنابراین زمان غیبت بهترین فرصت برای تقرب به پروردگار است.

### خلاصه گفتار دهم

ظهور حضرت معلوم نیست و اگر کسی برای آن وقت معین کند، به بیان ائمه اطهار علیهم‌السلام دروغگوست. اما نشانه‌هایی در روایات برای ظهور گفته شده است. البته بعضی از آنها به طور حتم باید واقع شود تا مهدی موعود ظهور کند و وقوع بعضی از آنها قبل از ظهور احتمالی است. در این گفتار به دو علامت از علائم ظهور اشاره شد:

۱. شیوع فساد و گناه به طوری که موجب غربت اسلام می‌شود. در این رابطه به سی مورد از مفاسد اجتماعی اشاره کردیم. سپس به روایتی که امام صادق علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند، اشاره شد و گفتیم امروز ما آن غیگویی‌های رهبران آسمانی را شاهدیم و می‌نگریم که مردم از حقایق اسلام دور شده‌اند و اسلام مهجور مانده است. در روایات آمده است که اسلام در ابتدا غریب بود و بار دیگر به غربت خواهد افتاد. آری، اگر اسلام به غربت بیفتد و مردم از اسلام واقعی دور شوند، به هنگام ظهور، تصور می‌کنند که حضرت آنان را به دین جدیدی دعوت می‌کند؛ حال آنکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مهدی پای خود را جای پای من می‌گذارد».

۲. شیوع ظلم و جور در جوامع بشری که هم از ناحیه حاکمان ستمگر، و هم از ناحیه مردم به یکدیگر است. گفتنی است براساس روایات، سلطه اشرار، معلول عمل زشت و گناهان مردم است. در چنین جامعه‌ای که پر از ظلم و فساد است اولاً: مردم در آزمایش سختی قرار می‌گیرند که حدیث سدیر صیرفی از امام صادق علیه‌السلام به بخشی از آن اشاره می‌کند. بر اثر طولانی شدن غیبت، گروهی به شک می‌افتند و از آمدن مهدی

آل محمد علیهم السلام مایوس می‌شوند. در چنین زمانی بر هر مؤمنی لازم است که عقیده خود را به حضرت مهدی علیه السلام استوار سازد.

ثانیاً: شیوع ظلم و فساد یکی از عواملی است که زمینه را برای ظهور حضرت فراهم می‌آورد؛ زیرا مردم آنچنان از اوضاع به ستوه می‌آیند که برای پذیرش رهبری عادل و دلسوز آماده خواهند شد.

البته نباید اهل ایمان امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند و گمان کنند با گسترش فساد و گناه، زمینه برای ظهور حضرت آماده‌تر می‌شود. به یقین چنین فکری شیطانی است و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر هرگز تعطیل نمی‌شود.

اما در چنین جامعه تاریک و سیاه، گروهی در کمال تقوا و پرهیزکاری به سر می‌برند که در روایات از آنان تمجید فراوانی شده است.

### سوالات گفتار دهم

۱. امام باقر علیه السلام در پاسخ به کسی که سؤال کرد آیا ظهور حضرت مهدی علیه السلام وقت معینی دارد، چه فرمود؟
۲. یکی از نشانه‌هایی را که حقیقت آن برای ما معلوم نیست و شاید اشاره به حادثه خاصی باشد، نام ببرید.
۳. دو مورد از نشانه‌های حتمی را نام ببرید.
۴. در ابتدای ظهور، منادی کنار کعبه چه ندایی سر می‌دهد؟
۵. پنج مورد از موارد شیوع فساد را قبل از ظهور بیان کنید.
۶. امام صادق علیه السلام چه روایتی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آینده امت نقل کرده است؟
۷. یک روایت درباره غربت اسلام ذکر کنید.
۸. چه تعداد از روایات بر شیوع ظلم و ستم دلالت می‌کند؟
۹. شیوع فساد از چه ناحیه‌ای در جوامع، حاصل می‌شود؟
۱۰. سدیر صیرفی، حال امام صادق علیه السلام را چگونه دید و از ایشان چه نقل کرد؟

## گفتار دهم؛ وقایع قبل از ظهور (۲۷)

۱۱. از آیه ۱۱۰ سوره یوسف چه برداشت می‌شود؟

۱۲. چه عاملی مهم‌ترین زمینه برای ظهور حضرت است؟

۱۳. آیا در زمان شیوع ظلم و فساد، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر تعطیل

می‌شود؟

۱۴. مضمون اشعار دیوان شمس تبریزی را به‌طور خلاصه بیان کنید.

۱۵. خلاصه گفتار را بیان کنید.





کفتار یازدهم:

ویرگی های حکومت حضرت مهدی علیه السلام



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ...  
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ...  
السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ  
مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ.<sup>۱</sup>

سلام بر تو ای حجت خدا در روی زمین  
سلام بر تو ای دیدبان الهی در میان خلق...  
سلام بر تو ای سرپرست و خیرخواه مردم...  
سلام بر تو، خداوند تعجیل فرماید در آنچه  
به تو وعده داده از نصرت و ظهورت.

---

۱. مفاتیح الجنان، زیارات امام زمان (عجل الله فرجه) در روز جمعه.



## برقراری عدالت

آنچه مسلم است حضرت مهدی علیه السلام حکومتی را برقرار خواهد کرد که انبیای عظام و حضرت ختمی مرتبت و ائمه اطهار علیهم السلام به دنبال آن بودند. بنابراین باید دید این بزرگان در صدد ایجاد چه نوع حکومتی بوده‌اند؟

قرآن کریم غرض نهایی انبیا و یگانه هدف عالی آنان را برپایی عدالت معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

همچنین خداوند، هدف از بعثت انبیا را داوری کردن در اختلافات بین مردم می‌داند و می‌فرماید:

﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ (بقره: ۲۱۳)

خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی را که به‌سوی حق دعوت می‌کرد با آنها نازل نمود، تا در میان مردم، درباره آنچه اختلاف داشتند، داوری کند.

این آیه نیز به مسئله برقراری عدالت در جامعه اشاره دارد. بنابراین ویژگی حکومتی

که انبیا به دنبال آن بودند، عدالت خواهی و عدالت پروری است. خداوند حکومتی را که خواسته صاحبان ایمان و در رأس آنها رسولان و امامان علیهم السلام هستند، این گونه ترسیم می کند:

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج: ۴۱)

همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خداست. این آیه حکومتی را توصیف می کند که مردمان آن، هم با خدا ارتباط دارند و هم به محرومان جامعه توجه می کنند. آنان یکدیگر را به خوبی توصیه می کنند و از بدی باز می دارند. به یقین چنین جامعه ای عدالت محور است.

### احکام اسلام، تجلی عدالت خواهی

برای آگاهی از ماهیت حکومت مورد نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام کافی است به محتوای مکتب اسلام و بایدها و نبایدهای آن و به ویژه به مسائل اخلاقی اسلام که بشر را از تاریکی های وهم و صفات زشت، به عالم نور و تزکیه نفس رسانده است، نگاهی بیفکنیم، آن گاه خواهیم دید که آن حکومت عادلانه چیزی غیر از اجرای احکام اسلام نخواهد بود.

با نگاهی به فقه اسلام در بخش معاملات درمی یابیم که شارع تا چه اندازه دقت کرده است تا جلوی ظلم و ستم گرفته شود. حتی احکام عبادات مانند اباحه مکان، لباس، قربانی، لباس احرام و... بر مبنای ظلم ستیزی است تا از تصرف ظالمانه مال و حق مردم جلوگیری کند.

همچنین با نگاهی به مسائل حقوقی اسلام همچون حقوق والدین و فرزند بر یکدیگر، حقوق زن و شوهر بر یکدیگر، حقوق کارفرما و کارگر بر یکدیگر، حقوق

همسایگان بر یکدیگر و حتی حقوق حیوانات بر انسان‌ها، زندگی بشری رنگ و بوی دیگری پیدا می‌کند. اگر بر فقه و حقوق اسلامی، دستورهای اخلاقی را ضمیمه کنید و محبت، ایثار، نوع‌دوستی و گذشت بر جامعه حاکم شود، آیا جایی برای ستم و تجاوز باقی می‌ماند؟ آیا بوی بهشت و بهشتیان از چنین جامعه‌ای به مشام نمی‌رسد؟

به یقین، مسئولیت همه مکلفان، از پیر و جوان، زن و مرد، در آشکار و نهان، در شهر و بیابان، امر به معروف و نهی از منکر است که ترک کننده آن، مرده متحرک معرفی شده، و انجام‌دادن آن از بزرگ‌ترین تکالیف دانسته شده است. در اهمیت آن همین بس که علی علیه السلام فرمود:

وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفُتَةٍ فِي بَحْرِ لُجِّي<sup>۲</sup>.

تمامی کارهای نیکو و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر چونان قطره‌ای بر دریای موج و پهناور است.

علت وجوب امر به معروف و نهی از منکر، اجرای عدالت و حق در جامعه است تا بر اثر این نظارت عمومی، کسی از عدل و حق پا را فراتر نگذارد. همچنین اسلام به همگان دستور می‌دهد که به یکدیگر توصیه حق و توصیه صبر داشته باشند: «تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر: ۳) و نیز یکدیگر را نصیحت کنند. قرآن به پیروان خود دستور می‌دهد که با دشمن خود نیز براساس عدالت رفتار کنند. مبادا بغض و دشمنی، باعث شود که افراد را از عدالت و رعایت آن، حتی در مورد دشمنان خود دور گرداند<sup>۳</sup>؛ زیرا یکی از عوامل ظلم و حق‌کشی، همین کینه‌توزی به یکدیگر است.

۱. در وسائل الشیعه فصلی با عنوان «احکام الدّواب»؛ حقوق حیوانات بیان شده است.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

۳. ر.ک: آیه ۸ سوره مائده.

نگاهی به حکومت کوتاه علی علیه السلام

بهترین حکومتی که مورد علاقه انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام بوده است، همان حکومت کوتاه علی بن ابی طالب علیه السلام است<sup>۱</sup> که در این مدت کوتاه با وجود شعله ور شدن آتش در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان، عدالت علی علیه السلام در اداره حکومت برقرار بود. حتی عدالت در میدان جنگ و در برخورد با دشمن نیز کاملاً رعایت می‌شد؛ برای نمونه حضرت در صفین بعد از باز پس گرفتن شریعه، استفاده از آب را برای لشکر معاویه آزاد کرد؛ درحالی‌که معاویه استفاده از آب را برای لشکریان علی علیه السلام ممنوع کرده بود.

ایشان در زمان حکومتش سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را که مدت‌ها فراموش شده بود احیا، و مساوات و عدالت اجتماعی را اجرا کرد. تمامی امتیازات را از بین برد و حکمرانان و فرمانروایان بی‌بندوبار را عزل کرد. اموالی را که از بیت‌المال به غارت رفته بود یا املاک و مستغلاتی را که خلیفه بخشیده بود، پس گرفت و متخلفان از مقررات دینی را مجازات کرد. با تمام شجاعتی که داشت، بی‌اندازه مهربان بود. در جنگ‌ها زنان، کودکان و ناتوانان را نمی‌کشت و اسیر نمی‌گرفت و فراریان را تعقیب نمی‌کرد. هرگز علاقه به ریختن خون نداشت. بلکه عاشق هدایت و رستگاری مردم بود. هنگام عصر به دشمن حمله می‌کرد که زخمی‌ها خود را به کنار کشند و اگر کسی می‌خواهد از میدان فرار کند، از تاریکی شب استفاده کند و با فرارسیدن شب افراد کمتری کشته شوند.

به عناوین و القاب بی‌اعتنا بود. هنگامی که حضرت به سمت اهل شام برای جهاد می‌رفت، به شهر «انبار» نزدیک شد. مردم برای احترام به حضرت از مرکب‌های خود پیاده شدند و مقابل ایشان با شتاب حرکت کردند. حضرت فرمود: «این چه کاری است که انجام می‌دهید؟» گفتند: «ما امیران خود را این‌گونه تعظیم و تجلیل می‌کنیم». حضرت فرمود: «امیران شما از این عمل سودی نمی‌برند و شما هم خود را به زحمت می‌افکنید».

۱. در تئمه المنتهی مدت خلافت حضرت را چهار سال و نه ماه و چند روز می‌نویسد.



ایشان حتی برای به دست آوردن خلافت اسلامی حاضر نشد در شورایی که «عمر» برای بعد از مرگ خود طراحی کرد، کلمه‌ای را برخلاف عقیده خود اظهار کند و حاضر نشد برای به دست آوردن سلطنت و حکومت حتی بر موری ظلم کند.<sup>۱</sup>

در واقع نام علی (ع) همراه واژه عدالت است؛ آن‌چنان‌که دانشمند مسیحی با شناخت شخصیت والا و الهی علی (ع) شیفته او می‌شود و با افتخار برای معرفی او به جهان، کتابی با نام «صوت العدالة الانسانیة» تألیف می‌کند. همچنین فرد دیگری در بیان عظمت علی (ع) می‌گوید:

مات علی بن ابی طالب لشدّة عدالته مات وَالصَّلَاةُ بَيْنَ شَفَتَيْهِ مَاتَ وَفِي قَلْبِهِ الشَّوْقُ  
إِلَى رَبِّهِ.

علی بن ابیطالب به جهت شدت عدالت از دنیا رفت در حالی که مشغول نماز بود و قلبش آکنده از شوق الهی بود.

بنابراین می‌توان گفت تمام انبیا و اولیای الهی در آرزوی تحقق حکومتی عادلانه بوده‌اند. گرچه متأسفانه بسیاری از آنها در مسیر برقراری چنین حکومتی از دنیا رفتند یا کشته شدند. پس اگر ما انبیا و ائمه (ع) را منادیان و عاشقان عدالت و شهیدان راه برقراری عدل بدانیم، هرگز گزافه‌گویی نکرده‌ایم.

البته ناگفته نماند که انبیای عظام با زحمات طاقت‌فرسای خود هریک به سهم خود مردم را بیدار کردند و از ظلم و طاغوت متنفر ساختند و زمینه را برای برقراری حکومت عادلانه آماده کردند و اگر هم به طور کامل به عدالت اجتماعی دست نیافتند و به آن حکومت ایده‌آل نرسیدند، دست‌کم توانستند عده‌ای را به ایمان دعوت کنند و آنان را با عدالت آشنا سازند؛ زیرا شیوه انبیا این نیست که اگر حکومت برای آنان نباشد، با مردم کاری نداشته باشند. بلکه انبیا همچون طیبیانی دلسوزند که اگر یک

۱. برای توضیح و دستیابی به اموری که فهرست‌وار درباره عدالت‌خواهی و حکومت علی (ع) گفته شد، ر.ک: موسوعة الامام علی بن ابی‌طالب، ج ۴، الفصول المانه.

مریض هم پیدا کنند به مداوای او می پردازند. در واقع آنان اگر نتوانند عدالت اجتماعی را برقرار کنند، به برقراری عدالت خانوادگی و فردی می پردازند و می گویند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾  
(تحریم: ۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید. آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند به‌طور کامل اجرا می‌نمایند.

خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید: «خود و خانواده خود را از آتش جهنم نجات دهید».

خداوند در جای دیگر می‌فرماید: اگر رفیق و مصاحبی یافتی، دو نفره، و گرنه یک نفره قیام کن و خود را به ایمان و عدالت متصف کن: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ...﴾؛ «بگو شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، دو نفر دو نفر یا به تنهایی برای خدا قیام کنید...» (سبأ: ۴۶)

امیرمؤمنان هم سفارش می‌کند که از کمی جمعیت خود وحشت نکنید: «وَلَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَىٰ لِقَلَّةِ أَهْلِهِ»<sup>۱</sup>

هرچند انبیا و اولیای الهی به دلایل گوناگون نتوانستند حکومت عدل‌محور را برپا کنند، اما حضرت مهدی علیه السلام طبق روایات فراوان و براساس فراهم آمدن شرایط، حکومتی دادگستر را برقرار می‌سازد تا برای بشر ثابت شود که خداوند حکیم از ابتدای خلقت چنین حکومت و زندگی را برای بندگان خود خواسته بود. ولی انسان‌ها با سوء اختیار خود بهشت دنیوی خود را به جهنم‌سرا تبدیل کردند.

## حکومت حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات

بسیاری از صاحبان ایمان و منتظران حضرت، دوست دارند بدانند حکومت حضرت مهدی علیه السلام در روایات اهل بیت چگونه ترسیم شده است.

در ابتدا درخور توجه است که بدانیم بیش از سیصد روایت اشاره دارد: «**یملأ الله الأرض به قسطاً وعدلاً**»؛ «خداوند متعال، زمین را به وسیله حضرت مهدی، پر از عدل و داد می‌کند». در روایات چنین آمده است که حضرت مهدی علیه السلام به فرمان الهی کنار خانه خدا ظهور می‌کند. پرچم و شمشیر و عمامه و پیراهن پیامبر صلی الله علیه و آله با اوست و به قتل دشمنان خدا و اسلام می‌پردازد و از ستمگران انتقام می‌گیرد. یاران ویژه او ۳۱۳ نفرند که در مکه به او ملحق می‌شوند. اینها مردانی جنگجو، سلحشور، صالح، با ایمان و راهبان شب و شیران روزند. دل‌های آنان همچون آهن، محکم است. آنان در اطاعت از آن حضرت کوشایند به هر مقصدی حرکت کنند پیروز می‌شوند.

امام بعد از مدتی به سوی مدینه حرکت می‌کند و در آنجا به مبارزه می‌پردازد و سپس با سپاه خود به سوی عراق و کوفه می‌رود. در کوفه با «سید حسنی» ملاقات می‌کند.<sup>۱</sup> سید حسنی و سپاهیان او با امام بیعت می‌کنند و عیسای مسیح علیه السلام از آسمان فرو می‌آید و امام را یاری می‌کند و در نماز به ایشان اقتدا می‌نماید. امام علیه السلام کوفه را مرکز حکومت خود قرار می‌دهد و شرق و غرب جهان را فتح می‌کند و اسلام را در همه جا حکمفرما می‌سازد.

۱. سید حسنی از بزرگان شیعه است که از ایران و ناحیه دیلم و قزوین قیام می‌کند. هرگز ادعای امامت ندارد. بلکه مردم را به روش ائمه معصوم علیهم السلام دعوت می‌نماید. پیروان زیادی پیدا می‌کند و با حرکت به سوی کوفه مسیر را از فسق و فجور پاک می‌کند. وقتی به کوفه می‌رسد به او خبر می‌دهند که امام قائم با یاران خود به نواحی کوفه آمده‌اند و چون با امام ملاقات می‌کند، امام را می‌شناسد. اما برای آشنایی لشکریان خود با امام از حضرت می‌خواهد مواریثی که از پیامبران نزد اوست ارائه دهد. حضرت ارائه می‌کند و نیز معجزاتی آشکار می‌نماید. بنابراین سید حسنی و لشکریان او، به جز گروهی از آنان، با امام بیعت می‌کنند. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۵؛ کفایة الموحدين، ص ۸۴۲.

در حکومت امام، برکات زمین آشکار می‌شود و ثروت و نعمت و محصولات، فراوان می‌شود و فقر از بین می‌رود؛ به طوری که برای دادن صدقات فقیری پیدا نمی‌شود. آن چنان امنیت در همه جا سایه می‌گستراند که اگر پیرزنی، طبقی از طلا و جواهر بر سر گیرد و تنها از شهری به شهری برود، کسی مزاحم او نمی‌شود. گنجینه‌هایی که در زمین نهفته است، استفاده می‌شود. حضرت با دست کشیدن بر سر افراد، عقل‌های آنان را کامل می‌کند. دین با تمامی ابعاد خود جلوه‌گر می‌شود. بدعت‌ها از بین می‌رود. مردم به عبادات رو می‌آورند و کسی بغض اهل بیت علیهم السلام را در دل ندارد. در حکومت حضرت، نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر به وضوح انجام می‌شود. در واقع این چهار فریضه، شاخصه شناسایی حکومت امام است؛ «حاکم حسکانی» (یکی از بزرگان اهل سنت که ۲۱۰ آیه از قرآن و ۱۱۶۳ حدیث در فضایل اهل بیت علیهم السلام آورده است)<sup>۱</sup> از امام باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند:

ابی عبیده حذاء از حضرت سؤال کرد: «چگونه صاحب‌الأمر را بشناسیم؟» حضرت این آیه را تلاوت کرد: **«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»**؛ «کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت ببخشیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست» (حج: ۴۱). سپس حضرت فرمود: «هروقت مردی از ما اهل بیت را دیدی که برنامه‌های این آیه را اجرا می‌کند، از او پیروی کنید که او صاحب امر است».

در حدیثی از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است<sup>۲</sup> که حضرت مهدی در موقع بیعت، اموری را با مردم شرط می‌کند؛ مانند اینکه: دزدی و زنا نکنند. فحش و دشنام ندهند. حرمت کسی را هتک نکنند. به خانه‌ای هجوم نبرند. کسی را به غیر حق نزنند. طلا،

۱. رساله وابستگی جهان به امام زمان، ص ۴۱.

۲. منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

نقره، گندم و جو را ذخیره نکنند. شراب نخورند. خز و حریر نپوشند. راهزنی نکنند و راه را ناامن نسازند. مواد غذایی را احتکار نکنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند.

همچنین حضرت در ضمن بیعت، شرط می‌کند که مانند آنها عمل کند. مثل آنها لباس بپوشد و بر مرکبی که آنان سوار می‌شوند، سوار شود و به اندک، راضی باشد و حاجب و دربانی برای خود قرار ندهد. از دیگر ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی عج این است که بر کارگزاران سخت می‌گیرد، تا مبادا در انجام دادن وظیفه خود کوتاهی کنند یا انتظار رشوه و هدیه از مردم داشته باشند. مردم با هم مهربان می‌شوند. باران‌های نافع و به موقع می‌بارد. توجه مردم به خدا زیاد می‌شود. ویرانه‌ها آباد، و دل‌های مردم شادمان می‌شود و...<sup>۱</sup>

در واقع می‌توان شاخصه حکومت حضرت مهدی را در جمله‌ای گفت که در صدها روایات آمده است؛ یعنی قسط و عدل در جامعه گسترش می‌یابد و آنچه در جامعه حکمفرما می‌شود، قانون و نظم است.

## دو ویژگی مهم در عصر ظهور

زمان ظهور حضرت مهدی عج دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان گفت آن ویژگی‌ها، زمینه‌ساز گسترش عدالت در جامعه است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ارتقای سطح علمی: به یقین این ارتقا قابل مقایسه با قبل از ظهور نخواهد بود؛ زیرا طبق روایتی امام صادق عج فرمود:<sup>۲</sup>

---

۱. برای دسترسی به روایات در این زمینه و نیز ویژگی‌های بیشتر رک: غیبت نعمانی، صص ۲۱۲، ۲۳۰ و ۲۳۶؛ منتخب الأثر، صص ۲۹۰ - ۳۰۷ و صص ۴۸۲ و ۴۸۳؛ بحارالانوار؛ اثبات الهداة؛ دادگستر جهان؛ جزوه امام زمان، کفایة الموحدين.

۲. کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۸۰.

علم ۲۷ حرف است و تمامی علومی که به وسیله پیامبران انتشار یافته است، نتیجه دو حرف از آن ۲۷ حرف است. وقتی که حضرت قائم قیام می‌کند آن ۲۵ حرف دیگر را منتشر می‌سازد.

این جنبش علمی برای همه افراد جامعه است چه زنان و چه مردان. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «... تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ أَنْ الْمَرْئَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَسَنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». <sup>۱</sup> در زمان حضرت مهدی علیه السلام به شما حکمت و دانش داده می‌شود تا آن‌جا که زن در درون خانه‌اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قضاوت می‌کند و این حدیث حکایت از آگاهی و شناخت عمیق از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام دارد زیرا امر قضاوت امری دشوار و سنگین است.

۲. رشد عقل انسان‌ها: در این باره امام باقر علیه السلام فرمود: «زمانی که قائم ما قیام کند، دست مبارک خود را بر سر مردم می‌گذارد و عقول آنها بر سر ایشان جمع، و نیروی فکر و تعقل آنان کامل می‌شود». <sup>۲</sup>

در جامعه‌ای که عقل و علم حکمفرماست، اخلاق نیکو، محبت و ورزیدن به یکدیگر، رعایت قانون و شوق به بندگی خدا حکمفرما خواهد شد. در واقع گسترش عدالت در جامعه به طور جبر و فشار نیست. بلکه باید زمینه‌های گسترش عدالت در جامعه فراهم آید. در جامعه‌ای که شاخصه آن دانش و بینش باشد، پرونده‌های جنایی و حقوقی متراکم نخواهد شد و در جامعه‌ای که عقول افراد آن رشد یافته باشد، جایی برای گسترش فساد و ظلم و تجاوز باقی نخواهد ماند.

۳. احساس بی‌نیازی: پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ضمن ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی فرمود: «يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غَنِيًّا»؛ <sup>۳</sup> «حضرت مهدی علیه السلام دل‌های امت مسلمان را از

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ح ۳۰.

۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۸، ح ۲۲.

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۹۲.

بی‌نیازی پر می‌کند». در واقع آن حالت زیاده‌خواهی انسان، ریشه‌کن، یا به‌طور چشمگیری کم می‌شود.

### پاسخ به سؤالی مهم

سؤال می‌شود که در حکومت حضرت مهدی عج وضع کافران و منافقان و به‌طور کلی غیرمسلمانان چه خواهد شد؟ آیا تمامی آنان کشته می‌شوند؟

در پاسخ به این سؤال گفته می‌شود هنگامی که انسان‌ها با هر مذهب و کیشی، می‌نگرند که جامعه‌ای براساس عدالت و ارتقای علمی برقرار شده و گنجینه‌های طبیعت در آن کشف شده است، مردم از فقر و نابسامانی نجات یافته‌اند و امنیت در شهر و روستا برقرار شده است، به اسلام روی می‌آورند. همچنین مسیحیان که در جهان بسیارند، هنگامی که مشاهده می‌کنند پیامبرشان پشت سر حضرت مهدی نماز می‌خواند و او را یاری می‌کند، آنان نیز با رغبت به امام زمان ایمان می‌آورند. مردم در صدر اسلام نیز بعد از آشنایی با اسلام و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فوج فوج به اسلام گرایش پیدا کردند؛ همان‌گونه که قرآن خبر می‌دهد و می‌فرماید: «يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (نصر: ۲)؛ در حالی که وضع جامعه و گسترش عدالت و رفاه و آگاهی از تعالیم حیاتبخش اسلام در زمان ظهور حضرت مهدی عج قابل مقایسه با صدر اسلام نیست.

بنابراین اگر انسان‌ها با عقل و فکر حرکت کنند، به اسلام و امام زمان ایمان می‌آورند. البته در هر زمانی نیز گروهی معاند خودخواه و کوتاه‌فکر هستند که می‌خواهند فکر خود را بر همگان تحمیل کنند و در حکومت و جامعه، فتنه ایجاد کنند که باید با چنین افرادی برخورد شود؛ همان‌گونه که عقلاً، این برخورد را منصفانه و به نفع جامعه می‌دانند. پس امام زمان عج نیز قطعاً با چنین افرادی برخورد خواهد کرد.

صدها چراغ دارد و بی‌راهه می‌رود بگذار تا بیفتند و ببند سزای خویش

چهره حکومت مهدی علیه السلام از دیدگاه نهج البلاغه

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام خبر داده است که در آینده مردم به ما روی می آورند و

این چنین فرمود:

لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ:  
«وَتُرِيدُ أَنْ تُنَمَّنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَجَعَلَهُمُ  
الْوَارِثِينَ»<sup>۱</sup>

دنیا پس از سرکشی، به ما روی می کند؛ چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد. [سپس] حضرت این آیه را خواند: «ما اراده کرده ایم تا بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

گفتنی است «ابن ابی الحدید» در «شرح نهج البلاغه» می نویسد:

وَ اصْحَابُنَا يَقُولُونَ: أَنَّهُ وَعَدَ بِإِمَامٍ يَمْلِكُ الْأَرْضَ وَ يَسْتَوْلِي عَلَى الْمَمَالِكِ.<sup>۲</sup>

اصحاب ما (معتزله) می گویند: این کلام علی علیه السلام وعده ای است از جانب حضرت، به آمدن امام و رهبری که حکومت و سیطره او تمام روی زمین را خواهد گرفت.

معلوم است که چنین امامی به اعتقاد شیعه و سنی غیر از حضرت مهدی علیه السلام نخواهد بود. وضعیت روزگار مولایمان علی علیه السلام با الان بسیار تفاوت کرده است؛ زیرا اگر آن روز جنازه حضرت را مخفیانه دفن کردند که مبادا به جنازه و قبر حضرت جسارتی شود، امروز دانشمندان مسیحی همچون «جرج جرداق» و دانشمندان مادی همچون «شبللی شمیل» مدیحه سرای حضرت اند. اگر آن روز ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله را به همراه فرزندان و اصحاب باوفایش با لب تشنه سر از بدنشان جدا ساختند، امروز میلیون ها نفر در جهان به او عشق می ورزند و حتی عده ای از غیرمسلمانان نیز متوجه عظمت و جلالت حضرت شده اند، تا جایی که با نذر و توسل به ایشان از خداوند حاجات خود را

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲۹.



می‌گیرند. اگر آن روز، برخی امام صادق (ع) را نشناختند و به سراغ ابوحنیفه رفتند، امروز علم و دانش شاگردان امام صادق در روایات و احادیث رسیده از ایشان، چشم خردمندان و دانشمندان را خیره کرده است.

حضرت علی (ع) درباره کیفیت حکومت حضرت مهدی (عج) در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه سخنانی دارد که تمام شارحان نهج البلاغه می‌گویند<sup>۱</sup> گرچه اصل خطبه به حوادث مهم آینده مربوط است، اما بخشی از فرازهای آن اختصاص به عصر ظهور حضرت مهدی (عج) دارد. در این کلام حضرت به چهار ویژگی مهم حکومت حضرت مهدی (عج) اشاره می‌کند و می‌فرماید:

يَعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ... فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرِ وَجُحْيِ مَيْتِ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ.

او (حضرت مهدی (عج)) خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند. درحالی‌که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد... او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید و کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) را که تا آن روز متروک ماندند، زنده می‌کند.

۱. حضرت، خواسته‌ها و هوس‌ها را به سوی هدایت الهی سوق می‌دهد بعد از آنکه مردم، هدایت الهی را بر خواسته‌های خود ترجیح دادند.

اکنون گروهی نه تنها از خواسته‌های دل پیروی می‌کنند، بلکه به هوس‌های نفسانی خود، رنگ دین و خدا و اسلام می‌زنند و پیروی از نفس اماره را «اله» خود می‌دانند. پروردگار به پیامبر اکرم خطاب می‌کند و می‌فرماید:

﴿أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می‌توانی به دفاع از او برخیزی [و او را هدایت کنی]؟! (فرقان: ۴۳)

استاد بزرگوار، شیخ مرتضی حائری رحمته الله، این آیه را برای شاگردان خود می‌خواند و می‌فرمود:

کسی که خواسته‌های دل خود را رنگ خدایی زند و آن را دین و صراط مستقیم تصور کند، هیچ‌کسی نمی‌تواند او را به راه راست راهنمایی کند. حتی نفس گرم پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در او اثری نمی‌گذارد.

اگر این حالت در یک فرد، این‌گونه او را از حق و حقیقت دور می‌کند آن‌گاه که، جامعه به این صورت درآید چه می‌شود؟! از این کلام حضرت علی علیه السلام استفاده می‌شود که قبل از ظهور، وضع جامعه مسلمانان در چنین شرایطی قرار می‌گیرد و حضرت با ظهور خود، هدایت الهی و احکام اصیل اسلامی را حاکم می‌کند.

### پاسخ به یک سؤال

دانستیم که در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، جلوی هواپرستی گرفته می‌شود و خواسته ناروای دل، به موازین شرعی و دستورهای الهی هدایت می‌شود. اما ممکن است کسی سؤال کند آیا در عصر حکومت حضرت، به‌طور کامل هواپرستی از میان می‌رود؟ آیا نفس اماره دیگر وجود ندارد تا مردم را به اعمال زشت و ناپسند دعوت کند؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت بسیار بعید است که در عصر ظهور، نفس اماره به‌طور کامل از بین رود و مردم از افراط و تفریط در تمایلات و غرایز نجات یابند؛ زیرا سرشت انسان‌ها از عقل و شهوت ترکیب شده است و آیاتی همچون «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»، «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»، «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» و... می‌رساند که در عصر ظهور نیز نفس اماره حکمفرما و برقرار خواهد بود.

اما پیروان هوا و هوس به دو دسته تقسیم می‌شوند: گاهی این افراد از شخصیت‌های سرشناس و چهره‌های معروف اجتماعی و سیاسی‌اند و می‌خواهند به هر شکل، به آرزوی خود برسند، اگرچه نظم و وحدت جامعه در هم بریزد؛ مانند بنیانگذاران سقیفه

بنی‌ساعده. این‌گونه اشخاص باعث فتنه و اخلال در نظم و آرامش‌اند. آنان گاهی از طریق قلم و مطبوعات، گاهی از طریق سخنرانی و تبلیغات، و گاهی از طرق دیگر جامعه‌ای را به آشوب می‌کشند و مردم را به جان یکدیگر می‌افکنند. این نوع هواپرستی و خودکامگی قطعاً در حکومت حضرت مهدی نخواهد بود و هرگز اجازه داده نمی‌شود که یک مقاله‌نویس یا رئیس قبیله یا رهبر حزب و سازمانی هر جور که دلخواه اوست عمل کند.

اما در مواردی، هواپرستی در زندگی و روش شخصی افراد است، مانند چشم‌چرانی، دستبرد به مال مردم، ضایع کردن حقی از دیگران و... . گرچه با ارتقای علم و عقل، مردم با یکدیگر مهربان و نیکوکار می‌شوند، اما این نوع هواپرستی‌ها وجود خواهد داشت. البته بر اثر سیطره قانون در همه‌جا، این هواپرستان نیز نمی‌توانند هرگونه که دلشان می‌خواهد عمل کنند؛ برای مثال در روایات آمده است<sup>۱</sup> اگر پیرزنی طبقی از طلا و جواهر بر سر گیرد و به تنهایی و پیاده از شهری به شهری رود، کسی مزاحم او نمی‌شود و در ثروت او طمع نمی‌کند.

این روایت دلالت نمی‌کند که تمامی افراد در آن عصر اهل تقوا و عدالت خواهند بود. بلکه بدان معناست که اگر کسی هم بخواهد به ثروت این پیرزن، آن هم در بیابان‌ها، تعرض کند، از قانون خوف دارد؛ چون در روایات آمده است تمام کره زمین مقابل امام زمان مانند کف دستی می‌ماند که به تمامی نقاط آن اشراف کامل دارد و براساس عدالت با مردم رفتار می‌کند و در این راه هیچ‌گونه چشم‌پوشی نخواهد کرد.<sup>۲</sup> همچنین حضرت یارانی دارد که آنان را در شهرها می‌گمارد و برنامه آنها رفع ظلم و آبادکردن بلاد است و حضرت آنها را در همه حال می‌نگرد و آنان نیز حضرت را می‌بینند.<sup>۳</sup>

۱. جزوه امام زمان، مؤسسه در راه حق، ص ۸۹.

۲. رک: غیبت نعمانی، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۳. دادگستر جهان، ص ۳۱۹.

آری، بدین گونه است که حضرت مهدی علیه السلام و یاران او می توانند مسئولیت خود را در دگرگونی چهره جهان به خوبی انجام دهند.

۲. متأسفانه امروزه مسلمانان از هر فرقه و مذهبی، نظرات خود را بر قرآن تحمیل می کنند. جبری مسلک، قرآن را طرفدار جبر می داند و تفویضی، طرفدار تفویض. اشاعره برای افکار خودشان به قرآن استناد می کنند و معتزله نیز برای راه و روش خود به قرآن تمسک می جویند. البته این تفرقه در امت اسلام، معلول پیروی نکردن از مفسران و عالمان واقعی قرآن است؛ کسانی که پیامبر به تواتر آنها را معرفی کرده و فرموده است: «إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ التَّحْلِينَ كِتَابِ اللَّهِ وَعِزَّتِي». کتاب خدا و عترت می تواند شما را هدایت کند و کنار حوض کوثر شما را به من برساند.

آری، زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، تمامی نظرات باطل، برچیده می شود و تمام افراد با معنای حقیقی قرآن آشنا می شوند. بنابراین طبق فرمایش حضرت علی علیه السلام، در زمان ظهور مهدی علیه السلام این امر مهم واقع می شود و تمامی اقشار از قرآن پیروی می کنند؛ آن هم قرآنی که از طرف اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر می شود.

۳. حضرت مهدی علیه السلام سیره و روش دادگرنه‌ای را به جهانیان نشان می دهد و مردم با حقیقت واژه عدالت آشنا می شوند و آن را در تمامی شئون زندگی خود لمس می کنند.

۴. در عصر حکومت حضرت، تمام احکام فراموش شده قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله احیا می شود و حکومت و مردم به آن احکام توجه می کنند. امام صادق علیه السلام فرمود:

زمانی که به حضرت قائم، اذن ظهور داده می شود، حضرت بالای منبر می رود و مردم را به سوی خود دعوت می کند و به خداوند متعال قسم می خورد که براساس سنت و روش

پیامبر عمل کند.<sup>۱</sup>

## توصیف عدل گستری مهدی از زبان علی علیه السلام

گفتنی است کسی چون علی بن ابی طالب که خود مظهر عدل و عدالت خواهی است، می تواند از چگونگی حکومت مهدی سخن بگوید؛ کسی که دوست و دشمن او را به عظمت و پاکی می شناسند و می دانند که او حتی حاضر نشد به برادر خود مقداری بیشتر از بیت المال بدهد و درباره معاویه فرمود: «تلاش خواهم کرد تا زمین را از این شخص وارونه و این جسم کج اندیش پاک سازم».

تفاوت بسیار وجود دارد میان حکومتی که مردم عادلانه اش بدانند، با حکومتی که علی علیه السلام آن را عادلانه بداند و درباره آن بفرماید: «فَإِیْرِکُمْ کَیْفَ عَدْلُ السَّیْرَةِ»؛ «روش دادگرانه را به شما نشان خواهد داد». دو نام است که همیشه با کلمه «عدل» قرین بوده است: ۱. نام علی علیه السلام؛ ۲. نام مهدی علیه السلام. اما نکته درخور توجه آن است که علی علیه السلام نیز به انتظار حکومت حضرت مهدی علیه السلام است. پس ما نیز دعا می کنیم: «اللَّهُمَّ اَرِنَا الطَّلْعَةَ الرَّشِیْدَةَ وَالغُرَّةَ الْحَمِیْدَةَ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَعْوَانِهِ وَانصَارِهِ آمین رَبِّ الْعَالَمِیْنَ؛ خداوند! آن طلعت زیبای رشید را به ما بنمایان و نشان ده و از پرده غیبت پدیدار کن و ما را از یاوران و یارانش قرار ده، آمین رَبِّ الْعَالَمِیْنَ».

ای شاهد حسن غیب یزدانی	ای مظهر اقتدار سبحانی
ای مصلح عالم، ای جهان آرا	ای پرتو آفتاب ربانی
بازآی و جهان به عدل و داد آرای	تا چند درون پرده پنهانی
این خانه شرع را عمارت کن	از لطف که می کشد به ویرانی
ای مظهر سرّ آدم و خاتم	ای با تو عصای پور عمرانی
بازآی و بگیر کشور دین را	زین گم شدگان تیه نادانی
ای مهر سپهر علم و دین بازآی	عالم شده شام تار ظلمانی
ای رهبر عالم ای که صد خضر است	از شوق لقای تو بیابانی
ما تشنه جرعه وصال تو	تو چشمه کوثری و رضوانی
لطفی کن و خلق را ز غم برهان	بنمای رخ ای جمال سبحانی

تو ظلّ خدای فرد یکتایی تو منبع لطف و جود و احسانی  
 ما را سر خوان جود و احسانت بپذیر تو از کرم به مهمانی<sup>۱</sup>

## بشارت روند تاریخ

افزون بر آیات و روایات که از برقراری حکومتی عادلانه خبر می‌دهد، قانون هدایت عمومی و روند تاریخ نیز انسان‌ها را به چنین مدینه فاضله‌ای بشارت می‌دهد که قافله بشری خواه ناخواه به سوی اجتماعی سعادت‌مند گام برمی‌دارد.

در واقع هر غریزه و خواستی را که خداوند متعال در بشر قرار داده است، حکیمانه و دارای فایده است. البته این مطلوب و خواسته انسان یا در جهان، موجود است یا در آینده به وجود می‌آید.<sup>۲</sup> اگر انسان در خود احساس گرسنگی و تشنگی می‌کند، غذا و آب در خارج موجود است و اگر در خود احساس نیاز به پژوهش و کشف مجهولات می‌کند، راه عالم‌شدن موجود است و انسان می‌تواند به مطلوب خود برسد.

با توجه به این مقدمه، می‌نگریم که هر انسانی براساس فطرت خود احساس می‌کند که از بدی و ظلم متنفر است و به خوبی و عدالت گرایش دارد؛ اگرچه از زمان وقوع این ظلم یا عدالت خواهی، قرن‌ها گذشته باشد و هیچ ربطی به زمان و عصر حاضر نداشته باشد. پس وجود چنین خواسته و طلبی در نهاد انسان، بهترین دلیل برای تحقق آن است؛ یعنی روزی خواهد آمد که جامعه بشری پر از عدل می‌شود و همگان با صفا و صمیمیت کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید:

بشر از روزی که در بسیط زمین سکنا ورزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت [به تمام معنا] می‌باشد و به امید رسیدن چنین روزی قدم برمی‌دارد و اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد وی نقش

۱. الهی قمش‌های.

۲. چون طلب و مطلوب از باب تضایف است و وجود یکی بدون امکان‌پذیری فرد دیگر، ممتنع است.

نمی‌بست؛ چنان‌که اگر غذایی نبود، گرسنگی نبود و اگر آبی نبود، تشنگی تحقق نمی‌گرفت و اگر تناسلی نبود، تمایل جنسی تصور نداشت. از این‌رو به حکم ضرورت (جبر) آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز جامعه بشری پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا همزیستی نماید و افراد انسانی، غرق فضیلت و کمال شوند و البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای منجی جهان، و به لسان روایات، «مهدی» خواهد بود.<sup>۱</sup>

### جواب به یک سؤال

برخی می‌پرسند چطور امام عصر عجل الله تعالی فرجه با گروهی اندک، نهضت خود را آغاز می‌کند و با تغییر کلی در جهان، نظامی اسلامی، عدالت‌محور و به دور از هرگونه ظلم و ستم را بر پا می‌کند؟

در جواب باید گفت که نحوه پیروزی بیشتر نهضت‌های الهی در طول تاریخ تا موقع پیروزی بر مردم مخفی بوده است؛ برای مثال نحوه پیروزی موسی و بنی‌اسرائیل تا لحظه غرق فرعون و فرعونیان نامعلوم بود و نیز نحوه پیروزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کمی یاران و نداشتن وسایل مادی و سلاح جنگی برای کسی معلوم نبود. هرگز کسی نمی‌دانست این پیامبری که پس از سیزده سال نهضت و دعوت، از وطن اصلی خود، یعنی مکه، مخفیانه هجرت می‌کند، چگونه می‌تواند پیروزمندانه به این شهر برگردد که همگی تسلیم او شوند. اما دیدیم که همین‌طور شد و خداوند بزرگ به او بشارت می‌دهد و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْ مَعَادٍ﴾؛ «آن کسی که قرآن را بر تو لازم کرد، تو را به جایگاهت (زادگاهت) باز می‌گرداند» (قصص: ۸۵). همچنین قرآن به صاحبان ایمان و عمل شایسته وعده می‌دهد که آنان را حکمران روی زمین خواهیم کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشیدیم:

۱. شیعه در اسلام، طباطبایی، ص ۳۲۳.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (نور: ۵۵)

خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید.

همچنین توجه به کیفیت پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) این شبهه را برطرف می‌سازد؛ زیرا امام با دست خالی به مقابله با طاغوت ایران برخاست و کم‌کم یارانی پیدا کرد و پس از سال‌ها زندان و تبعید، سرانجام نظام شاهنشاهی را سرنگون کرد و ارتش مسلح او را بدون داشتن یک سلاح، به خود متوجه ساخت و مهم‌تر اینکه خوف و هراس را در دل ستمگران شرق و غرب افکند؛ به گونه‌ای که تمام آنها مقابل این نهضت اسلامی موضع گرفتند.

نقل شده است که یکی از نشریات خارجی در زمان حضور امام خمینی در پاریس، عکس ایشان را چاپ کرد و در زیر آن نوشت: «هذا المنفى أزعج الشرق، حير الغرب و شغل العالم»؛ «این شخص تبعیدی، شرق را به زحمت انداخت و غرب را متحیر ساخت و جهان را به خود سرگرم و مشغول کرد».

اگر نماینده‌ای از نمایندگان امام عصر (عج) همچون امام خمینی چنین طوفانی در جهان ایجاد می‌کند، نهضتی که به دست مبارک حضرت و با ۳۱۳ نفر از تربیت‌شدگانش اتفاق خواهد افتاد، به یقین ریشه ظلم و فساد را در جهان می‌خشکاند و اسلام و احکام حیات‌بخش آن را بر روی زمین حاکم خواهد کرد.

نکته دیگری که در نهضت حضرت در خور توجه است برخورداری حضرت از امدادهای ویژه الهی است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. هر یک از اصحاب و یاران حضرت، توانایی چهل مرد را دارند و قلب آنان از آهن، استوارتر است و اگر بر کوه‌های آهن برخورد کنند، آن را از جا می‌کنند.<sup>۱</sup>



۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «زمین چنان برای او مسطح می‌شود که گویی تمام عالم در کف دست‌های مبارک اوست و از کوچک‌ترین حادثه باخبر خواهد بود».<sup>۱</sup>

۳. نزول حضرت عیسی و اقتدای ایشان به حضرت مهدی علیه السلام باعث می‌شود بیشتر اهل کتاب نیز هشیار شوند و به امام زمان علیه السلام اقتدا کنند. علامه طباطبایی در ذیل آیه ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾؛ «و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این‌که پیش از مرگش به او (حضرت مسیح) ایمان می‌آورد» (نساء: ۱۵۹) به این مطلب اشاره می‌کند و بعضی از روایات را در این رابطه نقل می‌کند.<sup>۲</sup>

### خلاصه گفتار یازدهم

آنچه مسلم است حضرت مهدی علیه السلام برقرارکننده حکومتی خواهد بود که انبیای عظام و ائمه اطهار علیهم السلام به دنبال آن بودند که آیه ۲۵ سوره حدید و آیه ۴۱ سوره حج بیانگر آن است؛ به عبارت دیگر آن حضرت بنیان‌گذار حکومتی است که با تعالیم حیات‌بخش اسلام منطبق باشد؛ زیرا رعایت فقه، حقوق و اخلاق اسلامی، دنیای ما را به مدینه فاضله تبدیل می‌کند؛ برای مثال اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اجرا شود، نتیجه آن را در جامعه مشاهده خواهیم کرد. با نگاهی به حکومت کوتاه‌مدت علی علیه السلام متوجه می‌شویم که اسلام چگونه حکومتی را برای مردم طراحی کرده است.

اگر انبیا به حکومت دلخواه خود نرسیدند، از هدایت مردم غافل نشدند و خداپرستان بسیاری را در جهان پرورش دادند. همچنین با دورنمای حکومت حضرت از دیدگاه قرآن آشنا شدیم. چهره حکومت حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات، و شرطی را که حضرت مهدی علیه السلام با پیروان خود در موقع بیعت می‌گذارد، بیان کردیم.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۹۶.

۲. المیزان، ج ۵، ص ۱۴۱ به بعد.

در عصر ظهور دو چیز ارتقا پیدا می‌کند: ۱. سطح علم و دانش؛ ۲. نیروی فکر و تعقل. به یقین در چنین جامعه‌ای زمینه شیوع فساد فراهم نیست و همین دو چیز باعث می‌شود که غیرمسلمانان به اسلام گرایش پیدا کنند. بله، اگر گروهی بخواهند بعد از اتمام حجت، لجاجت به خرج بدهند، با آنها برخورد خواهد شد.

در کلام مولایمان علی علیه السلام فرازهایی آمده است که ساختار حکومت حضرت مهدی علیه السلام را نشان می‌دهد. حضرت فرمود: «اهل دنیا بعد از سرکشی‌هایشان، سرانجام به ما روی می‌آورند و به سوی ما تمایل پیدا می‌کنند».

حضرت علی علیه السلام در فراز دیگری، چهار ویژگی برای حکومت حضرت مهدی علیه السلام بیان می‌کند:

۱. هواپرستی‌ها و خواسته‌های دل را به هدایت و صراط مستقیم برمی‌گرداند؛  
 ۲. نظریاتی را که بر قرآن تحمیل شده است و هر فرقه‌ای قرآن را با رأی خود تفسیر کرده است، به رأی واحد برمی‌گرداند که آن تفسیر قرآن از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛

۳. حضرت مهدی علیه السلام سیره و روش دادگرانه‌ای را به جهانیان نشان خواهد داد؛

۴. احکام واقعی فراموش شده اسلام را با اجرا کردن دوباره زنده می‌کند.

نکته درخور توجهی که در کلام حضرت علی علیه السلام وجود دارد، این است که شخصیتی مثل علی علیه السلام که خود مظهر عدل است می‌فرماید: «مهدی با ظهور خود آن حکومت عادلانه را به بشر نشان می‌دهد». در پایان بحث، به قانون هدایت عامه و جبر تاریخ اشاره کردیم که براساس آن، قافله بشر در آینده به یک مدینه فاضله خواهد رسید؛ زیرا عدالت‌خواهی و تنفر از ظلم و تجاوز در نهاد بشر نهفته است و هر غریزه‌ای که در انسان هست، قطعاً مطلوب آن نیز دیر یا زود محقق می‌شود. به عبارت دیگر، براساس قانون هدایت عامه که هر نوعی را به کمال خود راهنمایی می‌کند، نوع انسان نیز روزی به دست حضرت مهدی به کمال خود می‌رسد و مدینه

فاضله را بنیان می‌نهد. در این رابطه کلام جامع و ارزنده علامه طباطبایی را نیز نقل کردیم.

در خاتمه به سؤال «چگونه حضرت مهدی علیه السلام با لشکریان کم می‌تواند حکومت عدل اسلامی در جهان ایجاد کند» پاسخ مناسب داده شد.

### سوالات گفتار یازدهم

۱. حکومت مورد قبول قرآن و انبیا در آیه ۲۵ حدید و آیه ۲۱۳ بقره چگونه تعریف شده است؟

۲. چه باید کرد تا عدالت اجتماعی در جامعه حاکم شود؟

۳. حضرت علی علیه السلام بعد از سلطه‌یافتن بر شریعه آب در صفین، چه دستوری صادر کرد؟

۴. چرا علی علیه السلام هنگام عصر به دشمن حمله می‌کرد؟

۵. دانشمند مسیحی که چندین جلد کتاب در شخصیت و فضایل علی علیه السلام نوشته، کیست و کتاب خود را چه نامیده است؟

۶. انبیای عظام زمانی که به حکومت دلخواه خود نرسیدند، چه نقشی را در جامعه ایفا می‌کردند؟

۷. چند مورد از ویژگی‌های حکومت حضرت را از دیدگاه روایات بیان کنید؟

۸. حضرت در ضمن بیعت با مردم چه شرطی را مطرح خواهد کرد؟

۹. بنا به فرموده امام صادق علیه السلام، علم چند حرف است؟

۱۰. آیا کافران و تبهکاران همگی کشته می‌شوند؟

۱۱. حضرت علی علیه السلام در حکمت ۲۰۹ نهج البلاغه چه می‌فرماید؟

۱۲. در کلام حضرت علی علیه السلام چهار ویژگی برای حکومت حضرت مهدی علیه السلام مطرح شده است، آنها را نام ببرید.

۱۳. آیا در حکومت حضرت مهدی علیه السلام هیچ‌گونه سرکشی و هواپرستی یافت نمی‌شود؟

۱۴. جبر تاریخ و قانون هدایت عامه، چه بشارتی به انسان‌ها می‌دهد؟
۱۵. کلام علامه طباطبایی در رابطه با قانون هدایت عامه چه بود؟
۱۶. امام زمان علیه السلام چگونه بر جهان غلبه می‌کند؟
۱۷. خلاصه این گفتار را بیان کنید.

کفتار دوازدهم:

پاسخ به سوالات



اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفْعَاءَ اقْرَبَ إِلَيْكَ  
مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأئِمَّةِ الْأَبْرَارِ  
لَجَعَلْتُهُمْ شُفْعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي  
أَوْجَبَتْ لَهُمْ عَلَيْكَ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي  
فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ،  
وَفِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ<sup>۱</sup>.

خدایا اگر من شفیعی را می‌یافتم که نزدیک‌تر باشند به درگاهت

از محمد و خاندان نیکویش، آن پیشوایان نیکوکار

به‌طور مسلم آنها را شفیعان خود قرار می‌دادم. پس از تو می‌خواهم بدان حقی که برای

ایشان بر خود واجب کردی که مرا

در زمره عارفان به مقام آنها و به حق آنها قرارم ده

و در زمره کسانی که به وسیله شفاعت آنها مورد مهر قرار گرفته‌اند که تو مهربان‌ترین

مهربانان هستی.

---

۱. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.





## مقدمه

همان‌گونه که با مطالعه مباحث گذشته ملاحظه کردید، بحث «مهدویت در اسلام» بحثی گسترده و مهم است که از قرآن، روایات و عقل ریشه می‌گیرد و دارای ابعاد گوناگونی همچون غیبت، انتظار، کیفیت حکومت حضرت و... است. مطالعه یا بررسی چنین مطالبی، بی‌شک سؤالاتی را برای مخاطبان به وجود می‌آورد. این سؤالات گاهی به مباحث اصلی مهدویت مانند فلسفه غیبت، فایده امام غایب و... مربوط می‌شود که در خلال مباحث گذشته مطرح شد و جواب کافی نیز به آنها داده شد.

اما گاهی سؤالات، از مسائل فرعی این بحث است تا موضوع مهدویت بیشتر روشن شود. بنابراین مناسب دیده شد که بعضی از این سؤالات را در گفتاری جداگانه مطرح کنیم و به آنها پاسخ دهیم.

### ۱- علائم قطعی ظهور در روایات

درباره نشانه‌های حتمی ظهور مانند خروج دجال، سفیانی، سید حسنی و ندای آسمانی توضیحاتی داده شود.

پاسخ: حوادث قبل از ظهور (علائم ظهور) به دو بخش تقسیم می‌شود:<sup>۱</sup>

۱. علائم غیر حتمی: حوادثی است که احتمال وقوع آنها داده می‌شود و چنانچه واقع شود، می‌توان به نزدیکی ظهور امیدوار شد. این علائم زیاد است؛ مانند خراب شدن

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۰ از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند: «إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ، أُمُوراً مَوْقُوفَةً وَأُمُوراً مَحْتَمَةً».

بغداد بعد از آنکه در کمال آبادی باشد و خروج خراسانی از خراسان که باعث فتنه عظیمی خواهد شد.

۲. علائم حتمی: حوادثی است که قبل از ظهور حتماً به وقوع می‌پیوندد که در رأس همه آنها شیوع ظلم و فساد و گناه است که بحث آن در گفتار دهم با عنوان «علائم قبل از ظهور» به تفصیل گذشت و گفته شد که در این زمینه بیش از سیصد روایت وجود دارد که بنابر آنها، حضرت مهدی علیه السلام بعد از پرشدن دنیا از ظلم و جور ظهور می‌کند. همچنین حوادث دیگری مثل دجال، خروج سفیانی، سید حسنی و ندای آسمانی از این علائم خواهد بود.

#### امکان ظهور، قبل از وقوع علائم قطعی

از بعضی از روایات استفاده می‌شود که علائم حتمی نیز ممکن است تغییر کند و حضرت قبل از وقوع آنها ظهور کند؛ برای مثال امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: «فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ»؛ «انتظار فرج و امید ظهور حضرت را در هر صبحگاهان و شامگاهان داشته باشید». اگر وقوع این حوادث، قطعی و یقینی باشد، دیگر انتظار در هر صبح و شام، معنا و مفهوم نخواهد داشت. همچنین امیرمؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «مهدی، از ما اهل بیت است و خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح می‌کند».<sup>۲</sup>

حضرت عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل می‌کند که قائم ما همان مهدی است و آن‌گاه فرمود:

در زمان غیبت باید در انتظارش بود و در زمان ظهور باید اطاعتش کرد. او سومین فرزند من است. قسم به خداوندی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیغمبری مبعوث، و ما را به امامت منصوب کرد، اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن را

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵.

۲. کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۶۷.

طولانی می‌کند تا آن‌جناب ظاهر شود و زمین را از عدل و داد پرکند؛ چنان‌که از ظلم و جور پر شده است. خداوند متعال امر فرج را در یک شب اصلاح می‌کند؛ چنان‌که امر کلیم خود، یعنی موسی‌بن‌عمران را در شبی اصلاح کرد؛ موسی رفت تا برای همسرش آتش بیاورد، ولی با تاج نبوت و رسالت برگشت. سپس فرمود: «یکی از بهترین اعمال شیعیان، انتظار فرج است».<sup>۱</sup>

همچنین امام حسین علیه السلام فرمود: «در نهمین فرزند من سستی از یوسف، و سستی از موسی به وقوع خواهد پیوست و اوست قائم ما اهل بیت که خداوند کارش را در یک شب اصلاح می‌کند».<sup>۲</sup>

از این روایات استفاده می‌شود که نباید هیچ شب و روزی، از ظهور حضرت ناامید بود؛ زیرا ممکن است که ظهور حضرت در یک شب واقع شود؛ اگرچه علائم ظهور واقع نشده باشد. به‌طور کلی روایاتی که تحریص و ترغیب می‌کند که همیشه در حال انتظار باشید و نیز آیه شریفه «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»؛ «خداوند هرچه را بخواهد محو، و هرچه را بخواهد ثابت نگه می‌دارد، و ام‌الکتاب (لوح محفوظ) نزد اوست» (رعد: ۳۹)، شاهد بر همین مطلب است. بنابراین ما باید در هر روز و شب و در هر ساعت و لحظه‌ای منتظر فرج باشیم و در امر ظهور حضرت با تمام وجود دعا کنیم تا شاید انشاءالله در ظهورش تعجیل شود و صاحبان ایمان و منتظران حضرتش خوشحال شوند. البته در روایات فراوانی<sup>۳</sup> اشاره شده است که چند چیز حتماً قبل از ظهور واقع می‌شود؛ مانند خروج سفیانی، دجال، سید حسنی، ندای آسمانی و فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیدا. از این رو مناسب است برای آگاهی از این حوادث و آشنایی با افراد مذکور، توضیح مختصری درباره آنها ارائه کنیم:

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۳۳.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۲۹۴.

## سفیانی کیست؟

یکی از علائم حتمی که از روایات متعددی استفاده می‌شود، آن است که پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، مردی از نسل ابوسفیان خروج می‌کند. او خود را در شکل صلحا جلوه می‌دهد و دائم ذکر الهی می‌گوید. ولی شخص بسیار خبیث و پلیدی است. در نتیجه بسیاری از مردم را فریب می‌دهد و با خود همراه می‌کند و بعضی از مناطق مثل شام، فلسطین و اردن را تصرف می‌کند و گروه زیادی از شیعیان را به قتل می‌رساند. به‌ویژه در کربلا و نجف افراد بسیاری را می‌کشد و یاران او اعلام می‌کنند که هرکس سر یک نفر از شیعیان علی بن ابی طالب را بیاورد، هزار درهم جایزه به او داده می‌شود. گروهی از لشکریان خود را که حدود سیصد هزار نفر خواهند بود به سمت مکه روانه می‌کند و چون به مدینه می‌رسند، سه روز در آنجا خرابی و قتل عام می‌کنند و از آنجا به سمت مکه حرکت می‌کنند. چون به زمین «بیدا» می‌رسند که منطقه‌ای بین مدینه و مکه است، با تمامی سلاح و وسائلی که دارند در زمین فرو می‌روند. در روایات، یکی از علائم حتمی را همین فرورفتن لشکر سفیانی در بیدا با عنوان «خسف الأرض» معرفی کرده است. بعد از آگاه‌شدن سفیانی از هلاکت لشکریانش، از شام به سمت کوفه حرکت می‌کند و در آنجا به خرابی و فساد مشغول می‌شود و چون لشکر حضرت مهدی علیه السلام به کوفه می‌رسد، او به طرف شام می‌گریزد. حضرت گروهی را به دنبال او می‌فرستد و سرانجام در بیت المقدس او را می‌کشند.<sup>۱</sup>

## خروج دجال

از دیگر علائم حتمی، خروج دجال است که در روایات فراوانی به آن اشاره شده است. دجال در نزدیکی ظهور حضرت مهدی علیه السلام خروج می‌کند. او را چنین توصیف کرده‌اند: مردی است کافر و دارای یک چشم در پیشانی است و بر جبین او نوشته شده که او کافر است و همگان از کفر او آگاه‌اند. در زمان خروج او قحطی و گرانی، مردم را

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، باب علامات ظهور، ص ۱۸۱؛ کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۴۱.

آزار می‌دهد. او در سحر و جادو بسیار ماهر و قوی است. مردم پیش روی او کوه سیاهی می‌نگرند که آن را کوه نان، و نیز کوه سفیدی پشت سر او احساس می‌کنند که چشمه‌های آب زلال از آن روان است که آن را کوه آب تصور می‌کنند. از نهرها و دریاها عبور می‌کند و شیاطین دور او را می‌گیرند و با نغمه‌های جذاب، گروه بسیاری را به دنبال خود می‌کشاند و با صدایی که تمام جهانیان می‌شنوند ندا می‌کند: «من خدای بزرگ شمایم که شما را آفرید و روزی برای شما می‌رساند. به سوی من بشتابید». گروهی به‌ویژه ملت یهود از او پیروی می‌کنند و سرانجام میان لشکر او و لشکر حضرت مهدی علیه السلام جنگ واقع می‌شود و شخص دجال به دست حضرت مهدی علیه السلام یا به دست حضرت عیسی علیه السلام کشته می‌شود.

درباره اینکه دجال در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متولد شده است و دارای عمر طولانی خواهد بود یا آنکه در همان نزدیکی ظهور حضرت مهدی علیه السلام متولد می‌شود، دو نظریه بین صاحب نظران وجود دارد.

### دجال و طول عمر

برخی می‌گویند دجال زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شده است و نام او «عبدالله» یا «صائب‌بن‌صید» است. در روایات عامه و خاصه چنین آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله با بعضی از اصحاب به خانه او رفت و او را به اسلام و ایمان دعوت کرد و او گفت که من از تو سزاوارتر به نبوت و رسالتم و طبق روایتی حضرت به فرشته‌ای دستور می‌دهد که او را به یکی از نواحی زمین منتقل سازد تا موقع خروجش فرا برسد. عامه طبق روایتی که از صحیح مسلم و سنن ابی‌داود نقل شده است به همین نظریه معتقدند و می‌گویند که دجال از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا ظهور مهدی موعود علیه السلام زنده است و او را یکی از معمرین دنیا می‌دانند. «مرحوم صدوق» در کتاب «کمال‌الدین»<sup>۱</sup> در این مقام با علمای عامه سخنی دارد.

۱. کمال‌الدین، باب ۴۷، ذیل حدیث ۲.

مضمون کلام ایشان این است که اهل عناد و لجاج، براساس نقل خبر مذکور، غیبت و طول عمر دجال را تصدیق می‌کنند؛ با اینکه او عنصری کافر و فاسد است. اما طول عمر حضرت قائم علیه السلام را با آن همه روایات و بیان خصوصیات انکار می‌کنند؛ با اینکه او را منجی و اصلاح‌کننده جامعه بشری می‌دانند.

### دجال یعنی دروغگوی فتنه‌انگیز

بعضی دیگر معتقدند که دجال به معنای دروغگوی فتنه‌انگیز است که در هر زمانی به شکلی خود را جلوه می‌دهد و این افراد، هم در عصر انبیای گذشته، و هم در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بودند و امروز نیز هستند. خلاصه دجال نام شخص معینی نیست. شاهد بر مطلب اینکه در کتاب‌های روایی آمده است که پیغمبر اسلام مردم را از فتنه دجال می‌ترسانید و می‌فرمود: «خداوند پیامبری را مبعوث نکرد، مگر اینکه قوم خودش را از فتنه دجال می‌ترسانید».<sup>۱</sup>

از سنن ابی داود نقل شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه سی نفر دجال که خود را پیغمبر می‌پندارند، ظاهر شوند». همچنین از انجیل یوحنا چنین نقل شده است: «کسی که مسیح بودن عیسی را انکار کند، دجال است». از این شواهد و قرائن استفاده می‌شود که دجال اسم شخص معینی نیست و به هر دروغگو و گمراه‌کننده‌ای اطلاق می‌شود.<sup>۲</sup> البته روایات فراوانی بیانگر آن است که قبل از ظهور حضرت مهدی یک دجال که منشأ فتنه‌انگیزی و فساد و خرابی می‌شود، پیدا خواهد شد و در دروغگویی و حقه‌بازی سرآمد تمامی دجال‌های تاریخ خواهد بود و چنین جلوه می‌دهد که آب و نان مردم به دست اوست، و مردم به‌طوری گمراه می‌شوند که گمان می‌کنند آسمان و زمین در اختیار اوست. اما اینکه آن دجال، همان دجال زمان

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۷.

۲. امروز ما شاهد رسانه‌های دروغ‌پرداز و سازمان‌های به ظاهر مدافع بشریم که با دروغ به حیات خود ادامه می‌دهند.

### گفتار دوازدهم: پاسخ به سؤالات (۳۱)

پیامبر ﷺ، یعنی صائب بن صید باشد، معلوم نیست و حدیثی هم که دلالت بر زنده بودن دجال تا موقع ظهور حضرت می‌کند از نظر سند ضعیف است و قابل اعتماد نیست و اگر هم پیامبر صائب را دیده، و از او تعبیر به دجال کرده است، مراد همان دجال لغوی است؛ یعنی دروغگوی فتنه‌انگیز. در واقع پیامبر او را یکی از مصادیق دجال دانسته، و به اصحاب خود معرفی کرده است و چون پیامبر از خروج دجال آخرالزمان نیز خبر داده بود، این دو مطلب سبب اشتباه مردم شده است و مردم گمان کرده‌اند که دجال آخرالزمان همان صائب خواهد بود و او زنده و دارای عمر طولانی است.<sup>۱</sup>

آنچه درباره دجال از روایات استفاده می‌شود و به‌طور قطع می‌توان گفت، این است که در نزدیکی ظهور، فرد فتنه‌انگیزی پیدا می‌شود و گروه بسیاری را منحرف می‌سازد و فتنه او بالا می‌گیرد تا آنجا که نه تنها ادعای پیامبری، بلکه ادعای خدایی هم می‌کند و سرانجام به دست حضرت مهدی و اصحاب ایشان هلاک می‌شود. اما درباره سایر ویژگی‌هایش، مانند طول عمر و...، مدرک مورد اعتمادی در دست نیست. والله العالم.

#### نهضت سید حسنی

یکی دیگر از علائم حتمی در روایات، قیام و نهضت سید حسنی است. ایشان در روایات به جوانی خوش‌سیمای توصیف شده است که از ناحیه «دیلیم» و «قزوین» خروج می‌کند و از شیعیان اهل بیت و پیرو حق است. هیچ‌انگیزه‌ای برای خروجش، جز اصلاح دین و نجات مردم از ظلم و فساد ندارد و هرگز ادعای امامت و مهدویت نمی‌کند. افرادی شجاع اطراف او جمع می‌شوند و او همچون سلطانی عادل میان آنها حکمفرمایی می‌کند. کم‌کم بر عده‌ای از ستمگران غلبه می‌یابد و از قزوین تا کوفه را از وجود ظالمان پاک می‌سازد و در کوفه خبردار می‌شود که حضرت مهدی ظهور کرده، و از مدینه به کوفه آمده است. سید حسنی با اصحاب خود به خدمت حضرت مشرف می‌شوند و او به‌طور کامل به حقانیت و صداقت امام مهدی ﷺ یقین پیدا می‌کند. ولی

۱. ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۱۹۷ - ۲۷۸؛ کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۳۹؛ دادگستر جهان، ص ۲۲۳.

برای اطمینان اصحاب خود از حضرت دلایل امامت و مواریث انبیا را می‌خواهد. حضرت نیز آنها را ارائه می‌کند و پیروان سید که تا صد هزار نفر نیز نقل شده است، به حضرت ایمان می‌آورند. فقط گروه اندکی که حدود چهار هزار نفرند، ایمان نمی‌آورند. حضرت به آنها سه روز مهلت می‌دهد و آنها را موعظه و ارشاد می‌کند تا حجت بر آنها تمام شود. ولی متأسفانه آنها یا از روی لجاج یا همانند خوارج نهروان از روی جهل و خودخواهی ایمان نمی‌آورند که به دستور حضرت به هلاکت می‌رسند.<sup>۱</sup>

### ندای آسمانی

یکی دیگر از علائم حتمی موجود در روایات، برخاستن صدایی است از آسمان که شرق و غرب عالم آن را می‌شنوند. البته طبق روایات دو صدا از آسمان به گوش می‌رسد: یکی قبل از ظهور حضرت در شب بیست و سوم ماه رمضان، جبرئیل ندا می‌کند: «الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَشَيْعَتِهِ» و در وسط روز شیطان صدا می‌زند: «الْحَقُّ مَعَ عُثْمَانَ وَشَيْعَتِهِ»؛ دیگری ندایی است که مقارن ظهور در جهان طنین می‌افکند. امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت قائم در مکه داخل می‌شود و کنار کعبه قرار می‌گیرد و چون آفتاب بلند شود از جانب خورشید ندایی برمی‌خیزد که اهل زمین و آسمان می‌شنوند، می‌گوید: «این مهدی آل محمد است و او را با نام و کنیه جدش، پیامبر، یاد می‌کند و پدران او را تا علی بن ابی طالب نام می‌برد و سپس توصیه می‌کند که با او بیعت کنید و با او مخالفت نکنید که گمراه خواهید شد».

در نزدیکی غروب نیز شیطان فریاد می‌زند: «پروردگار شما در وادی یابس وارد شده، و او عثمان بن عنبسه، از فرزندان یزید بن معاویه بن ابی سفیان است [سفیانی]. با او بیعت کنید تا هدایت شوید».<sup>۲</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۵؛ کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۴۲.

۲. کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۸۴۰.



## خلاصه این سؤال و جواب

در مقدمه این گفتار بیان شد که طبیعی است برای هر پژوهشگری، به‌ویژه درباره موضوعات مهم اسلامی مانند مهدویت، سؤالاتی پیش آید. البته در این موضوع، گاهی پرسش‌ها به مسائل اصلی مهدویت مربوط می‌شود که در گفتارهای گذشته از آنها پاسخ دادیم. گاهی هم به مسائل فرعی مربوط می‌شود که در این گفتار به پاسخ برخی از این سؤال‌ها می‌پردازیم:

سؤال: درباره علائم حتمی ظهور توضیح دهید.

پاسخ: علائم ظهور به دو بخش تقسیم می‌شود: یکی علائم حتمی، مانند خروج دجال، صیحه آسمانی و... و دیگری علائم غیرحتمی، مثل خرابی بغداد، خروج خراسانی و... درباره نشانه‌های حتمی باید توجه داشت که از کلام حضرت علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام و همچنین آیه ۳۹ سوره رعد استفاده می‌شود که امکان ظهور حضرت بدون وقوع علائم حتمی وجود دارد.

سپس به سفیانی اشاره شد که از علائم حتمی ظهور است و خروج او در منطقه شام خواهد بود. او به فساد و کشتار مردم می‌پردازد و برای نابودی شیعیان تلاش فراوان می‌کند. در ادامه مقداری از نشانه‌های دجالی که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌آید، بیان شد و نیز گفته شد دجال به معنای دروغگو و حقه‌باز است و در زمان پیامبران و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دجال بوده است و در عصر ظهور نیز دجالی پیدا می‌شود. البته احادیث اهل سنت درباره طول عمر دجال زمان پیامبر مورد اعتماد نیست.

اما سید حسنی، مرد بزرگ و پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام است و بعد از خروج از ناحیه دیلم و قزوین، زمین را تا کوفه از وجود ظالمان پاک می‌کند و سرانجام خود و اصحابش به یاران امام زمان علیه السلام می‌پیوندند.

درباره ندای آسمانی نیز عرض شد که دو مرتبه صدا در آسمان ظاهر می‌شود: یکی در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان و دیگری مقارن ظهور درحالی که حضرت مهدی علیه السلام کنار کعبه قرار می‌گیرد.

## سوالات از این پرسش و پاسخ

۱. بررسی و تحقیق درباره مسائل مهم، موجب چه امری می‌شود؟
۲. علائم ظهور به چند بخش تقسیم می‌شود؟
۳. از کلام امام صادق علیه السلام که فرمود: «تَوَقَّعُوا الْفَرَجَ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ» چه استفاده می‌شود؟
۴. دو علامت از نشانه‌های حتمی ظهور را نام ببرید.
۵. سفیانی در کجا هلاک می‌شود؟
۶. آن دجالی که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام خروج می‌کند چه نشانه‌هایی دارد؟
۷. آیا دجال، از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام عمر می‌کند؟ کلام شیخ صدوق در این رابطه با علمای عامه چیست؟
۸. سیدحسینی از حضرت مهدی علیه السلام چه تقاضایی می‌کند؟
۹. مضمون دو ندای آسمانی قبل از ظهور چیست؟

## ۲- دعای ندبه

درباره سند و برخی از فرازهای دعای ندبه توضیح دهید تا اهل ایمان با اعتماد بیشتری از این دعا بهره گیرند.

پاسخ: عالم جلیل‌القدر، آیه‌الله صافی گلپایگانی، درباره این دعا، جزوه‌ای را با عنوان «فروغ ولایت در دعای ندبه» تألیف کرده است که هم درباره سند دعا، و هم درباره بعضی از فرازهای آن توضیحاتی داده است. خلاصه‌ای از مطالب جزوه با اضافات مختصری اینجا آورده می‌شود. چنانچه کسی طالب توضیح بیشتر باشد، می‌تواند به جزوه مذکور مراجعه کند.

در ابتدا باید توجه داشت که معتبردانستن دعای شریف ندبه، از اصول دین نیست و چنانچه اعتبار کافی هم نداشته باشد، هرگز به صحت عقاید شیعه خللی وارد نمی‌سازد. در واقع، نمی‌توان موضوعی مانند موضوع مهدویت را که ادله عقلی و نقلی فراوانی

دارد و حتی از مسلمّات اسلامی به حساب می‌آید، با صحت یک دعا یا یک حدیث مرتبط ساخت. گاهی شیاطین و کج‌فکران با ایجاد شک و تردید در صحت یک مسئله فرعی، افراد عوام را گمراه می‌سازند. البته پیگیری و تحقیق در مسائل اسلامی حتی درباره سند و دلالت یک روایت، نه تنها اشکال ندارد، بلکه بسیار مطلوب است.

#### بحث از سند دعای ندبه

اولاً: سیدبن طاووس<sup>۱</sup> این دعا را در کتاب «اقبال» نقل کرده است و نیز در کتاب «مزار محمدبن‌المشهدی» تألیف «شیخ جلیل محمد مشهدی حائری»<sup>۲</sup> نقل شده است، و هر دو بزرگوار فرموده‌اند:

إِنَّهُ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَجَلَ اللَّهُ فَرَجَهُ وَفَرَجَنَا بِهِ وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ.

این دعا مربوط است به صاحب‌الزمان و مستحب است در اعیاد چهارگانه، یعنی عید فطر، قربان، غدیر و جمعه خوانده شود.

همچنین این دعا در «مزار قدیم» که ظاهراً از تألیفات «قطب راوندی» می‌باشد،<sup>۳</sup> نقل شده است. بنابراین نقل دعا در هر یک از این سه کتاب، دلیل بر این است که آن شخصیت‌های بزرگ و حدیث‌شناس، این دعا را معتبر دانسته‌اند.

البته قبل از همه اینها، «محمدبن حسین بزوفری»<sup>۴</sup> که از مشایخ شیخ مفید است و شیخ مفید از ایشان روایت بسیاری نقل کرده<sup>۵</sup>، دعای ندبه را در کتاب دعای خود روایت کرده است. پس معلوم می‌شود که این دعای شریف در زمان غیبت صغرا نیز خوانده شده است.

۱. از اعلام قرن هفتم و از رجال بزرگ شیعه و صاحب مناقب و در علم و ورع و زهد معروف است.

۲. از اعلام قرن ششم و علامه مجلسی کتاب مزار ایشان را «مزار کبیر» می‌نامد.

۳. از اعلام قرن پنجم است و در کتاب «الکنی و الالقاب» او را توصیف می‌کند به عالم متبحر، فقیه، مفسر، محقق و ثقة جلیل‌القدر و از اعظم محدثان شیعه.

۴. بر وزن غضنفری به فتح اول و دوم و سکون واو و فتح فاء.

۵. آیه الله بروجردی که در علم رجال و حدیث و معرفت طبقات بسیار خبیر و آگاه بود، می‌فرمود: یکی از طرق معرفت رجال، شخصیت تلامذه است؛ یعنی وقتی مثل مفیدعلیه السلام از کسی زیاد روایت نقل کند و قدحی هم بر او نشده باشد، خود دلیل است بر اینکه چنین شخصی مورد وثوق و اعتماد نزد اوست.

«علامه مجلسی» با اطلاع وسیعی که در اخبار، رجال و معرفت اسانید دارد، گذشته از نقل دعای ندبه در «بحارالانوار» و «تحفة الزائر»، در کتاب «زاد المعاد» درباره این دعا می فرماید:

و اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقه و تأسف بر غیبت حضرت قائم علیه السلام، به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مستحب است این دعا را در چهار عید، یعنی جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر بخوانید.

به یقین کسی چون علامه مجلسی چنین شهادت محکمی را بدون مأخذ و مصدر معتبر بیان نمی کند.

ثانیاً: روایات متعددی داریم که معروف شده است به روایات «مَنْ بَلَغَ»، و عامه و خاصه این روایات را نقل کرده اند و فقهای بزرگوار ما برای اثبات حکم استحبابی مواردی که آن حکم از مدرک محکمی برخوردار نیست، به روایات «من بلغ» تمسک جسته اند و فتوای به استحباب داده اند. مفاد این روایات این است که اگر برای عملی از جانب خدا یا رسول خدا ثوابی نقل شده است و شخصی آن عمل را به امید آن ثواب انجام دهد، به ثواب می رسد؛ اگرچه آن نقل و حدیث مذکور صحیح نباشد و حکمی از جانب خدا و رسول خدا و یا ائمه اطهار که بیانگر احکام الهی اند، صادر نشده باشد. در این باره به روایتی اشاره می کنیم. امام باقر علیه السلام فرمود:

مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ التَّاسَّ ذَلِكَ الثَّوَابُ أُوتِيَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ.<sup>۱</sup>

اگر ثوابی از جانب خدا برای شخصی نقل شد و آن شخص عمل مذکور را برای رسیدن به آن ثواب انجام داد، ثواب مذکور برای او ثبت می شود، اگرچه حدیث، صحیح نبوده باشد.

فقهای عظام براساس این روایات، در ادله سنن و مستحبات تسامح می کنند و اگر

۱. سفینة البحار، ماده بلغ.

حدیث ضعیفی هم بر استحباب عملی دلالت کند، معمولاً حکم به استحباب می‌کنند؛ چنان‌که در کلام سیدبن طاووس و محمدبن مشهدی و بزوفری آمده بود که خواندن دعای ندبه در اعیاد اربعه مستحب است.

بنابراین اگر بر فرض، سندی برای دعا نیابیم یا آن سند ضعیف باشد، استحباب خواندن دعای مذکور به وسیله اخبار «من بلغ» ثابت می‌شود.

ثالثاً؛ مضامین کلی این دعا مورد تأیید قرآن و روایات است؛ زیرا در بردارنده موضوعات نبوت و ولایت علی علیه السلام است. همچنین فضایل و فداکاری‌های مولایمان علی علیه السلام و مخالفت‌هایی که اهل کینه و نفاق و جاه‌پرستان با ایشان داشتند را ذکر می‌کند. سپس دعا کننده با لسان عاشقانه و ملتسمانه، حضرت مهدی علیه السلام را مخاطب قرار می‌دهد و در پایان دعا نیز با خدا مناجات می‌کند و می‌گوید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى...» و خواسته‌های خود را با پروردگار بیان می‌کند.

به یقین، هریک از این مطالب، دارای پشتوانه عقلی و نقلی است؛ زیرا اگر حضرت مهدی علیه السلام را مخاطب قرار می‌دهیم و می‌گوییم: «کجاست آن اقامه‌کننده عدل و نابودکننده ظالمان»، صدها روایت نیز حضرت را به چنین وصفی تعریف کرده است، یا اگر در آخر دعا با خداوند مناجات می‌کنیم و حاجاتی را می‌خواهیم، آیات و روایات نیز ما را به این کار تشویق کرده است. پس می‌توان گفت متن دعای ندبه و مطالب کلی آن، بهترین مجوز برای قرائت و بهره‌گیری از آن است؛ هرچند ممکن است درک معدودی از جملات آن برای عموم آسان نباشد یا موجب شبهه شود، ولی بزرگان و صاحب‌نظران به آنها جواب‌های مناسب و کافی داده‌اند.

ندبه و گریه در مصایب و فراق عزیزان

رابعاً؛ شک نیست که هریک از ما انسان‌ها، اگر عزیزی را از دست دهیم یا مصیبتی بر ما وارد شود، بی‌اختیار ناله می‌زنیم و اشک می‌ریزیم و گاهی این ناله مدت‌ها طول می‌کشد و حال آنکه عقلاً چنین فردی را ملامت نمی‌کنند.

کدام مصیبتی در عالم از مصیبت غیبت امام علیه السلام بالاتر است که صاحبان ایمان ببینند ظالمان ستمگر بر مردم مسلطاند، فساد و گناه، همه جا را فرا گرفته است، نیکان و ابرار گوشه‌نشین شده‌اند و دروغ‌پردازان حکومت می‌کنند. آیا در چنین حالی اگر نیکان و دل‌سوختگان برای فراق آن مصلح کل، منجی عالم، عزت‌بخش مؤمنان، نابودکننده کفر و نفاق بگریند و بنالند، روا نیست؟

سیدبن طاووس در اقبال بعد از دعای وداع ماه رمضان، که جداشدن از ماه مبارک برای مؤمنان بسیار سخت است، می‌فرماید: «وظیفه شیعه در چنین حالی و در چنین وقتی، یعنی در زمان غیبت امام علیه السلام، این است که اندوهگین باشد به علت محروم بودن از برکات فیض حضور و آثار ظهور حضرت مهدی علیه السلام...».

#### گریه شدید امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در عصر خود و در زمانی که هنوز قائم آل محمد متولد نشده است، وقتی به وقایع و حوادث آینده جهان می‌نگرد، از یک‌سو غیبت قائم آل محمد و طول عمر ایشان را مشاهده می‌کند و از سوی دیگر دوری مردم از دین، استیلاي ظالمان بر آنها و ورود شبهات و خروج مردم را از صحنه شریعت می‌بیند و از این‌رو سخت به گریه می‌افتد تا آنجا که قائم آل محمد علیه السلام را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «سَيِّدِي غَيْبُكَ نَفْتُ رُقَادِي وَصَيِّقَتُ عَلِيٍّ مِهَادِي...»؛ «آقای من! غیبت تو، خواب را از من ربوده و خوابگاهم را بر من تنگ کرده است...».

آری، اگر نبود مگر دوری و جدایی از آثار و برکات زیبای حکومت حضرت مهدی، جا داشت که صبحگاهان و شامگاهان در فراق آن حضرت بنالیم و گریه کنیم، تا چه رسد که در زمان غیبت حضرت، هزاران بلا و مصیبت بر جامعه بشری به‌ویژه برای مؤمنان پیش می‌آید.

گریه امام صادق علیه السلام نیز برای دوری از آن حکومت عدل الهی و ابتلای نیکان به انواع بلاها و مصایب است. بنابراین چه مانعی دارد که مؤمنان در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام گریه کنند و گاهی با امامشان زمزمه کنند و بگویند:

أَيْنَ مُبِيدِ الْعُتَاةِ وَالْمَرْدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضَلِيلِ وَالْإِحَادِ أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ  
وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ...<sup>۱</sup>

کجاست آن نابودکننده متکبران و متمردان؟ کجاست ریشه کن کننده لجبازان و گمراه کنندگان و بی دینان؟ کجاست عزیزکننده دوستان و ذلیل کننده دشمنان.

و گاهی هم با خدای خویش راز و نیاز کنند و بگویند:

اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَىٰ وَلِيِّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا  
وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا فَبَلِّغْهُ مِنَّا حَيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْنَا بِذَلِكَ  
يَا رَبِّ أَكْرَامًا.<sup>۲</sup>

بارالها! ما بندگان ناتوان تویم که به ولی تو مشتاقیم که تو و پیامبرت را به یاد ما می آورد؛ همان که او را برای ما پناهگاه آفریدی و برای بقای ما، ملجأ و نگهدار، و برای مؤمنان امام قرار دادی. از طرف ما به آن حضرت سلام و درود فرست و کرامت خود را بدین وسیله بر ما بیفزای.

صاحبان ایمان در ضمن دعای افتتاح در شب های ماه مبارک رمضان در فراق مولایشان حضرت مهدی علیه السلام به درگاه خداوند شکوه می کنند. ما نیز با آنان هم صدا می شویم و در پایان این بحث این جملات را زمزمه می کنیم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو الْبِكَّ فَقَدْ نَبَيْْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلَيْنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ  
عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهِرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنَّا عَلَىٰ ذَلِكَ بِفَتْحٍ  
مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِضْرٍّ تُكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تَظْهَرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ مُجَلِّلُنَا  
وَإِعَافِيَةٍ مِنْكَ تُبَسِّئُنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

۱. بخشی از دعای ندبه.

۲. همان.

## خلاصه این سؤال و جواب

سؤال: مقداری درباره سند و مضمون دعای ندبه توضیح داده شود تا اهل ایمان و علاقه‌مندان به امام زمان علیه السلام با آرامش و آگاهی بیشتری آن را بخوانند.

پاسخ: برای توضیح کامل باید به رساله فروغ ولایت در دعای ندبه، تألیف حضرت آیة‌الله صافی گلپایگانی (مدظله) مراجعه شود. اما برای روشن شدن مطلب به‌طور اختصار به چند نکته اشاره می‌شود:

۱. هرگز مسئله مهم اعتقادی مانند مهدویت که دارای ادله فراوان است، با صحت و سقم یک دعا یا یک حدیث خللی نمی‌پذیرد.

۲. دعای ندبه در اقبال سیدبن طاووس، از علمای قرن هفتم، ثبت شده است و حتی بزوفری که استاد شیخ مفید بوده و در عصر غیبت صغرا می‌زیسته است، می‌گوید خواندن آن در اعیاد اربعه مستحب است. علامه مجلسی نه تنها خواندن دعا را مستحب می‌داند، بلکه آن را به امام صادق علیه السلام استناد داده است که به‌یقین چنین محدث متبعی بدون دلیل این استناد را نمی‌دهد؛ ضمن اینکه کسانی که حکم به استحباب کرده‌اند نیز باید دلیل شرعی در دست داشته باشند، وگرنه حکم به استحباب جایز نیست.

۳. احادیث «من بلغ» می‌تواند دلیل و مدرکی برای استحباب خواندن دعای ندبه باشد.

۴. مضامین کلی این دعا مورد تأیید آیات و روایات است؛ برای مثال در این دعا مقداری به فضایل حضرت علی علیه السلام و نیز چگونگی رفتار امت با آن حضرت می‌پردازد که مورد قبول روایات فریقین و تاریخ است.

۵. گریه بر فراق فرد عزیز یا محروم‌ماندن از فیوضات معنوی، امری طبیعی، و مورد قبول عقلاست. امام صادق علیه السلام نیز در عصر خود برای غیبت حضرت مهدی علیه السلام و مشکلات صاحبان ایمان آن عصر به شدت می‌گرید.



### سؤالات از این پرسش و پاسخ

۱. چهار نفر از بزرگانی که خواندن دعای ندبه را مستحب دانسته‌اند، نام برید.
۲. علامه مجلسی دعای ندبه را از کدام امام نقل می‌کند؟
۳. مفاد احادیث «من بَلَّغَ» چیست؟
۴. مقداری به مضامین کلی این دعای شریف اشاره کنید.
۵. صاحبان ایمان در دعای افتتاح در فراق مولایشان حضرت مهدی علیه السلام چگونه به درگاه الهی شکوه می‌کنند؟

### ۳- بحثی درباره اسماء و القاب ائمه اطهار علیهم السلام

درباره اسماء و القاب حضرت مهدی علیه السلام برای آگاهی علاقه‌مندان و صاحبان ایمان توضیح داده شود.

پاسخ: خوب است قبل از جواب، به دو مطلب توجه کنیم:

اسامی ائمه علیهم السلام بیانگر مقامات ایشان است

نام، لقب و کنیه ائمه علیهم السلام بیانگر مقام و منزلت آنان است. اگر در زیارت جامعه کبیره به خاندان عصمت و طهارت می‌گوییم: «فما أحلی أسمائکم»؛ «چه شیرین و زیباست نام‌های شما»، برای این است که این نام‌ها و لقب‌ها، حاکی از آن معانی بلند است. شیخ صدوق رحمه الله روایاتی را نقل نموده<sup>۱</sup> که معانی این اسماء تا حدودی در آنها بیان شده است؛ برای مثال فاطمه علیها السلام را فاطمه می‌گویند؛ چون دوستان او از آتش جهنم فاصله خواهند داشت<sup>۲</sup> و اگر به ایشان زهرا می‌گویند؛ زیرا در محراب عبادت، نور وجودش برای اهل آسمان‌ها جلوه‌گر می‌شود. اگر به امام چهارم لقب سجاد داده شد، برای این است که در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند و در پیشانی ایشان آثار سجده ظاهر شده بود.<sup>۳</sup>

۱. معانی الاخبار، ص ۶۴.

۲. فَطَمَ به معنای فَصَلَ وَقَطَعَ است.

۳. یعنی بر پیشانی و دست‌ها و کُنده‌های پا، پینه بسته می‌شد و از این رو به حضرت «ذوالنفات» گفته می‌شود.

بنابراین بحث درباره اسماء و القاب حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه اولاً: شناخت ما را به مقامات و ابعاد وجودی حضرت می‌افزاید؛  
ثانیاً: با آگاه شدن به معانی این اسماء و القاب، تأویل بعضی از آیات برای ما روشن می‌شود که در ادامه بحث به آن اشاره خواهیم کرد.  
ثالثاً: پاسخ بعضی از سؤالاتی که درباره مهدویت برای بعضی پیش می‌آید، معلوم می‌شود.

### نام ائمه عجل الله تعالی فرجه را برای فرزندان خود انتخاب کنیم

آشنایی با نام و لقب ائمه اطهار عجل الله تعالی فرجه باعث می‌شود برای نامیدن فرزندان خود از آنها استفاده کنیم و اسامی و القاب امامان خود را در جامعه منتشر کنیم. نباید شیعیان و علاقه‌مندان به خاندان عصمت و طهارت از این مسئله مهم غافل شوند و برای فرزندان خود نامی را که معانی زینده‌ای ندارد یا مطابق با فرهنگ غرب است، انتخاب کنند. متأسفانه امروزه نام‌های زیبا و معناداری مانند علی، حسن، حسین، صادق، کاظم و... کنار گذاشته می‌شود و نام‌های غیراسلامی جایگزین آنها می‌شود.  
یکی از اساتید بنده که چندین سال از وجودش بهره‌مند بودم، اسمش عبدالعلی بود. ایشان می‌فرمود: «همین‌که در روز قیامت من را صدا بزنند: عبدالعلی بیا، برای من کافی است». آری، این اسم، او را در صحنه قیامت و مقابل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار عجل الله تعالی فرجه سرفراز می‌کند. اما اسم‌های غیراسلامی و بی‌معنا انسان را شرمنده می‌سازد.

### اسماء و القاب حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه

اسماء و القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:<sup>۱</sup>

۱. اسم و کنیه‌ای که روایات متعدد، از به کار بردن آنها نهی کرده است که همان نام

---

۱. نام، لقب و کنیه حضرت فراوان است. محدث نوری ۱۸۲ اسم را نام می‌برد و می‌فرماید: اینها نام‌هایی است که برای حضرت از قرآن و کتاب‌های آسمانی و اخبار اهل بیت عجل الله تعالی فرجه استفاده شده است و بعضی براساس استنباط خود نام‌هایی را مطرح کرده‌اند که ما از آوردن آنها احتراز کردیم.

و کنیه مشهور و معروف جد بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. براساس همین روایات، بعضی از فقها می‌گویند در زمان غیبت، ذکر نام حضرت مهدی علیه السلام جایز نیست و عده‌ای از علما نیز بر حرمت بردن نام حضرت ادعای اجماع کرده‌اند. حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جانشینان خود را یک به یک اسم می‌برد. اما هنگامی که به نام دوازدهمین امام می‌رسد، می‌فرماید آن امامی که «اسمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي»؛ «نام او، نام من است و کنیه او کنیه من».

با توجه به این روایات درمی‌یابیم که سرّی هست که ما آن را درک نمی‌کنیم و باید مانند سایر احکام فقهی، آن را تعبدی بپذیریم تا حضرت ظهور کند و سرّ این مطلب را آشکار کند. با این بیان دیگر برای ما مهم نیست که افراد معدودی<sup>۱</sup> قائل به جواز شوند و بگویند چطور می‌توان پذیرفت که نباید نام و کنیه حضرت مهدی را به زبان آورد و حال آنکه در روایات صریحاً آمده است نام و کنیه او، نام و کنیه رسول خداست و نام پیامبر صلی الله علیه و آله نیز برای همگان معلوم است و روزی چندبار بالای مأذنه‌ها برده می‌شود. اما باید توجه داشت هر چند از این روایات می‌توان دریافت که نام و کنیه حضرت مهدی علیه السلام چیست، ولی براساس روایاتی که مخاطب قراردادن حضرت مهدی را با این نام نهی کرده، ذکر این نام و کنیه برای حضرت مهدی، حرام یا خلاف احتیاط است.

### حجة الله، خلیفة الله و داعی الله

۲. بعضی از القاب حضرت با سایر انبیا و ائمه علیهم السلام مشترک است؛ برای مثال حضرت را با القابی چون حجة الله، خلیفة الله و داعی الله<sup>۲</sup> خطاب می‌کنیم که بر همه انبیا و امامان نیز اطلاق می‌شود. اما بر اثر طول عمر حضرت مهدی و استعمال زیاد القاب حجت خدا و خلیفة الله بر ایشان، در حال حاضر این الفاظ به حضرتش اختصاص دارد. همچنین حضرت را «داعی الله» می‌نامند و می‌خوانند؛ زیرا دعوت به سوی خدا، و اجابت

۱. این نظریه از خواجه نصیر طوسی و علی بن عیسی صاحب کتاب کشف الغمه نقل شده است.

۲. هر سه عنوان در زیارت آل یس آمده است.

مردم از آن دعوت، به طور کامل در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام انجام می‌گیرد. امام صادق علیه السلام در تفسیر سوره شمس فرمود: «مراد از ﴿شمس﴾، علی بن ابی طالب است، و مراد از ﴿صُحَاها﴾<sup>۱</sup> قیام حضرت قائم علیه السلام است.»<sup>۲</sup> آری آن روزی که ولایت و حکومت خاندان عصمت، همانند نور خورشید همه جا را فرا می‌گیرد و دعوت به سوی خداوند به گوش همگان می‌رسد، زمان ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

### «ناطق»

یکی از القاب امام زمان علیه السلام، ناطق است. در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «...أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ نَارِكُمْ مَعَ إمام هدى ظاهر ناطقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ». همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی که نام ائمه علیهم السلام را برای «سلمان» ذکر می‌کند، امام دوازدهم را این‌گونه نام می‌برد: «حَجَّةُ بَنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ النَّاطِقِ الْقَائِمِ بِحَقِّ اللَّهِ».<sup>۳</sup> بنابراین یکی از القاب حضرت «ناطق» است؛ در حالی که ما پیامبر یا امامی که بدون سخن باشد، نداشتیم و اصولاً رسالت با مسئله تبلیغ کنار هم قرار می‌گیرند و قرآن هم می‌فرماید: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ»؛ «پیامبر وظیفه‌ای جز رساندن پیام الهی ندارد» (مائده: ۹۹).

اما سؤال اینجاست که با توجه به اینکه ما در عصر غیبت از سخنان ایشان محرومیم، چگونه ایشان را «ناطق» معرفی کرده‌اند؟

در پاسخ باید گفت که در واقع، آن گوینده و ناطقی که سخن خود را به گوش همه جهانیان می‌رساند و حجت را بر تمامی انسان‌ها تمام می‌کند، تنها وجود مقدس امام زمان علیه السلام خواهد بود. عالم جلیل‌القدر و محدث بزرگ «حاج میرزا حسین نوری» توجیه دیگری را نیز برای این لقب ذکر می‌کند و می‌گوید:

۱. ضحی، به معنای انتشار نور آفتاب و گسترش شعاع آن است و در آیه ۵۹ سوره طه: «وَأَنْ يُخَشِّرَ النَّاسَ ضَحًى»؛ «مردم هنگامی که روز بالا می‌آید. جمع شوند» اشاره به همان وقت گسترش آفتاب است.

۲. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۶۷.

۳. نجم‌الناقب، ص ۶۲.

ائمه اطهار و پدران بزرگوار امام زمان عجل الله فرجه، مهر خموشی بر لب زده بودند و آن گونه که باید نتوانستند اسرار و معارف و حکم را برای مردم بیان کنند؛ یا به جهت تقیه، یا برای نیافتن مخاطب.<sup>۱</sup> حضرت مهدی تمام آن علوم و اسرار را ظاهر می کند و چیزی از حقایق را ناگفته نمی گذارد.

در دعای افتتاح از خداوند متعال می خواهیم: «اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِنُورِ دِينِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَحْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ».

در تفسیر آیه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»؛ «و زمین در آن روز به نور پروردگارش روشن می شود» (زمر: ۶۹). از امام صادق ع نقل شده است: «با قیام قائم ما، زمین نورانی می شود» ظاهر این است که این روشنایی، به گسترش علوم به وسیله امام زمان اشاره دارد. مخفی نماند که یکی از القاب امام زمان عجل الله فرجه «نور آل محمد ع» است. در خور توجه است که حضرت بنابر قولی که بعضی آن را مشهورتر می دانند، در سال ۲۵۶ هـ. ق متولد شده است که به حساب ابجد، تاریخ تولد ایشان مطابق با کلمه نور خواهد شد.

#### «مهدی» معروف ترین لقب حضرت

«مهدی» مشهورترین لقب حضرت، و به معنای «هدایت یافته» است. خداوند حکیم، انسان هایی را برای هدایت و ارشاد خلق می فرستد که خودشان هدایت شده باشند؛ زیرا آنان تا مهدی نباشند، نمی توانند هادی باشند.

#### ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

گرچه نام «مهدی» برای حضرت قائم، شهرت پیدا کرده است، اما براساس روایات، تمامی ائمه ع «مهدی» اند؛ زیرا تمام آنها از طرف خداوند، علم و دانش دارند و به راز و رمز دین و تفسیر و تأویل آیات آگاه اند. یکی از آیاتی که بر امامت و حقانیت مکتب اهل بیت ع دلالت می کند، این آیه است که خداوند می فرماید:

۱. همان گونه که حضرت علی ع علوم خود را با چاه بازگو می کرد. از این رو بعضی گفته اند اگر علی ع را «بطین» خواندند، بطین به معنای مبطن است؛ یعنی مخفی کننده علوم و اسراری که پیامبر ص به او آموخته بود.

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۴.

﴿أَمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (یونس: ۳۵)

آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند، برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟! شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟!

دو ویژگی مهم جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از تشکیل حکومت و به دست گرفتن قدرت، هم زعامت امت را در دست داشت و هم هدایتگر انسان‌ها بود. هم مملکت‌داری می‌کرد و هم مردم را ارشاد می‌فرمود. بنابراین کسی می‌تواند جانشین رسول خدا بشود که هم لیاقت زمامداری و به دست گرفتن حکومت را داشته باشد و هم جوابگوی مسائل دینی باشد و بتواند مردم را به کمالات برساند.

بنابراین نباید امامت را تنها به معنای زمامداری بگیریم و بگوییم که دیگران نیز حق حاکمیت دارند؛ زیرا امام باید به تمام اسرار مکتب و نیازهای بشری آگاه، و جوابگوی آنها باشد. در واقع، تنها همان دوازده نور پاک که همه آنها «مهدی» و «عالم» اند چنین ویژگی‌هایی را دارند. خوشبختانه عده‌ای از بزرگان اهل سنت درباره امام علی علیه السلام اعتراف کرده‌اند که ایشان اعلم امت است و در آگاهی، قضاوت و تقوا کسی در امت اسلام هم طراز او نیست و خداوند به او علم و دانش داده است. از این رو ما به آنها اعتراض می‌کنیم و می‌گوییم شما براساس همین اعتراف و اقرار خودتان باید به خلافت بلافصل علی علیه السلام قائل شوید، نه اینکه ایشان را خلیفه چهارم بدانید. بنابراین، اعتقاد و شعار شیعه آن است که جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله باید خودش هدایت شده باشد.

مهدی ما نیز خواهد آمد

مهدی زمان ما که در حال حاضر در خفا به سر می‌برد، روزی ظهور خواهد کرد، زمام حکومت جهانی را به دست می‌گیرد، سراسر زمین را پر از عدل و داد می‌کند و نظم و امنیت را در همه جا مستقر می‌سازد. همچنین بشر را از نظر تبیین مسائل اسلامی، تفسیر قرآن و بیان معارف واقعی به کمال می‌رساند.

### لقاب مختص به حضرت

لقابی که به حضرت مهدی علیه السلام اختصاص دارد، فراوان است و ما به بیان برخی از آنها اکتفا می‌کنیم:

#### بقیة الله

در بعضی از روایات، آیه شریفه ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ «آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید» (هود: ۸۶). بر حضرت منطبق شده است؛ برای مثال امام باقر علیه السلام فرمود:

چون به حضرت اذن ظهور داده می‌شود و خروج می‌کند، تکیه بر کعبه می‌زند و ۳۱۳ یار حضرت حاضر می‌شوند. نخستین سخنی را که حضرت بیان می‌کند، این آیه شریفه است: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ سپس می‌فرماید: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ» و سلام نمی‌کند بر او سلام‌کننده‌ای، مگر با این عنوان و می‌گوید: «السلام عليكم يا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».<sup>۱</sup>

اما وجه تسمیه حضرت به «بقیة الله» یا بدان علت است که وجود مبارکش به اراده الهی باقی مانده، یا ایشان یگانه شخصی است که از تبار انبیا و ائمه روی زمین باقی مانده است. از این رو به حضرت مهدی علیه السلام «بَقِيَّةُ الْأَنْبِيَاءِ وَنُورُ الْأَصْفِيَاءِ» نیز می‌گویند. همچنین به حضرت لقب «وَارِثُ» اطلاق شده است؛ زیرا او وارث علوم گذشتگان و اشیای ویژه انبیا و ائمه علیهم السلام است؛ مانند عصای موسی، انگشتر سلیمان، شمشیر و عمامه رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآنی که علی علیه السلام جمع‌آوری کرده است، مصحف حضرت زهرا علیها السلام و ...

امام صادق علیه السلام به یعقوب بن شعیب فرمود:

آیا پیراهن حضرت قائم آل محمد را که در آن خروج می‌کند به تو نشان بدهم؟ عرض کردم: «بلی». حضرت صندوقچه‌ای را طلب کرد و از درون آن پیراهن کرباسی را بیرون آورد و پهن کرد و در آستین چپ آن مقداری خون بود. فرمود: «این پیراهن رسول خداست و آن روزی که دندان حضرت را شکستند، بر تن حضرت بوده است و حضرت قائم درحالی که این

پیراهن را بر تن دارد خروج می‌کند». راوی می‌گوید: «پیراهن و خون روی آن را بوسیدم و سپس حضرت آن پیراهن را در جای خود گذاشت».

### قائم

«قائم»، یعنی کسی که روی پا ایستاده است. در بیان علت نامگذاری حضرت مهدی علیه السلام به «قائم»، چند وجه گفته شده، که بیشتر براساس روایات است:

۱. ایشان همچون عبدی است که مقابل مولای خود ایستاده و منتظر صدور امر است؛ زیرا حضرت هر شب و روز به انتظار دستور پروردگار برای ظهور است. در روایات هم آمده است که امر ظهور حضرت در یک شب اصلاح و صادر می‌شود. این‌گونه انتظار ظهور، ما را به یاد بعضی از منتظران می‌اندازد که شب‌ها، شمشیر خود را بالای سر خود می‌گذارند که اگر ندای آسمانی به گوششان رسید و حضرت ظهور کرد، لحظه‌ای درنگ نکنند و به یاری حضرت بشتابند.

۲. چون حضرت قیام به حق می‌کند و اسلام واقعی را در جامعه اجرا می‌کند.

۳. قیام حضرت بعد از ناامیدی کامل واقع می‌شود؛ یعنی قیامی که مردم هرگز تصور وقوع آن را نخواهند داشت.

۴. ابو حمزه ثمالی به امام باقر علیه السلام عرض کرد:

مگر شما خانواده، قائم به حق نیستید؟ امام فرمود: «بلی». عرض کرد: «پس چرا صاحب‌الامر را قائم نامیده‌اند؟» حضرت فرمود: «چون جدم حسین علیه السلام را شهید کردند، ملائکه به گریه افتادند و به خداوند عرض کردند: بارالها! فرزند پیامبر و بهترین انسان‌ها را کشتند. پروردگار فرمود: من انتقام این خون را خواهم گرفت؛ هرچند بعد از گذشت مدت‌زمانی باشد. خداوند متعال حجاب‌ها را از جلوی چشم ملائکه برداشت و نور فرزندان حسین را که امامان بعد اویند به ملائکه نشان داد. یکی از انوار میان آنها، ایستاده و مشغول به نماز بود. حضرت حق فرمود: به‌وسیله این فردی که ایستاده، انتقام خواهم گرفت».<sup>۱</sup>

۱. نجم‌الناقب، ص ۴۶، به نقل از کمال‌الدین.



بنابراین وجود مقدس امام زمان علیه السلام از آن هنگام، ملقب به قائم بوده است و این معنای اخیر برای قائم مرادف است با معنای «منتقم» که یکی دیگر از القاب حضرت است. این مطلب در دعای ندبه این گونه آمده است: «أَيْنَ الطَّالِبِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنْبَاءِ الْأَنْبِيَاءِ؟ أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا؛ كَجَاسْتِ خَوَاهِنْدَهٗ خُونِ پِيَامْبِرَانِ وَ فِرْزَنْدَانِ پِيَامْبِرَانِ؟ كَجَاسْتِ خَوَاهِنْدَهٗ خُونِ كَشْتَهٗ كَرْبَلَا؟».

### وظيفه ما هنگام شنیدن کلمه قائم

گاهی دیده می شود که بعضی از اهل ایمان هنگام شنیدن لقب «قائم» از جا برمی خیزند و حالت ادب و احترام مقابل حضرت به خود می گیرند. آیا این عمل، وظیفه واجب است یا فقط برای ادب و احترام است؟

در روایات، دستوری برای برخاستن نداریم. ولی بعضی از محدثان حدیثی را نقل کرده اند که امام صادق علیه السلام در موقع شنیدن اسم قائم از جا برخاسته است. محدث قمی رحمته الله از استادش محدث نوری نقل می کند که از «محدث جزائری» این مطلب سؤال شد و ایشان در جواب فرمود: «روزی در مجلس حضرت صادق علیه السلام اسم مبارک آن جناب برده شد. پس حضرت برای تعظیم و احترام از جا برخاست». سپس محدث قمی از کتاب «تکملة أمل الآمل» نقل می کند:

«دعبل خزاعی» وقتی قصیده تائیه خود را نزد امام رضا علیه السلام خواند و به این بیت رسید:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مُحَالَاتَةَ خَارِجُ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ

امام هشتم علیه السلام از جا برخاست و روی پاهای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را به سوی زمین خم کرد و کف دست راست خود را بر سر نهاد و فرمود: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَنْصُرْنَا بِهِ نَصْرًا عَزِيزًا».

درخور توجه است که محدث قمی که در فن حدیث، متبحر و کارشناس است در

زمینه تکالیف بندگان درباره امام عصر علیه السلام می فرماید:

یکی از تکالیف، برخاستن از برای تعظیم شنیدن اسم مبارک آن حضرت است؛ خصوصاً

اگر اسم مبارک قائم علیه السلام باشد؛ چنان که بسیاری از علاقه‌مندان به امام زمان و بلکه تمامی آنان، هنگام شنیدن نام «قائم» از جا بر می‌خیزند و به ساحت مقدس امام عصر علیه السلام اظهار ادب و احترام می‌کنند. آن‌گاه محدث قمی می‌فرماید: «این عمل شیعیان خود کاشف است از وجود مأخذ و اصلی برای این عمل».<sup>۱</sup>

در واقع وجود مبارک حضرت، مایه فخر همگان است؛ زیرا او بنیان‌گذار یک حکومت عدل در تمام روی زمین است. او امید همه مستضعفان، و ثمره شجره آل پیامبر صلی الله علیه و آله است. نه تنها امام سجاد علیه السلام در شام، بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به وجود مهدی علیه السلام افتخار می‌کند. روزی پیامبر، مفاخر اهل بیت علیهم السلام را برای حضرت فاطمه علیها السلام شرح می‌داد و می‌فرمود: «خداوند ما را به ویژگی‌هایی گرامی داشته است که دیگران فاقد آن‌اند؛ مانند دو سبط من، یعنی حسن و حسین، و نیز مهدی این امت که از ماست: وَمَا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ».<sup>۲</sup>

در نتیجه می‌توان گفت برخاستن از جا هنگام شنیدن نام مقدس امام عصر و به ویژه نام حضرت قائم علیه السلام، ادب و احترام به آن حضرت است و از این رو، عملی نیکو و پسندیده خواهد بود.

### دیگر القاب حضرت

گاهی مشاهده می‌شود که به وجود مبارک حضرت بقیة الله علیه السلام «قلب عالم امکان» یا «قطب عالم امکان» گفته می‌شود. گرچه در این باره روایتی نقل نشده است، اما از منظره‌ای که هشام‌بن حکم شاگرد امام صادق علیه السلام با عالم بزرگ بصره، عمرو بن عبید، داشت که شرح آن در گفتار اول این کتاب گذشت، چنین برداشت می‌شود که می‌توان امام عصر را قلب و قطب برای خلقت انسان‌ها دانست و بلکه می‌توان براساس بعضی از ادله لزوم حجت که در گفتار اول مورد بحث قرار گرفت، امام زمان

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۳۲.

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۷۰.

را قلب و قطب عالم امکان دانست. در دعای عدیله، هنگام ذکر نام مقدس حضرت مهدی عج می خوانیم:

الَّذِي يَبْقَاهُ بَقِيَّةِ الدُّنْيَا وَيُيْمِنُهُ رُزْقَ الْوَرَى وَبِوُجُودِهِ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.

آن مهدی منتظری که با ماندگاری او جهان مانده است و از برکت وجود او تمامی آفریدگان، روزی دریافت می کنند و به وجود او زمین و آسمان استوار مانده است. ملاحظه می کنید که این جملات و معانی، با کلمه قلب و قطب کاملاً سازگار است. محدث نوری درباره کلمه «قطب»، که معمولاً عرفا از آن زیاد استفاده می کنند، جمله‌ای را از عالم بزرگوار «کفعمی» نقل می کند و می فرماید:

ایشان در ضمن دعای ام داود که می گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ» فرموده است: «دنیا خالی نیست از یک قطب، چهار اوتاد، چهل ابدال، هفتاد نجیب و ۳۶۰ صالح که قطب حضرت مهدی عج است».<sup>۱</sup>

## اباصالح

«اباصالح» از کنیه‌های مشهور حضرت مهدی عج است. محدث نوری عج نقل می کند که میان عرب از واژه اباصالح زیاد استفاده می شود؛ به ویژه برای استغاثه به صاحب الامر. ایشان روایتی را از امام صادق عج نقل می کند که هرگاه در راه گم شدی، این چنین حضرت را ندا کن: «يا اَبِصَالِحِ يا اَبِصَالِحِ اُرْسُدُونَا اِلَى الطَّرِيقِ رَحِمَكُمُ اللهُ».<sup>۲</sup>

در اینجا حکایتی اطمینان بخش را از عالمی بزرگوار و مورد وثوق نقل می کنیم که امام زمان را در حال اضطراب با نام اباصالح صدا زده و از هلاکت نجات یافته است. این حکایت را علامه مجلسی از پدر بزرگوار خود (محمدتقی مجلسی) نقل می کند:

در زمان ما شخص بزرگوار و شایسته‌ای بود معروف به «امیراسحاق استرآبادی» که چهل سفر پیاده به حج رفته بود و بین مردم شهرت داشت که ایشان دارای قدرت

۱. نجم الثاقب، ص ۴۶.

۲. همان، باب نهم، ص ۴۲۱.

«طی الارض» است. در یکی از سال‌ها به اصفهان آمد و من به دیدن او رفتم و از طی الارض او سؤال کردم و گفتم علت این شهرت چیست؟ گفت: در یکی از سال‌ها که با حجاج به مکه می‌رفتیم و به هفت منزلی [یا نه منزلی] مکه رسیدیم، من از قافله عقب افتادم. هم قافله را از دست دادم و هم راه را گم کردم و عطش بر من غلبه پیدا کرد و متحیر و سرگردان مانده بودم؛ به طوری که از حیات خویش مأیوس شدم. با آن حال اضطرار صدا زدم: «یا اباصالح یا اباصالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله». از دور شبی را دیدم. چون جلو آمد، دیدم جوانی است خوش‌سینما و گندم‌گون، دارای لباس تمیز و در شکل بزرگان بر شتری سوار است. به او سلام دادم. جواب سلام من را داد و فرمود: «تشنه‌ای؟» عرض کردم: «بلی» ظرف آبی را که با ایشان بود، به من داد. نوشیدم و سیراب شدم. فرمود: «می‌خواهی به قافله ملحق شوی؟» عرض کردم: «بلی». من را پشت مرکب خود نشانند و به سوی مکه حرکت کرد و در اندک زمانی به مکه رسیدیم و به من فرمود: «با اینجا آشنا هستی؟» عرض کردم: «آری، اینجا ابطح است». فرمود: «پیاد شو». پیاده شدم و خودش برگشت و غایب شد. فهمیدم که مولایم حضرت قائم بود و تأسف خوردم که چرا نشناختم و قافله پس از هفت روز به مکه رسید و افراد قافله از حیات من مأیوس شده بودند و چون مرا در مکه دیدند، شهرت پیدا کرد که طی الارض دارم.<sup>۱</sup>

شعرا این کنیه را در اشعار خود زیاد می‌آورند و ما نیز در پایان این بحث با چند بیت شعر به حضرت بقیة الله متوسل می‌شویم و در تاریکی‌های دنیا از او ارشاد می‌طلبیم و ایشان را با کنیه اباصالح صدا می‌زنیم. امید است که مشمول عنایات ایشان قرار گیریم.

اباصالح دلم سامان ندارد مگر هجران تو پایان ندارد؟

اباصالح بیا دردم دوا کن مرا از دیدنت حاجت روا کن

اباصالح مرا با رو سیاهی به خود راهم بده با یک نگاهی  
اباصالح فقیرم من، فقیرم بده دستی که دامانت بگیرم  
اباصالح تو خوبی من بدم، بد مرا از درگهت ردم مکن رد  
اباصالح چه خوش زبینه باشد که تو لعل لب ت پر خنده باشد  
اباصالح عزیز آل یاسین بیا در جمع ما امشب تو بنشین

### خلاصه این سؤال و جواب

سؤال: مقداری درباره اسماء و القاب حضرت مهدی عجل الله فرجه توضیح دهید.

پاسخ: در مقدمه به دو نکته اشاره شد:

۱. اسماء و القاب ائمه علیهم السلام هر یک معنا و مفهوم عالی و زیبایی دارد که بیانگر مقامات ایشان است. آشنایی با این معانی، معرفت ما را به این خانواده و به ویژه حضرت مهدی عجل الله فرجه زیاد می کند.

۲. بر علاقه مندان اهل بیت علیهم السلام لازم است که از اسماء و القاب این خانواده، برای نامگذاری فرزندانشان استفاده کنند.

اما اسماء و القاب حضرت مهدی عجل الله فرجه فراوان است. حاجی نوری ۱۸۲ اسم، لقب و کنیه آورده است که بعضی از آنها را نباید در زمان غیبت امام به زبان بیاوریم و بعضی دیگر، اسماء و القابی است که بر تمامی حجج الهی اطلاق می شود؛ مانند حجة الله، خلیفة الله و... اما براساس دلایلی که توضیح داده شد، این القاب اختصاص به حضرت مهدی عجل الله فرجه دارد.

«مهدی» مشهورترین لقب حضرت است. از آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله غیر از منصب حکومتداری، مسئولیت هدایت و ارشاد مردم را برعهده داشت، باید جانشین او نیز دارای هر دو جنبه باشد.

در ادامه، توضیحی درباره القاب «بقیة الله» و «القائم» داده شد و علت نامیدن حضرت به «قائم» در چهار مطلب بیان شد. همچنین خوب است که هنگام شنیدن

«قائم» برای احترام از جا برخیزیم؛ همان گونه که امام هشتم علیه السلام طبق روایتی چنین کردند.

در پایان هم توضیحاتی درباره کلمات قطب، قلب و اباصالح داده شد و گفتیم می توان حضرت مهدی علیه السلام را با هر یک از آنها صدا زد.

### سوالات از این پرسش و پاسخ

۱. بررسی و آشنایی با معانی اسماء و القاب ائمه علیهم السلام و به ویژه حضرت مهدی علیه السلام چه فایده‌ای دارد؟

۲. سه لقب حضرت مهدی علیه السلام را که با سایر حجج الهی مشترک است، نام ببرید.

۳. با اینکه حضرت مهدی علیه السلام در حال غیبت به سر می برد، چطور به ایشان «ناطق» گفته می شود؟

۴. چرا باید جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله «مهدی» باشد؟

۵. چرا به حضرت مهدی علیه السلام «قائم» می گویند؟

۶. امام هشتم علیه السلام با شنیدن شعر دعبل که اشاره به خروج و قیام حضرت مهدی داشت، چه کرد؟

۷. یک بیت شعر که با کلمه «اباصالح» شروع می شود، بیاورید.

### ۴- اعتقاد به منجی در سایر ادیان

آیا اعتقاد به منجی و مصلح در آخرالزمان، اختصاص به مسلمانان دارد یا در سایر ادیان نیز چنین عقیده‌ای وجود دارد؟

پاسخ: پیروان بسیاری از ادیان و مذاهب معتقدند که در عصری تاریک و بحرانی که فساد و ظلم همه جا را فرا می گیرد، نجات‌دهنده‌ای جهانی قیام خواهد کرد و با مدد غیبی، وضع آشفته جهان را اصلاح می کند.

هر ملتی او را با نامی می شناسد و او را از ملت خود می داند. یهودیان او را به نام «سرور میکائیلی»، مسیحیان به نام «مسیح موعود»، زرتشتیان به نام «سوشیانس»

(به معنای نجات‌دهنده جهان) و مسلمانان به نام «مهدی منتظر» می‌شناسند.

درخور توجه است که مهدی منتظر از نسل ابراهیم علیه السلام است که بنی اسرائیل نیز از همان خاندان است. اما بنی هاشم از نسل اسماعیل علیه السلام است و بنی اسرائیل از نسل اسحاق. همچنین حضرت مهدی علیه السلام، از طریق مادرش، نرجس خاتون که شاهزاده و رومی بوده است با مسیحیان انتساب پیدا می‌کند. همچنین حضرت با ایرانیان که آیین زرتشت بین آنها رواج داشته است، از طریق مادر امام سجاد علیه السلام، شهربانو دختر یزدگرد پادشاه ساسانی، انتساب می‌یابد.

در واقع می‌توان گفت وعده ادیان و مذاهب به‌طور کامل با روایات اسلامی مطابق است؛ برای نمونه به مواردی اشاره می‌شود:

در کتاب «دید»، از کتاب‌های آسمانی هندویان، چنین آمده است:

پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا می‌شود که پیشوای خلاق باشد و نام او منصور<sup>۱</sup> باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هرچه از خدا خواهد، برآید.

در کتاب «زند»، از کتاب‌های مذهبی زرتشتیان، چنین آمده است:

آن‌گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان برانگیخته می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازد و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهد نشست.

---

۱. در بحار، ج ۵۱، ص ۳۰ از امام باقر علیه السلام نقل شده است: در آیه ۳۳ سوره اسراء که می‌فرماید ﴿وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مُنْصُورًا﴾: «و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل زیاده روی نکند، چرا که او مورد حمایت است». مراد از آن کسی که مظلوم کشته شده، امام حسین علیه السلام است و مراد از «ولی منصور» حضرت قائم علیه السلام. ظاهراً علت اینکه به امام زمان، «منصور» می‌گویند، این است که خداوند او را یاری می‌کند و زمینه پیروزی او را فراهم می‌آورد. به‌ویژه با انداختن ترس در دل دشمنان حضرت، ایشان را پیروز می‌کند. در زیارت عاشورا و دعای ندبه نیز، امام عصر علیه السلام منصور نامیده شده است.

همچنین در سفر تکوین تورات، از دوازده امام که از نسل اسماعیل به وجود می‌آیند، سخن گفته شده است و در «مزامیر» حضرت داود علیه السلام آمده است: «و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند... صالحان، وارث زمین و در آن همیشه ساکن خواهند بود».<sup>۱</sup>

#### معرفی بیشتر منجی بشر در اخبار ما

هرچند در تورات، انجیل و کتاب‌های مذهبی زرتشتیان، و نیز در عقائد هندوها و مصریان قدیم این مطلب وجود دارد که در آینده تاریخ، انسانی بزرگ و اصلاحگر می‌آید که مظلومان را از دست ظالمان نجات می‌دهد، ولی آنچه مسلم است، در این باره سهم دین اسلام و مذهب تشیع بیش از سایر مذاهب و ادیان است؛ زیرا روایات اسلامی نه تنها نام منجی را معرفی کرده و او را فرزند امام حسن عسگری علیه السلام دانسته و نسب ایشان را تا علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا علیهما السلام بیان کرده است، بلکه وقایع قبل از ظهور، کیفیت حکومت حضرت و... را به تفصیل آورده است تا از این مقام سوء استفاده نشود و دروغگویان، ادعای مهدویت نکنند.

در پایان گفتنی است که برای اثبات مهدی موعود لزومی ندارد به بشارت‌های کتاب‌های ادیان و مذاهب گذشته استدلال کنیم؛ زیرا به قدری برای اثبات حضرت مهدی علیه السلام دلیل عقلی و نقلی داریم که احتیاجی به این بشارت‌ها نیست. در واقع، هدف ما از نقل آنها، تأکید بر این نکته است که عقیده به ظهور نجات‌دهنده جهانی، عقیده مشترک دینی است که همه پیامبران به آن بشارت داده‌اند و تمامی ملل در انتظار اویند.

#### خلاصه سؤال و جواب

سؤال: آیا سایر ادیان و مذاهب، به منجی و مصلح جهانی اعتقاد دارند؟ یا این موضوع اختصاص به دین اسلام دارد؟

پاسخ: بسیاری از ادیان، به انتظار مصلحی جهانی‌اند و هر یک برای آن مصلح، نامی

۱. جزوه امام زمان، مؤسسه در راه حق، صص ۹ و ۱۰.



نهاده‌اند. کتاب «دید» از کتب آسمانی هندویان، کتاب «زند» از کتاب‌های مذهبی زرتشتیان، تورات و مزامیر داود، هر یک به نحوی از آمدن اصلاحگر جامعه بشری خبر داده است. البته توضیح کامل این مطلب و بیان ویژگی‌های آن منجی، شرایط و علائم ظهور ایشان و... در روایات اسلامی و به‌ویژه در احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام آمده است.

### سؤالات از این پرسش و پاسخ

۱. بعضی از ادیان و مذاهبی را نام ببرید که به آمدن مصلح کل، اشاره دارند.
۲. در مزامیر داود، درباره آینده جهان چه مطلبی آمده است؟

### ۵- چرا روایات مهدی علیه‌السلام در صحیح بخاری نیامده؟

ما قبول داریم که روایات حضرت مهدی علیه‌السلام و مهدویت از جمعی صحابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مانند عبدالرحمان بن عوف، ابو سعید خدری، قیس بن جابر، ابن عباس، جابر، ابن مسعود، علی بن ابی طالب علیه‌السلام، سلمان و دیگران نقل شد و نیز این روایات از کتب کثیری از علماء و بزرگان اهل سنت مانند ابوداود، احمد، ترمذی، ابن ماجه، حاکم، نسائی، طبرانی، ابونعیم، بیهقی، ثعلبی، ابن مغزالی، ابن جوزی، گنجی، خوارزمی، ابن صباغ، ابن حجر، سیوطی و دیگران نقل شده است.

اما سؤال ما این است که: چرا محمد بن اسماعیل بخاری و مسلم بن حجاج نیشابوری که نویسندگان دو کتاب از کتب صحاح اهل سنت می‌باشند احادیث حضرت مهدی علیه‌السلام را نقل ننموده‌اند، و آیا این مطلب موجب شک و تردید در مسئله مهدویت نمی‌شود؟ و ظاهراً همین امر باعث شده که مورخ مشهور ابن خلدون، عقیده به مهدویت را تضعیف و یا ردّ نماید.

پاسخ: اولاً بعد از بیان آن همه ادله عقلی و نقلی و اینکه روایات مهدویت از حدّ تواتر گذشته و گروه کثیری از محدثین و مفسرین اهل سنت آنها را نقل نموده‌اند، جایی برای طرح این سؤال باقی نمی‌ماند که چرا فلان محدث این روایات را نقل ننموده است.

ثانیاً: مگر کسی گفته و یا صاحب صحیح بخاری و مسلم مدعی هستند که هرچه را که ما نقل ننموده‌ایم باطل می‌باشد؟ قطعاً این گونه نیست، حتی نقل شده که بعضی از روایاتی که در صحیح بخاری آمده. در صحیح مسلم نقل نشده و نیز بعضی از احادیثی که در صحیح مسلم آمده، بخاری آن را نقل نکرده است.

ثالثاً: وظیفه ما نیست که جواب گوی این سؤال باشیم که چرا بخاری مثلاً روایات مهدویت را نقل نکرده است بلکه این آقای بخاری است که باید به سؤال ما جواب بدهد که چرا موضوعی که در روایات به‌طور متواتر از صحابه نقل شده و بزرگان خودتان از قبیل احمد حنبل که یکی از ائمه اربعه اهل سنت است و حدود صد سال قبل از بخاری می‌زیسته آن را نقل نموده، شما نقل نکرده‌اید و با سکوت از کنار آن گذشته‌اید؟

آیا معنی و مفهوم این سکوت این نیست که ایشان دلیلی برای کار خودش نداشته؟ رابعاً: تعجب از ابن خلدون است که یکی از مورخین اهل سنت است که چرا چشم خود را از کتب فراوان محدثین و مفسرین اهل سنت بسته و در ردّ عقیده مهدویت اکتفاء نموده به اینکه بخاری روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را نقل ننموده؟! آیا این است شیوه تحقیق و بررسی از موضوعات اسلامی؟

در خاتمه می‌پردازیم به کلامی از محقق و نویسنده مشهور، مرحوم آقای دوانی ایشان می‌گوید.<sup>۱</sup>

بخاری از کسانی امثال معاویه، سمره بن جندب، مروان حکم، عمرو عاص و عمر بن حطان خارجی ده‌ها روایت نقل کرده است، وگویی از امام حسن مجتبی نوه پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام صادق و امام موسی کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد حتی از امام هادی و عسکری علیه السلام که هم عصر او بوده‌اند<sup>۲</sup> یک روایت هم نقل نکرده است،

۱. موعودی که جهان در انتظار اوست، ص ۸۸.

۲. در الکنی و الالقاب آمده؛ ولادت بخاری در سال ۱۹۴ هجری و فوتش در سال ۲۵۶ بوده است.

علیهذا اینکه بخاری روایات مهدی موعود علیه السلام را نقل نکرده، خود دلیل روشنی است که تعصب، به وی اجازه نمی‌داده روایات مهدی علیه السلام را که به نفع شیعه تمام می‌شده است در کتاب خود بیاورد زیرا همان‌گونه که در مباحث قبلی ملاحظه کردید روایات مهدویت بیانگر این بود که خلفای پیامبر دوازده نفرند و مهدی علیه السلام دوازدهمین آنها است، و مهدی علیه السلام نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است هشتمین فرزند علی بن الحسین علیه السلام تا می‌رسد که فرزند بلافضل امام عسکری علیه السلام است. و نیز خصوصیات دیگر مهدی علیه السلام که در روایات آمده و اینها تماماً دلیل است بر حقایق مذهب فرقه اثنا عشریه.

امیدواریم روزی فرا برسد که علما و بزرگان اسلام از هر فرقه و گروهی که هستند کنار هم بنشینند و با احتراز از هرگونه غرض‌ورزی و تعصب به بررسی راه حق پردازند و نتیجهٔ مسلمانان جهان را از گمراهی و انحراف نجات ببخشند.

## ۶- چگونگی شناخت مهدی واقعی

از زمان ائمه اطهار علیهم السلام افرادی پیدا شده‌اند که یا خود ادعای مهدویت داشته‌اند یا گروهی آنان را مهدی موعود خوانده‌اند؛ برای مثال گروهی از مسلمانان، «محمد حنفیه» را امام و مهدی می‌پندارند، گروه دیگری «محمد بن عبدالله بن حسن» را مهدی غایب می‌دانند و بعضی از اسماعیلیه، «اسماعیل» فرزند امام صادق علیه السلام را مهدی می‌خوانند.<sup>۱</sup> اکنون این پرسش پیش می‌آید که چگونه، و با چه معیاری می‌توان مهدی واقعی را شناخت؟

چه بسا نام فردی «محمد» و از تبار هاشم باشد و انقلابی نیز برپا کرده باشد و نهضت او در اذهان مردم جلوه کرده و او را مهدی موعود بدانند. چگونه می‌توان به اینها گفت که شما در مسیر باطل گام برداشته‌اید و با امام واقعی خود آشنا نشده‌اید؟

پاسخ: در طول تاریخ اسلام، چه قبل از ولادت حضرت قائم و چه بعد از آن، افرادی بوده‌اند که نام آنها «محمد» و حتی کنیه آنها «ابوالقاسم» بوده است. از این‌رو گروهی از مردم نادان، آنان را مهدی موعود پنداشته‌اند. بعضی از آنان نیز که فرصت طلب بوده‌اند، از عقیده پاک مردم سوء استفاده کرده و خود را مهدی موعود معرفی کرده‌اند.

البته ممکن است بعضی از آن افراد خواسته‌اند از ستمکاران انتقام بگیرند. ولی باید دانست که ادعای مهدویت و خود را مهدی موعود نامیدن، به بازی گرفتن عقیده پاک و صحیح مردم است.

البته وجود احادیث مجعول، درباره مهدی و علائم ظهور، به مدعیان دروغین کمک کرد تا آنان بتوانند راحت‌تر به خواسته خود برسند.<sup>۱</sup>

اما برای شناخت مهدی واقعی باید گفت که نشانه‌های حضرت قائم علیه السلام در اسم، کنیه و لقب حضرت خلاصه نمی‌شود تا هر فردی با داشتن نام «محمد» یا کنیه «ابوالقاسم» یا لقب «مهدی» بتواند از این جایگاه رفیع، سوء استفاده کند، بلکه آن مهدی موعود و آن عزیز غایب، نشانه‌های بسیاری دارد که حقانیت او هنگام ظهور همچون خورشید برای همگان واضح و روشن می‌شود. ما در اینجا به چند نمونه از آن نشانه‌ها که در روایات بسیاری ذکر شده است، اشاره می‌کنیم:

۱. او یازدهمین فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله، دهمین فرزند علی علیه السلام، نهمین فرزند امام حسین علیه السلام، هشتمین فرزند امام سجاد علیه السلام، هفتمین فرزند امام باقر علیه السلام، ششمین فرزند امام صادق علیه السلام، پنجمین فرزند امام کاظم علیه السلام، چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام، سومین فرزند امام جواد علیه السلام، دومین فرزند امام هادی علیه السلام و فرزند بلافصل امام عسکری علیه السلام است.

۲. مهدی موعود دارای دو غیبت است: ابتدا غیبت کوتاه مدت و سپس غیبت درازمدت.

۱. برای آگاهی از این روایات ر.ک: پاورقی کتاب دادگستر جهان، ص ۵۲.

۳. مادرش به نام نرجس، نواده قیصر روم است.
۴. ولادت او همچون ولادت موسی بن عمران به طور مخفی و معجزه آسا واقع شده است.
۵. او با وجودی که عمر طولانی دارد، در سیمای یک جوان، ظاهر می شود.
۶. هنگام ظهور او، عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان نزول می کند و در نماز جماعت به حضرت مهدی علیه السلام اقتدا، و او را یاری می کند.
۷. او بعد از ظهور، سراسر زمین را تحت سیطره خود در می آورد و عدل را در همه جا برقرار می سازد.
۸. مهدی موعود علیه السلام از کنار کعبه و مقارن با ندا و صیحه آسمانی ظهور می کند.
۹. یاران خاص او ۳۱۳ نفرند که کنار حضرت حاضر می شوند.
۱۰. بعد از ظهور، علم و عقل مردم به سرعت تکامل می یابد و مردم به اسلام و عبادت روی می آورند و در کمال امنیت به سر می برند و حتی یک نفر به عنوان دشمن اهل بیت علیهم السلام یافت نمی شود و ...<sup>۱</sup>

### یک تفاوت مهم و روشنگر

اصولاً هر فردی می تواند با پوشیدن لباس خاص یا با آرایش سروصورت خود را به شکل روحانی، ارتشی، فقیر، ثروتمند و... در آورد. اما هرگز کسی نمی تواند به دروغ، لحظه ای بر مسند تدریس بنشیند و ریاضی یا فقه تدریس کند. می توان فردی را با پوشانیدن لباس روحانی به شکل عالم و فقیه درآورد، اما او برای یک لحظه هم نمی تواند زبان بگشاید و در جایگاه تعلیم و تدریس قرار گیرد. «المرءُ محبوبةٌ تحتَ لسانِهِ»؛ «انسان زیر زبان خود پنهان است».

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

بنابراین محال است کسی بتواند به دروغ خود را استاد ریاضی معرفی کند، تا چه

---

۱. ر.ک: غیبت نعمانی؛ کمال الدین؛ منتخب الأثر؛ بحار الانوار؛ مهدی کیست.

رسد که کسی بخواهد خود را امام زمان و حجت خدا نشان دهد. مهدی واقعی، انسانی است که دارای علم خدادادی است و به راه‌های آسمان‌ها همچون راه‌های زمین آشناست، شخصیت والایی است که مانند پدران و اجداد بزرگوارش جوابگوی مسائل و خواسته‌های مردم است. از این رو کسانی که از عنوان «مهدویت» سوء استفاده کرده‌اند، به سرعت رسوا، و پیروان آنها پراکنده شده‌اند و حتی یک نفر طرفدار هم از آنان باقی نمانده است. بنابراین کسی نمی‌تواند به راحتی خود را مهدی موعود معرفی کند.

میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است

### خلاصه این سؤال و جواب

سؤال: با توجه به اینکه بعضی در طول تاریخ، ادعای مهدویت کرده‌اند، یا گروهی معتقد به مهدویت فرد خاصی شده‌اند و شاید این افراد اصلاحاتی در جامعه خودشان به عمل آورده‌اند، با چه ملاک و معیاری می‌توان حق را از باطل تشخیص داد و از مدعیان دروغگو فریب نخورد؟

جواب: مسئله مهدویت با نام، کنیه و لقب تمام نمی‌شود تا اگر کسی نام او مهدی بود بتواند از این مقام، سوء استفاده کند. روایات اسلامی، مهدی موعود را از ابعاد مختلف معرفی کرده است؛ مانند نسب شمایل، علائم قبل از ظهور، کیفیت حکومت، برقراری عدل در تمام زمین و ده‌ها نشانه دیگر که هنگام ظهور، مانند آفتاب، حقانیت ایشان را بر همگان ثابت می‌کند.

در واقع امام کسی است که بتواند مردم را تعلیم و تربیت کند و براساس علم خدادادی، جوابگوی سؤالات مردم باشد و مسلّم است که مدعیان دروغگو برای یک لحظه هم در چنین مقامی نمی‌توانند قرار بگیرند.

### سؤالات از این پرسش و پاسخ

۱. بعضی را که یا ادعای مهدویت کرده، یا برخی از مردم او را مهدی موعود

دانسته‌اند، نام ببرید.

۲. آیا کسی می‌تواند شرعاً و عقلاً به بهانه اصلاح جامعه و رفع ظلم، ادعای مهدویت کند؟

۳. ده ویژگی برای شناخت مهدی واقعی بیان شد، به بعضی از آنها اشاره کنید.

۴. یک تفاوت مهم و روشنگر را برای شناخت مهدی واقعی از دیگر مدعیان بیان کنید.

## ۷- آیا بیشتر مردم در حکومت حضرت مهدی علیه السلام، کشته می‌شوند؟

می‌دانیم که بیشتر مردم در حال حاضر، غیر مسلمان‌اند و میان مسلمانان نیز افراد خودخواه، فرصت‌طلب، لجوج و معاند بسیاری‌اند. در نتیجه بین دعوت حضرت مهدی علیه السلام و خواسته‌های آنان تضاد ایجاد می‌شود. آیا حضرت، این جمعیت انبوه را خواهد کشت؟ و آیا افراد باقیمانده که تعدادی از نزدیکان و دوستان خود را از دست داده‌اند، به حکومت حضرت و شخص امام علیه السلام دل‌بستگی پیدا می‌کنند؟

پاسخ: در مباحث گذشته به این سؤال پاسخ داده شد. اما از آنجا که این سؤال زیاد به ذهن خطور می‌کند، در اینجا جواب کامل‌تری را بیان می‌کنیم:

اولاً: منجی از القاب حضرت مهدی علیه السلام است که در کتاب‌های عتیق نیز به همین عنوان آمده است. همچنین براساس عقاید بعضی از فرقه‌های غیرمسلمان، آنان نیز در انتظار یک «منجی»‌اند؛ یعنی منتظرند که فردی بیاید و بشر را نجات بخشد و از شرک، کفر و نابسامانی‌های اجتماعی رها سازد. بنابراین نباید فراموش کنیم که ظهور حضرت موجب نجات بشر است، نه نابودی.

ثانیاً: شرایط اجتماعی و وضع مردم در زمان ظهور برای ما معلوم نیست. ممکن است که جوامع بشری در شرق و غرب، بر اثر جنگ و ستمی که بر آنها وارد شده است، قیام و نهضت حضرت را همچون چشمه زلالی بدانند که تشنه‌لبان با تمام وجود آن را در بر گیرند. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ تِسْعَةُ أَعْشَارِ

النَّاسِ؛ قائم آل محمد علیه السلام ظهور نمی کند مگر وقتی که از هر ده نفر، نه نفرشان هلاک شوند». بنابراین آیا مردم در چنین وضعی، حکومت عادلانه و قوانین حیات بخش امام عصر را نخواهند پذیرفت؟

ما در زمان خودمان شاهد بودیم که ملت ایران با وجود اختلافات بین اقوام و احزاب، برای نجات یافتن از حکومت طاغوت و ستمگر پهلوی، چگونه با آغوش باز از امام خمینی علیه السلام استقبال کردند و شعار «مرگ بر شاه» سردادند.

ثالثاً: ما پیروان قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام معتقدیم که تا حجت و دلیل روشن برای مردم از جانب خداوند اقامه نشود و راه حق از باطل معلوم نگردد، هرگز مؤاخذه و عقوبت نخواهند شد؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ»؛ «بگو: دلیل رسا برای خداست». (انعام: ۱۴۹)؛ یعنی دلیلی از جانب خداوند برای مردم اقامه می شود که جای هیچ گونه بهانه ای باقی نمی گذارد.

همین مضمون در آیه دیگر این گونه آمده است: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا»؛ «ما هرگز [قومی را] مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کنیم [تا وظایفشان را بیان کند]». (اسراء: ۱۵)

بنابراین همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله با ادله و معجزات خود، حجت را بر همگان تمام کرد، به یقین وجود مقدس بقیه الله چنین خواهد کرد و با پیروی از پیامبر، حجت را بر همگان تمام خواهد کرد و هرگز کسی بی دلیل کشته نخواهد شد. به ویژه مسیحیان عالم که جمعیت انبوهی از افراد روی زمین را تشکیل می دهند، وقتی ملاحظه کنند که حضرت مسیح از آسمان فرو آمده است و در قیام و نهضت جهانی، حضرت مهدی را یاری می کند، دیگر چه عذری می توانند بیاورند؟

اما به هر حال در هر جامعه ای، افراد لجوج و خودکامه ای وجود دارند که زیر بار حق و حقیقت نمی روند و چنانچه این افراد از موقعیت اجتماعی هم برخوردار باشند،



فتنه و آشوب می‌کنند. از این‌رو حضرت مهدی با این افراد، قاطعانه رفتار خواهد کرد و این‌گونه افراد به دست یاران حضرت مهدی علیه السلام نابود می‌شوند و به‌یقین تعداد آنها نسبت به تمام جمعیت روی زمین، اندکی بیش نخواهد بود.

### خلاصه این سؤال و جواب

سؤال: آیا در حکومت حضرت مهدی علیه السلام بیشتر مردم کشته می‌شوند؟

پاسخ: اولاً: حضرت برای نجات بشر می‌آید. از این‌رو یکی از القاب ایشان «منجی» است. ثانیاً: طبق بعضی از روایات، وضع مردم بر اثر شیوع فساد و ظلم و وقوع جنگ‌های بزرگ، بسیار آشفته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که گرد و غبار خستگی و افسردگی بر چهره‌ها مشاهده می‌شود. از این‌رو همگان از آمدن رهبری دلسوز و مصلح، با آغوش باز استقبال می‌کنند. ثالثاً: یکی از سنت‌های الهی این است که بدون اتمام حجت، بندگان خود را مؤاخذه و عذاب نمی‌کند.

رابعاً: مسیحیان جهان که جمعیت انبوهی را تشکیل می‌دهند، با دیدن یاری‌رساندن حضرت مسیح علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام، به امام زمان علیه السلام گرایش می‌یابند و به او معتقد می‌شوند.

اما به هر حال در هر جامعه‌ای، انسان‌های لجوجی‌اند که می‌خواهند به راه فاسد و باطل خود ادامه دهند. از این‌رو سعی می‌کنند تا جامعه را به آشوب بکشند. در این صورت، امام علیه السلام و یاران ایشان هرگز چنین اجازه‌ای را به آنها نخواهند داد.

### سؤالات از این پرسش و پاسخ:

۱. از لقب «منجی» چه استفاده می‌شود؟
۲. وضع نابسامان جامعه بشری سبب پذیرش دعوت حضرت مهدی علیه السلام خواهد شد. برای این مطلب شاهدی از انقلاب اسلامی ایران آوردیم، آن شاهد چه بود؟
۳. از آیه ۱۵ سوره مبارکه اسراء چه استفاده می‌شود؟
۴. اصحاب حضرت مهدی علیه السلام با معاندان چگونه رفتار خواهند کرد؟

## ۸- مسجد مقدس جمکران

با توجه به اینکه مسجد مقدس جمکران، از مهم‌ترین مراکز مورد علاقه عاشقان حضرت مهدی علیه السلام است و در طول سال، میلیون‌ها نفر به آنجا تردد می‌کنند و متوسل به حضرت می‌شوند، لازم است برای رفع برخی اشکالات، درباره اساس این مسجد مقدس و اعمالی که در آنجا وارد شده است بحث و بررسی شود و همچنین نظر بزرگان درباره آن مکان مقدس بیان گردد تا علاقه‌مندان، با اطمینان بیشتری به آن سرزمین مقدس روی آورند.

پاسخ: اصولاً شیعیان در سه مکان، توجه ویژه‌ای به حضرت ولی عصر علیه السلام پیدا می‌کنند!

۱. سرداب که در صحن حرم مطهر حضرت عسکریین علیه السلام در شهر سامرا است؛

۲. مسجد سهله که کنار شهر نجف و کوفه قرار دارد؛

۳. مسجد مقدس جمکران که در ناحیه شرقی شهر مقدس قم واقع شده و در حال حاضر فاصله چندانی با شهر ندارد.

### احداث مسجد مقدس جمکران

درباره بنا و احداث مسجد، محدث بزرگوار حاج میرزا حسین نوری علیه السلام در کتاب «نجم الثاقب» حکایتی را نقل می‌کند که خلاصه آن از این قرار است:

شیخ عقیق صالح «حسن بن مثله جمکرانی» می‌گوید: شب سه‌شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان در منزل خود خوابیده بودم. نیمی از شب گذشته بود که چند نفر آمدند و من را بیدار کردند و فرمودند: «برخیز که حضرت صاحب‌الزمان تو را می‌خواند». چون به در خانه آمدم، گروهی از بزرگان را دیدم. سلام کردم و آنها جواب دادند. مرا در این مکانی که اکنون مسجد است، آوردند. در آنجا تختی دیدم که روی آن فرش خوبی پهن شده بود و جوانی روی آن تخت تکیه داده بود. پیرمردی نزد ایشان نشسته بود که حضرت

---

۱. واضح است که شیعیان حضرت در هر مکان و هر زمانی، چه در مساجد و مجالس دینی و چه در منازل، به حضرت متوسل می‌شوند.

خضر بود و بیش از شصت مرد در آنجا حضور داشتند. امام علیه السلام، من را با نام خواند و دستور ساخت مسجد را صادر فرمود و درباره آن مکان فرمود: «این زمین شریفی است که حق تعالی آن را از زمین‌های دیگر برگزیده است. به مردم بگو به این مکان رغبت کنند و آن را عزیز شمارند و چهار رکعت نماز در آنجا به جا آورند. دو رکعت به نیت تحیت مسجد که بعد از حمد، هفت مرتبه توحید و ذکر رکوع و سجود نیز هفت بار تکرار شود و دو رکعت دیگر به نیت نماز صاحب‌الزمان که آیه **﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾** صد مرتبه، و ذکر رکوع و سجده هفت بار تکرار شود و بعد از نماز یک مرتبه **«لا اله الا الله»** و سپس تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام و در خاتمه به سجده رود و صد مرتبه صلوات فرستد و حاجات خود را از خداوند بخواهد». در خاتمه امام عصر علیه السلام فرمود: **«فمن صليهما فكانما صلى في البيت العتيق»**؛ «هرکس این دو نماز را به جای آورد، چنان است که در کعبه نماز خوانده باشد»<sup>۱</sup>.

اما آیا می‌توان به این حکایت اعتماد کرد و با اطمینان خاطر به مفاد آن عمل کرد؟ در این رابطه می‌گوییم:

اولاً: ناقل این حکایت، محدث بزرگ و عالم جلیل‌القدری مانند محدث نوری است که یکی از بزرگان و شخصیت‌های برجسته علمی است که مورد تجلیل و تکریم علما و بزرگان ماست. ایشان در باب هفتم کتاب **نجم‌الثاقب**، صد حکایت از کسانی که در زمان غیبت کبرا خدمت امام زمان علیه السلام رسیده‌اند، نقل می‌کند که نخستین حکایت، همین حکایت مربوط به مسجد مقدس جمکران و احداث آن است و قبل از نقل این حکایت می‌نویسد:

من هرچه از هرکه شنیدم نقل نکردم، بلکه در صدق و دیانت ناقلان دقت نمودم، و آنچه نقل کردم از کسانی است که دارای وثاقت و صداقت می‌باشند و بسیاری از آنها صاحبان مقامات عالیه و کرامات باهره‌اند.<sup>۲</sup>

۱. نماز در مسجد الحرام مطابق با صد هزار رکعت و طبق نقل دیگر مطابق با یک میلیون رکعت است.

۲. **نجم‌الثاقب**، ص ۲۱۱.

ثانیاً: محدث نوری این حکایت را از کتاب «تاریخ قم» تألیف «حسن بن حسن قمی»، از معاصران شیخ صدوق، نقل می‌کند که او نیز از کتاب «مونس الحزین فی معرفة الحق و الیقین»، تألیف شیخ صدوق، نقل کرده است و طبق نقل صاحب «الذریعه» متن آن کتاب در دست بسیاری از بزرگان بوده است؛<sup>۱</sup> گرچه امروز از آن کتاب چیزی در دسترس نیست.

بنابراین هنگامی که عالم بزرگی از معاصران صدوق، یعنی نویسنده تاریخ قم، این کتاب را به صدوق نسبت می‌دهد و صاحب «الذریعه» می‌فرماید متن کتاب در دست بسیاری از بزرگان بوده است و محدث نوری نیز این حکایت را از کتاب تاریخ قم نقل می‌کند، دیگر جای تردید باقی نمی‌ماند که این حکایت ارزنده را شیخ صدوق رحمه الله نقل کرده است و به یقین نقل ایشان برای ما اطمینان‌بخش است.

ثالثاً: احادیث «من بلغ» که در منابع شیعه و اهل سنت آمده و مورد قبول فقهای ماست، احداث مسجد مقدس جمکران و ثواب اعمال آن را نیز در بر می‌گیرد. براساس احادیث «من بلغ» اگر عملی را به حجت خدا مستند کردند و برای آن ثوابی را نیز بیان کردند و علاقه‌مندان برای رسیدن به آن ثواب، عمل مذکور را انجام دهند، آن ثواب به آن شخص داده می‌شود حتی اگر پیامبر یا امام آن را نگفته باشد.<sup>۲</sup>

### نگاهی به اعمال مسجد مقدس جمکران

باید توجه داشت که تمام اعمال مسجد مقدس جمکران، مورد توجه شارع مقدس است: - حرکت به سمت مسجد: شما ملاحظه می‌کنید که حرکت مردم از همه‌جا به سمت

مسجد و خانه خداست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. گوینده، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی مدظله العالی است.

۲. البته بعضی می‌گویند: می‌توان آن عمل را به قصد ورود انجام داد و بعضی می‌گویند به قصد رجاء. اما به هر حال اصل عمل برای ما جایز و مشروع خواهد شد. درخور توجه است که آیت الله مکارم شیرازی که از مراجع فعلی است در نامه خود راجع به مسجد جمکران می‌نویسد: یکی از مراجع محترم فعلی گفتند: من در مجلسی حاضر بودم که شخصی از حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی سؤال کرد: «آیا می‌توان اعمال مسجد جمکران را به قصد ورود انجام داد؟» ایشان کمی مکث کرد و فرمود: «آری، می‌توان به قصد ورود انجام داد». این در حالی است که احاطه فقهی و رجالی آن مرحوم بر کسی پوشیده نیست.

مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرٌ حَسَنَاتٍ وَوَجَّعَ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَرُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ.<sup>۱</sup>

کسی که به سوی مسجدی از مساجد الهی برود تا زمانی که به منزلش برگردد برای او در مقابل هر قدمی که بر می‌دارد، ده حسنه داده می‌شود و ده درجه بالا برده می‌شود.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِثْلِ الصَّمْتِ وَالْمَشْيِ إِلَى بَيْتِهِ.<sup>۲</sup>

پرستش نشده است پروردگار به چیزی (بهتر) از سکوت و رفتن به مسجد.

- نماز تحیت: چون به مسجد وارد می‌شویم دو رکعت نماز به نیت تحیت مسجد به جا می‌آوریم که «ابوذر» در این رابطه می‌گوید:

بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم؛ در حالی که حضرت در مسجد نشسته بود. به من فرمود: «برای مسجد تحیتی<sup>۳</sup> است». عرض کردم: «تحیت مسجد چیست؟» فرمود: «دو رکعت نماز خواندن».<sup>۴</sup>

ما طبق روایت مربوط به مسجد جمکران، نماز تحیت را با هفت سوره توحید و هفت مرتبه ذکر رکوع و سجود می‌خوانیم.

- نماز امام زمان علیه السلام: سپس دو رکعت نماز به نیت نماز امام زمان علیه السلام خوانده می‌شود با یکصد مرتبه تکرار آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» که این نماز با همین کیفیت از علمای بزرگواری همچون علامه مجلسی، شیخ حر عاملی، کفعمی و طبرسی نقل شده است.<sup>۵</sup> محدث بزرگوار حاج میرزا حسین نوری رحمته الله علیه می‌نویسد:

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۳.

۲. همان.

۳. تحیت: هر دعا و ثنایی است که انسان در روبه‌رو شدن با دیگری به زبان می‌آورد و خلاصه نوعی احترام‌گذاردن و آرزوی بقا و حیات برای دیگری است؛ زیرا تحیت از ماده حیات گرفته شده، و سلام در عرف ما نیز یکی از مصادیق تحیت است.

۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۸.

۵. گوینده مطلب، آیت‌الله مکاری شیرازی است.

نماز منسوب به آن حضرت علیه السلام از نمازهای معروف است و جماعتی از علما آن را روایت کرده‌اند؛ مثل «شیخ طبرسی» صاحب تفسیر در کتاب «کنوز النجاج»، «سید فضل‌الله راوندی» در کتاب «دعوات» و «سید جلیل علی بن طلوس» در کتاب «جمال الاسبوع» که هر کدام نماز امام زمان علیه السلام را با صد مرتبه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup>

بنابراین می‌توان نماز امام زمان علیه السلام را با همین کیفیت در هر زمان و مکانی به جا آورد و از فیض آن بهره‌مند شد.

- تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام: روایات فراوانی درباره خواص آن، و ترغیب به انجام دادن آن وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «این تسبیح از مصادیق ذکر کثیر است که در کلام الهی می‌فرماید: «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»؛ «خدا را بسیار یاد کنید» (احزاب: ۴۱).

۲. فرزندان را به گفتن تسبیحات، امر و تشویق کنیم.

۳. باعث طرد شیطان و رضایت رحمان می‌شود.

۴. امام باقر علیه السلام فرمود: «مَا عِبَادَ اللَّهِ بِشَيْءٍ مِنَ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ علیها السلام؛ «خداوند به بهتر از تسبیح حضرت زهرا، حمد و بندگی نشده است».

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: «تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ علیها السلام نَزِدُ مِنْ أَهْوَائِ مَنْزِلَةِ رَبِّكَ»<sup>۲</sup>.

- ذکر صلوات: در آخر نیز سر به سجده می‌نهییم که بهترین حالت عرفانی و قرب بنده به پروردگار متعال است و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد می‌فرستیم؛ یعنی همان ذکر پربهرکتی که روایات متواتر درباره اهمیت آن وارد شده است و بعضی از بزرگان، کتاب مستقلی درباره برکات آن نوشته‌اند و از همه مهم‌تر آیه قرآن، بندگان را به فرستادن صلوات امر می‌کند و مشروعیت آن مورد قبول عامه و خاصه است.

آیا این اعمالی که تک‌تک آنها مشروع‌اند و بلکه مورد تحریص و ترغیب شارع مقدس است، جای بحث دارد؟ و احتمال خلاف در آن داده می‌شود؟ از این رو حضرت آیت‌الله بروجردی فرمود: «می‌توان اعمال مسجد مقدس جمکران را به قصد ورود انجام داد».

۱. نجم الثاقب، ص ۲۱۶.

۲. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۴، صص ۱۰۲۳ و ۱۰۲۴.

### توجه بزرگان به این پایگاه مقدس

مراجع تقلید و علمای بزرگ توجه ویژه‌ای به این مسجد و مکان مقدس دارند و برای کسب معنویت و کمالات و حل مشکلات به آنجا می‌روند و به حضرت بقیة الله متوسل می‌شوند. «آیت‌الله احمدی میانجی» فرمود: «آیت‌الله العظمی محمدتقی خوانساری و اراکی پیاده به مسجد مقدس جمکران می‌رفتند».

هر یک از علما در توصیف این مسجد، مطلبی بیان کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

مقام معظم رهبری مدظله العالی: «مسجد جمکران، گنجینه فناپذیر شیعه می‌باشد که باید از آن بهره‌مند شویم».

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله: «ما معتقدیم این مشاهد مبارکه و مساجدی نظیر مسجد جمکران مستغنی از معرفی هستند».

آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله: «دوران طلبگی خیلی به مسجد جمکران می‌رفتم. شاید بیش از پانصد مرتبه باشد و کرامات زیادی در این مسجد دیده و شنیده‌ام».

آیت‌الله صافی مدظله العالی:

از جمله بزرگانی که حسن عقیده خود را به مسجد جمکران اظهار می‌فرمودند به آیت‌الله العظمی بروجردی و گلپایگانی اشاره می‌نمایم. امید است خداوند ما را از فیض تشریف به این مسجد تا حیات باقی است محروم نفرماید.

آیت‌الله مکارم شیرازی مدظله العالی: «هرکس در فضای ملکوتی این مسجد قرار می‌گیرد، روحانیتی عجیب و جاذبه معنوی فوق‌العاده‌ای احساس می‌کند».

آیت‌الله شیخ مرتضی حائری که الگوی تقوا و فضیلت بود، مسجد جمکران را از آیات باهرات و عنایت حضرت بقیة الله می‌دانستند.<sup>۱</sup>

---

۱. این عبارات علما از تقویم و سالنامه منتشره مسجد جمکران نقل شد.

## توجه اقشار مختلف به این مکان مقدس

توجه علما و بزرگان به این مسجد و گفتار آنان در مجالس و محافل، باعث شده است که اقشار مختلف از همه جا به این مسجد روی آورند. طبق آمار مسجد مقدس جمکران، در سال ۱۳۷۶ هـ ش بیش از شانزده میلیون نفر که حدود هشتاد درصد این جمعیت از جوانان بوده‌اند، برای راز و نیاز با خداوند و توسل به حضرت بقیة الله به این مسجد رفته‌اند. همچنین هر ماه حدود سی هزار سؤال دینی به وسیله راهنمایان برادر حوزوی و شانزده هزار سؤال به وسیله خواهران حوزوی پاسخ داده می‌شود و در هر سال صدها عنوان کتاب سودمند از طرف مسجد چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. آیا نباید خداوند را بر این موهبت بزرگ شکر کرد؟ آیا هیچ عقلی اجازه تضعیف این کانون مقدس را می‌دهد؟

ظهور کرامات امام عصر علیه السلام در مسجد مقدس جمکران

توجه حضرت به علاقه‌مندان خود در آن مکان مقدس و حل مشکلات آنان بسیار فراوان است که برای نمونه به یک مورد آن اشاره می‌شود:

عالم عارف و معلم اخلاق «آیت‌الله بهاء‌الدینی علیه السلام» می‌فرمود:

هرگاه مشکلی برای حوزه علمیه قم و مؤسس محترم آن، حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، پیش می‌آمد، با تشریف عالم ربانی حضرت آیت‌الله بافقی به مسجد جمکران برطرف می‌گردید.<sup>۱</sup>

و اما توجه حضرت به علاقه‌مندان و روی آوردگان به مسجد جمکران:

آیت‌الله خرازی<sup>۲</sup> از قول یکی از مراجع عالی‌قدر که همراه آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی به مشهد مقدس رفته بود نقل می‌کند: در آنجا شنیدم یکی از خادم‌های حرم به

۱. ناقل: جناب حاج آقای وافی، تولیت مسجد جمکران.

۲. یکی از علما و مدرسین برجسته حوزه علمیه قم می‌باشند و این حکایت را در کتاب خود، روزنه‌هایی از عالم غیب، ص ۳۸ نقل نموده‌اند.



نام آقای بلورساز که از تجار محترم مشهد است (و آیت الله مروارید و حجت الاسلام و المسلمین آقای واله و برخی دیگر از محترمین مشهد نیز آقای بلورساز را می‌شناختند) در اثر توسل به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در مسجد جمکران شفا یافته، من از او خواستم جریان عنایت حضرت و شفای خود را خدمت آقای گلپایگانی شرح دهد.

ایشان خدمت آقا رسیدند و گفتند: دندانم دچار بیماری خاصی شده بود که بالاخره به جراحی کشید، پس از عمل جراحی متوجه شدم که لال شده‌ام و قادر به تکلم نیستم، به دکتر جراح مراجعه کردم، گفت: خوب می‌شوی، ولی مدتی گذشت و خوب نشدم، به دکترهای زیادی در شهرهای مختلف رجوع کردم، آنان هم نتوانستند زبانم را معالجه کنند و گفتند: اعصاب زبان در حال جراحی صدمه دیده و دیگر نمی‌توانید صحبت کنید.

یکی از اخیار تهران وقتی مرا به این حال دید، به من گفت: شما خوب است چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران بروید اگر صلاح باشد زبان شما خوب می‌شود و اگر هم صلاح نباشد چهل شب عبادت کرده‌اید، من این حرف را پذیرفتم و قرار گذاشتم که روزهای سه‌شنبه از مشهد به تهران بیایم تا شب چهارشنبه خود را به جمکران برسانم ۳۷ هفته این کار را کردم، در هفته سی و هفتم در مسجد جمکران مشغول اعمال بودم که ناگاه متوجه شدم مسجد نورانی شد و امام عصر ارواحنا فداه تشریف آوردند من با خود گفتم: چگونه با این عدم قدرت بر تکلم می‌توانم خدمت آقا برسم و مشکل خود را عرض کنم در این فکر بودم که ناگاه متوجه شدم آقا به طرف من آمدند و به من فرمودند: سلام کن، به عنایت حضرت سلام کردم درحالی که زبانم باز شد و قدرت تکلم گذشته را پیدا کردم.

آنان که خاک را به نظر کمیاب کنند آیا شود که گوشه چشمی به ما کنند

### خلاصه‌ای از پرسش و پاسخ هشتم

توضیحی پیرامون مسجد مقدس جمکران جهت رفع شبهات و ازدیاد اعتقاد علاقه‌مندان داده شد. در رابطه با بنای مسجد که به امر حضرت قائم انجام گرفته

حکایتی دارد که محدث نوری نقل نموده، سپس شواهدی برای اعتبار آنچه را حسن بن مثله نقل نموده اقامه شد و بعد گفته شد اعمالی را که در این حدیث آمده تماماً مورد تأیید و تأکید شارع مقدس و ائمه اطهار علیهم السلام است.

کلماتی از بزرگان فقه و ایمان و تقوی بیان شد که همگی توجه به این مسجد مقدس و رفتن در آنجا برای توسل و توجه به امام زمان علیه السلام را تأیید و تأکید نمودند. در خاتمه به دو نمونه از کراماتی که مرتبط به مسجد جمکران است نقل شد.

### سوالات:

۱. حسن بن مثله چه شبی خواب دید؟
۲. مفاد احادیث من بلغ چیست؟
۳. کیفیت نماز تحیت مسجد چگونه است؟
۴. سه فایده از فواید تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بیان کنید؟
۵. نظر آیت الله صافی درباره مسجد مقدس جمکران چیست؟
۶. آقای بلورساز چه کرامتی را از امام زمان علیه السلام در مسجد مقدس جمکران دید؟

### ۹- آیا می توان توفیق تشرف پیدا کرد؟

آیا می توان راهی و یا عملی را اتخاذ کرد که به خدمت حضرت تشرف بیابیم؟  
جواب: ما در بحث غیبت به دو اصل مهم اشاره کردیم:

- ۱- بنا بر غیبت است و مستوریت حضرت. امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی کوتاه دو مرتبه، می فرماید: «ان لصاحب هذا الأمر غیبة»<sup>۱</sup> حتی در بعضی روایات بعد از اینکه می فرماید برای حضرت غیبت خواهد بود اضافه می کند که برای ایشان عزلت نیز می باشد.
- امام صادق علیه السلام می فرماید: «لابد لصاحب هذا الأمر من غیبة، ولا بد له فی غیبتة من عزلة»<sup>۲</sup>

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۵۸.

اینکه می‌فرماید: در غیبت او عزلت و اعتزال خواهد بود دلالت بر این می‌کند که غیبت و مستوریت ایشان خیلی شدید خواهد بود.

۲- گفتیم: امکان تشریف برای افراد وجود دارد و بلکه بالاتر اینکه این فوز عظیم برای بسیاری از مؤمنین و مؤمنات در اعصار و اماکن مختلف واقع شده است.

آنچه در این مقام مورد بحث ما می‌باشد این است که: آیا راهی هست که از آن طریق بتوان ولو احتمالاً به خدمت حضرت رسید؟

مرحوم کلینی و عده‌ای از محدثین بزرگ در باب غیبت از حضرت صادق علیه السلام روایتی را نقل نموده‌اند که از حیث سند مورد اعتماد است زیرا مجلسی رحمته الله علیه در مرآة العقول آن را از احادیث موثقه دانسته، متن حدیث از این قرار است.

... قال ابو عبدالله علیه السلام للقائم غیبتان، إحداهما قصيرة والأخرى طويلة، الغيبة الاولى لا يعلم بمكانه فيها الا خاصة شيعته، والأخرى لا يعلم بمكانه فيها الا خاصة موالیه.<sup>۱</sup>

از این روایت شریف استفاده می‌شود بعضی از خواص موالیان حضرت از جایگاه ایشان مطلع و آگاه می‌باشند یعنی آنچنان با حضرت ارتباط دارند که جا و مکان ایشان را نیز می‌دانند.

منتهی باید دید مراد از (خواص موالیان) چه کسانی می‌باشند؟ مجلسی رحمته الله علیه می‌فرماید<sup>۲</sup> مراد از خواص موالیان، خادمین حضرت و خانواده ایشان می‌باشد.

البته مجلسی در بحار الانوار روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت می‌فرماید: «... لا یطلع علی موضعه احد من ولده، ولا غیره الا المولی الذی یری امره»<sup>۳</sup>، براساس این روایت باید مجلسی (خواص موالیان را منحصر کند به خادمین و کارگزاران حضرت.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ منتخب الاثر، ص ۲۵۱ نقلاً عن غیبة النعمانی

۲. مرآة العقول، ج ۴، ص ۵۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

## ۱۰- آیا حضرت کارگزارانی دارد؟

آنچه که از کلمات بزرگان و خلال حکایات و بعضی روایات استفاده می‌شود این است که: حضرت دارای اعوان و انصار مخصوصی می‌باشد که هر یک وظائف خاصی دارا می‌باشند.

در بحث اسما و القاب حضرت مهدی علیه السلام بحثی مطرح شد که آیا می‌توان حضرت را با کلمه «قطب» خواند یا خیر؟ که محدث نوری از کفعمی نقل کردند که ایشان در ضمن دعای ام‌داود که آمده: «اللهم صل علی الابدال والاوتاد»، می‌فرماید: دنیا خالی از قطب و چهار اوتاد و چهل ابدال و هفتاد نجیب و سیصد و شصت صالح نخواهد بود. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... نعم المنزل الطیبه و ما بثلاثین من وحشة»<sup>۱</sup> مجلسی رحمته الله عبارت حدیث را این‌گونه توضیح می‌دهد<sup>۲</sup> مراد از «طیبه» مدینه طیبه است. و این حدیث دلالت می‌کند که حضرت غالباً در مدینه و یا اطراف مدینه می‌باشد و مراد از «ما بثلاثین من وحشة» این است که: حضرت مهدی علیه السلام با سی نفر از خواص و موالیان خود مأنوس است و هیچ‌گونه وحشتی برای آنها وجود ندارد، هر یک از این افراد که می‌میرند، شخص دیگری جایگزین آن می‌شود.

### حکایتی از آیت‌الله خویی رحمته الله

مطلب فوق را حکایات فراوانی از قبیل حکایت اسماعیل هرقلی تأیید می‌کند، یکی از حکایاتی که با صراحت دلالت می‌کند بر وجود یاران مخصوصی برای حضرت حکایتی است که از قول آیت‌الله خویی رحمته الله نقل شده<sup>۳</sup>: ایشان فرمودند، در جوانی در نجف مشغول تحصیل بودم. استادی داشتم پیرمرد و استاد اخلاق و از اهالی قزوین که می‌فرمود: در جوانی در یکی از مدارس قزوین مشغول تحصیل بودم خادمی داشتیم

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲. مرآة العقول، ج ۴، ص ۵۰.

۳. ناقل، عالم بزرگوار حاج سید جواد علم‌الهدی از قول یکی از علمایی که با آیت‌الله خویی مأنوس بود و نام او را فراموش کرده نقل می‌کند.

بسیار خوش اخلاق و مهربان به طوری که شب‌ها آفتابه‌ها را پر از آب می‌کرد و پشت حجره‌ها می‌گذاشت و طلاب را یک ساعت به اذان صبح بیدار می‌کرد.

در یکی از شب‌ها بی‌خوابی به سرم زد و نیمه‌های شب از حجره بیرون آمدم و از ایوان به صحن مدرسه نگاه می‌کردم دیدم اطاق خادم روشن است، پایین آمدم و از روزنه‌های پنجره نگاه کردم، دیدم مردی نورانی و بزرگوار در بالای اطاق نشسته و خادم مؤدبانه پایین اطاق و با هم گفت‌وگو می‌کنند، فردا قبل از ظهر که خادم مشغول جاروب زدن مدرسه بود، به او گفتم: دیشب چه کسی در اطاق شما بود؟! او از نقل آن امتناع می‌کرد، و بالاخره با اصرار من، گفت: می‌گویم، به شرط اینکه با کسی در میان نگذاری، فرمود: آن آقای که مشاهده کردی از کسانی است که در خدمت حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام می‌باشد. گاهی به من سر می‌زند، به ایشان عرض کردم. بنده پیر شدم، چنانچه می‌شود، به حضرت عرض کنید که من بقیه عمرم را در خدمت حضرت بگذرانم، آن آقا فرمودند به حضرت عرض می‌کنم و جوابش را می‌دهم، استاد ما فرمودند: من مترصد بودم که وضع خادم به کجا می‌انجامد، شبی در خواب بودم که صدایی از صحن حیات مدرسه بلند شد که آقایان طلاب من رفتم خدا حافظ، من را حلال کنید، من به سرعت به صحن حیات آمدم، دیدم پیرمرد خادم از دالان مدرسه بیرون می‌رود، دنبال او رفتم، که از درب مدرسه خارج شد، من به دنبالش بیرون رفتم، هر چه در کوچه‌ها گشتم او را نیافتم.

### معنای دیگری برای خواص از موالیان

احتمال دارد که مراد از خواص موالیان که طبق روایت امام صادق علیه السلام با حجت خدا مرتبط می‌باشند منحصر در خدومه و کارگزاران حضرت نشود بلکه جمله «خاصة موالیه» یک صفت و مرحله‌ای باشد که هر انسانی به آن مقام رسید و متّصف به آن صفت شد، بتواند از جایگاه حضرت مطلع گردد و شاهد بر اینکه «خاصة موالیه» منحصر در گروه خاصی نیستند جمله «خاصة شیعته» است که منحصر به سفراء اربعه نمی‌شود بلکه طبرسی رحمته الله علیه صاحب کتاب

کفایة الموحدين ۱۰۸ نفر را که در زمان غیبت صغری خدمت حضرت رسیدند نام می‌برد و حکایات آنان را بیان کرده که یکی از آنان حکایت ابن مهزیار اهوازی می‌باشد که شرحش گذشت، بنابراین می‌توان گفت: هر کسی خود را به این قلّه رفیعه برساند، یعنی از خواص موالیان حضرت گردد، برایش نعمت عظمای تشریف حاصل می‌گردد.

منتهی دسترسی به این مقام والا و بلند، بسیار مشکل است و جز افراد اندکی به آن مقام واصل نمی‌گردند زیرا چنین شخصی باید از مرحله محبّ بگذرد و به مقام اوصاف شیعه، که در روایات برای آن، اوصاف و علائمی بیان شده نائل شود و بلکه بالاتر از خواص شیعیان گردد که این خود یک امتیاز دیگری است و سپس از این مقام خود را به مقام والای ولایت و موالی برساند که از مضامین بعضی احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام استفاده می‌شود که رسیدن به مقام ولایت و اتصاف پیدا کردن به وصف (موالی) شرایط بسیار سخت و دشواری خواهد داشت، شما به این روایت توجه کنید که امام باقر علیه السلام برای جابر جعفی موالیان خود را معرفی می‌کند می‌فرماید: «واعلم بانک لم تکن لنا ولیاً حتی لو اجتمع علیک اهل مصرک وقالوا انک رجل سوء لم یحزنک ذلك ولو قالوا انک رجل صالح لم یسّرک ذلك...»<sup>۱</sup> رسیدن به این مرتبه که اگر اهالی یک شهر برای او بگویند: مرده‌باد یا زنده‌باد در او هیچ اثری نگذارد و راه خود را ادامه دهد، آیا چنین شخصی برای خوش آمدن مردم کاری می‌کند؟ آیا چنین شخصی فخر فروشی می‌کند؟ آیا چنین شخصی برای جلب مردم حاضر است که مقامات خود را حتی اگر تشریف به خدمت امام زمان علیه السلام پیدا کرده باشد، بازگو کند؟ هرگز چنین کاری از او سر نمی‌زند.

امام راحل، خمینی کبیر علیه السلام، در اوایل پیروزی انقلاب که زمزمه‌ای بلند شد که «ولایت» در معرض خطر است و گروهی به اصطلاح خود را اهل ولایت و مدافع آن می‌دانستند، در یکی از سخنرانی‌های خودشان در حسینیه جماران فرمودند: آنهایی که مدّعی ولایت هستند به مرحله دیانت هم نرسیده‌اند تا چه رسد به مقام ولایت.

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۱، ماده ولی.

در روایت آمده: آنهایی در غیبت کبری مرتبط با امام زمان علیه السلام می‌باشند که از خواص موالیان باشند یعنی در بین موالیان از یک ویژگی خاص و مقام برتری برخوردار باشند که یقیناً این افراد اگر در شب و روز و تمام اوقات خود را در کنار امام علیه السلام بگذرانند، حتی زن و بچه او نیز مطلع نمی‌شوند مگر مأموریتی از ناحیه امام علیه السلام به او داده شود که به فلانی این پیغام را برسان و یا فلان کار را انجام بده.

### راهی که محدث نوری برای تشرّف ترسیم نموده

عالم بزرگوار و محدث عالیمقدار آقای میرزا حسین نوری علیه السلام که یکی از کارشناسان مسائل مهدویت است و در این رابطه کتاب‌ها نوشته و زحمات فراوانی متحمل شده در اواخر کتاب جنة المأوی<sup>۱</sup> خود، به بیان اعمالی که از این طریق توفیق ملاقات و زیارت حضرت مهدی علیه السلام حاصل می‌گردد، می‌پردازد. خلاصه گفتار ایشان از این قرار است:

از حکایات کسانی که خدمت حضرت رسیدند استفاده می‌شود که مداومت بر عبادت و تضرّع و ناله درب خانه الهی مخصوصاً چهل شب چهارشنبه در مسجد سهله یا در شب‌های جمعه یا مسجد کوفه یا حرم حسینی و یا چهل شب مشغول عبادت و ذکر بودن در هر جایی که امکان دارد، وسیله و راهی است برای توفیق تشرّف یافتن و این عمل مورد قبول علما و صلحا و اتقیا می‌باشد، گرچه من مستند روایی برای آن نیافتم ولی امکان دارد که علما برای آن دلیلی در دست داشته‌اند یا اینکه مطلب فوق را استنباط کرده‌اند اخبار فراوانی وارد شده که اگر کسی مداومت کند بر عمل مخصوصی مثل دعا یا نماز یا قرائت قرآن و یا ذکر و یا خوردن چیزی و یا ترک آن در چهل روز، در ترقّی و تکامل خود اثر زیادی می‌بیند، از این روایات استفاده کرده‌اند که اگر چهل

۱. محدث نوری این کتاب را به‌عنوان مستدرک و تتمیم جلد سیزده بحارالانوار که مربوط است به مهدی موعود علیه السلام نوشته و حکایات و معجزاتی که دلالت بر وجود مبارک امام زمان علیه السلام می‌کند که بعد از زمان مجلسی اتفاق افتاده آورده است و لذا در طبع جدید بحارالانوار در جلد ۵۳، ص ۲۰۰ به بعد این کتاب آمده و مطلب فوق را در ج ۵۳، ص ۳۲۵ آورده است.

روز بر عملی از اعمال خیر مواظبت و مداومت داشته باشیم برای برآمدن حاجات مهم ما مؤثر است اگرچه آن حاجت لقاء و زیارت امام زمان علیه السلام باشد.

سپس می‌پردازد به نقل بعضی از این روایات

ما اجمل عبد ذکر الله اربعین صباحاً الا زهده فی الدنيا وبصره داءها و دواءها و اثبت  
الحکمة فی قلبه.

و شاهد گویاتر اینکه خداوند میقات حضرت موسی را چهل روز قرار داد و در نتیجه اخذ الواح کرد و نیز به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر شد که چهل روز از خدیجه کناره بگیرد برای آماده شدن القاء نطفه فاطمه علیها السلام.

در خاتمه این گفتار، محدث نوری اشاره می‌کند به اعمالی که از بعضی بزرگان مانند کفعمی و دیگران نقل شده که اگر این اعمال را انجام دهیم و قصد کنیم دیدار بعضی از انبیا و ائمه علیهم السلام یا فرزندان را در خواب به مقصود خود نائل می‌شویم. مثلاً از کفعمی نقل می‌کند که ایشان فرمودند: در بعضی از کتب اصحاب دیدم که هرکسی بخواهد یکی از انبیا و یا ائمه علیهم السلام و یا فرزندان آنان را در خواب ببیند، در موقع خواب سوره‌های شمس، قدر، جحد، اخلاص، معوذتین را بخواند و سپس اخلاص را صدمرتبه و صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیز صدمرتبه بخواند، به سمت راست بدن با وضو بخوابد، هر کسی را که اراده نموده انشاءالله خواهد دید و هر چه که دوست دارد می‌تواند از او سؤال کند و جواب بگیرد.

اللهم ارنا الطلعة الرشيدة والغرّة الحميدة بحق محمد وآله المعصومین علیهم السلام

## ۱۱- مادر حضرت مهدی علیه السلام

برای آشنایی بیشتر با مادر بزرگوار امام مهدی علیه السلام حضرت نرجس خاتون و چگونگی آمدن ایشان از روم شرقی یعنی ترکیه فعلی و از کاخ قیصر روم به سرمن رأی، خوب است مقداری به توضیح این حادثه بزرگ پرداخته شود.



## سرگذشت مادر امام زمان (عج)

محدث بزرگ شیخ صدوق که زمان زندگی ایشان بسیار نزدیک بوده به زمان تولد حضرت قائم (عج)، روایاتی را در کمال الدین باب چهلّم دربارهٔ مادر امام زمان (عج) آورده و ما مختصری از آن را برای آگاهی از این بانوی بزرگوار اسلام نقل می‌کنیم.

بشربن سلیمان از فرزندان ابویوب انصاری از موالیان امام هادی و امام عسکری (عج) و در سامراء همسایه آنها بود و در معاملات عبد و کنیز مهارت داشت. وی می‌گوید: شبی درخانه خود بودم؛ شخصی از جانب امام هادی (عج) آمد و گفت: امام با شما کاری دارد خدمت حضرت رفتم.

امام هادی (عج) فرمود: «تو مورد اطمینان ما هستی و پدرانت همه از موالیان ما بودند. می‌خواهم یک کار سرّی را به تو واگذار کنم.» حضرت نامه‌ای را به خط رومی نوشت و به من داد و دو بیست و بیست دینار هم داد و فرمود: بغداد می‌روی و ظهر فلان روز گروهی از اسیران روم در پل نهر فرات خواهند رسید و جمعی از فرماندهان بنی‌عباس و دیگران دور آنها را خواهند گرفت.<sup>۱</sup>

شخصی به نام عمر بن یزید برده فروش را زیر نظر بگیر او کنیزی را در معرض فروش قرار می‌دهد با این خصوصیات و آن کنیز از گشودن چهره خود و لمس کردن خریداران امتناع می‌کند و لذا مورد بی‌مهری برده فروش قرار می‌گیرد و او را می‌زند و بالاخره حاضر نمی‌شود که به فروش برود با اینکه مشتریان خوبی دارد.

بشر می‌گوید: نامه امام هادی (عج) را به عمر بن یزید دادم و گفتم: این نامه را به کنیز

---

۱. محقق و مورخ معاصر آقای دوانی در کتاب موعودی که جهان در انتظار اوست می‌نویسد: منظور از روم که مادر امام زمان (عج) منتسب به آنجاست روم شرقی است که پایتخت آن قسطنطنیه بوده و طبق گفته تاریخ نویسان در سال‌های ۲۴۰ هجری تا سال ۲۵۳ جنگ‌هایی میان قوای اسلام و روم شرقی یعنی ترکیه کنونی به وقوع پیوست و اسیرانی از طرفین گرفته شد.

بده و اگر تمایل پیدا کرد برای صاحب نامه خریداری کنم؛ تا خانم، نامه را دید، فرمود: من را فقط به صاحب نامه بفروش والا خود را خواهم کشت. در نتیجه دینارها را از من گرفت و کنیز را شادان و خندان تحویل داد.

بشر می گوید وقتی به منزل آمدیم، دیدم نامه را می بوسد و به چشمان خود می مالد. گفتم: مگر صاحب نامه را می شناسی؟ گفت: معرفت تو به اولاد انبیا کم است، برایت حکایت خود را می گویم:

من ملیکه دختر یسوعا فرزند قیصر روم هستم، مادرم از فرزندان شمعون وصی حضرت مسیح و از حواریین است، جلدم قیصر روم می خواست من را در سن سیزده سالگی به عقد برادر زاده اش در آورد، محفلی در کمال شکوه از حیث تزیینات و شرکت رجال لشگری و کشوری آراست و جایگاه مخصوص داماد در محل بلند بود. داماد رفت در جایگاه مخصوص و کشیش ها مشغول دعا ایستاده و صلیب ها افراشته، ناگهان صلیب ها سرنگون و ستون ها فرو ریخت و داماد از بلندی بیهوش بر زمین افتاد، وضع مجلس دگرگون شد.

جلدم دستور داد مجلس را دو مرتبه آرایش دادند ولی همان دگرگونی اول تکرار شد. مردم پراکنده شدند و جدم بسیار اندوهناک به داخل کاخ خود رفت.

من در همان شب در خواب دیدم که مسیح علیه السلام و شمعون و جمعی از حواریین در کاخ جدم گرد آمدند و منبری بسیار بلند نصب نموده، محمد صلی الله علیه و آله با همراه جوانان وارد شدند، مسیح علیه السلام به استقبال رفت. سپس محمد صلی الله علیه و آله به مسیح گفت: «ای روح الله من آمدم تا از وصی تو شمعون دخترش ملیکا را برای این پسرم خواستگاری کنم» و با دست خود اشاره به ابومحمد صاحب این نامه کرد. شمعون به من نگاه کرد و گفت: شرافت به نزد تو آمده و من هم رضایت خود را اعلان نمودم. آن گاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله برفراز منبر رفت و خطبه خواند و من را به پسرش تزویج نمود. چون بیدار شدم، خواب خود را در دلم نهان ساختم اما سینه ام از عشق ابومحمد لبریز بود و پس از چهار

شب دیگر خواب دیدم خانم حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام آمدند و حضرت مریم فرمود: این خانم که سیده النساء است مادر شوهرت حضرت ابومحمد است و حضرت زهرا علیها السلام من را به اسلام و شهادتین دعوت کرد و من شهادتین را گفتم. سپس حضرت زهرا فرمود: اینک به انتظار ابومحمد باش. چون فردا شب فرا رسید، ابومحمد در خواب به دیدارم آمد و از آن به بعد هر شب به دیدار من می آمد. بشر می گوید: به ایشان گفتم: چگونه در میان اسیران در آمدی؟

فرمود: حضرت ابومحمد در خواب به من فرمود: «پدرت در فلان روز لشگری به جنگ مسلمانان می فرستد تو لباس خدمتگزاران بپوش و به طور ناشناس از فلان راه داخل سپاه شو» و همان گونه عمل کردم. سپاه اسلام بر ما هجوم آورده و عده ای را اسیر گرفتند که من نیز از آنان می باشم و هیچ کس جز تو نمی داند که من دختر پادشاه رومم.

بشر می گوید: چون او را به سامراء بردم و بر امام هادی علیه السلام وارد شدیم، امام هادی علیه السلام به این خانم فرمود: من می خواهم، شما را اکرام نمایم و شما را مخیر می کنم که اگر دوست داری ده هزار درهم به تو بدهم و یا تو را بشارتی دهم (ازدواج با فرزندش ابومحمد بود) که شرافت ابدی است؟» خانم عرض کرد: بشارت را انتخاب می کنم، امام هادی علیه السلام فرمود: «بشارت باد تو را به فرزندی که شرق و غرب عالم را مالک می شود و زمین را پر از عدل و داد می نماید».

امام به خواهرش حکیمه خاتون فرمود: «او را به منزل خود ببر و احکام دین را به او بیاموز او زوجه ابومحمد و مادر حضرت قائم علیه السلام می باشد».

### خلاصه ای از پرسش و پاسخ یازدهم

شیخ صدوق رحمته الله نقل می کند: امام هادی علیه السلام بشر بن سلیمان را موظف می کند برای خریدن کنیزی که در بین اسرای روم در بغداد وارد می شوند. نامه ای به زبان رومی می نویسند تا به کنیز داده شود. کنیز با دیدن نامه، موافقت خود را اعلام می کند. پس از

خریداری خود خانم سرگذشت خود را نقل می‌کند، دو بار مجلس عقد من در روم منعقد می‌گردد ولی واژگون می‌شود شب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت مسیح علیه السلام را در خواب می‌بینم و از من خواستگاری می‌شود برای فرزند پیامبر و بعد حضرت زهرا و مریم علیهما السلام را در خواب می‌بینم و اسلام می‌آورم و پس از آن هر شب ابومحمد امام عسکری را در خواب می‌دیدم و از شوق وصال بی‌تاب بودم و راه وصول را ابومحمد علیه السلام به من آموخت و همانگونه عمل کردم وقتی به سامرا می‌رسد. امام هادی علیه السلام او را مخیر می‌کند بین مبلغی پول و ازدواج شرافتمندانه با حضرت ابومحمد. نرجس خاتون ازدواج را انتخاب می‌کند. امام هادی علیه السلام ایشان را به حکیمه خاتون برای تعلیم احکام و معارف اسلامی می‌سپارد.

#### سوالات:

۱. امام هادی چه کسی را برای خرید حضرت نرجس خاتون علیها السلام فرستاد؟
۲. نرجس خاتون به صاحب خود پس از دیدن نامه امام هادی علیه السلام چه گفت؟
۳. نرجس خاتون علیها السلام در خواب اول چه کسانی را مشاهده کرد؟
۴. بعد از رسیدن به سامراء امام هادی علیه السلام به این خانم چه فرمود؟
۵. امام هادی علیه السلام، نرجس خاتون را برای تعلیم و تربیت اسلامی به چه کسی سپرد؟

## ۱۲- نام حضرت مهدی علیه السلام در قرآن

چرا نام حضرت مهدی علیه السلام با صراحت در قرآن نیامده؟

پاسخ: این سؤال منحصر به نبودن نام حضرت مهدی علیه السلام در قرآن نیست بلکه درباره ائمه اطهار علیهم السلام و مخصوصاً وجود مقدس علی علیه السلام مطرح است که اگر نام اینها با صراحت بود ابهامات برطرف می‌شد و مردم با راه حق آشنا می‌شدند ولی این سؤال یک سؤال انحرافی است و گاهی حالت بهانه‌جویی دارد. چون دلیل‌های عقلی و نقلی،

امامت و مهدویت را کاملاً به اثبات می‌رساند، خصم مغرضانه و یا دوست غافلانه چنین سؤالی را مطرح می‌کند و چون این سؤال در بعضی اذهان وجود دارد مناسب است که مقداری به پاسخ آن پردازیم.

اولاً: تعریف و اشاره به چیزی و یا شخصی در عرف مردم و نیز در قرآن به دو گونه است.

۱- تصریح و بیان اسم مانند ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ...﴾<sup>۱</sup>؛ ﴿وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ مَرِيَمَ﴾<sup>۲</sup>

۲- اشاره و بیان و صف مانند معرفی علی ع که دارای ولایت است مثل آیه:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده: ۵۵)

سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ آنها که نماز را بر پا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

همه دانستند کسی که در رکوع نماز انگشتر خود را به‌عنوان صدقه به فقیر داد علی بن ابی طالب بود. در سه جای قرآن آمده: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾<sup>۳</sup>؛ «او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان ناخشنود باشند». آیا این پیروزی و غلبه اسلام بر تمام ادیان و مذاهب تا به حال واقع شده؟ و آیا چنین پیروزی بزرگی بدون رهبری امام معصوم و حجت خدا محقق می‌گردد؟

و نیز خداوند متعال وعده داده که صاحبان ایمان و شایستگان را حاکمان روی زمین قرار دهد و آن دین مرضی و اسلام مورد قبول پروردگار بر تمام روی زمین برقرار شود و همه مردم در امنیت کامل به بندگی خدا پردازند.

۱. آل عمران: ۱۴۴.

۲. مریم: ۱۶.

۳. توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَيْمَعْنَنَ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾. (نور: ۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، برایشان پا برجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند به گونه‌ای که فقط مرا می‌پرستند و چیزی را همتای من قرار نخواهند داد و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها همان فاسقانند.

آیا می‌توان تصور چنین مدینه فاضله را در تمام روی زمین نمود بدون حاکمیت و رهبریت حضرت مهدی آن حجت الهی و مصون از هر خطا و اشتباهی؟  
 علامه طباطبایی در ذیل این آیه<sup>۱</sup> بیان بلندی در این مورد دارد که خلاصه آن چنین است: مؤمنان و صالحان دارای اجتماعی خواهند بود که دین مرضی خدا و دین اسلام به طوری برقرار است که تزلزلی در آن راه نخواهد یافت و امنیتی حاکم است که هیچ خوف و ترسی باقی نمی‌ماند.

در این جامعه اخلاص در عبادت عمومیت پیدا می‌کند و بنیان هر چیزی غیر از تقوی منهدم می‌گردد این گونه جامعه‌ای تاکنون به وجود نیامده مگر در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام واقع خواهد شد و چنانچه خواهیم حق معنای آیه را اداء نمائیم باید بگوئیم: این آیه جز با اجتماعی که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تشکیل می‌شود قابل انطباق با هیچ اجتماعی نیست، این جواب اول.

ثانیاً: اصولاً این گونه فکر و قضاوت که گفته شود: فلان مطلب در قرآن نیست پس

اسلامی نیست یک فکر باطل و قضاوت جاهلانه است زیرا کلام رسول خدا ﷺ و سنت نبوی به صراحت آیات متعدد مثل ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾، ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾، ﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ و غیر ذلك، ما مسلمانان را موظف می کند که در کلام رسول خدا ﷺ دقت کنیم و نسبت به آن متعبد شویم. از این گذشته در قرآن، مسائل به صورت کلی آمده، از قبیل اینکه نماز بخوانید، روزه بگیرید، زکات بدهید، حج بروید. و... و هر کدام از اینها دهها و صدها فروعات دارد که قرآن تبیین آنها را به عهده رسول خدا ﷺ گذارده و می فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾؛ «و بر تو قرآن را نازل کردیم تا آنچه را به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی».

و در مباحث گذشته ملاحظه کردید که در مسئله مهدویت، محدثین شیعه و سنی روایات فراوانی را از پیامبر عظیم الشان ﷺ نقل نمودند. ثالثاً: مگر نام حضرت محمد ﷺ پیامبر آخر الزمان در تورات و انجیل نبود؟ مگر خصوصیات ایشان در کتب عتیق نیامده بود که در قرآن به آن اشاره شده و می فرماید:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ...﴾ (اعراف: ۱۵۷)

همان کسانی که از فرستاده خدا، پیامبر امی و درس نخوانده پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که به صورت مکتوب نزدشان است می یابند.

و خلاصه طوری پیامبر ﷺ را می شناختند که بچه های خود را می شناختند ﴿يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾<sup>۲</sup>؛ «پیامبر را همچون فرزندان خود می شناسند». آیا ایمان به پیامبر

۱. نحل: ۴۴.

۲. بقره: ۱۲۶.

آوردند؟ آیا ریاست طلبی و لجاج آنها گذاشت که به یقین خود اعتراف نمایند یا منکر شدند و حضرت را تکذیب نمودند ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ﴾؛ «و آن را از روی ظلم و تکبر انکار کردند، درحالی که در دل به آن یقین داشتند» (نمل: ۱۴).

و اما امت اسلام، مگر در قرآن نماز و روزه و حجاب و عفاف و... نیامده و مگر صریحاً از شراب و قمار و دروغ نهی نشده آیا همه آحاد مسلمین متعبد هستند؟ بنابراین اگر اسم ائمه هم به صراحت می آمد گروهی خودخواه و هوی پرست توجیه می کردند و راه خودشان را می رفتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صراحت فرموده: «انما مدینة العلم و علیّ بابها» و محدثین شیعه و سنی نقل کرده اند. اما بعضی از مغرضان و لجوجان می گویند: علی، وصف است نه اسم، یعنی درب آن شهر خیلی بلند و بزرگ است.

رابعاً: آیا دشمنان کینه تیزی مانند بنی امیه و بنی العباس که با بنی هاشم دشمنی داشتند تا جایی که بنی هاشم را آواره کوه و صحرا نمودند و گروهی را سر بریدند و عده ای را در لای دیوارها زنده زنده دفن کردند و حتی بر سر منابر به آنان لعن می کردند و کسی جرأت نداشت نام فرزندش را علی بگذارد، چنانچه نام این مردان الهی در قرآن می آمد، می گذاردند قرآن محفوظ بماند یا در همان زمان رحلت پیامبر و اندکی بعد، قرآن دستخوش این لجوجان و کینه توزان می شد؟

نگاهی به گوشه ای از تاریخ و شرارت این حاکمان ظالم بیفکنیم که تا چه اندازه ای با حق و حقیقت می جنگیدند. محدث قمی رحمته الله علیه در احوالات ولید بن یزید فرزند عبدالملک مروان می نویسد.<sup>۱</sup> روزی این مرد پلید تفألّی به قرآن مجید زد تا از وضع خود و آینده اش اطلاعی پیدا کند و این آیه آمد: ﴿وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ﴾؛<sup>۲</sup> «و آنها از خدا تقاضای فتح و پیروزی بر کفار کردند؛ و سرانجام، هر گردنکش حق ستیزی نومید و

۱. تئمة المتئهی، ص ۹۱؛ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۰۶، ذیل آیه.

۲. ابراهیم، ۱۵.



ناپود شد». دید کلمه جَبَّار در این آیه به معنای ستمگر و سرکش و نیز کلمه عنید به معنای منحرف و باطل‌گر است. فوق‌العاده ناراحت و عصبانی شد و آنقدر کتاب خدا را تیرباران کرد که پاره‌پاره شد و سپس این اشعار را خواند:

تَهْدِيَّ بِجَبَّارٍ عَنِيدٍ فَمَا أَنَا ذَاكَ جَبَّارٌ عَنِيدٌ  
إِذَا مَا جِئْتَ رَبِّكَ يَوْمَ حَشْرِ فِقْلٍ يَا رَبِّ مَرْقَنِي الْوَلِيدُ

آیا توئی که هر جبار عنید را تهدید می‌کنی.

آری من همان جبار و عنیدم

هنگامی که روز قیامت نزد پروردگارت رفتی

بگو ای خدا! ولید مرا پاره‌پاره کرد.

آیا این مردان خودکامه و ستمگر و دشمن اهل‌بیت می‌گذارند که نام علی و ائمه و

مهدی علیه السلام در قرآن باقی بماند؟!

خامساً: دنیا دار امتحان است و خداوند متعال راه راست و باطل را به وسیله انبیا و عقل به بشر می‌فهماند: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾؛ «ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس». این انسان است که باید با اختیار خود راه صحیح را انتخاب کند و بنا نیست که خداوند به‌گونه‌ای رفتار کند که راه باطل به کلی بسته و ناممکن گردد، زیرا در این صورت اختیار و امتحان معنا پیدا نمی‌کند.

آیا با توجه به آیات و روایاتی که در مباحث گذشته در رابطه با مهدویت داشتیم می‌توان گفت که مسئله مهدویت در بوته ابهام است و اگر نام ایشان در قرآن می‌آمد دیگر مشکلی نبود؟

### خلاصه‌ای از پرسش و پاسخ دوازدهم

چرا نام حضرت مهدی علیه السلام به صراحت در قرآن نیامده؟ در جواب گفته شد:

اولاً: تعریف اشخاص در قرآن و نیز در عرف مردم به دو گونه است:

۱. بردن نام؛ ۲. بیان اوصاف.

ثانیاً: اصولاً توضیحات مسائل اسلامی را از قرآن خواستن اشتباه است و توضیح و

تشریح احکام را به عهده پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده است.

ثالثاً: مگر نام محمد صلی الله علیه و آله و اوصاف آن حضرت که در تورات و انجیل بود همه پیروان

تورات و انجیل ایمان آوردند؟ و آیا امت اسلامی که مسئله نماز و روزه و حجاب و...

صریحاً در قرآن آمده را پذیرفتند؟

رابعاً: اگر نام حضرت مهدی و یا ائمه علیهم السلام در قرآن بود دشمنان کینه‌توز آنان

می‌گذازدند باقی بماند؟

خامساً: دنیا دار امتحان است و خداوند حجّت را تمام می‌کند و انتخاب راه به عهده

مردم است.

### سوالات

۱. قرآن علی علیه السلام را در آیه ولایت چگونه معرفی نموده؟

۲. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۵۵ سوره نور چه می‌فرماید؟

۳. مفاد آیه ۴۴ سوره نحل چیست؟

۴. جواب سوم (ثالثاً) چه بود؟

۵. حکایت تفأل زدن ولید را به قرآن بیان کنید؟

### ۱۳- خصوصیات ظاهری امام عصر علیه السلام

آخرین سؤال ما این است که مقداری از خصوصیات ظاهری امام عصر علیه السلام برای

علاقه‌مندان توضیح داده شود و چنانچه توفیق زیارت آن حضرت را نداریم لااقل

تصویری از چهره آن ماه تابان در ذهن داشته باشیم و معروف است که می‌گویند:  
«وَصَفُّ الْعَيْشِ نِصْفُ الْعَيْشِ».

پاسخ: در این رابطه علامه مجلسی در جلد ۵۱ بحار الانوار و فقیه عالی قدر آیت‌الله صافی در منتخب الأثر و حتی ابن ابی الحدید در جلد ۱۹ شرح نهج البلاغه ص ۱۳۰ روایتی را از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده‌اند؛ ولی برخی از خصوصیات بدنی و قیافه ظاهری حضرت بقیه‌الله از کتاب شریف و ارزنده کفایة الموحدين تألیف عالم ربانی و متکلم بزرگ سید اسماعیل طبرسی نوری رحمته الله نقل می‌شود.<sup>۱</sup> ایشان تمام خصوصیات را از روایات استخراج نموده است:

۱. حضرت قائم علیه السلام شباهت بسیاری به جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دارد. همانم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در سیما و اخلاق شبیه ایشان است و چون رسول خدا نمکین تر از حضرت یوسف بود نتیجه حضرت مهدی علیه السلام چنین است. در اخبار آمده: «إِنَّ الْمَهْدِيَّ طَوْوَسَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ وَجْهَهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ».

۲. ایشان با داشتن عمر زیاد در شکل و قیافه، جوان خواهد بود.

۳. موهای زیبای ایشان تا شانها می‌رسد.

۴. خالی در گونه راست صورت همچون ستاره درخشان، درخشندگی می‌کند.

۵. بینی حضرت بلند و نازک و جبین ایشان گشاده است.

۶. رنگ مبارکش مایل به سرخی است، یعنی مانند گل سرخ شکفته شده.

۷. دارای چشم‌های درشت و ابروهای برجسته.

۸. شکم حضرت برآمدگی دارد.

۹. بین دندان‌های ثنایای حضرت گشاده است.

۱۰. خیلی خوش قامت می‌باشد.

---

۱. کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۷۸۰ به بعد.

۱۱. در موقع ولادت در بازوی راست حضرت این آیه قرآن نوشته و نقش بسته که ظاهراً تا الآن باقی است: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً»؛ «حق آمد و باطل نابود شد؛ زیرا باطل نابود شدنی است» (اسراء: ۸۱).

۱۲. علی بن مهزیار می گوید: چون به خدمت حضرت رسیدم دیدم که صورت مبارکش مانند ماه شب چهارده می درخشد.

اللَّهُمَّ ارِنَا الطَّلِعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

سحری بود و دلم ناله زهجران می کرد      گریه از هجر رخ دلبر جانان می کرد  
سخن دل همه این بود که آن دلبر ناز      کاش یادی ز دل زار محبتان می کرد  
یوسف فاطمه گر پرده ز رخ بر می داشت      خوبرویان جهان را همه حیران می کرد  
کاش آن معدن جود و کرم و لطف و      نظری در سحری سوی فقیران می کرد  
هاشمی گفت ز بحر کرمش کم نشود      گر گناهان مرا عفو ز احسان می کرد

خلاصه‌ای از پرسش و پاسخ سیزدهم

در آخرین سؤال مقداری از اوصاف ظاهری و شمائل حضرت بیان گردید و گفته شد، در روایات به قدری از چهره نورانی و زیبای امام عصر علیه السلام تعریف شده که او را طاووس اهل بهشت خوانده‌اند و سپس دوازده خصوصیت از وجود مبارک حضرت از کفایة الموحّدین نقل شد.

### سوالات

۱. ابن ابی‌الحدید در کدام جلد از شرح نهج‌البلاغه پیرامون شمائل حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته؟
۲. خصوصیت موهای حضرت چیست؟
۳. خال صورت حضرت در کجای چهره ایشان قرار دارد؟
۴. دندان‌های ثنایای حضرت چگونه است؟
۵. در بازوی حضرت چه چیزی نقش بسته است؟